بسم الله الرحمن الرحيم

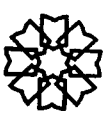

مجموعه فرهنگ‌های
اصطلاحات علوم و معارف اسلامی
(۲)

فرهنگ اصطلاحات

فلسفه و کلام اسلامی

فارسی ـ انگلیسی
انگلیسی ـ فارسی

تهیّه کنندگان :
گروهی از پژوهش‌گران

ویراستار : دکتر سیّد محمود موسوی
(عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم)

با مقدّمه و اصلاحات
دکتر سیّد حسین نصر

دفتر پژوهش و نشر سهروردی
۱۳۸۶

دفتر پژوهش و نشر سهروردی
تهران، صندوق پستی: ۴۱۳ / ۱۵۸۵۵
تلفن: ۸۸۰۲۸۹۵۳ - ۰۲۱
همراه: ۰۹۱۲ ۱۳۰ ۷۵۱۷
E-mail: SuhrawardiPub@Gmail.com

فرهنگ اصطلاحات فلسفه و کلام اسلامی
(فارسی ــ انگلیسی و انگلیسی ــ فارسی)

تهیّه‌کنندگان: گروهی از پژوهش‌گران
ویراستار: دکتر سیّد محمود موسوی
با مقدّمه و اصلاحات دکتر سیّد حسین نصر

۸۰۰۰ تومان: قیمت ▣ ▣ تیراژ: ۵۱۰۰ نسخه
۹۷۸-۹٦٤-٦۹۸۰-٦٤۸: شابک ▣ ▣ ISBN : 978-964-6980-648
لیتوگراف، چاپ‌گر و صحّاف: سلیمان‌زاده
تاریخ و نوبت چاپ: اوّل ـ زمستان ۱۳۸٦
حقّ چاپ محفوظ است
Printed in the Islamic Republic of Iran

عنوان و نام پدیدآور : *فرهنگ اصطلاحات فلسفه و کلام اسلامی*: فارسی ـ انگلیسی، انگلیسی ـ فارسی / تهیّه کنندگان: گروهی از پژوهش‌گران؛ ویراستار: محمود موسوی؛ با مقدّمه و اصلاحات سیّد حسین نصر.
مشخّصات نشر : تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۶.
مشخّصات ظاهری : ۶۰۰ ص (۳۲۸ + 272).
فروست : مجموعه فرهنگ‌های اصطلاحات علوم و معارف اسلامی (۲).
وضعیّت فهرست‌نویسی : فیپا.
شابک : 978-964-6980-648
موضوع : کلام اسلامی ـ اصطلاح‌ها و تعبیرها.
موضوع : فلسفه اسلامی ـ اصطلاح‌ها و تعبیرها.
موضوع : فارسی ـ واژه‌نامه‌ها ـ انگلیسی.
موضوع : زبان انگلیسی ـ واژه‌نامه‌ها ـ فارسی.
شناسه افزوده : موسوی، محمود ۱۳۴۰ـ ویراستار.
شناسه افزوده : نصر، سیّد حسین. ۱۳۱۲ ـ مقدّمه‌نویس.
شناسه افزوده : دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
رده‌بندی کنگره : ۱۳۸۶ ۳۵ ف / ۲ / BP ۳۰۰
رده‌بندی دیویی : ۲۹۷ / ۴۰۳
شماره کتابخانه ملّی : ۱۱۵۱۷۷۱

فهرست مطالب

پیش‌گفتار دکتر سیّد حسین نصر ۹
سخن ناشر ۱۷
ضرورت تدوین فرهنگ اصطلاحات علوم اسلامی ۱۷
سابقه‌ی تدوین فرهنگ‌های تخصّصی ۲۱
تنگناها و مشکلات ۲۲
پدیدآورندگان ۲۳
تشکّر و قدردانی ۲۳
سخن ویراستار ۲۷
محدوده‌ی واژه‌گزینی ۲۷
مراد از «علوم اسلامی» و «اصطلاح» ۲۷
مراحل انجام کار ۲۹
الف ـ شناسایی و گزینش منابع ۲۹
ب ـ واژه‌گزینی ۳۱
ج ـ ویرایش ۳۲
۱ ـ در ناحیه‌ی مدخل‌ها ۳۲
۲ ـ در ناحیه‌ی معادل‌ها ۳۴
تقدیر و تشکّر ۳۶

فرهنگ اصطلاحات فلسفه و کلام اسلامی (بخش فارسی ـ انگلیسی)..... ۴۱
اسماء و صفات الاهی..... ۳۰۹
فهرست منابع و مآخذ..... ۳۲۱
الف ـ منابع عمومی..... ۳۲۱
ب ـ منابع تخصّصی فلسفه..... ۳۲۲
ب ـ منابع تخصّصی کلام..... ۳۲۴
چکیده‌ی سخن ویراستار به زبان انگلیسی..... 5
فرهنگ اصطلاحات فلسفه و کلام اسلامی (بخش انگلیسی ـ فارسی)..... 11
اسماء و صفات الاهی..... 261

پیش‌گفتار دکتر سیّد حسین نصر

توسعه‌ی زبان فلسفی و واژه‌های فلسفی و کلامی در هر جامعه، ارتباط مستقیم با نحله‌های فکری حاکم بر آن جامعه دارد و زبان فارسی از این اصل کلّی مستثنی نیست. زبانی که امروزه در ایران برای تفکّر فلسفی و حتّی کلامی به کار برده می‌شود، تاریخی طولانی دارد که باید از آن آگاه بود و با این آگاهی، به کار بزرگ برگرداندن متون فلسفی از زبان‌های اروپایی و مخصوصاً انگلیسی پرداخت. پویایی فکری که یکی از عوامل ضروری درست ترجمه کردن است، و نیز آگاهی کامل از امکانات زبان فارسی که عامل لازم دیگر است، بدون توجّه به تاریخ طولانی و تحوّل تدریجی نثر فلسفیِ فارسی در طیّ قرون، امکان‌پذیر نیست. بسیاری از ترجمه‌های ناقص که در دهه‌های اخیر، از متون اروپایی شده است، متأسّفانه فاقد این دو عامل بوده است و در بسیاری از موارد، حتّی آشنایی کامل با بنیاد و تحوّل فلسفه‌ی اروپایی نیز وجود نداشته است.

ایران در دورانی به سر می‌برد که ترجمه‌ی متون فلسفی و فکری به طور کلّی از زبان‌های غربی برای آن، امری لازم است و لذا،

فرهنگ‌هایی که با توجّه به عوامل مذکور در فوق تهیّه شده باشد، از لوازم اساسی فعّالیّت فلسفی در زمینه‌ی برخورد با اندیشه‌ی غربی و پاسخ به چالش‌های آن است.

ریشه‌ی واژه‌های فلسفی و کلامیِ زبان فارسی از یک سو در اصطلاحات قرآنی و حدیث، و از سوی دیگر، در ترجمه‌های انجام شده از زبان یونانی به زبان عربی از متون فلسفی یونان باستان و تا حدّی ایران باستان یافت می‌شود. در چند قرن اوّل اسلامی، در حالی که زبان فارسی نضج می‌گرفت، زبان فلسفی عربی نیز در اثر ترجمه‌های قرن دوّم و سوّم هجری، و نگاشتن مطالب فلسفی به آن زبان توسّط فلاسفه‌ای بنام، مانند کندی و فارابی و شیخ‌الرئیس که برخی ایرانی بودند، ولی به زبان عربی می‌نوشتند، در حال ساخته شدن بود. در این قرون، هنوز زبان فلسفیِ فارسی پرداخته و تکمیل نشده بود؛ گرچه گه‌گاه آثاری فلسفی و کلامی که بیش‌تر به قلم اندیشمندان اسماعیلی بود نوشته می‌شد، از ***امّ الکتاب*** گرفته، تا آثار بدیع ناصر خسرو.

در چند قرن اوّل اسلام، یقیناً مهم‌ترین قدم در ایجاد لسان فلسفیِ فارسی که قادر به بیان مطالب فلسفه‌ی متداول آن زبان، یعنی فلسفه‌ی مشّائی باشد، توسّط ابن‌سینا برداشته شد. کتاب ***دانشنامه‌ی علائی*** او هرچند دارای برخی اصطلاحات نامأنوس بود که هیچ‌گاه در قرون بعدی پذیرفته نشد، امّا گام بسیار اساسی در بسط زبان فارسی برای بیان مطالب فلسفی بود.

در قرن ششم و هفتم، نثر فلسفیِ فارسی به اوج کمال خود رسید. سهروردی، مؤسّس حکمت اشراق، آثار متعدّدی به زبان فارسی نگاشت. بابا افضل تقریباً تمام آثار خویش را به این زبان نوشت و رسائل او، مانند کتاب‌های فارسی سهروردی، در زمره‌ی شاه‌کارهای

نثر فارسی است. نیز خواجه نصیرالدین طوسی و همکارش قطب‌الدین شیرازی خدمات شایانی به گسترش نثر فلسفیِ فارسی کردند. اکنون سنّت نگاشتنِ به زبان فارسی جا افتاده بود. در قرون هشتم و نهم، ما شاهد ظهور رسائل متعدّد فارسی درباره‌ی فلسفه و عرفان فلسفی در مکتب آذربایجان و شیراز و نیز در بین فلاسفه‌ی اسلامی فارسی‌زبان هند هستیم.

در دوران صفویّه، در اثر عللی که ذکر آن در این‌جا امکان‌پذیر نیست، زبان فارسی در زمینه‌ی فلسفه، تا حدّی عقب‌نشینی کرد. مؤسّس مکتب اصفهان، میرداماد، چند اثر فلسفیِ فارسی دارد، ولی همه‌ی آن‌ها به زبانی بس‌پیچیده نوشته شده وکیفیّت ادبی نثر افرادی مانند سهروردی و بابا افضل را دارا نیست. بزرگ‌ترین فیلسوف عصر صفویّه، ملّاصدرا، فقط یک رساله به فارسی نوشته که آن هم بیش‌تر جنبه‌ی دفاع از موضع فکری خود در برابر معاندان حکمت را دارد، و کم‌تر به خود فلسفه می‌پردازد. آثار او ــ که زبان خاصّ مکتب نوین فلسفه را که «حکمت متعالیه» نامید به وجود آورد ــ کتاب‌هایی به زبان عربی، مانند ***اسفار*** و ***شواهد الربوبیّه*** و ***مشاعر*** است.

در دوران قاجاریّه و پهلوی، بار دیگر نثر فلسفیِ فارسی رونق گرفت. در عصر قاجاریّه، افرادی چون حاجی ملّاهادی سبزواری و آقا علی مدرّس آثار مهمّی به فارسی نگاشتند و حتّی فلسفه‌ی ملّاصدرا را در قالب زبان فارسی بیان کردند. این دوران هم‌چنین مقارن بود با اوّلین برخورد اندیشه‌ی فلسفی در ایران با تفکّر غربی که با ترجمه‌ی ***گفتار در روش*** دکارت آغاز شد و در دوران پهلوی گسترش فراوان یافت. در مرحله‌ی اوّل، زبان فرانسه بود که منشأ تفکّر فلسفی غربی برای بیش‌تر نویسندگان فارسی‌زبان بود، و حتّی برخی از اصطلاحات فلسفی مستقیماً از فرانسوی وارد زبان فارسی شد.

مترجمان زیاد بودند، و بسیاری از آنان آشنایی کافی با دنیای عظیم زبان فلسفیِ فارسی با تاریخ هزار ساله‌ی آن نداشتند، ولی برخی از آنان، هم با زبان عربی ــ که بسیاری از واژه‌های آن وارد فارسی شده بود ــ مأنوس بودند و هم با زبان فارسی کهن. در بین این گروه، می‌توان از افرادی چون ذکاءالمُلک فروغی و غلامحسین صدیقی و یحیی مهدوی نام برد که همگی از فرانسوی ترجمه می‌کردند و نیز از منوچهر بزرگمهر که متون بسیاری را از فلسفه‌ی تحصّلی انگلوساکسون از انگلیسی به فارسی برگردانید. در این زمینه، باید از احمد فردید نیز نام برد که با زبان آلمانی آشنایی کامل داشت. او اگرچه خیلی کم نوشت، ولی نفوذ فراوانی در برگردانیدن واژه‌های فلسفی غربی به فارسی داشت. ذکر نام این چند نفر نه به معنای انکار اهمّیّت کار بسیاری از دانشمندان دیگر است، بلکه من باب نمونه، از افرادی چند یاد شده است که با زبان فارسی و عربی و ریشه‌های زبان فلسفی این دو لسان و نیز با زبانی که از آن ترجمه می‌کردند آشنایی کامل داشتند.

و امّا زبان علم کلام، این زبان در عین حال که ارتباطی با زبان فلسفی داشت، بیش‌تر از مبانی نقلی مخصوصاً قرآن کریم و حدیث، اصطلاحات خود را اخذ می‌کرد. به هر حال تا قرن سوّم، اصطلاحات کلامی مکتب معتزله ساخته و پرداخته شده بود و قرن بعد، با توسعه‌ی مکتب اشعری، اصطلاحات این مکتب نیز در زبان عربی جا گرفت. تقریباً تمام متون اوّلیّه‌ی کلام به عربی بود و این سنّت در خود ایران در قرون بعدی تا حدّ زیادی ادامه یافت، چه کلام سنّی و چه کلام شیعه. ولی کم‌کم حتّی در علم کلام، زبان فارسی راه یافت؛ چنان‌که در بعضی از رسائل امام فخررازی، پیرو کلام اشعری، و عبدالرزّاق لاهیجی، پیرو کلام اثنی عشری دیده می‌شود.

البتّه دانش‌های دیگری نیز در به وجود آمدن اصطلاحات فلسفی به فارسی دخالت داشته‌اند، مانند عرفان فلسفی و برخی از علوم دقیقه و خود کلام فلسفی که محلّ تقاطع کلام و فلسفه است.

و امّا در غرب، اصطلاحات فلسفی ریشه‌ی یونانی و لاتینی دارد؛ از این رو، هر زبان اروپایی من جمله انگلیسی، با توجّه به دو منشأ اصلی یونانی و لاتینی و نیز خصائص خود آن زبان، اصطلاحات فلسفی خود را به وجود آورده است. در زمینه‌ی کلام مسیحی، طبعاً *کتاب مقدّس* و زبان‌های عبری و آرامی نیز از اهمّیّت فراوان برخوردار است. فلسفه‌ی غربی قرابت بیش‌تری با زبان فارسی از طریق زبان عربی دارد؛ چون در غرب، طیّ قرون وسطی، بسیاری از متون مهمّ فلسفه‌ی اسلامی که به عربی بود به زبان لاتینی ترجمه شد و این متون لاتینی پایه‌ی بسط و توسعه‌ی بعدی مکتب‌های مختلف فلسفی در اروپا بود. لذا، کاوش بیش‌تر می‌تواند پیوندهای گوناگونِ بین بسیاری از اصطلاحات فلسفی به زبان‌های اروپایی و زبان فارسی را آشکار سازد.

* * * * *

کتابی که از مدّ نظر خوانندگان می‌گذرد، کوششی است بلیغ برای تدوین فرهنگی که بتواند با حفظ اصالت زبان فارسی و توجّه درست به معنای واژه‌های انگلیسی، مترجمان را که در وضع فعلی فکری، وظیفه‌ای بزرگ بر عهده دارند یاری کند.

این کتاب دوّمین مجلّد از «**مجموعه فرهنگ‌های اصطلاحات علوم و معارف اسلامی**» است که به اصطلاحات فلسفه و کلام اسلامی اختصاص دارد. همان‌گونه که مخاطبان فرهیخته‌ی کتاب استحضار دارند، این مجموعه در حوزه‌ی علوم عقلی، شامل عرفان، فلسفه و

کلام، اخلاق، منطق و در حوزه‌ی علوم نقلی، شامل فقه، اصول فقه، تفسیر و علوم قرآنی، رجال و درایه و ادبیّات عرب است. مجلّد نخست این مجموعه که اصطلاحات عرفان اسلامی را زیر پوشش دارد، پیش از این (در سال ۱۳۸۲ هـ ش) با عنوان ***فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی*** منتشر شد، و امید است به خواست خداوند و به‌زودی، کار ویرایش دیگر مجلّدات آن نیز به اتمام رسد و به‌تدریج پس از چاپ و انتشار، در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

فرهنگ حاضر بخش عمده‌ی اصطلاحات فلسفی و کلامی را در بر دارد. کارگزینش مدخل‌ها و معادل‌های آن به‌دقّت انجام یافته و در تهیّه‌ی آن، از بسیاری از پرارج‌ترین و معتبرترین ترجمه‌های متون مهمّ فلسفه و کلام اسلامی در دهه‌های اخیر استفاده شده است.

این بنده ــ که قریب به نیم قرن است با متون فلسفی انگلیسی و فارسی سر و کار داشته‌ام ــ از این امر خوشنودم که توانسته‌ام کمکی ناچیز در تدوین این اثر مهمّ و کارساز انجام دهم. در این راستا، نگارنده صورت نهایی این فرهنگ را نیز همانند ***فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی*** به‌دقّت مورد مطالعه، بررسی مجدّد و مقابله قرار داده و یکایک مدخل‌ها و معادل‌های آن را از نظر گذرانده و معادل‌های بسیاری به آن افزوده، و در موارد بسیاری نیز حکّ و اصلاح‌هایی در آن انجام داده است.

در این‌جا، فرصت را مغتنم می‌شمارم و بار دیگر به دفتر پژوهش و نشر سهروردی و مدیر مسؤول محترم آن، آقای صدری، به خاطر تلاش در جهت تهیّه و تدوین دوّمین مجلّد از این مجموعه تبریک می‌گویم و برای ایشان و همه‌ی پدید آورندگان این مجموعه آرزوی موفّقیّت دارم. به‌ویژه، برای دانشمند گرامی آقای مصطفی ملکیان و نیز ویراستار محترم، آقای دکتر سیّد محمود موسوی و نیز آقای دکتر

حسینعلی شیدانشید که در فراهم ساختن این مجموعه به‌ویژه فرهنگ حاضر زحمات فراوان کشیده‌اند، از درگاه احدیّت متعال توفیق مسألت می‌کنم.

امید است این فرهنگ نیز بتواند همانند ***فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی***، خدمتی به بهتر شناساندن تفکّر غربی در جامعه‌ی ایرانی انجام دهد و مترجمان ایرانی را بیش از پیش، در بهتر برگردانیدن گنجینه‌های معرفت فارسی و معرّفی آن‌ها به جهان خارج کمک کند و آنان را که ریشه در فلسفه‌ی اسلامی این سرزمین دارند یاری رساند، تا با ارائه‌ی ترجمه‌های صحیح، بتوانند به نحوی که شایسته‌ی تفکّر اصیل اسلامی است، به‌ویژه در حوزه‌ی فلسفه و کلام، به چالش‌های فکری و فلسفی غرب پاسخ گویند.

و اللّه أعلم بالصواب **سیّد حسین نصر**

بتزدا - ماری‌لاند **تیرماه ۱۳۸۵ ــ جمادی‌الثانی ۱۴۲۷**

سخن ناشر

ضرورت تدوین فرهنگ اصطلاحات علوم اسلامی

امروزه با توجّه به اهمیّت گفت‌وگوی بین فرهنگ‌ها و آشنایی هر چه بیش‌تر و دقیق‌تر فرهنگ‌های گوناگون و تمدّن‌های زنده‌ی دنیا با منابع و متون یک‌دیگر و به‌ویژه با توجّه به اهمیّت گفت‌وگوی ادیان مختلف به عنوان یکی از مهم‌ترین ساحت‌ها و عناصر سازنده‌ی فرهنگ و تمدّن، ضرورت عرضه‌ی معارف بنیادین و متون معتبر دینی به زبان‌های گوناگون، بیش از پیش آشکار شده است. در این میدانِ رقابت، که پیروان همه‌ی ادیان به شکل‌های گوناگون در حال عرضه‌ی معارف دینی خویش‌اند، و امروزه گریزی از آن نیست، عالمان مسلمان باید درکنار عالمانِ دیگر ادیان زنده‌ی جهان خود را برای یک گفت‌وگوی جدّی و سرنوشت‌ساز آماده کنند. بدون شکّ، معرّفی ابعاد گوناگون فرهنگ غنیّ اسلام و نشان دادن زیبایی‌ها و جاذبه‌های آن به مردم دنیا جز از طریق ترجمه و انتقال مفاهیم اسلامی به زبان‌های دیگر امکان‌پذیر نیست.

بدیهی است که در این راستا، اطّلاع‌رسانی صحیح و بهنگام و تدوین فرهنگ‌های تخصّصی دو یا چندزبانه در حوزه‌ی هر یک از رشته‌های مختلف علوم و معارف اسلامی از نقش کلیدی برخوردار است. چنین تلاشی البتّه اگر به‌درستی

صورت پذیرد، می‌تواند تا حدود زیادی و اصولاً تا آن‌جاکه محدودیّت‌های طبیعی ترجمه و انتقال مفاهیم از یک زبان به زبان دیگر اجازه می‌دهد، از ضعف‌ها و کاستی‌های زبانی و ادبیِ متون ترجمه شده بکاهد.

توجّه به رشد روزافزون جریان الحاد و معنویّت‌ستیزی در جهان که تخریب و ضدّیّت با همه‌ی ادیان و در رأس آن‌ها ادیان ابراهیمی و از آن جمله دین اسلام را هدف گرفته است از یک سو، و دشمنی‌ها و عنادهایی که به انگیزه‌های مختلف با دین اسلام بخصوصه می‌شود و چه بسا در پاره‌ای از موارد ناشی از بد معرّفی کردن فرهنگ اسلام و نتیجتاً بدفهمی آن باشد، می‌تواند بر اهمیّت چنین تلاش علمی‌ای بیفزاید و ضرورت آن را بیش‌تر نشان دهد.

در حال حاضر، در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر دنیا و به‌ویژه اروپا و آمریکا، دپارتمان‌های مطالعات اسلامی تأسیس گردیده و صدها استاد و پژوهش‌گر و دانش‌پژوه در گوشه و کنار جهان به کار مطالعه، تدریس و فراگرفتن مفاهیم و متون اسلامی مشغول‌اند و به‌جرأت می‌توان گفت حتّی یک فرهنگ معتبر و جامعِ دو یا چندزبانه که پاسخ‌گوی نیازهای آنان باشد و در امر تفهیم و تفهّم یاری‌شان رساند در اختیار ندارند.

البتّه از ده‌ها سال پیش، توسّط شخصیّت‌ها و مؤسّسه‌های مختلف در سراسر جهان، در این زمینه تلاش‌های پراکنده‌ای صورت گرفته و اکثر اصطلاحات رشته‌های مختلف علوم اسلامی، به‌ویژه عرفان اسلامی و تصوّف، فلسفه، اخلاق، منطق، فقه و ...، به‌درست و یا نادرست، دقیق و یا نادقیق، توسّط بسیاری از اندیشمندان، که عمدتاً از شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان بنام غربی هستند، به زبان‌های مهمّ اروپایی و به‌ویژه انگلیسی معادل‌گذاری شده است، که به‌حقّ تلاشی مبارک و قابل تقدیر است. ولی آن‌چه مایه‌ی تأسّف است این است که نه تنها هیچ مؤسّسه و نهادی داخل کشور تاکنون به طور اصولی و بر اساس استانداردهای فرهنگ‌نویسی به این مهمّ نپرداخته است، بلکه تلاش درخوری نیز در جهت استقصا و استخراج مدخل‌ها و معادل‌های صحیح رشته‌های مختلف علوم و

معارف اسلامی از منابع معتبرِ موجود، و سر و سامان دادن و پیرایش و ویرایش آن‌ها و ارائه‌ی روش‌مند آن‌ها در قالَب یک فرهنگ چندزبانه و یا چند فرهنگ دوزبانه صورت نگرفته است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بنیان‌گذاری نظام دینی در کشور خودمان و به‌ویژه بعد از تشکیل برخی نهادهای عریض و طویل دولتی که متولّی و متصدّی سر و سامان دادن به کارهای دینی و فرهنگی مربوط به خارج از کشور شدند، این انتظار می‌رفت که بخش ناچیزی از بودجه‌ی فراوان خویش را به این کار اختصاص دهند و از سفره‌ای که از ده‌ها سال پیش توسّط دیگران گسترده شده، بهره‌ی لازم را ببرند و دست کم در کنار سفارش پی در پی ترجمه‌ی کتاب‌های دینی و چاپ و ارسال فلّه‌ای آن‌ها به خارج از کشور، به چنین تلاشی نیز دست زنند و در حدّ توان خویش، قدری از آشفتگی بازار این متاع بکاهند، ولی با کمال تأسّف، گویا آنان تاکنون اولویّت چنین کاری را احساس نکرده‌اند و یا امکانات‌شان اجازه‌ی انجام چنین کاری را به آنان نداده است!

به هر حال، افزون بر آن‌چه ذکر شد، در دسترس بودن فرهنگ‌های تخصّصی دوزبانه در حوزه‌ی اصطلاحات مربوط به رشته‌های مختلف علوم و معارف اسلامی، می‌تواند فوائد بسیاری را به دنبال داشته باشد که در این‌جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

اوّلاً: می‌تواند علاوه بر فراهم آوردن زمینه‌ی مناسب برای ترجمه‌ی متون کلاسیک در حوزه‌های گوناگون علوم اسلامی، که به‌حقّ از سرمایه‌های بزرگ فرهنگ و تمدّن اسلامی به شمار می‌آیند، مترجمان تازه‌کار را در امر ترجمه‌ی متون اسلامی و به‌ویژه متونی که بیش‌تر جنبه‌ی تبلیغی دارند، یاری دهد و از میزان خطاهای آنان بکاهد و حتّی‌الامکان گره از کار آنان بگشاید.

ثانیاً: می‌تواند در امر تثبیت معادل‌های صحیح که در گوشه و کنار توسّط برخی از اندیشمندان به کار برده شده و حاکی از تمام بار معنایی مفاهیم اسلامی است نقش مؤثّری را ایفا کند.

ثالثاً: می‌تواند بستر مناسبی باشد برای آن‌که اسلام‌شناسان و محقّقان برجسته با ارائه‌ی معادل‌های هر چه دقیق‌تر برای اصطلاحات استخراج شده به‌تدریج از ضعف‌ها و کاستی‌های موجود در این حوزه بکاهند.

رابعاً: می‌تواند در امر یک‌سان‌سازی معادل‌ها و جلوگیری از تشتّت و آشفته‌کاری در به کار گرفتن معادل‌های گوناگون و بعضاً با بار معنایی ناکافی مفید واقع شود.

با توجّه به این نکته که اندیشمندان، اسلام‌شناسان و قرآن‌پژوهان برجسته‌ی دنیای غرب از دیرباز در زمینه‌ی علوم و معارف اسلامی تحقیقات مهمّ و فراوانی انجام داده و کتاب‌های ارزش‌مندی را به زبان انگلیسی پدید آورده‌اند، روایت «انگلیسی ـ فارسی» این مجموعه نیز می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را برای ترجمه‌ی فارسی متون یاد شده فراهم آورد و از این رهگذر جامعه‌ی فرهنگی کشورمان و به‌ویژه فرهیختگان حوزه و دانشگاه را از یک سو، با دیگر قرائت‌های مربوط به حوزه‌های مختلف علوم و معارف اسلامی که از اتقان نسبی نیز برخوردار است آشنا سازد و از سوی دیگر، آنان را برای پاسخ‌گویی به بدفهمی‌ها و کج‌اندیشی‌ها بیش از پیش آماده کند.

به هر حال، ناشر با توجّه به اهمّیّت و ضرورت انجام چنین کاری، به عنوان اوّلین تجربه‌ی خویش در زمینه‌ی پژوهش و نشر به فکر افتاد تا آن‌چه را که به خاطرش خطور کرده و ضرورتش را احساس کرده است با دعوت از جمعی از پژوهشگران مسلّط به زبان انگلیسی و حوزه‌های گوناگون علوم اسلامی، خود با دست خالی جامه‌ی عمل بپوشاند.

اندیشه‌ی تهیّه و تدوین مجموعه‌ی ***فرهنگ‌های اصطلاحات علوم و معارف اسلامی*** که نخستین مجلّد آن (***فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی***) در سال ۱۳۸۲ هـ ش، و مجلّد دوّم آن (***فرهنگ اصطلاحات فلسفه و کلام اسلامی***) نیز هم‌اکنون در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد، به سال ۱۳۷۴ هـ ش باز می‌گردد. در آن هنگام که نگارنده به اقتضای اشتغال اداری خویش، کم و بیش با ترجمه و مترجمان

کتاب‌های اسلامی سر و کار داشت، به این حقیقت پی برد که بعضی از مترجمان محترمی که دستی در این کار دارند، هرچند با ادبیّات زبان مبدأ و مقصد تا حدودی آشنایند، ولی اطّلاع چندانی از مفاهیم دینی و اصطلاحات رشته‌های مختلف علوم اسلامی ندارند و همین نقیصه باعث شده است تا برخی ازکتاب‌های ترجمه شده، نه تنها اثر مثبتی در پی نداشته باشد، بلکه گاه در اثر ترجمه‌ی نادرست پاره‌ای از اصطلاحات و مفاهیم کلیدی آن‌ها، نارسا و ناکارآمد و بعضاً خنده‌آور ازکار در آید.

البتّه نقد و بررسی ترجمه‌های متون اسلامی و به‌ویژه متونی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی با شتاب هر چه بیش‌تر به زبان‌های گوناگون و مهم‌تر از همه به زبان انگلیسی ترجمه شده است، خود داستان دیگری است و از حوصله‌ی این مقدّمه خارج است. امید است این مهمّ روزی جامه‌ی عمل به خود گیرد و از این رهگذر، تجربه‌ها آموخته شود.

سابقه‌ی تدوین فرهنگ‌های تخصّصی

سابقه‌ی تهیّه و تدوین فرهنگ‌های تخصّصیِ دوزبانه (به‌ویژه فارسی ـ انگلیسی و یا عربی ـ انگلیسی) در حوزه‌ی رشته‌های مختلف علوم و معارف اسلامی درکشور ما و نیز دیگر کشورهای اسلامی چندان زیاد نیست. شاید بتوان گفت تعداد ریز و درشت این قبیل فرهنگ‌ها، چه آن‌هایی که به یکی از رشته‌های علوم اسلامی اختصاص یافته و چه آن‌هایی که به چند یا چندین رشته پرداخته و منتشر شده‌اند، مجموعاً کم‌تر از بیست عنوان باشد، که مشخّصات کتاب‌شناختی برخی از آن‌ها که دارای اعتبار نسبی بوده و در این مجموعه مورد استفاده قرار گرفته‌اند، در ضمن فهرست منابع اختصاصی هر یک از رشته‌های نه‌گانه‌ی این مجموعه آمده است.

خوشبختانه در سال‌های اخیر درکشور خودمان ایران از سوی اشخاص و یا مؤسّسه‌های پژوهشی، چند عنوان فرهنگ از این دست تهیّه و منتشر گردیده است. یکی از آخرین فرهنگ‌هایی که در این زمینه انتشار یافته، ***فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدّن اسلامی*** است که توسّط گروه «ترجمه‌ی بنیاد پژوهش‌های اسلامی» وابسته به

آستان قدس رضوی تهیّه و منتشر شده است. فرهنگ یاد شده که در دو جلد و در دو روایت «فارسی ـ انگلیسی» و «انگلیسی ـ فارسی» تدوین شده مهم‌ترین و جامع‌ترین فرهنگ تخصّصی دوزبانه در حوزه‌ی علوم و تمدّن اسلامی است که تاکنون درکشور ما چاپ و منتشر شده است. این فرهنگ هرچند که به لحاظ حوزه‌های مختلف علومی که مدّ نظر قرار داده و نیز از به لحاظ شمار مدخل‌هایی که در حوزه‌ی هر یک از علوم در خود جای داده است، نسبت به دیگر فرهنگ‌هایی که در این زمینه در سال‌های اخیر منتشر شده، از مزیّت‌های زیادتری برخوردار است، و در نوع خود تلاشی است قابل تقدیر، ولی دارای نقاطضعفی است که بر اهل فنّ پوشیده نیست.

تنگناها و مشکلات

کسانی که حتّی از دور دستی در کار فرهنگ‌نگاری و تهیّه و تدوین فرهنگ‌های دوزبانه به‌خصوص در زمینه‌ی علوم و معارف اسلامی داشته و دارند، از تنگناهای آن به‌خوبی اطّلاع دارند. کسانی که این مسیر پُرپیچ و خم و ناهموار را هرچند برای مدّتی کوتاه و حتّی در حوزه‌ای محدود پیموده و مشکلات آن را تجربه کرده‌اند، به‌خوبی می‌دانند که در جریان انجام چنین کارهایی ناشر با چه مشکلاتی رو به رو خواهد بود. کوچک‌ترین مشکل، که خود کوهی بزرگ و غولی وحشتناک است و هر روز در برابر دیدگان انسان ظاهر می‌شود، پشتیبانی کار و فراهم آوردن هزینه‌های مادّی آن است و مهم‌ترین مسأله، فراهم آوردن نیروی انسانی باصلاحیّت است؛ یعنی دست یافتن به چندین پژوهش‌گر (گروه واژه‌گزینان و ویراستاران) مسلّط به زبان مبدأ و مقصد، آشنا با مفاهیم رشته‌های مختلف علوم اسلامی، آشنا با شیوه‌ی فرهنگ‌نگاری و معیارهای آن، دارای روحیّه‌ی تحقیق و فراغت لازم برای انجام یک کار درازمدّت و ...

روشن است جذب و گزینش یک فرد، تا چه رسد به گروهی از این دست افراد، چه میزان دشوار و توان‌فرسا است. بر اهل فنّ نیز پوشیده نیست که نادیده گرفتن

ویژگی‌های یاد شده و یا تسامح در گزینش افرادِ واجد صلاحیّت، چه مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت و چه فرصت‌ها و چه سرمایه‌هایی را به هدر خواهد داد و جبران آن، چه میزان سخت خواهد بود.

پدیدآورندگان

مجموعه‌ی فرهنگ‌های ***فرهنگ‌های اصطلاحات علوم و معارف اسلامی*** که کار معادل‌گذاری اصطلاحات رشته‌های مختلف علوم اسلامی را دنبال می‌کند، حاصل تلاش و کوشش و مساعدت نزدیک به بیست نفر پژوهش‌گر و چند هزار ساعت کارِ دشوار و پی در پی آنان است.

گروهی از پژوهش‌گران این دفتر، کار فیش‌برداری و واژه‌گزینی از بیش از ۳۰۰ اثر را به عهده داشته‌اند. پدیدآورندگان این مجموعه که عمدتاً از پژوهش‌گران حوزوی و دارای تحصیلات دانشگاهی هستند، تاکنون (زمان انتشار کتاب حاضر) عبارتند از آقایان:

دکتر سیّد محمود موسوی
دکتر حسینعلی شیدانشید
دکتر قاسم کاکایی
دکتر مرتضی کریمی‌نیا
دکتر مصطفی ملکیان
احمدرضا جلیلی
دکتر محمّدعلی شمالی
علی ملاحسینی
دکتر محمّدباقر ملکیان
؟؟؟حمیدرضا شاکرین
دکتر رضا برنجکار
حسین عشّاقی
عباسعلی براتی
دکتر محمود کریمی
؟؟؟سعید عدالت‌نژاد
محمّدجعفر صدری
دکتر محمّد فتحعلی‌خانی

تشکّر و قدردانی

اکنون به لطف خداوند و به همّت گروهی از دانش‌پژوهان فرهیخته، دوّمین ثمره‌ی

نهالی که بیش از ده سال پیش در زمین نشانده شد، نمَوْدار گشته است، ناشر از این بابت خدا را سپاس می‌گوید و وظیفه‌ی خویش می‌داند که از همه‌ی کسانی که در رشد و شکوفایی آن سهیم بوده و در این راستا نقشی ایفا کرده‌اند تشکّر و قدردانی کند و از درگاه خداوند متعال برای همه‌ی آنان توفیق روزافزون آرزو کند.

به‌ویژه لازم می‌داند از **استاد مصطفی ملکیان** که در طول این مدّت، با معرّفی منابع مورد نیاز، تأیید اعتبار برخی از منابع ارائه شده و بعضاً با در اختیار قرار دادن آن‌ها و نیز مطالعه و بازبینی کارهای آماده شده و ارائه‌ی تذکّرات و راهنمایی‌های سودمند، ناشر و ویراستار را یاری رسانده‌اند تشکّر کند.

هم‌چنین ناشر وظیفه‌ی خویش می‌داند از برادر گرامی **حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر سیّد محمود موسوی** که پیوسته با راهنمایی‌ها و تلاش‌های بی‌وقفه‌ی خویش ناشر را یاری رسانده و کار را به پیش برده است نیز تشکّر و قدردانی کند. وی علاوه بر پذیرش مسؤولیّت ویراستاری علمی نخستین حلقه‌ی این مجموعه، یعنی ***فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی*** و انجام آن، مسؤولیّت ویراستاری کتاب حاضر را نیز بر عهده داشته و در بهینه‌سازی هرچه بیش‌تر آن‌ها از هیچ کوششی فروگذار نکرده و با دقّت و حوصله‌ی تمام کار را به انجام رسانده است. خداوند به ایشان پاداش نیک عطا فرماید.

پس از انجام مراحل گوناگون کار، همانند ***فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی***، صورت نهایی مدخل‌ها و معادل‌های فراهم آمده جهت ملاحظه و ارزیابی در اختیار **متفکّر عالی‌قدر و دانشمند گران‌مایه جناب آقای دکتر سیّد حسین نصر** قرار داده شد. ایشان نیز همانند گذشته بیش از آن مقدار که انتظار می‌رفت، با بزرگواری هرچه تمام، علی‌رغم مشغله‌های فراوان خویش که بر فرهیختگان پوشیده نیست، تمام فرهنگ را به‌دقّت مطالعه کرده و یکایک مدخل‌ها و معادل‌ها را از نظر گذرانده و معادل‌های جدیدی را بر آن‌ها افزودند و در مواردی نیز در مورد پاره‌ای از معادل‌های ارائه شده، حکّ و اصلاح‌هایی انجام داده و از این رهگذر، به‌حقّ بر غنای این فرهنگ افزوده‌اند. ناشر از ایشان نیز کمال تشکّر و سپاس‌گزاری را دارد.

ناشر هم‌چنین بر خود فرض می‌داند به‌ویژه از دوست گرامی **جناب آقای دکتر حسینعلی شیدان‌شید** سپاس‌گزاری کند؛ چراکه وی علاوه بر مشارکت جدّی در امر فیش‌برداری‌های اوّلیّه، با بازبینی اثر قبل از چاپ و ارائه پیشنهادها و تذکّرات سودمند و تلاش‌های مشفقانه‌ی خویش، ناشر را بیش از پیش رهین منّت خود ساخته است.

در جریان تهیّه‌ی منابع مورد نیاز این مجموعه که عمدتاً در ایران از کتاب‌های کم‌یاب به شمار می‌آیند، ناشر به‌ناگزیر دست نیاز به سوی شخصیّت‌های حقیقی و حقوقی بسیاری دراز کرده و بارها و بارها از این کتابخانه به آن کتابخانه مراجعه نموده وگاه با دست خالی وگاه با دست پر بازگشته، زمانی باگشاده‌رویی و تشویق و مساعدت مسؤولان مربوط و زمانی دیگر با ترش‌رویی و شنیدن پاسخ منفی آنان رو به رو شده است. به هر حال، در این راستا با بسیاری از شخصیّت‌ها و مجامع فرهنگی و دوستان خویش در داخل و خارج کشور و از آن جمله: آمریکا، انگلستان، کانادا، لبنان، سوریه، عربستان سعودی، هند، پاکستان و ... مکاتبه وگفت‌وگو کرده و منابع ارزش‌مندی را از این طریق به دست آورده است.

در این رابطه، جا دارد از دوست گرامی **حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای مهندس حسن طارمی**، معاون محترم علمی بنیاد دائرةالمعارف اسلامی که با فراهم ساختن امکان استفاده ازکتابخانه‌ی غنیّ آن بنیاد، سهم بسیار زیادی در دست‌یابی به منابع مورد نیاز این طرح داشته‌اند، تشکّر و قدردانی کنم.

اساتید گران‌قدری هم‌چون **دکتر مهدی محقّق** و **دکتر هوشنگ اعلم** ناشر را در انجام این کار، راهنمایی و مورد تشویق و لطف خویش قرار داده‌اند و اساتید و سروران عزیز دیگری نیز علاوه بر راهنمایی‌های خود، با فراهم آوردن زمینه‌ی مساعد برای استفاده ازکتابخانه‌های تحت مدیریّت خویش، این جانب را یاریِ بسیار کرده‌اند که بدین وسیله از همه‌ی آنان به‌ویژه **جناب آقای دکتر غلامرضا اعوانی** در مورد کتابخانه‌ی انجمن حکمت و فلسفه، **جناب آقای کامران فانی** و **سرکار خانم پوری سلطانی** در مورد کتابخانه‌ی ملّی، **جناب آقای دکتر نصرالله**

پورجوادی در مورد کتابخانه‌ی مرکز نشر دانشگاهی (و نیز به خاطر در اختیار قرار دادن برخی از کتاب‌های شخصی خویش)، **جناب آقای فرّخ امیرفریار** در مورد کتابخانه‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، **جناب آقای حاج‌کریمی** در مورد کتابخانه‌ی دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، و **جناب آقای سرلک** در مورد کتابخانه‌ی بنیاد دائرةالمعارف اسلامی تشکّر و قدردانی می‌کنم.

جناب آقای مهندس احمد یوسفی کار برنامه‌نویسی کامپیوتری این مجموعه را بر عهده داشته‌اند و نیز دوست گرامی **جناب آقای مرتضی جنّتیان**، در خصوص ارائه‌ی مشاوره‌های رایانه‌ای خود؛ هم‌چنین از **جناب آقای آقای محسن یزدیان** و **سرکار خانم مرضیّه توکّلی** کار تایپ مدخل‌ها و معادل‌ها و وارد کردن اطّلاعات را انجام داده‌اند که از آنان نیز تشکّر و قدردانی می‌شود. خداوند به همه‌ی آنان پاداش خیر عطا فرماید.

و ما توفیقی الاّ باللّه و الحمد للّه ربّ العالمین

۱۰ / ۹ / ۱۳۸۶

محمّد جعفر صدری

سخن ویراستار

کسانی که از دور و نزدیک دستی در کار فرهنگ‌نگاری دارند به‌خوبی می‌دانند که پیمودن این راهِ پُرپیچ و خم کاری است بس دشوار. از این رو، چه‌بسا استفاده از تجربه‌ی دیگران بتواند قدری راه را برای کسانی که قصد دارند در این مسیر قدم بگذارند، هموار سازد و از دشواری‌های آن بکاهد و بر کیفیّت و غنای حاصل تلاش‌شان بیفزاید. در همین راستا و به منظور رفع پاره‌ای از ابهام‌ها، مطالبی را به‌اختصار به اطلاع علاقه‌مندان گرامی می‌رسانیم

محدوده‌ی واژه‌گزینی

همان‌گونه که عنوان اصلی این مجموعه (***فرهنگ‌های اصطلاحات علوم و معارف اسلامی***) نشان می‌دهد، محدوده‌ی کار آن عبارت است از استخراج «اصطلاحات» «علوم و معارف اسلامی» و معادل‌گذاری آن‌ها. در این‌جا لازم است قبل از هر چیز، توضیحی کوتاه درباره‌ی مقصود از واژه‌ی «**اصطلاح**» و «**علوم اسلامی**» ارائه دهیم:

مراد از «علوم اسلامی» و «اصطلاح»

مراد ما از «علوم اسلامی» در این مجموعه عبارت است از علومی که به نحوی در

ارتباط با گزاره‌های دینی است، اعم از علومی که به طور مستقیم مربوط به دین و متشکّل از گزاره‌های دینی‌اند و یا آن دسته که به طور مستقیم مربوط به دین نیستند، ولی انسان را در فهم گزاره‌های دینی و متون مقدّس آن یاری می‌رسانند. بنابراین، علاوه بر علم اخلاق، علم کلام و علم فقه که در حوزه‌ی هر دینی معمولاً یافت می‌شوند، علومی مانند اصول‌الفقه، فلسفه، منطق، ادبیّات (صَرف، نحو، معانی، بیان و ...) و رجال و درایه را می‌توان از مصادیق علوم اسلامی به معنای دوّم به حساب آورد.

البتّه به یک اعتبار سوّمی هم می‌توان معنای دیگری برای علوم دینی و از آن جمله علوم اسلامی در نظر گرفت که دامنه‌ی آن از معنای دوّم نیز فراتر می‌رود و علاوه بر علوم دسته‌ی اوّل و دوّم، علوم دیگری را نیز در برمی‌گیرد و آن عبارت است از علومی که متدیّنانِ به یک دین، در باب آن تلاش کرده و با مایه‌های دینی آن را توسعه داده‌اند. بنابراین، علوم اسلامی به این معنا، علاوه بر علوم دسته‌ی دوّم، شامل علومی مانند: معماری، خطّاطی، ریاضیّات قدیم، نجوم و ... می‌گردد.

مراد ما از علوم اسلامی در این‌جا، علوم اسلامی به معنای دوّم آن است که به دو دسته‌ی کلّی قابل تقسیم است: **علوم عقلی** شامل: عرفان و تصوّف، فلسفه، کلام، اخلاق، منطق، و **علوم نقلی** شامل: فقه، اصول فقه، تفسیر و علوم قرآنی، رجال و درایه و ادبیّات (صرف، نحو، معانی و ...). پدیدآورندگان این مجموعه در صدد بوده‌اند اصطلاحات مربوط به هر یک از این علوم را در حدّ توان، استقصا و معادل‌گذاری کنند.

واژه‌ی «اصطلاح» نیز دارای معانی متعدّد است، ولی مراد ما از «اصطلاح» در این‌جا عبارت است از کلیدواژه‌ها و کلماتی که در هر یک از رشته‌های مختلف علوم اسلامی تداول بسیار دارد، اعمّ از آن که در هر یک از رشته‌های مورد نظر دارای معنای خاصّی باشد و یا اگر معنای خاصّی ندارد، عالمان آن حوزه برای بیان آن مفهوم از واژه‌ی خاصّی استفاده کرده و می‌کنند. در محدوده‌ی این معنا می‌توان واژه‌های دیگری را نیز جای داد که موضوع و محور احکام و مباحث هر یک از این

علوم قرار می‌گیرند. بنابراین، واژه‌ی «**اصطلاح**» در این کتاب شامل موارد زیر می‌گردد:

۱ ـ واژه‌هایی که در حوزه‌ی هر یک از رشته‌های مختلف علوم اسلامی، دارای معنای خاصّی غیر از معنای لغوی آن‌ها است.

۲ ـ واژه‌هایی که در عرف عالمان رشته‌ی خاصّی از علوم اسلامی تداول بسیار دارند، هرچند دارای معنای اصطلاحی ویژه‌ای نیستند.

۳ ـ واژه‌هایی که محور و موضوع احکام و مباحث یک علم واقع می‌شوند، اگرچه معنای اصطلاحی خاصّی ندارند.

در این‌جا لازم است این نکته را یادآور شویم که با توجّه به تداخل و هم‌پوشی برخی از رشته‌های علوم مورد نظر با یک‌دیگر از یک سو، و کاربرد برخی از واژه‌ها در معانی خاصّ از سوی برخی از ارباب علوم از سوی دیگر، نمی‌توان اصطلاحات برخی از رشته‌های علوم اسلامی را کاملاً از هم تفکیک و مرز دقیقی میان آن‌ها مشخّص کرد؛ از این رو، به‌ناچار تعدادی از مدخل‌ها در برخی از رشته‌های این مجموعه مانند عرفان و فلسفه، اخلاق و عرفان، اصول فقه و کلام و ... تکرار شده است.

مراحل انجام کار

پس از مشخّص شدن محدوده‌ی انجام کار و تعیین رشته‌های گوناگون علوم اسلامی مورد نظر، نخست به سراغ شناسایی و گزینش منابع معتبر در رشته‌های یاد شده رفتیم.

الف ـ شناسایی و گزینش منابع

درگزینش منابع، علاوه بر احراز دقّت و آشنایی صاحب اثر با مفاهیم و اصطلاحات حوزه‌ی کار و آشنایی کافی وی با زبان مبدأ و مقصد، که ویژگی همگانی تمام منابع بوده است، اولویّت‌های زیر مدّ نظر بوده است.

۱ ـ شناسایی فرهنگ‌های تخصّصی دوزبانه (فارسی ـ انگلیسی و عربی ـ انگلیسی) در زمینه‌ی هر یک از رشته‌های یاد شده.

۲ ـ شناسایی متونی که در زمینه‌ی هر یک از رشته‌ها، از زبان فارسی و یا عربی به زبان انگلیسی ترجمه شده است.

۳ ـ شناسایی متونی که در زمینه‌ی هر یک از رشته‌های مورد نظر از ابتدا به زبان انگلیسی نگاشته شده است.

در مواردی که منابع دسته‌ی اوّل و دوّم وافیِ به مقصود نبود، از منابع دسته‌ی سوّم استفاده شده است. فهرست منابع هر یک از رشته‌های یاد شده، به‌تفکیک در پایان هر یک از مجلّدات نه‌گانه‌ی این مجموعه خواهد آمد.

علاوه بر این، در ارتباط با گزینش منابع، لازم است به نکاتی اشاره کنیم:

۱ ـ در تدوین و تنظیم نهایی مجموعه‌ی واژگان مربوط به هر یک از رشته‌ها، از ذکر منابع و مآخذی که برای استخراج تک‌تک معادل‌ها مورد استفاده قرار گرفته است، تعمّداً و به دلایل زیر، خودداری کرده‌ایم:

الف ـ با توجّه به منابع متعدّد و فراوان مربوط به هر یک از رشته‌ها، کدگذاری آن‌ها و ذکر همه‌ی کدها در جلوی هر یک از معادل‌ها چندان خوشایند به نظر نمی‌رسید. مثلاً ممکن بود در مقابل برخی از معادل‌های اصطلاحات عرفانی ناچار شویم که کد بیش از ۳۰ منبع را ذکر کنیم و بدیهی است که چنین کاری جالب به نظر نمی‌آید، هرچند نیک می‌دانیم در پاره‌ای از موارد، ذکر مأخذ و یا مآخذ معادل یک اصطلاح برای مراجعه کننده جالب و مفید باشد.

ب ـ تلاش پدیدآورندگان بر این بوده است که کلیه‌ی معادل‌های مناسب را در اختیار قرار دهند تا مؤلّفان و مترجمان به سلیقه‌ی خود از میان آن‌ها بهترین و مناسب‌ترین را برگزینند. گفتنی است پاره‌ای از معادل‌های استخراج شده که نادرست می‌نمودند، حذف شده و در پاره‌ای دیگراز آن‌ها تغییراتی صورت گرفته است؛ هم‌چنان که در برخی از موارد، با توجّه به معادل‌های موجود برای بعضی دیگر از مدخل‌ها معادل ساخته‌ایم.

۲ ـ با توجّه به تطوّر دائمی زبان و هموارتر شدن تدریجی مسیر ترجمه و نگارش متون اسلامی به زبان انگلیسی، و نیز غنی‌تر و دقیق‌تر شدن واژگان علوم اسلامی، در حدّ امکان تلاش گردیده تا منابع گزینش شده، از لحاظ زمانی متنوّع باشد و آثار مترجمان و نویسندگان قدیم و جدید، هر دو مورد استفاده قرار گیرد.

۳ ـ هم‌چنین تلاش شده است حتی‌الامکان در هر یک از رشته‌های یاد شده، از آثار مترجمان و نویسندگان متعدّد، و با سلیقه‌های گوناگون و دارای ادیان و مذاهب و ملّیّت‌های مختلف استفاده شود. این امر می‌توانست بر توان ویراستار در انتخاب معادل‌های مناسب بیفزاید.

۴ ـ با توجّه به این که برخی از رشته‌های علوم اسلامی مورد نظر (مانند فلسفه) دارای مکتب‌های گوناگون هستند، کوشیده‌ایم تا منابع منتخَب، ناظر به همه‌ی مکاتب موجود در آن رشته باشد تا واژگان به دست آمده از غنای لازم برخوردار باشد.

۵ ـ برای دقّت و اتقان هرچه بیش‌تر کار، سعی گردیده است تا آن‌جاکه در امکان بود، کار فیش‌برداری از منابعِ مربوط به هر یک از رشته‌ها، توسّط پژوهش‌گران متعدّد انجام شود، تا مبادا اصطلاحی از قلم بیفتد.

ب ـ واژه‌گزینی

پس از شناسایی منابع معتبرِ موردِ نظر، کار واژه‌گزینی و استخراج مدخل‌ها و معادل‌ها آغاز شد. همان‌گونه که پیش از این یادآور شدیم کار واژه‌گزینی در اولویّت اوّل مبتنی بر استفاده از فرهنگ‌های تخصّصی دوزبانه و در اولویّت دوّم مقابله‌ی متون فارسی و عربی با ترجمه‌ی انگلیسی آن‌ها بوده است.

پس از انجام فیش‌برداری و استخراج مدخل‌ها و معادل‌ها از منابع دسته‌ی اوّل و دوّم، در صورتی که موارد استخراج شده ناکافی تشخیص داده می‌شد، برای تکمیل کار به منابع دسته‌ی سوّم مراجعه می‌شد. در این راستا، از طریق:

۱) مطالعه‌ی اثر مورد نظر از ابتدا تا انتها و استخراج کلّیّه‌ی واژه‌ها و پیدا

کردن معادل فارسی آن‌ها (بعضاً با مراجعه به فرهنگ‌های معتبر انگلیسی ـ فارسی)؛

۲) مراجعه به ایندکس و نمایه‌ی موضوعی کتاب‌ها؛

۳) کمک گرفتن از آوانویسی اصطلاحاتی که در کنار آن‌ها ذکر شده است.

هرچند منابع مورد استفاده، از قبل بر اساس موضوعات مورد نظر از یک‌دیگر تفکیک شده بود، ولی به هنگام فیش‌برداری از منابعِ اختصاصیِ هر یک از رشته‌ها، به منظور هرچه غنی‌تر کردن واژگان دیگر رشته‌ها، در صورتی که به اصطلاحات مربوط به دیگر رشته‌ها برخورد می‌شد، آن‌ها نیز استخراج می‌گردید.

به هر حال، به همّت پژوهش‌گران کار فیش‌برداری و واژه‌گزینی از بیش از ۳۰۰ اثر به زبان فارسی، عربی و انگلیسی (مربوط به رشته‌های نه‌گانه‌ی این مجموعه)، بیش از ۲ سال به طول انجامید و حدود ۷۵۰۰۰ مدخل به همراه معادل‌های آن‌ها به دست آمد.

ج ـ ویرایش

پس از به انجام رسیدن کار واژه‌گزینی، انجام پاره‌ای اصلاحات، هم در ناحیه‌ی مدخل‌ها و هم در ناحیه‌ی معادل‌ها ضروری می‌نمود. مهم‌ترین کارهایی که در این مرحله صورت گرفته به‌اختصار عبارت است از:

الف ـ در ناحیه‌ی مدخل‌ها

۱ ـ حذف مدخل‌های نامربوط و اضافه کردن آن به مجموعه‌ی واژگان رشته‌های مربوط و یا حذف آن از کلّ مجموعه در صورتی که مربوط به هیچ‌یک از آن‌ها نبود.

۲ ـ مراجعه به منابع مربوط، اعمّ از فرهنگ‌های تخصّصیِ یک‌زبانه، اصطلاح‌نامه‌ها و متون تخصّصی و دست یافتن به اصطلاحات از قلم‌افتاده.

۳ ـ فارسی‌سازی مدخل‌ها و یک‌سان‌سازی رسم‌الخط و شیوه‌ی ضبط آن‌ها؛ در این رابطه باید توجّه داشت که اساس کار در ناحیه‌ی مدخل‌ها ذکر صورت مفرد اصطلاحات بوده، ولی در موارد زیر صورت جمع یک اصطلاح نیز آمده است:

الف) در مواردی که صورت جمع یک کلمه خود موضوعیّت داشته و اصطلاح

به حساب می‌آمده است، اعمّ از این که کلمه‌ی مورد نظر اصلاً مفرد نداشته باشد و یا اگر دارد، صورت مفرد آن اصطلاح نیست، مانند اَبدال، اوتاد و مانند آن.

ب) در مواردی که هم صورت مفرد و هم صورت جمع آن تداول دارند و یا این که صورت جمعِ معادل یک اصطلاح با شیوه‌هایی غیر از افزودن «s» جمع بسته می‌شوند، مانند متّقین (= the godwary)، متوکّلین (= the trustful) و ...

ج) در مواردی که صورت جمع یک کلمه، معنایی غیر از معنای مفرد آن را دارا باشد، مانند واژه‌ی «صلوات» که علاوه بر این که جمع «صلاة» است، به معنای «درود بر پیامبر و اهل بیت او (ع)» نیز هست.

۴ ـ در مواردی که برای واژه‌گزینی، بین دو متن مقابله صورت گرفته و نثر متن اصلی، به سبک فارسی قدیم بوده است، برای استفاده‌ی بیش‌تر مترجمان مدخل استخراج شده در نسخه‌ی فارسی - انگلیسی به همان شکل اصلی آن آمده است، هرچند شکل امروزی آن را نیز در جای خود آورده‌ایم.

۵ ـ در مورد واژه‌های مرکّب عربی (صفت و موصوف) که در زبان فارسی تداول فراوان دارند، معیار در ضبط املای آن، همان صورت متداول آن در زبان فارسی بوده است، هرچند از نظر عربی اشتباه باشد، مانند: «اسماءالحسنی»، «حجرالأسود» و «مشعرالحرام» که صورت صحیح آن «الحجر الأسود» و «المشعر الحرام» است.

۶ ـ از اضافه کردن الف و لام در ابتدای مدخل‌هایی که ریشه‌ی عربی دارند و در سیاق متون عربی معمولاً همراه با الف و لام به کار می‌روند اجتناب کرده‌ایم، مانند تمامی اسماء و صفات خداوند. در این گونه موارد تنها به ذکر کلمه‌ی خداوند در جلوی آن‌ها در داخل قلاب [ ] اکتفا کرده‌ایم. البتّه در پایان هر دو بخش از کتاب حاضر، اسماء و صفات الاهی را به صورت مستقل آورده‌ایم.

۷ ـ از درج صورت فعلی مدخل‌ها (و به‌تبع، معادل‌ها) خودداری شده است، ولی در موارد معدودی که درج آن‌ها سودمند به نظر آمده با علامت مصدری «to» مشخّص گردیده‌اند.

۸ ـ ترتیب مدخل‌ها طبق حروف الفبا است، ولی در مواردی مانند عالِم عالَم و نظایر آن که با اختلاف حرکت معانی مختلفی پیدا خواهند کرد، و نیز با وصف‌های متعدّد می‌توانند به کار روند، ترتیبی اتّخاذ شده است تا پس از ذکر یک مدخل با کلیّه‌ی وصف‌های مربوط به آن، مدخل دیگر درج شود.

۹ ـ در نسخه‌ی انگلیسی ـ فارسی برای سهولتِ دست‌یابی به واژه‌ها و کارایی هر چه بیش‌تر این فرهنگ، ترکیب‌های وصفی علاوه بر درج آن‌ها به ترتیب الفبایی، در ذیل مدخل اصلی (موصوف) مربوط به عنوان مدخل فرعی که با تورفتگی مشخّص گردیده درج شده‌اند.

۱۰ ـ در نسخه‌ی انگلیسی ـ فارسی، برای یک‌نواختی ترتیب الفبایِ مدخل‌ها، حرف تعریف the و علامت مصدری to به آخر آن‌ها انتقال یافته و در ترتیب الفبایی به حساب نیامده‌اند.

۱۱ ـ هم‌چنین در این نسخه مدخل‌هایی که با حروف بزرگ نوشته می‌شوند و تفاوت معنایی و یا کاربردی دارند، هم‌چون Good, Eminent به عنوان مدخل مستقلّ درج شده‌اند.

ب ـ در ناحیه‌ی معادل‌ها

۱ ـ بررسی صحّت و سقم هر یک از معادل‌ها و حذف معادل‌های ناصحیح، جای‌گزینی معادل‌های صحیح و احیاناً تصحیح آن‌ها.

۲ ـ کنترل معادل‌هایی که لازم است در ابتدای آن‌ها حرف تعریف «the» اضافه شود.

۳ ـ بررسی و تصحیح و یک‌سان‌سازی مواردی که لازم است حرف نخست معادل‌ها بزرگ (capital) باشد.

۴ ـ در مواردی که معادل یک مدخل واژه‌ای دخیل، اعمّ از لاتین، عربی و غیره بوده است، کلمه‌ی مورد نظر به صورت ایتالیک نگاشته شده و در صورت لزوم آوانویسی شده است.

۵ - در مواردی که در مقابل یک مدخل، بیش از یک معادل ذکر گردیده است، ترتیب معادل‌ها صرفاً بر اساس رعایت حروف الفبا بوده است نه اولویّت آن‌ها از نظر دقّت در رساندن مقصود و یا تداول بیشتر و امثال آن.

۶ - در مواردی که املای یک واژه در زبان انگلیسی بریتانیایی و انگلیسی آمریکایی متفاوت بوده است، انگلیسی بریتانیایی را ترجیح داده‌ایم.

تذکّر یک نکته در این‌جا لازم می‌نماید و آن این که با توجّه به بار معنایی بسیاری از اصطلاحات و نارسایی معادل‌های آن‌ها در زبان انگلیسی (و نیز در دیگر زبان‌ها)، امروزه بسیاری از پژوهش‌گران و مترجمان برجسته، در بسیاری از موارد همراه با معادل‌های انگلیسیِ اصطلاحات، صورت آوانویسی شده‌ی آن‌ها را نیز ذکر می‌کنند. استفاده از صورت اصلی اصطلاحات کلیدی که تا حدودی در همه‌ی زبان‌ها امری متداول است می‌تواند در تثبیت هرچه بیشتر کلیدواژه‌های علوم اسلامی و گسترش فرهنگ غنیّ اسلام نقش مهمّی را ایفا کند.

در پایان، یادآور می‌شود به رغم کوشش‌های فراوانی که در جهت ارائه‌ی هر چه بی‌عیب ونقص‌تر کتاب حاضر به عمل آمده، بدون شکّ حاصل کار خالی از ضعف و کاستی نیست و این امر با توجّه به نو بودن کارِ معادل‌گذاری اصطلاحات علوم و معارف اسلامی هرچند غریب نمی‌نماید، ولی هر از چندگاه بازنگری و تجدیدنظر و توسعه‌ی کمّی و کیفی مدخل‌ها و معادل‌های ارائه شده را می‌طلبد. امید است بتوانیم در این راستا با استفاده از نقطه‌نظرها، پیشنهادها و انتقادهای سازنده‌ی همه‌ی فرهیختگان و صاحب‌نظران در چاپ‌های بعدی از نقاط ضعف کار بکاهیم و بر نقاط قوّت آن بیفزاییم. انشاءاللّه.

* * * * *

دوّمین مجلّد از این مجموعه پس از انتشار ***فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی*** که هم‌اکنون در اختیار علاقه‌مندان و پژوهش‌گران گرامی قرار دارد، به اصطلاحات فلسفه و کلام اسلامی اختصاص دارد، در بخش فارسی ـ انگلیسی خود، حدود

۶۰۰۰ مدخل و ۱۲۵۰۰ معادل، و در بخش انگلیسی ـ فارسی حدود **۹۰۰۰ مدخل و ۱۲۵۰۰ معادل** را در خود جای داده است.

مدخل‌ها و معادل‌های به دست آمده حاصل فیش‌برداری از حدود ۷۰ عنوان کتاب، اعمّ از فرهنگ‌های اصطلاحات تخصّصی دوزبانه و متون عرفانی است که از زبان فارسی و یا عربی به زبان انگلیسی ترجمه شده و یا از ابتدا به این زبان نگاشته شده است. پدیدآورندگان این منابع، عمدتاً دانشمندان و اسلام‌شناسان دنیای غرب و از مترجمان بنامی هستند که سال‌ها در زمینه‌ی عرفان و تصوّف قلم زده و آثاری را ترجمه کرده‌اند و چهره‌های سرشناسی هم‌چون سیّد حسین نصر، هانری کُربَن، رینولد نیکلسون، ویلیام چیتیک، حامد الگار، آرثور آربری، تیتوس بورکهارت، مارتین لینگز و ... در میان آنان به چشم می‌خورد. مشخّصات کتاب‌شناختی منابع یادشده در پایان فرهنگ آمده است.

تقدیر و تشکّر

در این جا بر خود لازم می‌دانم که از تمامی کسانی که در پدید آوردن این اثر ایفای نقش نموده‌اند، به‌ویژه همکاران گرامی که در گردآوری اوّلیّه‌ی واژه‌ها زحمت مقابله‌ی متون را بر خود هموار ساخته‌اند، خصوصاً جناب آقای دکتر حسینعلی شیدانشید که برای تکمیل مدخل‌های عرفان نظری و تصوّف زحمت مضاعفی را متحمّل شده‌اند صمیمانه تشکّر و قدردانی کنم. هم‌چنین این بنده وظیفه‌ی خود می‌داند مراتب سپاس و امتنان خود را از استاد گران‌قدر جناب آقای دکتر مصطفی ملکیان که با رهنمودها و نکته‌سنجی‌های خود ما را یاری رسانده‌اند و نیز از دانشمند محترم جناب آقای دکتر سیّد حسین نصر که در مراحل پایانی کار مجموعه‌ی حاضر را به رغم تمامی اشتغالات علمی از نظر گذرانده و با اصلاحات و افزوده‌های خویش بر ارزش کار افزوده‌اند ابراز داشته و توفیق آن جنابان را از ایزد منّان آرزو نمایم. نیز از ناشر محترم جناب آقای محمّدجعفر صدری که با همّت بلند خویش به فکر تهیّه و تدوین این مجموعه‌ی عظیم افتادند و با پیگیری‌های مستمرّ

خویش کار را به این مرحله رساندند صمیمانه سپاس‌گزارم. توفیق ایشان را در زمینه‌ی نشر معارف دینی و گسترش فرهنگ اسلامی از خدای عزّ و جلّ خواهانم.

و آخر دعوانا ان الحمد للّه ربّ العالمین

سیّد محمود موسوی

زمستان ۸۱

فرهنگ اصطلاحات فلسفه و کلام اسلامی
فارسی ــ انگلیسی

آ

آب (از عناصر اربعه)	water
آباء عِلوی (= افلاک هفت‌گانه یا نه‌گانه)	exalted fathers; high fathers
آباء عنصری (= عناصر اربعه)	elemental fathers; terrestrial fathers
آتش (از عناصر اربعه)	fire
آتش جهنّم	fire of Hell
آتش دوزخ	fire of Hell; Hell-fire
آثار ← اثر	
آخِر (خداوند)	the Last
آخر الزمان	End of Time; the Last Days
آخرت	future life; hereafter; the last world; next life; next world
آخرت‌شناسی	eschatology
آخشیج (= ضدّ)	contrary; opposite
آخشیج (= عنصر)	element
آداب	manners
آداب الاسلام	religious duties of Islam
آدم (ع)	Adam
آدمی (وصف)	Adamic
آرزوی دور و دراز	endless desire; unending desire
آز	avarice
آزمایش ← امتحان	
آسمان	heaven; sky
آسمانی	angelic; celestial; heavenly
آفاق	external world; horizons; macrocosm; outer world;

آفاقی	spatio-temporal order; external; macrocosmic; objective
آفریدگار (خداوند)	Creator
آفریدن	to create
آفریده	created; creature
آفرینش	creation; generation
آفریننده (اسم)	creator
آفریننده (وصف)	creative
آگاه	conscious
آگاهی (نیز ← علم)	awareness; consciousness; perception
آگاهی به خود	self-awareness; self-consciousness; self-perception
آگاهی مطلق	absolute awareness; absolute consciousness
آلاء	benefactions; blessings; favours; graces
آلت	instrument; organ; tool
آلهه ← اله	
آلی	instrumental; organic
آمرزش	forgiveness
آمرزنده (خداوند)	Forgiver; Pardoner
آمرزیدن	to forgive; to pardon
آمرزیده	forgiven; pardoned
آن (مفرد آنات)	indivisible instant; instant (of time); moment; unit of time
آنیّ	instantaneous
آنیّ الوجود	instantaneously existing
آنیّات	momentary events; momentary things
آوند (= برهان)	demonstration; proof
آیات ← آیه	
آیات آفاقی	signs upon the horizons
آیات الاهی	Divine signs
آیات انفسی	signs (with) in one's being
آیات ایمان	signs of faith
آیات تشبیهی	anthropomorphic verses; signs of similarity
آیات تفکّر	signs of contemplation

آیات حقّ signs of the Truth
آیات خدا God's signs; signs of God
آیات سمع traditionally transmitted signs; traditional signs
آیات عقل intellectual signs; signs of the intellect
آیات علم signs of knowledge
آیه (= رسم) custom
آیه (= معجزه) miracle (of prophet)
آیه (= نشانه) phenomenon of nature; portent; sign
آیه (قرآن) verse
آیین (= دین) faith; religion
آیین (= راه و روش) method
آیین (نیز ← عقیده، کیش) creed
آیین توحید creed of Unity; monotheism
آیین مجوس Zoroastrianism
آیین مزدک Mazdakism

ا

اباحه permission

اباحه‌گری free-thinking; libertinism

اباحیّه free-thinkers; libertinists

اباضیّه Ibâḍites

ابتلاء (= آزمایش) trial

ابتلاء (= درد و رنج) affliction

ابتهاج bliss; ecstasy

ابتهاج کمالی bliss of perfection

اَبَد آباد post-eternity of the post-eternities

اَبَد eternity; everlastingness; post-eternity

ابداع *creatio ex nihilo*; creation (from nothing); creativeness; direct creation; emanation; immediate creation; innovation; original creation; origination

ابداعی original

ابد الابد ← ابد الآباد

ابدی eternal; everlasting; post-eternal

ابدیّت endlessness; eternity; everlastingness; perpetuity; post-eternity

ابراهیم (ع) Abraham

اِبصار sight; vision

ابطال abolition; abrogation;

disproving;
invalidation;
nullification;
refutation

ابعاد ثلاثه (= ابعاد سه‌گانه)
three dimensions

ابلیس Devil;
Diabolus;
the Evil one;
Iblis;
Lucifer;
Satan

ابن باجّه Avempace;
Ibn Bajja

ابن جبرول Avicebron;
Ibn Gabirol

ابن رشد Averroes;
Ibn Rushd

ابن زُهر Avenzoar;
Ibn Zuhr

ابن سینا Avicenna;
Ibn Sina

ابن سینایی Avicenian;
Avicennan

ابن طفیل Abubacer;
Ibn Tufayl

ابن میمون Maimonides

ابو البشر (نیز ← آدم)
Father of mankind

ابوعلی سینا ← ابن سینا

Avennasar ابونصر (فارابی)

Epicures; ابیقورس (= اپیکور)
Epicurus

compliance اتّباع

identification; اتّحاد
merging;
unification;
union;
unity

supreme union اتّحاد اعلیٰ

union of the اتّحاد حقیقة و رقیقة
real with the delicate

parallelism اتّحاد در وضع

union between اتّحاد عاقل و معقول
the intellect and the intelligible;
union of the instrument of
intellection and the intelligible;
union of the intellect with the
intelligible

union of the اتّحاد عالم و معلوم
knower and the known

high union اتّحاد عالی

union اتّحاد عقل و عاقل و معقول
between the knower and the
known and the act of knowing

اتّحاد مادّه و صورت
union of matter and form

اتّحاد مُدرِک و مُدرَک
union of the perceiver and the
perceived;

union of the subject and the object

اتّصاف becoming qualified; description; qualification

اتّصاف ماهیّت به وجود the doctrine that existence is predicable of quiddity; quiddity being predicated by existence

اتّصال attachment; communication; communion; conjunction; connection; contact; contiguity; continuity; joinedness; joining; junction; juncture; union

اتّصال (= به هم پیوستن) connectedness

اتّصال خیالی imaginative union

اتّفاق (= حادثه) event; happening; incidence; incident;

occurrence

ـــ بالاتّفاق accidentally

اتّفاق (= صُدفه، تصادف) chance; coincidence

اتقان accuracy; order; perfectness; wisely ordering

اتّکال به خدا dependence on God

اثبات affirmation; asserting; assertion; confirmation; demonstration; establishment

اثبات (≠ تعطیل) affirmative knowledge

اثبات (≠ نفی) affirmation

اثبات کردن to demonstrate; to establish; to prove; to substantiate

اثر affection; effect; impression; influence; sign; trace

إثْم ← گناه

اثناعشریّه Duodecimal;

the Twelvers
اثنینیّت dualism; duality
اثولوجیا (= الاهیّات) *Theology* of Aristotle = *Enneads* of Plotinus)
اثیر ether; quintessence
اجازه certificate; permission
اجبار compulsion; constraint; forcing
اجتماع aggregation; association; coincidence; combination; coming together; conjunction
اجتماع (= جامعه) community; society
اجتماع در وجود co-existence; co-presence in being
اجتماع ضدّین co-existence of two contraries
اجتماع نقیضین co-existence of two contradictions; combination of two contradictories; co-presence of two contradictories
اجتماع و افتراق aggregation and segregation

اجتماع وجودی ontological combination; ontological conjunction
اَجرام ← جِرم
اَجرام ابداعی ← اَجرام سماوی
اَجرام سماوی celestial bodies; heavenly bodies
اَجرام عِلوی (= اجرام سماوی) upper bodies
اَجرام فلکی ← اَجرام سماوی
اَجرام مرکّب compound bodies
اجزاء ← جزء
اجزاء متوالی successive parts
اجساد ← جسد
اجسام ← جسم
اجسام مفرد simple bodies
اجسام مولّده generated bodies
اجسام ناری bodies of fire; fiery bodies
اجسام نوری bodies of light; illuminated bodies
اجل appointed term; fated time; fixed term
اجل (= وقت مرگ) end of life; moment of death; time of death
اجل مسمّیٰ determined time; named term

اجل ناگهانی (= مرگ مفاجات) sudden death
اجلال glorification
اجماع catholic consent; consensus
اجماع امّت consensus of the Islamic community
اجماع علماء consensus of the scholars
اجمال undifferentiated mood
به نحو اجمال ــ in summary fashion; in undifferentiated mode
احادیث ← حدیث
احادیث قدسی ← حدیث قدسی
احاطه compass; comprehension; encompassing; encompassment
احاطه (= علم کامل) comprehensive knowledge; encompassing knowledge
احاطه (= محیط بودن) embracing; encompassing
احاطه‌ی تامّه perfect comprehension; perfect encompassing
احاطه شده comprehended; encompassed
احاطه‌ی غیرتامّه imperfect comprehension; imperfect encompassing
احاطه‌ی قیّومی sovereign encompassment
احاطه کننده comprehending; comprehensive
احباط (≠ تکفیر) cancellation; rendering void
احتجاب (≠ تجلّی) concealment; veiling
احتجاج argument; argumentation
احتراز abstinence; avoidance
احتراق burning
احتمال contingency; likelihood; possibility; probability
احتیاج need
احتیاط precaution
اَحَد (خداوند) the Alone; the One; the Unique
إحداث bringing forth; creation; creation in time; generation; origination; production in time
احدیّت oneness; unicity;

uniqueness;
unity

احرار the free

احساس perception;
sensation;
sense

احساس اَلَم sensation of pain

احساس لذّت
sensation of pleasure

احساسات feelings

احسان beneficence;
benefit;
charity;
doing good;
doing the beautiful;
virtue;
well-doing

احسان الاهی God's goodness

احسن تقویم the best stature;
the most beautiful stature;
the most perfect stature

احسن الخالقین the best of creators;
the most beautiful of creators

اَحکام ← حُکم

اَحکام (= آثار) properties

اِحکام (= اتقان) perfectness

اَحکام شریعت legal injunctions

اَحکام صادق authentic judgements;
true judgements

اَحکام عقلی rational injunctions;
rational principles

اَحکام عملی practical injunctions

اَحکام فرایض ایمان
obligatory ordinances of the faith

اَحکام قضا و قدر
decrees of fate and destiny

اَحکام ماهیّت
principles concerning quiddity

اَحکام نجوم ← علم احکام نجوم

اَحکام وجود properties of existence

احکام النّجوم ← علم احکام نجوم

احوال circumstances;
modes;
states

احیاء resurrection;
revivification

احیاء اموات
bringing of the dead to life;
raising the dead to life;
restoring the dead to life;
resurrection

احیاء دین revival of religion

احیاء کردن to revivify

احیاء مردگان ← احیاء اموات

اِخبار bringing news;
description;
information;
report-giving

اَخبار ← خبر

اخبار الاهی Divine reports

اَخبار تاریخی historical annals; historical reports; historical traditions

اَخبار رسل accounts of the messengers; reports of the messengers

اِخباری descriptive

اختراع creation; devise; innovation; invention

اختربینی ← علم احکام نجوم

اخترشناس (= منجّم) astronomer

اخترشناسی (= علم نجوم) astronomy

اختصاص (≠ کسب) confinement; election; specification

اختصاص دادن to appropriate; to specify

اختلاط intermingling; intermixture; mixing; mixture

اختلاف difference; divergence; opposition; variation

اختلاف احوال diversity in states; diversity of conditions

اختلاف علماء divergence of religious scholars

اختیار choice; free choice; freedom (of choice); free-will; option; volition; will

اختیاری free; optional; out of choice; volitional; voluntary

اخذ میثاق taking of the Covenant

اُخروی eschatological; other-worldly; pertaining to the afterlife

اخصّ more particular; more specific

اخصّ مطلق absolutely particular

اخفاء (≠ ظهور) concealment; hiding

اخفیٰ (از مراتب نفس) the most hidden state

اخلاص sincerity

اَخلاط humours

اَخلاط چهارگانه four humors

اخلاق morality; moral traits

ادای حقوق delivering dues; fulfillment of rights

ادب comportment; correct attitude towards God; courtesy; training in good conduct

ادراک apprehension; cognition; comprehension; conception; grasping; intelligence; knowledge; perception; understanding

ادراک بصری visual perception

ادراک جزئی partial perception

ادراک حسّی sense perception; sensual perception; sensuous perception

ادراک حیوانی animal perception

ادراک خیالی imaginative perception

ادراک ذاتی perception by essence

ادراک صورت perception of the image

ادراک ظاهری external perception

ادراک عقلی intellectual apprehension; intellectual perception; intelligible perception; rational perception

ادراک کلّی general perception; overall perception; universal perception

ادراک معقولات perception of intelligibles

ادراک واضح و جلیّ evident hierophanic knowledge

ادراکات modes of perception

ادراکی cognitive; perceptible; perceptual

ادلّه ← دلیل

ادلّه‌ی عقلی rational evidences

ادوار فلکی spherical revolutions

ادیان ← دین

ادیان آسمانی revealed religions

ادیان و مذاهب religions and schools of thought

اِذن اللّه God's permission; leave of God

اراده act of willing; desire; volition; will; willing

اراده‌ی ازلی pre-eternal Will

اراده‌ی اضطراری will of coercion

اراده‌ی الاهی Divine Will; God's Will;

Will of God
ارادهٔ انسانی human will
ارادهٔ حادث contingent will
ارادهٔ حتمی certain will; effective will
ارادهٔ حیوانی animal will
ارادهٔ خدا God's Will; Will of God
ارادهٔ عزمی signified will
ارادهٔ قطعی definitive will; effective will
ارادی intentional; volitional; voluntary; willful
ارباب اصنام ← ارباب انواع
ارباب انواع archetypes; lords of the species; masters of the species; prototypes
ارباب علوم possessors of the sciences
ارباب مجاهدت those engaged in the inner spiritual warfare
ارتباط communication
ارتباط با خدا communication with God; relation with God
ارتداد apostasy; heresy

ارتسام impression; imprinting; representation
ارتفاع نقیضین negation of two contradictories
ارتکازی intuitive; spontaneous
ارجاء deferring; postponing
ارسال رسل sending (forth) the messengers
ارسطاطالیس ← ارسطو
ارسطو Aristotle
ارسطویی Aristotelian; Peripatetic
اَرسطی (= ارسطویی) Aristotelian; Peripatetic
ارشاد (right) guidance directing;
ارشاد کردن to direct aright; to guide
ارضی earthly; sublunar
ارکان (= اعضاء) limbs
ارکان (= عناصر) elements
ارکان دین pillars of the religion
ارکان شرع pillars of Islamic Law
ارواح جزئیّه particular spirits
ارواح متجسّد embodied spirits
ارواح ناری fiery spirits

ارواح نوری luminous spirits
ازل beginninglessness; pre-eternity; pre-temporality
ازلِ آزال eternity of eternities
ازلی eternal; pre-eternal
ازلی ذاتی pre-eternal by essence
ازلیّت eternity; pre-eternity; timelessness
ازلیّت مطلق absolute eternity
اساس basis; foundation; principle
اسباب ← سبب
اسباب جزئیّه partial causes
استاد master; mentor; shaykh; teacher
استبصار seeking insight
استتابه asking for forgiveness
استجابت answering
استحاله (= حرکت کیفی) alteration; qualitative change; transformation
استحاله (= محال بودن) absurdity; impossibility; inconceivability
استحاله‌ی بالقیاس الی الغیر impossibility in relation-to-something else
استحاله‌ی وجودی existential transformation; trans-existentiation
استحقاق deserving; rightful claim; worthiness
استداره circularity
استدراج drawing on little by little
استدعا demand; request
استدعای مطلق absolute demand
استدلال argument; argumentation; demonstration; inference; proof; reasoning
استدلال اِنّی a *posteriori* reasoning; quiative reasoning; reasoning from the effect
استدلال برهانی demonstrative reasoning
استدلال دوری circular reasoning
استدلال عقلی argument from reason; intellectual reasoning; rational demonstration
استدلال قیاسی deduction;

deductive reasoning

استدلال کردن to adduce; to argue; to demonstrate; to reason

استدلال لِمّی a *priori* reasoning; *propterquid*; reasoning from the cause

استدلال منطقی logical reasoning; ratiocination

استدلالی argumentative; discursive

استصلاح public weal

استعاری metaphorical

استعداد aptitude; capacity; disposition; preparation; preparedness; readiness; receptiveness; susceptibility

استعداد تامّ full capacity; full disposition

استعداد ناقص incomplete disposition; partial disposition

استعدادی dispositional; preparatory

استغراق absorbing; absorption; immersion

استغراق در غیر immersion in another

استغفار asking pardon of God

استغناء self-sufficiency

استقراء induction

استقلال autonomy; independence

ـــ بالاستقلال independently; on its own

استکبار arrogance

استکمال perfecting

استلزام concomitance; implication; necessitation

استمداد seeking help

استنباط deduction; inference

استنباط کردن to adduce; to derive; to infer

استنتاج conclusion; deduction; inference

استنتاج بی‌واسطه direct inference; immediate inference; inference without intermediary

استنتاج مباشر immediate inference

استواء بر عرش sitting upon the Throne

استیلاء domination; making oneself master of

اسدّ و اخصر (برهان) the most solid and concise (argument)

اسد اللّه Lion of God

إسراء night journey of the Prophet (from Mecca to Jerusalem); spiritual journey

اسرار خداوند Divine Secrets; mysteries of God

اسرار عبادات esoteric meaning of rites

اسرافیل *Israfil*; Seraphiel

اسطقس ← عنصر

اسفار اربعه (= اسفار چهارگانه) the four journeys

اسفل السّافلین the lowest of the low

إسکات relinquishment (of a claim)

اسکندر افرودیسی Alexander of Aphrodisias

اسلام Islam

اسلام آوردن to convert to Islam

اسم اعظم Exalted Name; the Greatest Divine Name; the Greatest Name; the Greatest Name of God; Supreme Name

اسم ظاهر external name

اسماء names

اسماء افعال Names of Divine Acts

اسماء الاهی Divine Names

اسماء تشبیهی خداوند assimilating Names of God; immanent Names of God

اسماء تقدیس Names for magnification; Names of sanctification

اسماء تنزیه Names of incomparability

اسماء تنزیهی خداوند transcendent Names of God

اسماء توقیفی settled names

اسماء جلال Names of Majesty

اسماء جمال Names of Beauty

اسماء جوهریّه substantial Names

اسماء حُسنیٰ (the Most) Beautiful Names; God's most Beautiful Names;

اسماء ذات Essential Names of God; Names of the Divine Essence

اسماء ربوبی Lordly Names; names of suzerainty

اسماء صفات Names of Attributes of God

اسماء عرَضیّه accidental Names

اسماء قهر names of severity

اسماء لطف names of gentleness

اسماء و صفات
names and attributes;
names and qualities

اسماء الحُسنیٰ ← اسماء حُسنیٰ

اسماعیلیّه Ismaelites;
Isma'ilism

اِسناد ascription;
attribution

اُسوه example;
exemplar

اشارت allusion;
sign

اشاره indication

اشاره (≠ تفسیر) allusion

اشاره‌ی عقلی mental pinpointing

اشاعره Ash'arites

اشباح ← شبح

اشباح برزخیّه
purgatorial apparitions

اشباح جسمانیّه
corporeal apparitions

اشباح حسّیّه sensual apparitions

اشباح روحانیّه spiritual apparitions

اشباح مجرّده immaterial apparitions

اشباح معلّقه suspended apparitions

اشباه (= نظایر) similitudes

اشتداد
gradual increase of intensity

اشتداد جوهری
substantial increase of intensity

اشتداد کمّی
quantative increase of intensity

اشتداد کیفی
qualitative increase of intensity

اشتداد وجود intensity of being

اشتدادی intensifying

اشتراک community;
homonymy;

اشتراک در اسم sharing in Names;

ـــ بالاشتراک homonymous

اشتراک در اسم sharing in Names;
sharing of names

اشتراک لفظی equivocality of names;
equivocation;
homonymity;
homonymy;
polysemy;
sharing in expression;
sharing in verbal form;
sharing of terminology

اشتراک معنوی
commonality of meaning;
shared in meaning;
univocality;
univocation;
univocity

اشتراک و اشتداد وجود
polarization(s) of being

اشتراکات (≠ اختلافات) communities;
likenesses;

similarities
اشدّیّت being stronger
اشراق effusion of light; enlightenment; illumination; luminosity
اشراقِ عقل illumination of the intellect
اشراقگروی illuminationism; illuminism
اشراقی illuminationist; illuminative; Oriental
اشرف the nobler; the noblest
اشرف مخلوقات the most noble of all creation; the most noble of all creatures
اشعریگری Ash'arism
اشقیاء ← شقیّ
اَشکال types (species)
اشیاء ← شیء
اشیاء خارجی existing things
اشیاء محسوس sensible beings; sensitive beings
اصالت basicality; fundamentality; fundamental reality; ontic basis; primacy; principality; principiality
بالاصاله ــ at root; by principle; intrinsically; primarily
اصالت جزء لا یتجزّا atomism
اصالت ماهیّت fundamental reality of quiddity; ontological fundamentality of quiddity; primacy of quiddity; principiality of essence; principiality of quiddity
اصالت وجود fundamentality of existence; fundamental reality of existence; ontological fundamentality of existence; primacy of existence; principality of being; principiality of existence
اصحاب associates; companions; disciples; pupils
اصحاب احوال possessors of spiritual states
اصحاب پیامبر (ص) Companions of the Prophet

اصحاب توحید partisans of unity
اصحاب جدل polemicists
اصحاب جنّت folk of the Garden; people of paradise
اصحاب جهنّم folk of the Fire; people of the Fire
اصحاب حدیث gross traditionists; traditionalists; traditionists
اصحاب خلاف folk of disagreement
اصحاب رسول Companions of the Messenger
اصحاب رأی rationalist school; upholders of opinion
اصحاب شمال Companions of the Left Hand
اصحاب کرامت folk of charismatic acts
اصحاب کرم folk of generosity
اصحاب کشف و شهود folk of the unveiling and vision
اصحاب کلام (نیز ← متکلّمین) theologians
اصحاب معاصی those committing acts by disobedience
اصحاب مکاشفات folk of vision
اصحاب نار folk of the Fire
اصحاب نبیّ (ص) Companions of the Prophet
اصحاب نظر folk of considerative thinking; rational theoreticians
اصحاب نقل authorities in the transmission of *Ḥadîth*
اصحاب یمین Companions of the Right Hand
اصرار بر گناه doing a sin repeatedly; insistence on committing sin
اصطلاح terminology
اصل basis; element; foundation; ground; origin; principle; root; rule; source
اصل الاهی Divine Principle; Divine Root
اصل بدیهی axiom
اصل عقلی intellectual principle; rational principle
اصل علّیّت causal principle; principle of causality; principle of causation
اصل متعارف axiom; established postulate
اصل مسلّم fundamental postulate

اصل موضوع borrowed axiom;
established principle;
fundamental postulate;
hypothesis;
meta-logical principle;
posited principle;
postulate;
something given;
thesis

اصل نخستین first principle

اصلاح amelioration;
conciliation;
establishing peace;
establishing wholesomeness;
making whole;
making wholesome;
putting in order;
reform

اصلاح بین مردم creating concordance among men

اصلاح ذات البین compromising disputes among people

اصلح the best (interest);
greater advantage;
more befitting;
the most befitting

اصلی basic;
fundamental;
original;
primary;
primordial;
principal

اصول اعتقادی principles of faith

اصول اوّلیّه first principles;
primary principles

اصول دین dogmatics;
fundamentals of religion;
principles of religion;
roots of religion

اصول شریعت roots of the Law

اصول عقاید principles of faith

اصول موضوعه borrowed axioms;
established principles;
fundamental postulates;
hypotheses;
meta-logical principles;
posited principles;
postulates;
theses

اصیل authentic;
basic;
fundamentally real;
genuine;
objective;
origin;
primary;
principal

اضافات ← اضافه (≠ عین وجود)

ـــ بالاضافه in relation;
relatively

اضافه (≠ عین وجود) attribution; correlation; generic relation; relation; relationship

اضافه‌ی اشراقی illuminative attribution; illuminative relation

اضافه‌ی تسلّطی relation of supremacy

اضافه‌ی طرفینی binary relationship

اضافه‌ی متشابه الاطراف symmetrical relation

اضافه‌ی مختلف الاطراف asymmetrical relation

اضافه‌ی مقولی categorical relation

اضافه‌ی وحدانی unitary relationship

اضافی correlative; relative

اضطرار (≠ اختیار) coercion; constraint

اضطرار (= ضرورت) necessity

اضطراری (≠ اختیاری) coercive; involuntary

اضطراری (= ضروری) necessary

اضلال leading astray

اطاعت obedience

اطلاق (= مطلق بودن) absoluteness; nondelimitation; unboundedness

ـــ علی الاطلاق absolutely; in a nondelimited sense

اطلاق وجود absoluteness of being; unboundedness of being

اطمینان قلب peace of the heart; tranquility of the heart

اَطوار (نیز ← طور) grades; levels; modes

اعاده coming-back

اعاده‌ی زمان bringing-back of time; retrogression of time

اعاده‌ی معدوم bringing-back of an annihilated thing

اعاظم outstanding figures

اعتبار consideration; matter of viewing; point of view; subjective consideration

اعتبار عدم consideration of non-existence

اعتبار عقلی intellectual consideration; logical consideration; rational construct; subjective consideration

اعتبار کردن to formulate; to take into consideration

اعتبارات considerations; mental aspects

اعتبارات عقلیّه rational aspects
اعتباری conventional;
derivative;
derived;
ideational;
mental construct;
non-concrete;
product of consideration;
subjective
اعتباریّت ideality;
ideationality;
'i'tibârî nature;
subjectivity
اعتباریّت ماهیّت ideality of quiddity;
mental nature of quiddity
اعتدال equilibrium;
equipoise;
moderation
اعتدال بهاری vernal equinox
اعتدال پاییزی autumnal equinox
اعتدال مزاج moderate temperament
اعتذار apology;
seeking of pardon
اعتراض objection
اعتزال Mu'tazilite School
اعتقاد belief;
believing;
conviction;
creed;
doctrine;

faith
اعتقاد جازم decisive conviction
اعتقادنامه creed
اعتقادی doctrinal
اعجاز eloquence of discourse;
inimitability;
inimitableness;
miracle
اعجاز قرآن
inimitability of the Koran;
miracle of Quran;
Quran's miraculous character
اِعداد preparation
اَعدام ← عدم
اَعراض ← عرَض
اِعراض از حقّ
turning away from the Truth
اَعراض نسبی relative accidents
اعرف the most evident and clear
اعضا و جوارح limbs and members
اعضای بدن bodily organs
اعطاء bestowal;
granting
اعلیٰ the highest;
the most exalted;
supreme
اعواض ← عوض
اعیان concrete and existing things;
concretely existent things;
essences;

individuals
اعیان ثابته eternal essences;
eternal *hexeities*;
fixed entities;
immutable archetypes;
immutable entities;
immutable essences;
latent realities;
permanent archetypes
اعیان صفات
entities of the attributes
اغراض ← غرض
اغلوطه ← مغالطه
اغوا deceiving;
enticement;
temptation
افاضه effusion;
emanation;
issuance;
manifestation
افاضه کردن to emanate;
to flow;
to impart;
to manifest
افتراض assumption;
supposition
افتراق separation
افتقار being in want of God;
dependence;
need;

neediness;
poverty;
requirement;
state of being dependent on God
افتقار ذاتی essential dependence;
essential neediness;
essential poverty
افراد ذهنی
individuals existing in the mind;
mental individuals;
subjective individuals
افراد محقّق در خارج
actualized individuals;
extramental individuals;
individuals in the external world;
objective individuals
افراد مقدّر
individuals supposed to exist in the external world
افراط excess
افروطاغورس ← پروتاگوراس
افساد causing corruption;
working corruption
افضل the most excellent;
superior
افعال الاهی Divine Acts;
Divine Works
افعال انسانی human actions;
human acts
افق horizon

افلاطون Plato
افلاطون الاهی Divine Plato
افلاطونی Platonic
افلاک celestial spheres; firmaments; heavens; skies
افلاک نه‌گانه nine heavens; nine spheres
اَفلوطین Plotinus
افناء annihilating; causing annihilation
افیغورس ← اپیکور
اقامه‌ی برهان کردن to demonstrate
اقامه کردن to establish
اقتداء following; imitating; imitation
اقتدار authority
اقتران appending; conjunction; contiguity; junction
اقتران علّی causal conjunction; causal connection
اقتضاء demand; preponderance; prerequisite; propensity; requirement;

اقتضاء ذاتی essential requirement
اقدس the most sacred
اقرار به زبان confession with tongue; profession with tongue; verbal affirmation; verbal profession
اقرار به شهادتین profession of the two *shahadahs*
اقرار به لسان ← اقرار به زبان
اقناع persuasion
اقناعی persuasive
اقوی الادلّه *locus classicus*; the strongest proof
اکبر (خداوند) the Great; the Greatest
اکتساب acquisition
اکتسابی acquired; derivative
اکراه (= اجبار) constraint
اکراه (= تنفر) abhorrence; aversion
اکرم اکرمین (خداوند) the Most Generous of the generous
اکمال perfecting
اکوان (نیز ← کَوْن) modes of being; states of being
اِلاه deity;

الحكمة المتعالية فى الاسفار العقليّة الاربعة
The Transcendent Theosophy concerning the Four Intellectual Journeys of the Soul!

constraint; forcing — الزام (= اجبار)

command — الزام (= تكليف)

divine graces; lordly graces — الطاف ربّانى

affinity — الفت

inspiration; suggestion — القاء

Divine inspiration — القاء الاهى

satanic suggestion — القاء شيطانى

angelic inspiration — القاء مَلَكى

القاء نارى (= القاء جنّى)
inspiration of jinn

Allah; God — اللّه

pain — اَلَم (≠ لذّت)

الواح شريعت
Tablets of the Divine Law

الواح عاليه نوريّه
exalted luminous tablets; sublime luminous tablets

Nothing issues from the One except one; Nothing proceeds from the One but one — الواحد لا يصدر منه الّا الواحد

deism: — الوهيّت

god

goddess — إلاهه

Divine — إلاهى

theist — إلاهى (= خداباور)

Divine knowledge; Divine sciences; Divine things; metaphysics; theology — الاهيّات

الاهيّات بالمعنى الاخصّ
metaphysics in its particular sense; theodicy

الاهيّات بالمعنى الاعمّ
general metaphysics; metaphysics in its general sense

الاهيّاتى (= كلامى)
theological

Divine ones; mystical theosophists; theists; theosophers — الاهيّون

enjoyment — التذاذ

assumption; commitment; implication — التزام

concern — التفات

mending — التيام (≠ خرق)

atheism; denying God; heresy — الحاد

deity;
divinity;
Godhood

اله (نیز ← اِلاه) deity;
god

الهام inspiration;
revelation;
teaching through Divine inspiration

الهام کردن to inspire;
to teach through inspiration

الهامات ربّانی lordly inspirations

امّ القری Mecca;
Mother of the Cities

امّ القضایا mother of all propositions

امّ الکتاب Archetypal Book;
Mother of the Book

امّ المؤمنین Mother of the Faithful

امام head;
Imam;
leader

امام زمان (عج) Imam of the Age;
Imam of the Time

امام عصر (عج) Imam of the Period

امام غایب (عج) Hidden *Imâm*

امام مبین manifest Imam

امام معصوم (ع) inerrant Imam;
infallible Imam

امام منتظَر (عج) awaited Imam;
expected Imam

امامشناسی Imamology

امامت Imamate;
leadership;
leadership of political community;
spiritual leadership

امامت امّت direction of the religious community;
leadership of the religious community

امامیّه Imamism;
Imamiyya (branch of Shi'ism)

امانت trust

امانیّ wishes

امپدکلس Empedocles

امّت community;
community of Islam;
community of Muslims;
nation;
people;
religious community

امّت اسلامی Islamic community;
Muslim community

امّت مسلمان Muslim community

امّت وسط middle *'ummah*

امتثال conforming;
obedience

امتحان affliction;
test;
trial

امتداد extension; extensity; extent

امتداد سَیلانی flowing extension; mobile extension

امتداد کمّی quantitative extension

امتزاج commingling; intermixture; mingling; mixture

امتناع impossibility

امتناع بالذات essential impossibility; impossibility by itself

امتناع بالغیر impossibility through something else

امتناع بالقیاس الی الغیر impossibility in relation to something else

امتناع ذاتی essential impossibility; self-impossibility

امتنان free gift; gratuitous kindness

امثال likenesses

امداد assistance; help

امر (= شیء، چیز) affair; fact; object; thing

امر (≠ نهی) command

امر ارادی Command through will; volitional Command

امر ازلی eternal Command

امر الاهی Divine Command

امر اللّه Command of God

امر ایجاد Command of Creation; Command of existentiation

امر به معروف commanding the good

امر بین الأمرین intermediate position; middle ground

امر تشریعی command of revealed Law; legal command; religious command; revealed command

امر تکلیفی command by intermediary; prescriptive command

امر تکوینی command without intermediary; engendered command; existential command

امر عدمی ← امور عدمی

امر معقول intelligible being; intelligible entity; intelligible quality

امر واقع fact

امر وجودی ← امور وجودی

امزجه ← مزاج

امضاء ratification

امکان contingency;

possibility

امکان اخسّ

possibility of the inferior;
possibility of the lower

امکان اخصّ more special possibility;
the most special possibility

امکان استعدادی

dispositional possibility;
possibility of preparedness;
potential possibility

امکان استقبالی future contingency;
future possibility

امکان اشرف

possibility of the higher;
possibility of the nobler

امکان بالذات possibility by itself

امکان بالذات (نیز ← امکان ذاتی)

essential contingency

امکان بالغیر

possibility through something else

امکان بالقیاس الی الغیر

contingency in relation to another;
possibility in relation to something else

امکان خاصّ contingency;
special possibility;
specific contingency;
specific possibility

امکان ذاتی contingency in itself;
essential possibility;
modal possibility;
possibility-by-itself

امکان عامّ common possibility;
general contingency;
general possibility

امکان عقلی logical possibility;
rational possibility

امکان غیری ← امکان بالغیر

امکان وجودی existential possibility

امکان وقوعی occurring possibility;
possibility of occurrence;
realizable possibility

امکانی contingent;
possible

اُمَناء trustees;
the trustworthy

امور اتّفاقی concomitant facts

امور انتزاعی abstract objects

امور بالفعل actualities

امور بالقوّه potential facts;
potentialities

امور خاصّه (= الاهیّات) theodicy

امور خفیّه hidden matters;
occult objects

امور زمانی و مکانی

spatio-temporal objects

امور شرعی legal matters

امور عامّه general metaphysics;
general principles;

general principles of metaphysics;
general questions;
metaphysics;
ontology

امور عدمی — non-existent entities;
nonexistent matters;
non-existent quality;
non-existent relations and realities

امور کلّی — general facts;
global facts;
universal facts;
universal matters

امور موهوم — merely imagined things;
unreal objects

امور وجودی — existential entities;
ontological entities;
ontological quality;
positive things

امیر المؤمنین (ع)
Commander of the Faithful

امین — trustee;
trustworthy

انّ (= وجود) — being;
existence

اَنْ یَفْعَل (مقوله) — action;
activity;
that which acts

اَنْ یَنْفَعِل (مقوله) — affection;
being acted upon;
passivity;

receptivity
returning — انابه
egoism; — انانیّت
self-centeredness

انباذقلس ← امپدکلس

emanation; — انبعاث
excitement;
flowing forth;
issuing forth;
motivation

waking up — انتباه

abstraction — انتزاع

to abstract; — انتزاع کردن
to draw away

abstract; — انتزاعی
abstracted;
abstractive;
derivative

abstract objects — انتزاعیّات

abstractedness — انتزاعیّت

انتظار ظهور
awaiting the appearance of the Imam

control; — انتظام
orderliness;
self-discipline

engraving; — انتقاش
impression

passage; — انتقال
transfer;

انتقال‌پذیر	transference; transition
انتقال‌ناپذیر	communicable; transferable
انجذاب روحی	incommunicable
انجیل	spiritual attraction
انحاء وجود (نیز ← نحوه‌ی وجود)	Evangel; Gospel
انحراف	existential modes; modes of being
انحصار	deviation; disequilibrium; going astray
انحطاط	monopoly; restriction
انحلال	decadence
انحناء	disintegration; dissolution
اندازه	sinuosity
اندازه ← بُعد	measure
اندازه ← کمّ	
اندام‌های حسّی	
اندراج	sensory organs
انذار	being wrapped; interpolation; subsumption
انزال	admonishing; warning
	causing to descend

اُنس	close friendship; intimacy
انسان	human; human being; human kind; man
انسان تامّ	complete man
انسان صغیر	microanthropos; microcosm; small human being
انسان کامل	*anthropos teleios*; fully human being; Perfect Man; Universal Man
انسان کبیر	cosmic man; great human being; great man; macroanthropos; macrocosm
انسان کلّی	Universal Man
انسان مطلق	absolute man
انسان‌وارانگاری خدا (= تشبیه)	anthropomorphism
انسانی	human
انسانیّت	humaneness; humanity
انسجام	coherence; coherency; homogeneity
انشاء ← ایجاد	

انشراح صدر	
انصرام	being finished
انضمام	annexation
انطباق	conformation; correspondence
انطباق‌پذیری	applicability
اِنعام	beneficence
انفراد	isolation
اَنفُس (نیز ← نفس)	microcosms; selves; souls
انفسی	internal; microcosmic; spiritual; subjective
انفصال	separateness; separation
انفصال‌ناپذیری	undetachability
انفعال	emotion; passion; reaction; receptivity
انفعال (مقوله)	affection; being acted upon; passivity; receptivity
انفعالات	affections
انفعالی	emotional; passive
انفعالیّات	affective qualities; sensitive qualities
انفکاک	separation
انفکاک‌پذیر	separable
انفکاک‌ناپذیر	inseparable
انقسام (نیز ← قسمت)	division
انقسام‌پذیر	divisible
انقسام‌ناپذیر	indivisible
انقضاء	passing away; termination
انقطاع اسباب	detachment of causes
انقلاب	revolution; transformation; transmodification; transmutation
انقلاب ذاتی	essential transformation
انقیاد	acquiescence; submission
انکر منکرات	the most deniable of the deniables; the most indefinite of the indefinites
انکساغورس	Anaxagoras
انکسیمنس	Anaximenes
انکشاف	unveiling
انگیختگی	stimulation
انوار ← نور	

انوار اسفهبدی
lights of Divine command;
lights of Divine commandment;
lordly lights;
marshalling lights
انوار روحانی spiritual lights
انوار قاهره triumphal lights;
victorious lights
انوار قاهرهٔ عرضی
horizontal triumphal lights
انوار مجرّد detached lights
انوار محرقه burning lights
انواع ← نوع
انواع نوریّه species of light
انّی (برهان) *a posteriori*;
arguing from effect to cause;
quae
انّیّت actualization;
being;
existence;
haecciety;
Ipseity;
reality;
realization;
this-ness
اوامر ← امر (≠ نهی)
اوج (≠ حضیض) apogee
اوج کبریا apex of grandeur;
height of grandeur
اوراد litanies

اوصاف ← وصف
اوصاف الاهی Divine Qualities
اوصاف ربوبیّه Lordly Attributes
اوصیاء ← وصیّ
اوعیه containers
اوّل (خداوند) the First;
the Origin
اوّل الاوائل the First of first things;
the Origin of the origins
اوّلاً و بالذات
primarily and essentially
اولوا الابصار possessors of the eyes;
possessors of vision
اولوا الالباب
possessors of inner meaning;
possessors of the kernel
اولوا العزم
possessors of steadfastness
اولویّت precedence;
preferability;
preponderance;
priority
اولویّت ذاتی essential preferability;
essential preponderance;
priority of essence
اولویّت غیری
preponderance by something else
اوّلی original;
primal;
primary

اوّلی (نیز ← اوّلیّات) *a priori*; elementary

اُولیٰ (≠ آخرت) this world

اولیاء خدا Friends of God

اولیاء اللّه Friends of God; God's elected people; saints of God

اوّلیّات self-evident premises; first principles; primal terms; primary premises; prime knowledge

اوّلیّت being first; primacy; priority

اوهام ← وهم

اهتدا guidance; orientation

اهتمام concern; effort

اهل تسنن ← اهل سنّت

اهل اسلام people of Islam

اهل التقوی (خداوند) the Worthy of pious fear

اهل ایمان believers; the faithful; people of faith

اهل باطل followers of falsehood; followers of the wrong; people of falsity

اهل بدعت heretics; innovators; people of heresy; people of innovation

اهل برهان people of demonstration; people of proof

اهل بصیرت insightful people

اهل بهشت folk of the Garden; people in the Garden; those in Paradise

اهل بیت (ع) Family of the Prophet; Household (of Prophet); People of Household

اهل بیت محمّد (ص) Household of Muhammad; Muhammad's Family

اهل بیت نبوت (ع) Household of Prophethood

اهل تأویل esoterists; people of inner interpretation

اهل تحقیق people of realization; scholars; theosophers

اهل تشبیه immanentists

اهل تقلید imitators; people of imitation

اهل تناسخ ← تناسخیّه

اهل توحید affirmers of God's Unity;

unitarians

اهل توحید و عدل

people of unity and justice

اهل جنّت ← اهل بهشت

اهل جهاد those who exert themselves for God

اهل جهنّم people in the Fire

اهل حدیث traditionalists

اهل حضور people of presence

اهل حقّ people of the truth

اهل حکمت people of wisdom; philosophers; theosophers

اهل حلّ و عقد

people of authority in Islamic legal matters; scholars of Islamic Law

اهل دلیل people of proof

اهل دنیا the worldly; worldly people

اهل دوزخ people in the fire

اهل دین religious people

اهل ذکر invokers; people of invocation

اهل ذمّه

non-Muslims legally protected by Islamic government

اهل راز

possessors of Divine secrets

اهل سرّ ← اهل راز

اهل سعادت the happy

اهل سنّت Sunnis; Sunnism; Sunnites

اهل سنّت و جماعت

people of tradition and consensus

اهل شرک folk of *shirk*; polytheists

اهل شقاوت the afflicted; the wretched

اهل شورا consultative council

اهل شهود people of intuition; visionaries

اهل صدق the truthful

اهل صغائر (نیز ← گناه صغیره)

who commit minorpeople sins

اهل طریقت folk of the Path

اهل ظاهر

followers of formal religion

اهل ظاهر ← ظاهریّه

اهل عدل people of Justice

اهل عرفان gnostics; mystics

اهل علم the learned; religious scholars

اهل عنایت

people of (divine) favour

اهل غلو extremists

اهل فکر people of meditation; people of reflection;

thinkers
اهل قَدَر ← قدریّه
اهل کبائر (نیز ← گناه کبیره)
mortal sinners;
people who commit grave sins
اهل کتاب Folk of the Book;
People of the Book
اهل کشف intuitive mystics;
people of unveiling
اهل مراقبه folk of self-examination
اهل معرفت gnostics;
people of knowledge
اهل مغفرت (خداوند)
the Worthy of pardon
اهل نار people of the fire;
those condemned to hell fire
اهل نظر considerative thinkers;
people of reason;
people of reasoning;
rationalists
اهل نماز people of prayer
اهل یقین people of certitude
اهلیّت aptitude
اهواء ← هویٰ
اهوال fears;
terrors
ایام اللّه Days of God
ائتلاف coalition
ایثار altruism;
self-giving;
self-sacrifice
ایجاب being made necessary;
causation;
necessitation
ایجاب (≠ سلب) affirmation
ایجاب ذاتی essential causation;
essential necessity
ایجاب کردن to make incumbent;
to necessitate
ایجابی (≠ سلبی) affirmative
ایجاد bestowal of existence;
bestowing being;
bringing forth;
bringing into being;
bringing into existence;
construction;
creating;
creation;
existentiation;
origination;
production
ایجاد حقیقی real existentiation
ایجاد فعلی actual production
ایجاد کردن to bring into being;
to create;
to existentiate
ایجاد معدوم
existentiating a non-existent thing
ایراد fault;
objection

ایراقلیطس ← هراکلیتس

ایزدی divine; godly

اَیْس (= وجود) being; existence

ایساغوجی (= کلّیّات خمس) Eisagogue; Isagogue

ایستا static

ایقان assurance; certainty

ایمان (religious) faith; belief; believing; correct religious belief;

ایمان باطنی inner faith; interior faith

ایمان به اخرویّات belief in eschatology; faith in the afterlife

ایمان قلبی belief with the heart; interior faith

ائمه ← امام

ائمه‌ی هدی (ع) Imams of guidance

اَین (مقوله) generic place; place; where

این‌همانی identity

اَینیّت concept of place; locatedness; whereness

ب

باب الجنّه gate of the Garden

باد (از عناصر اربعه) air;
wind

باری (خداوند) the Author;
the Creator;
the Maker;
the Producer

بازگشت به سوی خدا return to God

بازگشت مردگان resurrection;
return of the dead

باسط (خداوند) the Donator;
the Expander;
the Extender;
the Open-handed;
the Outspreader

باصره sight;
vision

باطل abrogated;
error;
false;
invalid;
null and void;
unreal;
useless;
vain;
void;
wrong

باطل شدن to become false;
to become invalid;
to be rendered null

باطن esoteric dimension;
esoteric meaning;
hidden meaning;
innermost secret;
inner reality;
inner state;
interior;
inward;
inward sense;
inward state

باطن (اسم)	esoteric aspect; internal aspect; inward dimension
باطن (خداوند)	the Concealed; the Hidden; the Inward; the Inwardly; the Occult
باطن (معنا)	inner meaning; inward meaning
باطن قرآن	esoteric dimension of the Quran; inward aspect of the Quran
باطنی	esoteric; inner; interior; internal; introvertive; inward; occult
باطنیّه	esotericism; esotericists
باعث	motive
باعث (خداوند)	the Resurrector
باغی	oppressor; rebel
باقی	enduring; indestructible; perpetual; persistent;

باقی (خداوند)	persisting; subsisting the Abiding; the Enduring; the Everlasting; the Immortal; the Permanent; the Subsistent
بالاتّفاق	accidentally
بالاستقلال	independently; in one's own right; on its own
بالاشتراک	homonymous; jointly
بالاصاله	at root; by principle; in one's own right; intrinsically; primarily
بالاضافه	relatively
بالبداهه	intuitively obviously self-evidently
بالتبع	secondarily
بالتبع (وصف)	subordinate
بالتّسخیر	coercive
بالحقیقه	in reality; in truth; literal
بالذات	by essence;

بالطبع by-itself;
essential;
essentially;
innate;
innately;
intrinsically;
per essentia;
substantial
بالطبع by nature;
natural
بالعَرَض accidental;
accidentally;
by accident;
per accident
بالعكس by contrast;
on the contrary;
vice versa
بالغ mature
بالغير by another;
by-something-else
بالغيريّه by-otherness
بالفعل actual;
actually;
by act;
in actu;
in act;
in actuality
بالقسر compulsory
بالقصد intentional
بالقوّه by potency;

in potentia;
potential;
potentially
بالقياس الى الغير
in-relation-to-something-else
بالمآل finally;
in the end
بالمَجاز figurative;
in a metaphorical sense
بالمعنى الاخصّ
in its most particular sense
بالمعنى الاعمّ
in its most general sense
بالملكه habitual;
in habitu
باواسطه (قيد) indirectly
باواسطه (وصف) mediated
باور (نيز ← عقيده) belief
باور قلبی belief within the heart
بت‌پرست idolater;
idolatrous;
idol worshipper
بت‌پرستی idolatry;
idol worship
بتّيّه actualized
بحث وجود ← وجود بحث
بحث debate;
discussion;
inquiry;
investigation;

research
بخت (= اتّفاق) chance; coincidence
بخت (= سرنوشت) destiny; fate; luck
بخت (= سعادت) fortune
بخش division; part
بخشیدن (= آمرزیدن) to forgive; to pardon
بخشیدن (= عطا کردن) to bestow; to give
بَداء appearance; becoming clear; change of mind
بداهت self-evidence
بداهت وجود self-evidence of being; spontaneity of being
بدبختی ← شقاوت
بدعت heresy; heterodoxy; innovation
بدعت حسنه good innovation
بدعت سیّئه bad heresy; bad innovation
بدعت‌گذار heretic; innovator
بدن body; corpse

بدن کلّی Universal Body
بدی evil
بدیع creative cause; innovative; marvelous
بدیع (خداوند) the Incomparable; the Innovator
بدیهه evident knowledge; obvious knowledge; spontaneous knowledge
بدیهی axiomatic; conceptually clear; immediate; intuitive; obvious; self-evident; spontaneous
بدیهی اوّلی primary self-evident
بذاته by itself; in itself; in its essence; *per se*
بِرّ true piety; virtue; virtuousness
برّ (خداوند) the Righteous
بُراق *Burâq*
براهمه Brahmans; Brahmins
براهین عقلی rational proofs

برتری beyond-ness; superiority

برزخ imaginal world; intermediary world; intermediate world; inter-world; isthmus; purgatory; third world

برزخی imaginal; intermediary; purgatorial; somewhere between the spiritual and the physical

برق lightning

برقلس Proclus

برکت (Divine) blessing; grace

برمنیدس ← پارمنیدس

بروز apparentness; manifestation

برهان argument; demonstration; demonstrative proof; proof; reasoning

برهان اسدّ و اخصر the firmest and most concise proof

برهان امکان و وجوب proof from contingency and necessity

برهان انّ ← برهان انّی

برهان انّی *a posteriori* argument; demonstration from effect to cause; demonstration of fact; quiatic proof

برهان ترکیب argument from composition

برهان تطبیق applied proof; proof by comparison

برهان تغییر argument from changes

برهان تمانع argument from mutual hindering

برهان جدلی dialectical argument

برهان جزئی partial demonstration

برهان حدوث argument from temporal beginning

برهان خُلف demonstration *ad absurdum*; demonstration *per impossible*; *probatio per absurdum*; *probatio per incommodum*; *reductio ad absurdum*

برهان دور circular demonstration

برهان صدّیقین proof of the righteous; proof of the truthful

برهان طبیعی cosmological argument

برهان عقلی logical demonstration; rational proof

برهان علّی causal demonstration; causal proof

برهان قاطع categorical proof; decisive proof; definite proof

برهان قیاسی deductive argument; deductive proof

برهان کلامی *kalâm* argument

برهان کلّی universal demonstration; universal proof

برهان لمّی *a priori* argument; demonstration from cause to effect; propteric proof; *propterquid*

برهان نظم argument from design

برهان وصل و فصل argument through joining and separation

برهانی demonstrable; demonstrative

بزرگان قوم (طائفه) the great among the people

بساطت simplexity; simplicity

بسایط خارجیّه external simple things

بسیط indivisible; noncompound; simple; simplex

بسیط الحقیقه simple in nature; simple reality

بشارت bringing of glad tidings; bringing of good news

بشر humanity; man; mortal man

بشرط شیء conditioned-by-something; mixed with a condition

بشرط لا conditioned by no condition; negatively conditioned; subject to a negative condition

بَصَر eye; sight; vision

بصری visual

بصیر insightful; seeing

بصیر (خداوند) the All-Seeing; the Clairvoyant; the Seeing; the Seer

بصیرت discernment; insight; perspicacity; sagacity; spiritual eye; spiritual perception; vision;

vision with inner eye

idleness بطالت

falsehood; بطلان
falsity;
invalidity

inner; بطن
inner dimension;
interior;
inward aspect

بطن قرآن
esoteric meaning of the Quran;
inward aspect of the Quran

بطون ← بطن

slow to decline; بطیء الزوال
slow to perish

awakening; بعث
raising;
resurrection;
sending forth;
the uprising

specific resurrection; بعث خاصّ
specific sending forth

general resurrection; بعث عامّ
general sending forth

dimension; بُعد
extension

sensual distance; بُعد حسّی
sensual remoteness

fourth dimension بُعد رابع

temporal dimension بُعد زمانی

abstract dimension; بُعد مجرّد
immaterial dimension

بُعد معنوی (= جنبه‌ی معنوی)
spiritual dimension

بُعد معنوی (≠ قرب معنوی)
spiritual distance;
spiritual remoteness

spatial dimension بُعد مکانی

the Distant بعید (خداوند)

exactly itself; بعینه
identically;
specific

بُغات ← باغی

rebellion بغی

abiding life; بقا
duration;
endurance;
ever-presence;
immortality;
perennial status;
permanence;
perpetuation;
persistence;
subsistence;
survival

بقاء بعد الفناء
persistence after annihilation

preservation of the self; بقاء نفس
survival of the soul

realm of contingency; بقعة الامكان

realm of possibility
بلا affliction
بلاغ communication
بلاکیف without asking how; without raising the question how or why
بماهو *qua*
بندگی (نیز ← عبادت) obeying God; servitude
بندگی خدا obedience to God; servitude to God
بنده servant; slave
بنده‌ی خدا God's servant; God's slave
بنفس ذاته by virtue of its own self; by virtue of its very essence
بنفسه by itself; by virtue of itself
بُنیه constitution; structure
به خود متکی self dependent; self reliant
به خودی خود in itself
به وجود آوردن to bring into existence; to existentiate
بهجت beatitude; happiness; splendor

بهجت کبریٰ supreme beatitude
بهشت Garden; Heaven; paradise
بهشت جاودان eternal Heaven; Gardens of immortality
بهشت جاوید eternal Garden
بهشتی paradisiacal
بهشتیان people of paradise
بی‌انتها endless; limitless
بی‌ایمان faithless; unbelieving
بی‌ایمانی disbelief; faithlessness; unbelief
بی‌دلیل ungrounded
بی‌دینی irreligion
بی‌علّت causeless; without cause
بی‌نهایت endless; infinite; *infinitum*; limitless; unlimited
ـــ تا بی‌نهایت *ad infinitum*; to infinity
بی‌نهایت بالفعل actual infinite; infinite in act
بی‌نهایت بالقوّه potential infinite

بی‌واسطه	direct; immediate; without intermediary
بی‌هدف	aimless; purposeless
بی‌همتا	peerless; unique; without peer
بیان	demonstration; dialect; dictum; explanation; explication; explicit statement; exposition; expression; presentation; speech
بیت اللّه	God's House; God's Sanctuary; House of God
بیت المعمور	Frequented House; House Inhabited; Inhabited House; Well-visited House
بیرونی	external; extrinsic; outward
بیعت	allegiance; homage; initiation; pledge of allegiance
بیعت کردن	to pay allegiance; to swear allegiance
بیم	fear; trepidation
بیّن	clear; evident; plain
بیّنات	evident truths; clear signs; evident proofs
بینایی ← باصره	
بینش (نیز ← بصیرت)	perception; sight; vision

پ

پاداش (نیز ← جزا)	compensation; reward
پاداش ابدی	eternal reward
پاداش دادن	to bestow reward; to compensate; to reward
پارسایی (نیز ← تقوا، زهد)	asceticism; purity
پارمنیدس	Parmenides
پدیده	phenomenon
پذیرا ← قابل	
پذیرا ← محلّ	
پذیرش ← قبول	
پرستش (نیز ← عبادت)	cult
پروتاگوراس	Protagoras
پروردگار (خداوند)	the Lord
پرهیزگار	ascetic
پرهیزگاری	asceticism

پیامبر (نیز ← نبیّ)	messenger
پیامبر اکرم (ص)	the Blessed Messenger; the Blessed Prophet; the Holy Prophet; the honourable Prophet
پیامبر امّی	the unlettered Prophet
پیامبری ← نبوّت	
پیشوا	guide; leader
پیغمبر	apostle; messenger
پیوستگی ← اتّصال	
پیوسته ← متّصل	
پیوند (= اتّحاد)	union
پیوند (= ارتباط)	connection
پیوند طولی	hierarchical connection; vertical connection

ت

consequence	تالی (≠ مقدّم)
false consequence	تالی فاسد
combination; composition	تألیف
composite	تألیفی
complete; perfect; whole	تامّ
contemplation; deliberation; meditation; reflection; speculation	تأمّل
esoteric commentary; esoteric exegesis; esoteric interpretations; explaining away; expounding the inner meaning; interpretation; taking the text back to its origin	تأویل
successors	تابعین
affectedness; affection; being influenced	تأثّر
acting; affection; effect; effectiveness; efficiency; impression; influence	تأثیر
posteriority	تأخّر
trans-temporal posteriority	تأخّر دهری
delaying	تأخیر
establishment of the Divine Law	تأسیس شریعت
	تأصّل ← اصالت
Thales	تالس
theosophy	تألّه

تأویل عقلی intellectual interpretation; rational interpretation

تأویل قرآن esoteric commentary of the Quran; Quranic hermeneutics

تأویلات ← تأویل

تائب repentant

تأیید affirmation; confirmation

تأیید آسمانی celestial confirmation

تأیید الاهی Divine confirmation

تأیید ربّانی Divine affirmation

تباین diversity

تبدّل alteration; change; replacement; substitution; transformation

تبدّل ذاتی essential change; transformation

تبدیل alteration; transposition

تبرّی (≠ تولّی) aversion; disowning; dissociation

تبشیر announcement of good news; annunciation

تَبَعی subordinate

تبعیّت consequence; subordination

تبلیغ preaching; propagating

تبلیغ کردن to preach; to propagate

تبیین (= ایضاح) clarification; elucidation; unveiling

تبیین (= تعلیل) demonstration; explanation

تثلیث trinity; triplicity

تجانس homogeneity; homogeneousness

تجاهل عارف mystic dubitation

تجاهل مطلوب *ignoratio elenchi*

تجدّد novelty; renewal

تجدّد امثال renewal of essences; renewal of likes

تجدّد خلق continually renewed creation; continuous creation

تجدّد ذاتی essential renewal

تجدید innovation; recurrence; renewal

تجدید خلق recurrence of the creative act;

renewal of creation

تجدید مُثُل
renewal of Platonic Ideas

تجربه (= آزمایش) experiment; experimentation

تجربه‌گرایان empiricists

تجربه‌گرایی empiricism

تجربیّات
propositions based on experience

تجرّد detachment; immateriality; incorporeality; non-materiality

تجرّد از مادّه
freedom from corporeality

تجرّد مثالی ideal immateriality; imaginal immateriality

تجرّد نفس
incorporeality of the soul

تجرید abstracting; abstraction; disengagement; withdrawal from corporeality

تجزّی fragmentation

تجزیه dissociation; dividing; division (into parts); parting; partition

تجزیه‌ناپذیری indivisibility

تجسّد corporealization; incarnation

تجسّد ارواح
corporealization of the spirits

تجسّم corporealization; embodiment

تجسّم اعمال
corporealization of actions; embodiment of actions

تجسیم
belief in the corporeality of God; doctrine of the corporeality of God

تجلّی disclosure; Divine light; epiphany; manifestation; revelation; self-disclosure; self-manifestation; theophany; unveiling

تجلّی اقدس
theophany of the most holy

تجلّی الاهی Divine self-disclosure; Divine unveiling

تجلّی الوهیّت
manifestation of Divinity

تجلّی جلال manifestation of Glory; self-disclosure of Majesty; theophany of Majesty

تجلّی جمال
manifestation of Beauty;
self-disclosure of Beauty;
theophany of Beauty

تجلّی خاصّ special Self-disclosure;
special theophany

تجلّی ذات
self-disclosure of the Essence;
theophany of the Essence

تجلّی ذات الاهی
self-disclosure of the
Divine Essence;
theophany of the Divine Essence

تجلّی ذاتی essential theophany;
Self-disclosure;
Self-manifestation;
Self-revelation

تجلّی صفات
self-disclosure of the Attributes;
theophany of the Attributes

تجلّی کردن to disclose;
to epiphanize;
to reveal;
to theophanize

تجوهر substantiality

تحدّی challenge

تحدید limitation;
restriction

تحریف alteration;
distortion;
falsification;
interpolation;
twisting

تحصُّل actualization;
realization

تحصُّل عقلی intelligible realization

تحصیل acquisition;
actualization;
attainment

تحصیل حاصل acquiring something
which has already been acquired;
actualization of the actualized

تحقّق actualization;
occurrence;
realization

تحقّق نفس self-realization

تحقّق یافتن to be actualized;
to be realized

تحقیق عرشی
research inspired by the Throne

تحکّم governing control

تحکیم consolidation

تحلیل analysis

تحلیل عقلی intelligible analysis;
rational analysis

تحلیه adornment;
beautification;
embellishment

تحمید eulogizing

تحوّل alteration;

change in state;
evolution;
metamorphoses;
mutation;
self-transmutation;
transmutation

تحوّل جوهری (= تحوّل ذاتی)
substantial change;
transformation

تحویل
alteration;
transformation

تحویل‌پذیر
convertible;
transformable

تحویل‌ناپذیر
immutable;
inconvertible;
irreducible;
unchangeable

تحویل‌ناپذیری
immutability;
inconvertibility

تحیّر
perplexity;
wonder

تحیّز (نیز ← حیّز)
occupying a space;
spatial character;
spatial confinement;
spatialization

تخصّص
individuation;
specialization;
specification

تخصیص
determination;
restriction;
specialization;
specification;
specifying

تخلّق به اخلاق ربوبیّت
assumption of dominical traits;
taking on of lordly characteristics

تخلّل
admixture;
infiltration

تخلیه
divestment;
relinquishment;
vacating

تخیّل
envisaging;
hallucination;
imagination;
imagining;
reflection;
representation

تخیّلی
imaginary;
imaginative

تخییل
imaginative creation;
imaginative representation

تداخل
interpenetration;
overlapping

تدبّر
deliberation;
meditation;
pondering

تدبیر
device;
direction;
governance;

government;
management;
regulate;
sagacity
تدبیر امر governing the affair
تدبیر کردن to devise;
to govern;
to manage
تدبیر مُدُن management of states
تدبیر منزل domestic science;
economics;
economy;
governance of the domicile;
household management;
regulation of household
تدرّج gradation;
gradualness;
hierarchy
تدریجی الوجود gradually existing
تدقیق precision
تدوینی composed;
written
تذکّر recalling;
recollection;
reminiscence
ترازو ← میزان
تربیت culture;
education;
training
تربیت نفس cultivation of the soul;

training of the soul
ترتّب graduation;
sequence;
succession;
successive order
ترتیب disposition;
hierarchy;
order;
ordering;
orderliness;
ordinance;
organization
ترتیب حِکْمی wise hierarchy;
wise order
ترتیب زمانی chronological order
ترتیب طبیعی natural order
ترتیب طولی hierarchical order;
longitudinal order
ترتیب عالَم hierarchy of the cosmos;
order of the world
ترتیب عرْضی latitudinal order
ترتیب نزولی descending hierarchy;
descending order
ترتیب وضعی positional order
ترجّح بلا مرجّح preponderance
without being a preponderant
ترجیح preference;
preponderance
ترجیح بلا مرجّح
making a preference

without a (criterion for the) preference; preponderance without a preponderant

ترسا ← مسیحی

ترغیب encouragement

ترقّی elevation; progress

ترک abandonment; avoidance; leaving behind; omitting

ترک دنیا life-denying; world-denying

ترک گناه abandoning up sins; giving up sins

ترک نفس abandonment of the soul

ترکیب arrangement; combination; composition; compound; compoundedness; integration; mountedness; synthesis

ترکیب اتّحادی
composition by way of unification; integration through unification

ترکیب انضمامی
composition by way of annexation

ترکیب حقیقی real composition

تزاحم interference

تزکیه purification; purifying; refinement

تزکیه‌ی نفس refinement of the soul; self-purification

تساوق coincidence; concomitance

تسبیح calling upon the holy; glorification; praise; praise of God

تسبیح خدا glorification of God

تسبیح کردن to call the holy; to glorify

تسخیر control; dominion; subjugation; subordination

تسدید finding the right guidance; setting aright

تسلسل endless chain; infinite chain; infinite regress; infinite regression; *regressio ad infinitum*; vicious regress

تسلسل (= توالی) sequence; succession

تسلیم	acceptance; acceptation; submission; surrender
تسلیم اختیاری	voluntary submission
تسلیم الی اللّه	surrender to Allah
تسمیه	denomination; naming
تسنّن	Sunnism
تشابه	(mutual) similarity; conformity; correspondence; likeness; resemblance
تشبّه	becoming similar
تشبیه	affirming similarity; allegory; analogy; comparison; likening; resemblance; similarity; similitude; symbolism
تشخّص	individuality; individualization; individuation; particularity; personification
تشریع	Law-giving; legislation; making law
تشریعی	law-making; legal; legislative; revealed
تشکّل	assuming shape; formation; taking shape
تشکیک	(analogical) gradation; analogicity; equivocation; gradedness
تشکیک خاصّی	particular gradation
تشکیک در صدق	analogically; analogicity
تشکیک عامّی	general gradation
تشکیک وجود	existential gradation; gradation of being
تشکیکی	gradational; graded; hierarchical
تشیّع	Shi'ism
تشیّع امامی	Imami Shi'ism
تصادف	accidence; accident; accidentality; chance; coincidence; hazard

تصدیق acknowledging;
affirmation;
assent;
assertion;
attesting;
bearing testimony;
confirmation;
conviction
تصدیق (≠ تصوّر) judgement
تصدیق اولی primary judgement
تصدیق قلبی
acceptance by the heart;
assent by heart;
spiritual acceptance
تصدیق مطلق absolute verification;
pure verification
تصدیقی assertive;
propositional
تصرّف control;
disposition;
free activity;
free disposal;
intervention
تصفیه catharsis;
purgation
تصمیم decision;
determination;
resolution;
resolving
تصوّر concept;
conception;
conceptualization;
idea;
ideation;
imagination;
notion;
representation
تصوّر خیالی imaginal conception;
imaginative apprehension
تصوّر عقلی rational apprehension;
rational conception
تصوّر کردن to conceive;
to conceptualize;
to imagine
تصوّر و تصدیق
concept and judgement
تصوّرناپذیر inconceivable
تصوّری conceptual
تصوّف Islamic esoterism;
mysticism;
Sufism
تصویر conception;
image
تصویر ذهنی mental image
تضایف correlation
تطبیق application;
conformation;
one-to-one correspondence
تطفّلی secondary
تطوّر evolution;

transformation

تطوّع optional religious practices; voluntary prayer

تطهیر purification

تطهیر قلب purifying the heart

تعادل balance; equipollency

تعاقب sequence; succession

تعالیم اسلامی Islamic teachings

تعالیم توحیدی monotheistic doctrine

تعبّد (external) obedience; obedience; worshiping

تعدّد (نیز ← کثرت) diversity; manyness; multiplicity; plurality

تعدیل ameliorating; modification

تعریف (≠ تنزیه) characterization

تعریف (= حدّ) definition

تعریف (= دانا ساختن) bestowing of Divine knowledge; Divine knowledge giving; God's giving knowledge

تعصّب factional partisanship; fanaticism; prejudice

تعطیل (= نفی صفات) denial of the Divine Attribute(s); denial of the positive nature of God's Attributes; divesting God of His Attribute(s); negation of the Divine Attribute(s)

تعطیل (در شناخت) agnosticism; nescience

تعطیل (در وجود) ineffectiveness; ineffectuality; inoperativeness; non-entity; out of work

تعطیل عقل suppression of reasoning

تعظیم magnifying

تعظیم شعائر magnifying religious waymarks; magnifying the waymarks; revering the waymarks

تعظیم شعائر اللّه magnifying God's waymarks

تعقّل conception reasoning; contemplation; intellection; intellectual thought; reasoning

تعقّلی intellectual

تعلّق attachment;

belonging;
connection;
connexion;
dependence;
dependency

تعلّق تامّ full attachment;
full binding

تعلیقات عالمانه masterly glosses

تعلیقه glosses

تعلیل accounting for;
causation;
explanation;
justification;
rationalization

تعلیم didactics;
instruction;
teaching

تعلیم الاهی Divine instruction;
Divine teaching

تعلیم خفیّ esoteric teaching

تعلیم عقلی intellectual instruction;
rational treatment

تعلیمات ظاهری
external instruction;
external teachings

تعمّق deepening one's thought;
investigation;
pondering;
scrutiny

تعمّل عقلی intellectual labouring;
rational labouring

تعمیم generalization;
universalization

تعیّن determinacy;
determination;
entification;
individuation;
particularity;
specification;
uniqueness

تعیّن روحی
determination of the spirit

تعیّن مثالی determination of the imaginal form

تعیّنات الاهی Divine determinations

تعیّنات روحی
determinations of the spirit;
spiritual determinations

تعیّنات نفسانی
determinations of souls;
psychic determinations

تعیین determination;
specification

تعیین حصّه apportionment

تعیین مراتب designation of ranks;
designation of the levels

تغایر difference;
distinction;
otherness

تغیّر alteration;

change; transformation
تغیّر احوال change of states
تغییر alteration; change; modification
تغییر تدریجی gradual change
تغییر جوهری substantial change; substantial transformation
تغییر دفعی instant change
تغییرپذیر capable of change; changeable
تغییرپذیری changeability
تغییرناپذیر changeless; immutable; unchangeable
تغییرناپذیری invariabilility; unchangeability
تفاوت difference; discrepancy; variation
تفرّد individuation
تفرّق dispersion; disunity
تفرقه causing division; separation
تفرقه‌ی همّت dispersion of will
تفریغ محل freeing the place
تفریق division
تفسیر exegesis; interpretation; interpreting
تفسیر قرآن Quranic commentary
تفصیل (= تفریق) differentiation
ـــ به نحو تفصیل in detailed fashion; in differentiated mode
تفضُّل benevolence; bounteousness; favor; gratuitous bounty
تفضُّل الاهی God's favor
تفقّه religious knowledge
تفکّر meditation; pondering; reflection; thinking; thought
تفکّر عقلی intellectual thought; rational thought
تفکّر فلسفی philosophical thought
تفکّر قیاسی deductive thought
تفکّر کلامی theological thought
تفکّر مذهبی religious thought
تفلسف (= فلسفه‌بافی) philosophization
تفوّق supremacy

تفویض
absolute delegation of power; delegation; empowerment;

entrusting;
libertarianism;
resignation

تفویض امر entrusting the affair

تفویض امر به خدا
leaving judgement to God;
leaving matters in God's Hands

تقابل confrontation;
contrariety

تقدّس holiness;
sanctity

تقدّم antecedence;
anteriority;
being without beginning;
precedence;
priority

تقدّم بالذات ← تقدّم ذاتی

تقدّم بالرّتبه ← تقدم رتبی

تقدّم بالشّرف precedence by nobility

تقدّم بالطّبع ← تقدم طبعی

تقدّم بالعلّیّه ← تقدم علّی

تقدّم در تجوهر
priority in terms of substantiality

تقدّم در علیّت
priority in terms of causality

تقدّم در ماهیّت
priority in terms of quiddity

تقدّم دهری priority at the level of
perpetual duration;
trans-temporal priority

تقدّم ذاتی
priority in (terms of) essence

تقدّم رتبی hierarchic priority;
priority in terms of rank

تقدّم زمانی
priority in terms of time;
temporal anteriority;
temporal priority

تقدّم طبعی natural priority;
priority in terms of nature

تقدّم علّی causal anteriority;
causal priority

تقدّم غیرحقیقی
priority in the metaphorical sense;
unreal priority

تقدّم یافتن to precede

تقدیر decree;
destiny;
determination;
determining;
fate;
general measurement;
ordainment;
ordinance;
predestination;
predetermination;
pre-estimation;
pre-measurement;
preordination

تقدیر ازلی pre-eternal decree

تقدیر الاهی
destiny ordained by God;
Divine decree;
Divine determination;
Divine ordination

تقدیر ربّانی
dominical decree;
lordly predestination

تقدیس
calling holy;
glorification;
sanctification;
veneration

تقرّب
approaching;
coming closer;
nearness;
proximity

تقرّب به خدا
approaching to God;
drawing close to God

تقرّب جستن
to seek nearness

تقریب
approximation

تقسیم
division;
partition

تقسیم حاصر
exhaustive division

تقسیم عقلی
logical division

تقسیم وهمی
imaginary division

تقلید
acceptance of authority;
conformity;
following authority;
imitation;
uncritical acceptance

تقوا
dutifulness;
fear of God;
God-consciousness;
Godfearing;
Godfearingness;
Godwariness;
good conduct;
guarding against evil;
piety;
reverential fear of God

تقوّم
constitution;
subsistence

تقوی القلوب
Godwariness of the hearts

تقیّد
being determined;
delimitation;
determination

تقیّه
concealment;
dissimulation

تقیّه کردن
to conceal beliefs and practice;
to practice dissimulation

تقیید
binding;
delimitation;
determination;
qualification;
specification

تکاثف
condensation

تکافؤ
commensurability;
congruence;
equality;

equivalence;
equivalency;
parity;
symmetry

تکامل evolution

تکاملی evolutionary

تکبّر arrogance;
pride

تکثّر (نیز ← کثرت) multiplication;
multiplicity;
plurality

تکذیب denying;
discrediting

تکرار recursiveness;
repetition

تکرار تجلّی
repetition of self-disclosure;
repetition of theophany

تکرّر repetition

تکفیر (≠ احباط) compensation;
covering

تکفیر (= کافر شمردن) anathemas;
excommunication

تکلّف burdening oneself

تکلّم speaking;
speech

تکلیف charge;
command;
commandment;
duty;
prescription;
responsible obligation

تکلیف الاهی command of Allah

تکلیف کردن to command;
to oblige

تکلیفی obligatory

تکوّن coming to be;
coming to being;
existentiation;
generation;
genesis

تکوین bringing forth;
bringing things into being;
bringing (things) to be;
creating;
creation;
engendering;
formation;
generation;
genesis;
making to be;
production

تکوینی cosmic;
external;
genetic;
ontological

تلازم mutual implication;
necessary concomitance

تلاقی encounter;
meeting

تلائم coherence; coherency; concordance

تلذّذ pleasing oneself

تلفیق synthesis; synthesizing

تلمیذ (≠ شیخ) pupil; student

تلویحات intimations

تماثل analogy; likeness; mutual resemblance; sharing-one-species; similarity

تماس contact; contiguity; interaction

تمام (نیز ← کمال) completeness; completion

تمام العلّة complete cause; sufficient ground

تمام ذات whole of an essence

تمامیّت completeness; entirety; integrity

تمانع mutual exclusion; mutual impeding; mutual opposition; mutual prevention; reciprocal hindering

تمایز differentiation; distinction

تمتّعات اخروی otherworldly enjoyments

تمتّعات دنیوی worldly enjoyments

تمثّل (imaginal) representation; appearing; appearing (in likeness); imaginalization; symbol

تمثیل allegory; analogy; apologue; *argumentum a pari*; assimilation; example; parable; *reasoning a pari*; reasoning by analogy; representation

تمسّک appeal; sticking

تمکّن (= مکان داشتن) localization

تملّک appropriation

تمیّز discrimination; distinction

تمیّزناپذیری indistinguishability

تمییز differentiation; discernment; discrimination;

distinction
تناسب mutual relation; proportionality
تناسخ metempsychosis; reincarnation; transmigration
تناسخیّه reincarnationists; transmigrationists
تناسق (نیز ← تساوق) symmetry
تناظر یک به یک one-to-one correspondence
تناقض contradiction; inconsistency
تناقض داشتن to be contradictory; to contradict
تناقض‌گویی being inconsistent; contradiction; inconsistency; making contradictory statements
تناهی finitude
تنجیم (= علم احکام نجوم) astrology
تنزّل descent
تنزّه incomparability; religious purity; transcendence
تنزیل (≠ تأویل) literal meaning; revelation
تنزیه coordination; declaring incomparability; denial of likeness and similitude; freedom from similitude; purifying; refusal of all attributes of creatures; *remotio*; transcendence; transcendence and otherness
تنوّع specification; variation
تنویع specification
توّاب (خداوند) the Accepter of repentance; the Relenter; the Relenting
توارد occurring together
توارد علل coexistence of independent causes
توازی sharing-one-position
توافق agreement; commensurability; concordance; harmony
توالی consecution; consecutiveness; sequence; succession; uniform succession
توالی تجلّیات succession of theophanies
توان (نیز ← قدرت) capability;

power
توانا capable; powerful
توانایی capacity; power
توبه penitence; repentance
توبه‌ی انابت repentance of return
توبه کردن to repent; to turn repentantly
توبه کننده repentant
توبه‌ی نصوح repentance of a true type; sincere repentance; unswerving repentance
توجّه attentiveness; face-turning
توجّه الاهی Divine attention
توجّه به حقّ directing oneself toward God
توجّه به خدا turning to God
توحید affirmation of Divine Unity; affirmation of God's Unity; declaration of God's Unity; God's Oneness; God's Unity; monotheism; Oneness of God; Oneness of Ultimate Reality; profession of God's Unity; Unicity; unity of God; upholding the unity of the God head
توحید افعالی unification of acts; Unity of the Divine Acts
توحید الاهی Divine Unity
توحید ذات unification of the Divine Essence; Unity of the Divine Essence
توحید ذاتی Oneness of the Divine Essence; Unity of the Divine Essence
توحید صفات Unity of the Divine attributes
توحید واجب Oneness of the Necessary Being; Unity of the Necessary Being
توحیدی monotheistic; unitary
تورات the Torah
توسّط intermediary stage; intervention; mediation; moderation
توسّطیّه (حرکت) mediating
توسّل جستن to solicit
توصیف attribution; description; qualification
توصیفی descriptive
توضیح explanation
توفیق Divine assistance;

efficient grace;
gift of God;
prosperity;
succour

توفیق (= سازش) accommodation;
compromise;
reconciliation

توفیق الاهی Divine succour

توفیق دادن to make successful

توفیق ربّانی Divine grace;
lordly succour

توفیق یزدانی Divine aid;
Divine succour

توقّف (= خودداری از اظهار نظر)
deferment of judgement;
reserving one's judgement

توقّف (= وابستگی) dependence

توقیفی on instruction

توقیفی بودن اسماء
conditionality of the Names

توکّل complete reliance on God;
confidence in God;
handing in everything to God;
resignation to God;
total reliance on God;
trust

تولّد generation;
necessary consequence

تولّی (≠ تبرّی) association;
friendship

تولیت guardianship;
rulership

تولید generation;
production

توهّم ambiguity;
apprehension;
confusion;
conjecture;
delusion;
fancy;
fantasy;
illusion;
misconception

توهّم (= ظنّ) suspicion

توهّم کردن to imagine

تهافت incoherence;
inconsistency

تهذیب correction;
cultivation;
purification;
refinement;
refining

تهذیب اخلاق
correction of disposition;
refinement of character traits

تهذیب نفس
purification of the carnal soul;
self-discipline

تهلیل praising Allah by saying:
"There is no god but Allah"

تُهی empty;
void

ث

ثابت	constant;
	fixed;
	immutable;
	invariable;
	permanent;
	proven;
	remnant;
	stable;
	static;
	subsistent
ثابت کردن	to affirm;
	to demonstrate;
	to prove
ثابت العین	self-subsistent
ثابتات ازلیّه	pre-eternal subsistents
ثامسطیوس	Themistius
ثانوی	secondary
ثانیاً و بالعَرَض	secondarily and accidentally

ثبات	constancy;
	durability;
	firmness;
	fixation;
	fixity;
	immutability;
	permanence;
	persistence;
	stability;
	steadfastness
ثبوت	(ontic) affirmation;
	affirmation;
	being;
	existence;
	fixity;
	permanence;
	positive reality;
	realization;
	subsistence

ثبوتی affirmative; positive

ثقل heaviness; weight

ثقلان (= جنّ و انس) two weighty ones

ثناء acclaim; eulogizing; laudation; praise; praising

ثنوی dualist

ثنویّت dualism; dualist worldview;

duality

ثنویّت کیهانی cosmic dualism

ثنویّه dualism; dualists

ثواب merit; recompense; reward

ثواب دادن to bestow the reward; to compensate; to reward

ثواب کردن to accomplish meritorious acts

ثوابت fixed planets; fixed stars

ج

جاذبه attracting; attraction

جارودیّه Djarudites

جازم decisive

جاعل creator; generator; instaurer; maker

جاعل (خداوند) the Appointer; the Instaurer; the Maker

جاعلیّت being creator; instauration

جامع bringing together; complete; comprehensive; comprising

جامع (خداوند) the Gatherer

جامع بودن to be comprehensive; to embrace

جامع و مانع (تعریف) inclusive and exclusive

جامع المعارف encyclopedist

جامعیّت all-comprehensiveness

جان human soul; soul; spirit

جانشین (نیز ← خلیفه) deputy; descendant; successor; vicegerent

جاودان eternal; everlasting; immortal;

lasting
جاودانگی eternity; immortality; perpetuity
جاودانه abiding; eternal; everlasting; immortal
جاویدان خرد perennial philosophy; *philosophia perennis*; *sophia perennis*
جاهل *ignoramus*; ignorant
جاهلیّت age of ignorance; days of ignorance; pre-Islamic period; pre-Islamic state; state of ignorance; time of ignorance
جائز (= ممکن) contingent; possible
جائز الوجود contingent; potentially existent
جبّار (خداوند) the All-Dominating; the All-Powerful; the Almighty; the Awful; the Compelling; the Overbearing; the Overpowering Sovereign; the Sovereign
جبر absolute determination; absolute predestination; compulsion; determination; determinism; fatalism; predestination; predetermination
جبر (= اجبار) coercion; compulsion; constraint
جبر (علم) algebra
جبر خارجی external compulsion
جبر محض pure determinism
جبر مطلق absolute determinism
جبر و اختیار predestination and free will; predetermination and free will
جبرانگاری determinism; fatalism
جبرگرا determinist
جبرگرایی determinism
جبروت archangelic world;

dominion;
invincibility;
omnipotence;
sovereignty;
sphere of Divine power;
world of pure intellects

جبری determined;
deterministic

جبری (= اجباری) coercive;
involuntary

جبری مذهب determinist;
fatalist;
predestinarian

جبریل ← جبرئیل

جبرئیل Gabriel

جبریّه Compulsionists;
Determinists;
Fatalists

جبلّت constitution

جُبن cowardice

جحد (= انکار) denial;
refusal;
repudiation

جحیم ← دوزخ

جدایی ← انفصال

جدل controversy;
dialectic argument;
dialectics;
polemic;
polemics

جدلی (= اهل جدل) controversialist;
dialectician

جدلی (وصف) dialectical;
polemical

جِدّه (= مقوله‌ی ملک)
category of state;
position;
possession

جدید الاسلام (= تازه‌مسلمان)
having just become Muslim

جذب (≠ دفع) attracting;
attraction;
drawing

جذبه Divine attraction;
ecstasy;
trance

جذبه‌ی عرفانی
gnostic Divine attraction

جِرم mass

جِرم آسمانی celestial body;
heavenly body

جِرم (نیز ← جسم) body

جِرم سماوی ← جِرم آسمانی

جِرم مستدیر circular body

جزء atom;
component;
constituent;
element;
part;
particle;
portion;
quantum;
unit
جزء حدّی element of a definition
جزء حملی predicative element
جزء خارجی concrete part;
external part
جزء ذات essential part;
part of the essence
جزء عقلی conceptual part;
intellectual part;
rational part
جزء عینی concrete part;
objective part
جزء کمّی quantitative part
جزء لا یتجزّا atom;
indivisible part
جزء مقداری measurable part;
part pertaining to magnitude;
quantitative part
جزء العلّه partial cause;
partial ground;
part of the cause;
part of the ground
جزئی individual;
partial;
particular;
specific
جزئیّت individuation;
particularity
جزا penalty;
punishment;
recompense;
requital;
reward;
sanction
جزاف vain action
جزم confirmation;
decision;
determination
جزمی assertorical;
certain;
definite;
dogmatic
جسد body;
corporeous body;
corpse;
flesh

جسم	body;
	corporeal being;
	corporeal body;
	object;
	physical object
جسم بسیط	simple body
جسم تعلیمی (= حجم)	
	mathematical body
جسم خیالی	imaginal body
جسم طبیعی	natural body;
	physical body
جسم عنصری	body composed of
	the four elements;
	elemental body
جسم فَلَکی	celestial body;
	heavenly body
جسم کثیف	dens body
جسم کلّی	Universal Body
جسم لطیف	intangible body;
	subtle body
جسم متّصل	joined body
جسم منفصل	disjoined body;
	separate body
جسمانی	corporeal;
	material;
	physical
جسمانیّت	corporeality;

	physicality
جسمیّت	corporeality
جعل	cause upon the caused;
	convention;
	creation;
	effect of a cause;
	effect of the agent;
	generating;
	instauration;
	making;
	production
جعل بسیط	simple creation;
	simple instauration;
	simple making
جعل تألیفی	composite instauration;
	composite making
جعل مرکّب	composite instauration;
	composite making
جفر	gamatria;
	science of numerical symbolism
	of letters
جلال	glory;
	greatness;
	magnificence;
	majesty;
	Majesty (of God);
	splendour;

sublimity

جلال الاهی Divine Majesty; Divine Splendour

جلال خدا Majesty of God; Rigour of God

جلالت magnificence; majesty

جلوه manifestation; theophany

جلیّ (خداوند) the Disclosed

جلیل glorious; majestic; sublime

جلیل (خداوند) the Majestic

جماد inanimate being; inanimate thing; inorganic; mineral; solid

جمادات minerals

جمال beauty; elegance

جمال الاهی Divine Beauty

جمال حقّ Beauty of the Divine Truth

جمع gnostic synthesis; inclusion

جمع اضداد coincidence of opposites; *coincidentia oppositorum*

جمع بین نقیضین coincidence of two contradictories

جمع و تفرقه union and separation

جمیل (خداوند) the Beautiful

جنّ demon; genie; jinn

جنّت Garden; Heaven; Paradise

جنّت اعمال Garden of Deeds

جنّت حقّ Garden of the Real

جنّت خلد Garden of Eternity; Garden of immortality

جنّت عدن Garden of Eden

جنّت فردوس Garden of Paradise

جنّت محسوس sensible Garden

جنّت معقول intelligible Garden

جنّت معنوی spiritual Garden

جنّت میراث Garden of Inheritance

جنّت نعیم Garden of bliss; Garden of delight

جنس genus

جنس عالی supreme genus

جواب حلّی	constructive answer
جواب نقضی	counter-argument; destructive answer
جواد	bounteous; generous
جواد (خداوند)	the Generous; the Munificent
جوارح	limbs; organs
جوارحی	transitive action
جواز (= امکان)	contingency; possibility
جوانح	heart
جواهر ← جوهر	
جود	bounty; generosity; munificence
جور	injustice; tyranny
جوهر (≠ عرض)	substance
جوهر اوّلی	first substance; primary substance; substance *prima*; *substantia prima*
جوهر بسیط	simple substance
جوهر ثالث	tertiary substance
جوهر ثانی	secondary substance
جوهر جسمانی	bodily substance; corporeal substance; substance of body
جوهر جنسی	generic substance
جوهر خارجی	external substance
جوهر ذهنی	mental substance
جوهر روحانی	spiritual substance
جوهر صوری	formal substance
جوهر عالی	supreme substance
جوهر عقلی	intellectual substance; intelligible substance
جوهر عِلوی	superior substance
جوهر غیرمادّی جوهر غیرجسمانی	immaterial essence incorporeal substance
جوهر غیرمادی	immaterial substance
جوهر فاسد	corruptible substance
جوهر فرد	atom; corpuscle; *individum corpus*; indivisible part; indivisible unit; monad; solitary substance
جوهر فردی	individual substance
جوهر مادی	material substance
جوهر مبهم	obscure substance

جوهر متحیّز spatial substance

جوهر مجرّد immaterial substance; nonmaterial substance

جوهر مجرّد عقلی non-material substance relating to the intellect

جوهر مجرّد نفسی non-material substance relating to the soul

جوهر مرکّب complex substance; compound substance

جوهر مفارق (= جوهر مجرّد) immaterial substance; separated substance; separate substance

جوهر نخستین *substantia prima*

جوهر نورانی luminous substance

جوهر نوعی specific substance; substance pertaining to species

جوهر هیولانی (= مادّه‌ی اولی) *materia prima*; material substance

جوهری substantial

جوهریّت being-substance; substantiality

جهات عقلیّه rational modes

جهات قضایا (≠ موادّ قضایا) modalities of judgements; modalities of propositions

جهاد fighting in the path of God; holy warfare; religious struggle; religious war; religious warfare

جهالت ignorance; nescience

جهان cosmos; universe; world

جهان ابدی eternal world

جهان باطن esoteric world; inner world; inward world

جهان مادّی material world

جهان هستی world of being

جهان‌شناسی cosmology

جهت direction; mode

جهتِ اشتراک common factor

جهتِ افتراق distinguishing factor

جهل ignorance; nescience

جهل بسیط simple ignorance

جهل مرکّب accumulated ignorance; composite ignorance;

Hell;
Inferno
Jews جهود

compound ignorance
the Fire; جهنّم
Gehenna;

چ

چرایی why-ness

چشایی (= ذائقه) taste

چگونگی ← کیف

چندی ← کم

چندی پیوسته ← کم متّصل

چونی ← کیف

چهارده معصوم (ع)
fourteen Ifallible Ones;

چهارده معصوم
fourteen Inerrant Ones;
fourteen Pure Ones

چهره‌ی مُلکی external face

چه‌گاهی ← متی

چیز (نیز ← شیء) entity;
thing

چیستی ← ماهیّت

ح

حاجت	indigence; need; want
حاجت ذاتی	essential requirement
حادث	contingent; created thing; nascent; newly arrived; originated; phenomenon; phenomenonal; temporal; temporal object; temporary
حادث اسمی	originated-as-a-name
حادث زمانی	created in time; produced in time; temporally generated; temporally produced; temporal occurrence
حاسب (خداوند)	the Reckoner
حاسّه	sensation; sense; sensible power; sensitive
حاصر (تقسیم)	exhaustive
حاصل شدن (نیز ← حصول)	to be attained; to be realized
حاضر (خداوند)	the Omnipresent; the Present
حافظ (خداوند)	the Guardian; the Preserver
حافظه	memory

حاکم governor; ruler

حاکم (خداوند) the Conditioner; the Dominant; the Judge; the Ruler

حاکمیّت الاهی Divine sovereignty

حال a transitory mental state; attribute; circumstance; condition; disposition; form; mode; mystic state; quality; situation; state

حال کشف و شهود state of internal unveiling and contemplation

حالّ dwelling; indweller; inherent; inhering

حالت case; condition; mode; state

حامل bearer; substratum; sustainer

حامل صورت receptacle

حاوی (= محیط) container; containing

حاوی (=محیط) container; containing

حُبّ affection; love

حبّ الاهی Divine love

حبّ دنیا love of the world; love of worldly things

حبّ ذات self-love

حبّ نفس love of the carnal soul; self-love

حبط اعمال cancellation of one's deeds

حبل ورید jugular vein

حبیب (خداوند) the Beloved; the Friend

حبیب اللّه beloved of God; friend of God; lover of God

حتمی certain; unfailing

حجّ	pilgrimage (to Mecca)
حجاب	veil
ـــ از ورای حجاب	from behind the veil
حجّت	argument; authority; proof
حجّت خدا	God's authority; God's proof; proof of God
حجّت عقلی	intellectual proof; rational proof
حجّت قاطع	decisive argument; decisive proof
حجّة اللّه ← حجّت خدا	
حَجّة الوداع	farewell pilgrimage; the last pilgrimage
حجم	volume
حجیّت	authenticity; authority
حدّ	bound; limit
حدّ اصغر	minor term
حدّ اعتدال	equilibrium
حدّ اکبر	major term
حدّ ذات	essential boundary
حدّ مشترک	common boundary
حدّ معنوی	intelligible definition
حدّ وسط	middle term
حدس	conjecture; intuition
حدسی	conjectural; intuitional
حدسیّات	*cognitio intuitiva*; intuitive propositions
حدوث	coming into being; contingency; createdness; creation; happening; new arrival; non-eternity; originatedness; origination; temporality
حدوث اضافی	relative coming into being
حدوث حقیقی	real coming into being
حدوث دهری	coming-into-being through perpetual duration; eternal creation
حدوث ذاتی	essential coming-into-being;

essential origination

حدوث زمانی appearance in time; coming into existence in time; creation in time; temporal coming-into-being; temporal creation; temporal origination

حدوث و قِدَم the temporal and the eternal; temporality and the eternity

حدود bounds; fixed prototypes; limits

حدود الاهی Divine limits

حدود ذاتی essential limits

حدیث *hadith*; prophetic saying; tradition; traditions

جدید الاسلام (= تازه‌مسلمان) having just become Muslim; new Muslim

حدیث قدسی sacred locution; sacred saying; sacred tradition

حدیث نفس psychic conversation; talking to oneself

حرام juridically forbidden; prohibited; unlawful

حرَج straitness

حرص eager desire; greed

حرفی (= ربطی) copulative

حرکت change; motion; move; movement

حرکت ارادی voluntary motion; voluntary movement

حرکت ازلی eternal motion

حرکت بالعَرَض accidental movement

حرکت توسطی mediating movement

حرکت جوهری change in substance; inquietude of existence; substantial motion; trans-existentiation; transubstantial motion; transubstantiation

حرکت دائمی continuous movement; perpetual motion

حرکت دوری circular motion; circular movement

حرکت سماوی celestial motion;

celestial movement

حرکت شوقی
movement of ardent desire

حرکت طبیعی
natural motion;
natural movement

حرکت عَرَضی
accidental motion;
accidental movement

حرکت قسری
coercive movement;
compulsive motion;
constraining movement

حرکت قطعی
cutting movement;
traversing movement

حرکت کمّی
quantitative change;
quantitative movement

حرکت کیفی
qualitative change;
qualitative movement

حرکت مداری
orbital motion;
orbital movement

حرکت مستدیر ← حرکت دوری

حرکت مطلق
absolute movement

حرکت مکانی
locomotion;
movement in place

حرکت نخستین
primary movement;
prime motion

حرکت و سکون
motion and rest

حرکت وضعی
motion in setting;
positional movement

حَرَم
sacred precinct;
shrine

حرمت (= تکریم)
respect;
reverence

حرمت (= حرام بودن)
forbiddance;
prohibition

حُزن
grief;
sadness

حسّ باطن
internal sensation;
internal sense

حسّ باطنی ← حسّ باطن

حسّ بساوی (= لامسه)
sense of touch

حسّ بویایی (= شامّه)
olfaction;
olfactory sense;
sense of smell

حسّ بینایی (= باصره)
sense of sight

حسّ درونی ← حسّ باطن

حسّ شنوایی (= سامعه)
sense of hearing

حسّ ظاهر
external sense

حسّ ظاهری ← حسّ ظاهر

حسّ لامسه
sense of touch

حسّ مشترک
common sense;
sensus communis

حسّ
sensation;
sense

حساب account; reckoning

حساب (علم) arithmetic

حسّاس sensible; sensitive; sentient

حسّاسیّت sensibility; sensitivity

حسرت regret

حَسَن fair; fine; good; honourable; praiseworthy

حُسن beauty; comeliness; fineness; goodness; virtue

حُسن تدبیر sagacity

حُسن ذاتی (≠ حُسن زائد) essential beauty; essential virtue; intrinsic goodness

حُسن و قبح the beautiful and the ugly; good and evil; goodness and badness

حَسَنات ← حَسَنَه

حسنه beautiful act; beautiful act; praiseworthy act

حسّی empirical; sensible; sensory; sensual

حسّیّات sense-data; sensible objects

حسیب (خداوند) the Reckoner

حشر assemble; assembly; doomsday; gathering; mustering; resurrection

حصول actuality; actualization; realization

حصولی (علم) acquired; discursive; representational

حِصّه part; portion; share

حِصّه‌ی وجود portion of existence; share of being

حضور presence

حضور الاهی Divine Presence

حضور خداوند Divine Presence; Presence of God

حضور عینی concrete presence; objective presence; presence by identity

حضور قلب cordial presence; presence of consciousness; presence of the heart

ـــ با حضور قلب with cordial presence

حضوری (علم) innate; intuitive; presential

حضیض (≠ اوج) low point; perigee

حظّ (= سهم) share

حظّ (نیز ← لذّت) pleasure

حفظ conservation; protection; retention

حفظ امانت guarding trust; preserving trust

حفیظ (خداوند) the Guardian; the Sustainer

حقّ correct; due; real; realized; right; rightful due; true; truly real; truth

حقّ (= حقیقت) truth

حقّ (خداوند) the Divinity; God; the *Ḥaqq*; the Real; the Real One; the True; the Truth

حقّ الیقین knowledge by personal experience; perfect faith; real certitude; reality of certitude

حقّ تعالی ← حقّ (خداوند)

حقّ محض pure truth

حقّ مطلق absolute truth

حقّانیّت legitimacy;

rightfulness;
truth

حقایق ← حقیقت

حقایق برزخی intermediate objects; purgatorial realities

حقایق جوهری substantial realities

حقایق ربّانی Lordly realities

حقایق مثالی imaginal realities

حقّه legitimate; rightful

حقیقت esoteric true reality; essence; nature; reality; real nature; true nature; true reality; true significance; truth

ـــ بالحقیقه literally

حقیقت ایمان truth of faith

حقیقت حقایق reality of realities; truth of truths; unique and universal self

حقیقت دنیا reality of the world

حقیقت عرفانی gnostic reality; gnostic truth

حقیقت عنصریّه elemental reality

حقیقت غایی ultimate reality; ultimate truth

حقیقت کلّیّه universal reality; universal truth

حقیقت لا یزال eternal reality; eternal truth

حقیقت مثالی imaginal reality; imaginal truth

حقیقت معقوله intelligible reality; intelligible truth

حقیقت واحده unique reality; unique truth

حقیقت وجود reality of being; reality of existence

حقیقة الحقایق Reality of the realities

حقیقی actual; genuine; real; true; veritable

حکایت (= حاکی بودن) designation; imitation; indication; presentation

حکایت (= گزارش) recounting

حَکَم arbitrator

حَکَم (خداوند) the Arbitrator; the Judge

حُکم attribution; command; decision; decree; doom; injunction; judgement; maxim; order; predication; prescription; proposition

حُکم ازلی God's pre-eternal decree; pre-eternal decree; pre-eternal dictate

حُکم الاهی Divine decree; Divine judgement

حُکم اللّه decree of God; God's judgement

حکم اللّه ← حکم الاهی

حُکم ایجابی affirmative judgement; cataphatic judgement

حُکم بسیط simple judgement

حُکم ثابت permanent judgement

حُکم سلبی apophatic judgement; negative judgement

حُکم شرع commandment of the Law; decree of the Law

حُکم شرعی legal injunction

حُکم ضروری necessary judgement

حُکم ظاهر outer judgement; outward decree

حُکم عقل judgement of reason; judgement of the intellect; judgement of the intelligence

حُکم عقلی intellectual judgement; rational judgement

حُکم کردن to decide; to judge

حُکم وحی judgement of revelation

حکمای فُرس Persian sages; sages of Persia

حکمای مشّاء ← مشّائیان

حکمت reason; wisdom

حکمت (= فلسفه) philosophy

حکمت (= فلسفه‌ی الاهی) *theosophia*; theosophy

حکمت (= مابعدالطبیعه) metaphysics

حکمت اخلاقی moral philosophy

حکمت اشراق illuminationism; illuminationist philosophy; illuminationist theosophy; illuminative philosophy; illuminative wisdom; illuminism; Oriental philosophy; Oriental theosophy; Oriental Wisdom; theosophy of Light; theosophy of the Orient of light

حکمت الاهی Divine wisdom; theosophy

حکمت بالغه mature wisdom

حکمت توحیدی Unitary wisdom

حکمت حقیقی true wisdom

حکمت خالده perennial philosophy; *philosophia perennis*; *Sophia Aeterna*; *Sophia perennis*

حکمت خدا God's wisdom

حکمت خداوندی Divine wisdom

حکمت ربوبی Lordly wisdom

حکمت رسمی formalist philosophy; official wisdom

حکمت عملی *phronesis*; practical reason; practical wisdom

حکمت متعالیه transcendent philosophy; transcendent theosophy; transcendent wisdom

حکمت مشّاء Aristotelianism; Aristotelian philosophy; Peripatetic philosophy; Peripatetics

حکمت نظری speculative philosophy; theoretical science; theoretical wisdom

حَکَمیّت arbitration

حکومت governance; government; rule

حکومت اشراف aristocracy

حکومت الاهی theocracy

حکومت خواصّ oligarchy

حکومت دینی theocracy

حکومت عامّه democracy

حکومت مردم democracy

حکیم philosopher; sage; wise

حکیم (خداوند) the All-Wise;

the Wise	
emanationist; illuminationist	حکیم اشراقی
theologian; theosopher; theosophist	حکیم الاهی
practically wise man	حکیم عملی
theoretically wise man	حکیم نظری
dissolution	حلّ
allowed; lawful; permissible; permitted	حلال
dwelling; immanence; incarnation; incarnationism; indwelling; inherence	حلول
incarnationists	حلولیّه
the Clement; the Gentle	حلیم (خداوند)
praise	حمد
predication	حمل
carrying the trust	حمل امانت
primary and essential predication	حمل اوّلی ذاتی
common technical predication	حمل شایع صناعی
	حمل متعارف ← حمل شایع صناعی
Bearers of the Throne	حَمَلَه‌ی عرش
Carriers of the Koran	حَمَلَه‌ی قرآن
the Laudable; the Praiseworthy	حمید (خداوند)
Hanbalites	حنابله
the Compassionate	حنّان (خداوند)
Hanbalite	حنبلی
	حنفاء ← حنیف
Hanifite	حنفی
Hanifites	حنفیّه
monotheist; one with primordial faith; primordialist	حنیف
Eve	حوّا
created things; events; incidents; phenomena; temporal events; temporal objects	حوادث
apostle; companion; disciple	حواری
five senses	حواسّ پنج‌گانه

حواسّ جسمانی	corporeal senses
حوری	houri; nymph
حوض	basin
حیّ (خداوند)	the Alive; the Eternally Living; the Ever-Living; the Life; the Living; the Living One
حیات	life; liveliness
حیات آخرت	afterlife; life beyond
حیات ابدی	eternal life; immortal life
حیات جاوید	eternal life
حیات دنیا	lower life; terrestrial life; worldly life
حیات عاجل	hasty life
حیات عرفانی	gnostic life; mystical life
حیات فانی	mortal life; transient life
حیات قلب	life of the heart
حیات معنوی	spiritual life
حیث (مکان)	locus; place
حیثیّت	aspect; facet; modality; mode; *qua*; qualification
حیثیّت تعلیلیّه	causative mode
حیثیّت تقییدیّه	conditional mode; determining factor
حیران	bewildered
حیرت	bewilderment; hesitation
حیّز (نیز ← مکان)	area; locus; place; slot; space; spatiality; surface
حین	portion of time

خ

خاتم النبیّین (ص) the last of the prophets; Seal of the Prophets

خاتم انبیاء (ص) the last of the prophets; Seal of the Prophets

خاتم اولیاء Seal of the Friends; Seal of the Saints

خاتم پیامبران ← خاتم انبیاء (ص)

خارج external; external world

خارج محمول (عرَضی) a predicate extracted from the subject itself; predicate extracted from its very subject

خارجی concrete; external; objective; outer; outward

خارجیّت concreteness; externality; outwardness

خارق العاده abnormal; contrary to nature; extra-ordinary; fantastic; marvelous; miraculous; supernatural

خاستگاه origin

خاصّ certain; individual; particular;

خافض (خداوند)	the Abaser; He-Who-Puts-Down
خاک (از عناصر اربعه)	clay; dust; earth
خالص	pure; sheer
خالق	creator; originator
خالق (خداوند)	the Creating; the Creator
خالقیّت	being the creator; creativeness
خاندان پیامبر	Family of the Prophet; Household of the Prophet
خاندان رسالت	Household of the Messenger
خائوس	chaos
خبر	attribute; predicate; proposition
خبر (= حدیث)	tradition
خبری	predicative
خبیث	evil
خبیر (خداوند)	the Aware; the Informed
ختم نبوّت	seal of prophecy

	proper; specific
خاصّ و عامّ	noble and common
خاصّگان حقّ	the chosen of God
خاصیّت	characteristic; particularity; peculiarity; property
خاضع	humble
خاطر (نیز ← خواطر)	arriving thought; incoming thought; passing thought
خاطر الاهی	coming from the Divine; Divine incoming thought
خاطر ربّانی	coming from the Lord; Lordly incoming thought
خاطر شیطانی	satanic incoming thought; satanic thought
خاطر مَلَکی	angelic incoming thought; angelic thought
خاطر نفسانی	ego-centric thought; passing thought of the self; selfish passing thought

ختم ولایت seal of saintship

خدا Allah;
Deity;
God

خدا را خواندن beseeching God;
calling upon God

خداترسی (نیز ← تقوا) Godfearing

خداشناسی theology

خداگونه Godlike

خدامحوری theocentric

خداوند تعالی God the Exalted

خرافه superstition

خرد (نیز ← عقل) intellect;
reason;
wisdom

خرق (≠ التیام) breaking;
tearing

خرق عادت breaking the habit;
habit-breaking;
miracle

خزانه exchequer;
storehouse;
treasure;
treasury

خزانه‌ی خیال storehouse of imagination;
treasury of imagination

خزائن treasuries

خزائن غیب
treasures of the Unseen;
treasures of the Unseen
Generosity

خشم الاهی Divine wrath

خشوع humility;
submissiveness

خشیت awe

خصال ← خصلت

خصال پسندیده
praiseworthy character traits

خصال ناپسند
reprehensible characteristics

خصلت characteristic;
quality

خصوصیّت characteristic;
feature;
particularization;
peculiarity;
specification;
specificity

خصیصه ← خصوصیت

خضر *Khiḍr*;
Khaḍir

خضوع modesty

خطّ line

خط تعلیمی	mathematical line
خطا	error;
	falsehood;
	fault;
	flaw;
	going astray;
	mistake;
	wrong
خطاب الاهی	Divine address
خطابه	assertion;
	conference;
	oration;
	rhetoric
خطابی	rhetorician
خطاکار	sinner
خطبة الوداع	Farewell Oration;
	Farewell Speech
خطیب	orator;
	rhetorician
خطیئه	delinquency;
	fault;
	offense;
	sin
خفا (≠ ظهور)	absence;
	hiddenness
خفیّ	occult;
	secret
خفیّ (خداوند)	the Hidden;
	the Occult
خفیف (≠ ثقیل)	light
خلاص (= نجات)	salvation
خلاف	opposition
خلاف عقل	absurd;
	irrational
خلاف وجدان	counter intuitive
خلافت	caliphate;
	Islamic state;
	vicegerency
خلافت الاهی	Divine Vicegerence;
	Divine Vicegerency;
	Vicegerency of God
خلافت کبریٰ	great vicegerency;
	loftiest vicegerency
خلّاق	creative;
	ever-creating
خلّاق (خداوند)	the Creator;
	the Ever-Creating
خلّاقیّت نفس	creativity of the soul
خلایق	creatures
خُلّت	amity;
	sincere friendship
خُلد	everlastingness;
	immortality;
	perpetuity

خلسه ecstasy; trance

خلسه‌ی عرفانی mystic trance

خَلط confusion

خلأ (≠ ملأ) emptiness; vacuum; void

خلأ نامتناهی infinite void

خُلف (نیز ← برهان خلف) absurd; *ad absurdum*; self-contradiction

خلفاء راشدین orthodox caliphs; rightly-guided caliphs

خَلق (= آفرینش) act of creation; creation; origination; spontaneous generation

خَلق (= مخلوقات) creatures; universe; world

خَلق از عدم *creatio ex nihilo*; creation from nothingness; creation out of nothing

خَلق تقدیری created by predetermination; predetermined creation

خَلق تکوینی cosmic creation

خَلق جدید ever-renewed creation; new creation; recurrent creation

خَلق دائم permanent creation

خُلُق عظیم sublime character; sublime disposition

خُلق character; character trait; disposition; natural disposition; temper

خُلق (= خو) temperament

خُلق حَسَن good character; good disposition; virtuous quality

خُلق کریم generous disposition

خُلق مذموم blameworthy character

خُلق نیکو good disposition; virtue disposition

خلقت creation

خُلقی (= اخلاقی) moral

خَلقی (= فطری) congenital

خُلقیّات ethos

خلوت spiritual retreat

خلود abiding existence; eternal life; eternity;

everlastingness;
immortality

خلوص limpidity;
purity;
sincerity

خلیفة الرسول
successor of the Messenger;
vicegerent of the Messenger

خلیفة اللّه God's vicegerent;
vicegerent of God

خلیفه caliph;
deputy;
successor;
vicegerent;
viceroy

خلیفه‌ی الاهی Divine vicegerent;
vicegerent of the Divine

خلیل اللّه beloved friend of God;
friend of Allah;
intimate friend of God

خوارج *Kharijites*

خواست (نیز ← اراده) will

خواست خدا Divine will;
Will of God

خواصّ (= خصوصیّت‌ها)
characteristics;
particularities;
properties;
specifics

خواصّ (≠ عوام) the elect;
the elite;
special confidant(s)

خواطر fancies;
ideas that suddenly come into one's heart;
ideas that suddenly come into one's mind;
incoming thoughts;
passing thoughts;
promptings;
random thoughts;
stray thoughts

خواطر شیطانی
satanic incoming thoughts

خواطر مَلَکی
angelic incoming thoughts

خواطر نفسانی ego-centric thoughts;
passing thoughts of the self;
selfish passing thoughts

خواهش نفس selfish appetite

خوب (نیز ← حَسَن) good

خوبی (نیز ← حُسن) good work

خود ego;
self

خودآگاهی	consciousness; self-awareness; self-consciousness
خودانگیخته	spontaneous
خودستیز	self-contradictory
خودسرانه	arbitrary
خودشناسی	self-knowledge
خودمختار	autonomous
خودمختاری اراده	autonomy of will
خوشبختی	happiness
خوشبختی (نیز ← سعادت)	felicity; happiness
خوف	fear
خوف مرگ	fear of death
خوی	character
خیال باطل	vain fancy
خیال	fancy; fantasy; image; imaginal faculty; imagination; thought
خیال متّصل	conjoined Imagination; conjunctive Imagination; contiguous Imagination; microcosmic world of imagination
خیال مصوَّر	configured Imagination
خیال منفصل	discontiguous Imagination; discontinuous Imagination; disjunctive imagination; macrocosmic world of imagination; separated Imagination
خیالی	fancied; fantastic; imaginal; imaginary
خیر (خداوند)	the Good; the Goodness
خیر	good; goodness; interest
خیر (خداوند)	the Good; the Goodness
خیر اضافی ← خیر نسبی	
خیر اعلیٰ	the highest good; *summum bonum*; supreme goodness
خیر بالقوّه	good in potency; potential good
خیر کثیر	great good; multiple good
خیر محض	absolute good;

pure good;	
sheer good;	
sheer goodness	
absolute good;	خیر مطلق
absolute goodness;	
the highest good;	
pure good;	
supreme good	
relative good	خیر نسبی

benevolent	خیرخواه
goods	خیرات
	خیر الماکرین (خداوند)
the Best of the deceivers	
benevolent	خیرخواه
	خیرخواه (خداوند)
the Omnibenevolent	
benevolence	خیرخواهی
goodness	خیریّت

د

دار آخرت	the last abode
دار الاسلام	Abode of Islam; House of Islam; Muslim countries; Muslim lands; territory of Islam; territory of the Islamic state
دار الايمان	abode of faith; territory of faith
دار البَقاء	abode of subsistence
دار الخلافه	capital
دار السلام	Abode of Peace
دار الغرور	house of vanity
دار القرار	Abode of Permanence
دار القَسر	abode of obstruction
دار الكفر	abode of infidelity; territory of unbelief
دار المُقامه	house of permanence
دار الهجره	abode of emigration
دار بقاء (= آخرت)	abode of subsistence; abode of the abiding
دار تكليف	abode of obligation
دار دنيا	abode of the world; the closest abode; this world
دار رضوان	abode of good pleasure; paradise
دار سعادت	abode of felicity; abode of happiness
دار غرور (= دنيا)	abode of pride
دار فانی (= دنيا)	impermanent world; transient world
دار فناء (= دنيا)	impermanent world;

transient world

داستان تمثیلی allegory; symbolic narrative

داستان رمزی allegory; symbolic narrative

داعی (= انگیزه) impulse; impulsion; motive; prompting

دافع expulsive

دافعه pushing; repulsion

دانا conscious; knowledgeable; wise

دانش (نیز ← علم) knowledge; science

دانشمند (نیز ← عالم) scientist

داوری (نیز ← حُکم) judgement

داوود David

دایره‌ی وجود circle of existence; circle of *wujûd*

دائم eternal; permanent; sempiternal

دائم (خداوند) the Everlasting; the Lasting

دائم التجدُّد ever-new

دائمی eternal; permanent

دجّال anti-Christ

درجات ascending degrees; degrees

درجه degree; rank; stage

درد pain

درست true; valid

درستی correctness; truthfulness

درک appreciation; apprehension; cognition; comprehension; consciousness; perception

درک عقلی intellectual perception; rational perception

درک کردن to apprehend; to comprehend; to fathom; to grasp; to know

درک معنوی
spiritual comprehension; spiritual understanding
درک نفس self-realization; understanding of the soul
دَرَکات descending degrees; layers
درگاه الاهی Divine Portal; Divine Threshold
دروزیّه Druzes
درون‌گرایی introversion; introvertive journey of ascent
درون‌نگری introspection
درونی built-in; esoteric; immanent; inborn; inner; internal
دعا individual prayer; non-canonical prayer; petition; prayer; supplication
دعاکننده supplicator
دعوت invitation
دعوت (= تبلیغ) mission; missionary
دعوت اسلامی Islamic call
دعوت به حقّ تعالیٰ calling to God; call unto God
دعوت پیامبر prophetic call
دعویٰ claim; thesis
دفع repellence; repellency; repulsion
دفع ضرر avoidance of detriment; repulsion of harm
دفعتاً all at once; all of a sudden; instantaneously
دفعی instantaneous; sudden
دقّت exactness; precision
دقیق exact; precise
دگرگونی alteration; transmutation
دل heart
دلالت denotation; signification
دلالت کردن to denote;

to indicate; to signify

دلیل argument; evidence; ground; proof; reason

دلیل (= شاهد) evidence; indication; indicator; pointer; sign

دلیل (خداوند) the Guide; the Indicator

دلیل اسدّ و اخصر the most solid and concise proof

دلیل اقناعی non-apodictic proof; persuasive proof

دلیل تمانع argument from mutual opposition within the godhead

دلیل حدوث argument from coming into being

دلیل خطابی rhetoric proof

دلیل سمعی authority of revelation

دلیل سمعی (نیز ← دلیل نقلی) argumentrevealed

دلیل شرعی legal proof; legal reason

دلیل عقلی intellectual proof; proof from reason; rational argument; rational proof; reasoning

دلیل عنایت argument from providence

دلیل قطعی decisive argument

دلیل قوی convincing proof; strong argument

دلیل کلامی *kalâm* proof; theological proof

دلیل محکم clear evidence; strong argument

دلیل معتبر valid argument

دلیل نقلی reasoning based on revealed sources; revealed argument

دماغ brain

دموکریتس Democritus

دنیا house of vanity; lower world; present world; this world; world

دنیاگرایی mundanity

دنیوی	mundane; worldly
دوازده امامی	Twelver
دواعی ← داعی	
دوام	continuance; continuity; ever-presence; permanence; perpetuity; persistence
دور (= استدلال دوری)	(vicious) circle; circular argument; circular reasoning; *circus visiosa*;
دور (= چرخه)	cycle
دور باطل	vicious circle
دور فاسد	vicious circle
دور محال	vicious circle
دوران	cycle; epoch
دَوَران	rotation
دوره‌ی ستر	period of concealment
دوره‌ی کشف	period of exposition; period of manifestation
دوری (استدلال)	circular
دوزخ	the Fire; Hell
دوزخیان	people in the Fire
دهر	Aeon; endless time; eternal duration; eternity; perpetual duration
دهری	temporal
دهری‌مذهب	Aeonist; atheist; materialist
دهریّون	Aeonists; materialists
دهریّه	(heretical) materialists; atheists;
دیار	abode; homeland; world
دیار باقی	abode of permanence
دیّان (خداوند)	the Retributer
دیانت	piety; religiosity
دیدنی	visible
دیمومت	duration
دین	faith; religion
دین آسمانی	revealed religion

دین حقّ	religion of the Truth; true religion
دین حنیف	primordial religion
دین خالص	pure religion; religion of purity
دین فطری	natural religion
دینی	religious
دیو (نیز ← جنّ، شیطان)	demon
دیوجانس	Diogenes

ذ

ذات	entity;
	essence;
	ipseity;
	nature;
	noumenon;
	self;
	subject
ـــ بالذات	by essence;
	by-itself;
	essential;
	essentially;
	innate;
	innately;
	intrinsically;
	per essentia;
	substantial
ذات احدیّت	aseity of the One;
	Divine Ipseity;
	Essence of Divine Unity;
	Essence of the One
ذات باری	Essence of the Creator
ذات حقّ	Divine Essence;
	Essence of the Real
ذات متعالی	transcendent Essence
ذاتی	essential;
	inborn;
	inherent;
	innate;
	intrinsic;
	subjective
ذاتیّات	essential parts;
	essentials;
	inner-realities
ذاتیّات اوّلیّه	primary essential properties;
	primary essentials
ذاتیّات ثانویّه	secondary essential properties;

ذاتیّت secondary essentials

ذاتیّت being-essential

ذاکر invoker; praiser of God

ذاکره memory; recollective faculty

ذائقه taste

ذرّه atom; corpuscle; particle

ذکاوت intellectual power; intelligence; quick-wittedness

ذکر formula of remembrance; invocation; invoking; recitation of God's Names; remembrance of God; reminiscence

ذکر جلیّ manifested invocation; open invocation; open remembrance

ذکر حقّ invocation of God

ذکر خفیّ secret invocation; secret remembrance

ذکر خیالی invocation with the imagination

ذکر اللّه Invocation of God; remembrance of God

ذلّت lowliness

ذَمّ invective; blame

ذِمّی non-Muslims who are protected by a treaty of surrender

ذنب ← گناه

ذنب لا یُغفر unforgivable sin; unpardonable sin

ذوات inner-realities

ذوالجلال (خداوند) the Lord of Splendor; the Majestic; the Possessor of Glory; the Possessor of Majesty

ذوق immediate tasting; intellectual intuition; intimate taste; intuition; mystical experience; mystic perception; sapiential knowledge; taste; tasted knowledge; tasting

ذوق تألّه tasting of theosophy; theosophical tasting

ذوق عرفانی gnostic intuition; mystical tasting

ذهن intelligence; mental faculty; mind;

ذهنی
subject; understanding
conceptual; mental; subjective

ذهنیّت
mentality; subjectivity

ذی‌شعور
intelligent

ذیمقراطیس ← دموکریتس

ر

رابط connective;
copula;
copulative existence;
interconnecting factor;
interconnector;
relational

رابطه connection;
copula;
intertying;
link;
relation;
relationship

رابطه‌ی ذهن و عین
subject-object relation

رابطه‌ی علّی causal nexus;
causal relation

رابطه‌ی علّی و معلولی
causal relationship;
cause-effect relation

رابطه‌ی علّیّت ← رابطه‌ی علّی

رابطه‌ی قوّه و فعل
potency-act relationship;
relation between potentiality and actuality

رابطه‌ی وجوب و امکان
relation between necessity and contingency;
relation between necessity and possibility

راحم (خداوند) the Merciful

رازق (خداوند) the Nourisher;
the Nourishing;
the Provider

راستی (نیز ← صدق) truth

راسخون در علم
the firm in knowledge;

راضی بودن to be satisfied

راغب desirous

رأفت compassion; pity

رافضه Rafidites

رافضی Rafidite; renegade

رافع (خداوند) the Exalter

راه تنزیه *via remotionis*; way of transcendence

راه حقّ path to God

راه اثباتی affirmative way; cataphatic way; positive way

راه خدا Path to God; the path to the Divine

راه ضلالت path of perdition

راه هدایت path of guidance

راهب monk

راهبه nun

راهنما guide; waymark

رأی العین direct observation

رایحه fragrance; odor

رایحه‌ی وجود fragrance of existence

ربّ (خداوند) the Guardian Lord; the Lord; the Master

ربّ الارباب Lord of the Lords; Supreme Master

ربّ العالمین Lord of all being; Lord of all the worlds

ربّ النّوع archetype; lord of the species

ربّانی adherent of the Lord; Divine; dominical; heavenly; Lordly

ربّانیّت Lordliness

ربط association; connection; copulation

ربط علّی causal connection

ربطی connective; related

those deeply grounded in knowledge;
those firmly rooted in knowledge;
those well grounded in knowledge;
those who are firmly rooted in knowledge

ربوبی Divine

ربوبیّت Divine Lordly condition; divinity; Lordliness; Lordly condition; Lordly State; Lordship; mastery; suzerainty

رتبه degree; grade; level; order; phase; rank; standing

رتبه‌ی حسّی sensible grade; sensible level; sensible rank

رتبه‌ی عقلی intellectual rank; rational degree; rational rank

رجحان preference; preponderance

رجس defilement; uncleanness

رجعت *parousia*; retrogradation; return; return of the dead; revocation

رجوع

رحلت death; demise; passing away

رحمانی compassionate; merciful

رحمانیّت mercifulness

رحمت benevolence; blessing; compassion; grace; mercy; pity

رحمت الاهی Divine Benevolence; Divine Mercy

رحمت خاصّ specific mercy

رحمت ذاتی essential mercy

رحمت عامّ all-inclusive mercy; general mercy

رحمت واسعه all-embracing mercy

رحمةٌ للعالمین mercy to the worlds; mercy to the world's inhabitants

رحمٰن (خداوند) the All-Compassionate;

the All-Good;
the All-Merciful;
the Clement;
the Compassionate;
the Infinitely Merciful;
the Merciful

رحیم (خداوند)
the All-Merciful;
the Compassionate;
the Infinitely Merciful;
the Merciful;
the Mercy-giving;
the Most Merciful

رخصت
permission

ردّ
censure;
refutation;
rejecting;
rejection

ردّ کردن
to refute;
to reject

ردّالفعل
reaction

رذیلت
evil;
vice;
worthlessness

رزّاق (خداوند)
the All-Provider;
the Provider;
the Sustainer

رزق
nourishment;
provision;
resources;
subsistence;
supplies;
sustenance

رزق مقدّر
predestined sustenance;
preordained sustenance

رسالت
apostleship;
message;
messengerhood;
mission

رستاخیز
Day of Recompense;
Day of Resurrection;
eschatology;
resurrection

رستگار
freed;
saved

رستگاری (نیز ← فلاح)
prosperity;
salvation

رُسُل ← رسول

رسول
ambassador;
apostle;
envoy;
messenger

رسول خدا ← رسول اللّه

رسول اللّه
Apostle of God;
Messenger of Allah;

Messenger of God

رسوم conventions

رشاد (= راه راست) right conduct

رشید (خداوند)

the Guide to the Right Path

رضا good pleasure;
inner contentment;
inner joy;
pleasure;
satisfaction;
spiritual pleasure

رضا به قضا contentment with the decree of God

رضای الاهی God's approval;
God's satisfaction

رضوان paradise;
pleasure

رعب fear;
panic

رغبت desire;
yearning

رفض reject;
rejection

رفع abolishing;
negation;
removing

رفع (≠ دفع) elimination

رفع تالی *modus tollens*

رفع کردن to eliminate;
to exclude

رفع نقیضیین
negation of two contradictories

رفیع (خداوند) the Lofty;
the Uplifter

رفیع الدرجات (خداوند)
the Uplifter of degrees;
the Uplifter of ranks

رقیب (خداوند) the Surveyor;
the Vigilant;
the Watcher;
the Watchful

رکن (= اساس) base;
foundation;
pillar

رکن (= عنصر) element

رکن دین pillar of religion

رمز allegory;
cipher;
enigma;
mystification;
symbol

رمزی allegorical;
symbolic

رواقی Stoic

رواقیان	Stoics
روان	psyche; soul
روان ← نفس	
روانی	mental; psychological
روح (نیز ← نفس)	psyche; soul; spirit; *spiritus*
روح اعظم	supreme spirit
روح الامین	Faithful Spirit; Holy Spirit; Trusted Spirit; Trustworthy Spirit
روح الاهی	Divine Spirit
روح القدس	Holy Ghost; Holy Spirit; *Madonna Intelligenza*
روح اللّه	Spirit of Allah; Spirit of God; *Spiritus Dei*
روح انسانی	human spirit; spirit of man
روح بخاری	vaporous spirit
روح حیوانی	animal soul; *spiritus animalis*
روح طبیعی	natural spirit
روح عبادت	spirit of devotion
روح عمل	spirit of deed; spirit of the action
روح محمّدی	Muhammadan spirit
روح مدبّر	governing spirit
روح مَلَک	angelic spirit; spirit of the angel
روح مُلْهم	inspired soul
روح نامیه	vegetable spirit; vegetative spirit
روحانی	spiritual
روحانیّات	incorporeal beings; spiritual beings
روحانیّت	spirituality
روحی	spiritual
روز جزا	Day of Doom; Day of Judgement; Day of Recompense; Day of Retribution
روز حساب	Day of Reckoning
روز رستاخیز	Day of Resurrection
روز قیامت	Day of Judgement; Day of Resurrection; Doomsday; Judgement Day; the Last Day

روز واپسین the Last Day

روزی ← رزق

روش تمانع method of mutual hindering

روشن plain

روضه garden; plot

روضه‌ی اخروی celestial garden

رؤیا dream-vision

رؤیای صادقه veridical dream

رویّت deliberation; reasoning

رؤیت vision

رؤیت به دل heart vision; vision by the heart

رؤیت به قلب heart vision; vision by the heart

رؤیت حسّی sensible vision

رؤیت خداوند vision of God

رؤیت قلبی heart vision; vision by the heart

رؤیت ملائکه vision of the angles

رؤیة اللّه beatific vision; *visio dei*

رهبانیّت monasticism; renunciation

ریاضت ascetic discipline; asceticism; exercise of self-discipline

رئوف (خداوند) the Affectionate; the Clement; the Kind

methodology

ز

زاجر	rebuking
زاده‌نشده (= صفت خدا)	unbegotten
زاهد	abstainer;
	abstemious;
	abstinent;
	anchorite;
	ascetic;
	continent person;
	devout worshiper;
	hermit
زائد	added;
	additional;
	redundant;
	subjoined;
	superfluous
زبان باطنی	esoteric language;
	inward language
زبان رمزی	enigmatic language;
	symbolic language
زبان ظاهری	exoteric language;
	outward language
زبده‌ی کاینات	choice of creatures
زبور	Psalm book;
	Psalms (of David)
زجر (= منع)	prohibition
زحل	Saturn
زرتشتی	Zoroastrian
زرتشتی گری	Zoroastrianism
زرتشتیان	Zoroastrians
زردشتی ← زرتشتی	
زروانی	Zurvanism;
	Zurvanite
زشتی	ugliness
زمان	time

زمان سرمدی infinite time
زمان فرد invisible instant; solitary time; unique time; unit of time
زمان مطلق absolute time
زمان منفصل separated time; *tempus discretum*
زمان منقسم divisible time
زمان‌مند temporal; time-bound
زمان‌ناپذیر non-temporal
زمانی chronological; temporal
زمانیّات temporal things; things in time
زمین earth
زنادقه ← زندیق
زنجیره‌ی علّی causal chain; causal line; chain of causes
زَنْدَقه atheism; denial of God; heresy
زنده alive; living
زنده کردن to enliven; to restore to life; to resurrect; to revivify
زندیق atheist; disciple of the unbelievers; heretic; unbeliever
زوال corruption; decline; destruction; disappearance; evanescence; passing away; perdition
زوال نفس soul's destruction
زوال‌پذیر corruptible; destructible; mortal; perishable
زوال‌ناپذیر immortal; imperishable; incorruptible; indestructible
زوج (عدد) even(number)
زوج ترکیبی composed duality
زوجیّت pairing
زهد abstinence;

asceticism; renunciation		pilgrimage	زیارت
Venus	زهره	Astronomical Table	زیج
augmentation; increase	زیادت	Zaidis;	زیدی
excess; superfluity	زیاده	Zaydite	
		Zaidis;	زیدیّه
		Zaidites;	
		Zaydism	

س

سابق antecedent; prior

سابق بودن بر ... to take precedence over ...

ساحت dimension; domain

ساحر magician; sorcerer

سازگار coherent; compatible; consistent; harmonious

سازگاری coherence; coherency; compatibility; conformity; consistency; harmony

سازنده constitutive; formative

سازواری ← سازگاری

ساکن at rest; immobile; motionless; static; stationary

سامان ← نظم

سامع (خداوند) the Hearer; the Hearing; the Listener

سامعه hearing

سبب cause; factor; mediate cause;

occasion;
reason;
secondary cause;
subsidiary cause

سبب اتّفاقی accidental cause;
arbitrary cause

سبب تامّ ← علّت تامّه

سبب حقیقی real cause

سبب ذاتی essential cause;
proper cause

سبب صوری ← علّت صوری

سبب طبیعی natural cause

سبب غائی ← علّت غائی

سبب فاعلی ← علّت فاعلی

سبب مادّی ← علّت مادّی

سببیّت causality;
causation

سبحان اللّه Glory be to God

سَبْق (≠ لُحوق) antecedence;
precedence;
priority

سبق بالتجوهر
priority in terms of subsistence;
priority in terms of substantiality

سبق بالحقیقه
priority in the real sense

سبق بالذات essential precedence;
necessary existence of priority;
priority in terms of essence

سبق بالشرف
priority in terms of honor;
priority in terms of nobility

سبق بالطبع natural priority;
priority in terms of nature

سبق بالعلّیّه causal priority;
priority in terms of causality

سبق بالماهیّه
priority in terms of quiddity

سبق بالمرتبه priority by rank;
priority in terms of degree

سبق دهری priority at the level of
perpetual duration;
trans-temporal priority

سبق رتبی ← سبق بالمرتبه

سبق زمانی priority in terms of time;
priority in time;
temporal precedence;
temporal priority

سبق سرمدی eternal priority;
priority at the level of
sempiternity

سبق عدم preceding non-existence;
priority of non-existence

سبّوح (خداوند) the Glorified

سبیل path; road

سپاس‌گزار grateful; thankful

سپاس‌گزاری (نیز ← شکر) gratefulness

سپهر celestial sphere; firmament; heaven; heavenly sphere; sphere

ستّار (خداوند) the Concealer of sins

ستاره star

ستایش adoration; commendation; panegyric; praise

ستایش کردن to laud; to praise

ستم oppression; tyranny

ستم کردن to do injustice; to oppress; to tyrannize

سِحر magic; sorcery

سخا generosity

سخاوت generosity

سخط (= ناخشنودی) anger; displeasure; wrath

سخن خدا God's Speech; Speech of God; Word of God

سخیّ (خداوند) the Generous

سدرة المنتهی the highest tree; Lote Tree of the Utmost Limit; Lotus of the Utmost Limit; Lotus tree of the Utmost Boundary

سرّ (= راز) mystery; secret

سرّ الاهی Divine Mystery

سرّ ربّانی Lordly Mystery

سرّ قدر mystery of destiny; mystery of predestination

سرمد absolutely fixed time; eternity; everlastingness; perpetuity; sempiternity

سرمدی eternal; sempiternal

سرمدیّت eternity; sempiternity

سرنوشت fate

سریان flow; penetration

سریان داشتن to flow; to penetrate; to permeate

سریان نور flow of light; permeation of light

سریان وجود flow of existence; in-flowing of being; permeation of existence

سریان یافتن to become permeated

سریع الحساب (خداوند) the Swift in Reckoning

سریع الزوال quick to decline

سریع العقاب (خداوند) the Swift in Punishing

سطح area; level; plane; surface

سطح تعلیمی mathematical plane

سعادت beatitude; bliss; felicity; good fortune; happiness; prosperity

سعادت ابدی eternal bliss; eternal felicity; eternal happiness; eternal weal; everlasting happiness

سعادت اخروی other-worldly bliss; other-worldly happiness

سعادت برین supreme bliss; supreme happiness

سعادت حقیقی real felicity; real happiness

سعادت دنیوی earthy felicity; worldly happiness

سعادت عظمیٰ supreme bliss; supreme happiness

سعادت محض pure happiness; sheer felicity

سعادتمند blessed; blissful; felicitous; fortunate; happy; lucky; prosperous

سُعداء (نیز ← سعادتمند) the blessed

سعه vastness;

wideness
سعه‌ی صدر openness of vision
سعه‌ی وجودی existential openness; existential width; ontological vastness
سعید ← سعادتمند
سفرهای چهارگانه ← اسفار اربعه
سفسطه fallacy; sophism; sophistry
سفسطه‌آمیز fallacious; sophistic
سقراط Socrates
سکرة الموت intoxication of death
سکون immobility; quiescence; rest; standstill; stillness
سکون نفس rest of the soul; tranquility of the soul
سکینه indwelling tranquility
سلام (خداوند) the Peace; the Peaceful; the Source of Peace
سلب denial; negation;

privation
سلبِ سلب negation of negation
سلب شیء از خودش a thing being not itself; negation of a thing of itself
سلب کردن to deny; to negate
سلب و ایجاب negation and affirmation
سلبی (≠ ایجابی) apophatic; negative
سلسله chain; chain of spiritual masters; series
سلسله‌ی طولی longitudinal hierarchy; vertical hierarchy
سلسله‌ی عرضی horizontal hierarchy; latitudinal hierarchy
سلسله مراتب gradation; hierarchy
سلطان sovereign
سلطان (خداوند) the Authority; the Dominator; the Majesty; the Ruler
سلطه‌ی خدا domination of God;

سَلَف (≠ خَلَف) ancestors; forefathers; predecessors

سَلَف صالح early pious Muslims

سلوک behaviour; conduct; discipline; initiatic realization; mystic journey; treading a spiritual path

سلیمان (ع) Solomon

سماء ← آسمان

سماع hearing; oral transmission

سماع طبیعی *parra naturalia*; *parra physica*

سماوات سبع ← هفت آسمان

سماوی celestial; heavenly

سمع (= دلیل سمعی) revealed law; revelation

سمع (قوّه) audition; hearing

سمعی (= دلیل سمعی) orally transmitted; revealed; traditional

سمعیّات traditional questions; transmitted knowledge

سمیع hearing

سمیع (خداوند) the Hearer; the Hearing

سنّت established commendable custom; *Ḥadîth*; normative legal custom; prescribed practices; religious way; *Sunna*; tradition; way of life; wont

سنّت پیامبر Prophet's *Sunna*; wonts of the Prophet

سنّت حسنه good custom; good habit

سنّت سیّئه bad custom; bad habit; evil custom; ugly custom

سنّت‌گذاری setting down as custom

سنخ form; kind;

سنخیّت cognation; congruence; sharing the same root; sort; type

سندیّت authenticity

سُنّی following the *Sunna*; member of the so-called orthodox branch of Islam; orthodox; Sunni Muslim; Sunnite

سوء bad; evil

سوء اخلاق evil character

سوء اعمال evil acts

سوء عاقبت evil end

سؤال قبر interrogation in the grave; questioning in the grave

سوفسطایی sophist

سوفسطایی‌گری sophism

سوفسطایی‌مآبانه sophistical

سوفیست sophist

سه‌خداپرستی trinitarianism; tritheism

سه‌گانه‌پرستی trinitarianism; tritheism

سهروردی Suhrawardi

سهو النّبی distraction of the prophet; prophet's distraction

سیّاره ← کوکب

سیاست governance; government; politics

سیاست الاهی Divine governance; Divine government

سیّال flowing; fluid; in flux; mobile

سیّال زمانی flowing in time; temporally mobile

سیّد (خداوند) the Lord; the Master

سیّدالمُرسلین lord of the emissaries; master of messengers

سیر آفاقی external journey; horizontal journey; horizontal movement; objective journey

سیر انفسی inward journey; journey within;

subjective journey

سیر تکوینی cosmic journey; existential becoming; existential journey

سیر صعودی ascending journey; ascending movement

سیر صعودی باطنی inner ascending journey; introvertive journey of ascent

سیر قهقرایی retrograde

سیر نزولی descending journey; descending movement; descending order; descending system

سیر و سلوک spiritual journey

سیرت biography; manner of living; way of life

سیره biography; life; practice; way of life

سیلان flux; mobility

سیلانی flowing; mobile

سینوی Avicenian; Avicennan

سیّئات ← سیّئه

سیّئه evil; evil act; evil action; impious action; sinful action; ugly act; wrongful act

ش

شارح	commentator
شارع	Divine Legislator; Lawgiver; religious lawgiver
شافع	interceder; intercessor
شافی (خداوند)	the Cure-Giver; the Healer
شاکر (خداوند)	the Grateful
شامل	all-inclusive; comprehensive
شامل بودن	to embrace
شامّه	olfaction; olfactory faculty; sense of smell
شأن	affair; aspect; condition; function; rank; state; station; task; trait
شأنیّت	capability; susceptibility
شاهد	evidence; present; witness
شاهد (خداوند)	the Witness; the Witnesser
شب قدر	Night of Power
شبح	apparition; image;

phantom
pseudo-proposition شبه قضیّه
amphiboly; شبهه
difficulty;
doubt;
dubious notion;
fallacious argument;
misconception;
misgiving;
obfuscation;
objection;
paradox;
suspicion;
uncertainty
analogous; شبیه
like;
similar
courage; شجاعت
prowess
individual; شخص
person
ethereal being; شخص لطیف
ethereal person;
subtle being
individual; شخصی
personal;
specific

being individual; شخصیّت
personality
adversity; شدّت
hardship;
intense;
intensity;
strength
intensity of light; شدّت نور
intensity of luminosity
intensity of being; شدّت وجود
intensity of existence
شدید العذاب (خداوند)
Terrible in Punishment;
Terrible in Tribulation
شدید العقاب (خداوند)
Terrible in Punishing
bad; شرّ
bad will;
evil;
malady;
malefic;
malevolence;
mischief
moral evil شرّ اخلاقی
natural evil شرّ طبیعی
intellectual evil; شرّ عقلانی
rational evil

شرّ گزاف	blatant evil; unmerited evil
شرّ محض	pure evil
شرّ مطلق	absolute evil; pure evil
شرّ مقیّد	conditional evil; delimited evil
شرایط	circumstances; conditions; requirements
شرایع (= احکام)	commandments; injunctions; rules
شرایع (نیز ← شریعت)	Laws; revealed religions
شرط	condition; hypothesis; prerequisite; stipulation
شرط کافی	sufficient condition; sufficient requirement
شرط لازم	necessary requirement; required condition
شرطی	conditional; hypothetical
شرع	canon law; religion;

	religious law; revealed law; revealed religion; Sacred Law
شرعی	legal
شرعیّات	legal matters; related to revealed law; religious laws
شرک	associationism; idolatry; paganism; polytheism
شرک خفیّ	hidden polytheism; polytheism implicit
شرک صریح	open polytheism
شرک ورزیدن	to ascribe partner to God; to profess polytheism
شرک‌آلود	polytheistic
شرک‌آمیز	blasphemous
شریعت	canon law; Divine Law; holy law; religious law; revealed Law; Sacred Law; *Sharī'a*;

sharî'ah

شریعت آسمانی Divine Law

شریعت اسلام Islamic code; Islamic Law

شریعت الاهی Divine code; Divine Law

شریعت‌گرایی religious legalism; ritualism

شریف noble; nobleman; virtuous

شریک الباری co-partner to God; partner of the Creator

شطحیّات non-sensible expressions; paradoxical ecstatic utterances; paradoxical statements; theophanic locutions

شعائر holy rites; rites; rituals; sacred observances; symbols; waymarks

شعائر اللّه God's Waymarks; rituals related to God

شعائری ritualistic

شعور awareness; consciousness; feeling; intelligence; sensation; sense

شعور خدادادی God-given intelligence

شعور ضعیف subconsciousness; weak consciousness

شعور وحی consciousness of revelation; prophetic consciousness

شفا cure; healing

شفاعت intercession; mediation

شفاعت کردن to intercede

شفیع interceder; intercessor

شقاق disruption; interruption

شقاوت affliction; damnation; misery; woe; wretchedness

شقاوت ابدی eternal affliction; eternal woe; everlasting woe

شقیّ afflicted; wretched

شکّ doubt; scepticism

شکگرایی ← شکاکیّت

شکّاک dubious; sceptic; skeptic

شکاکیّت scepticism; skepticism

شکر gratefulness; gratitude; thankfulness; thanks; thanksgiving

شکر عملی practical gratitude; practical thankfulness

شکر کردن to be grateful; to be thankful

شکر لفظی verbal gratitude; verbal thanksgiving

شکر مُنعِم to be grateful to a benefactor; to thank a benefactor

شکرگزاری gratefulness; thanking; thanksgiving

شکل form; semblance; shape

شَکور grateful; thankful

شکور (خداوند) the Grateful; the Rewarder

شَمَنیّه Shamanism

شمول absorption; all-comprehensiveness; all-encompassingness; all-inclusiveness

شناخت cognition; knowledge; recognition

شناخت بالقوّه potential knowledge

شناخت حسّی empirical knowledge; sensory knowledge

شناخت خدا knowledge of God; knowledge of the Divine

شناخت عقلانی intellectual knowledge; rational knowledge

شناخت عقلی intellectual knowledge; rational knowledge

شناخت فطری innate knowledge

شواهد (نیز ← شاهد) evidences; indications

شورا consultation

شوق appetite; aspiration; attraction; desire; eagerness in devotion; longing; yearning

شؤون ← شأن

شؤون خدا God's Affairs

شهادت (= اعلام ایمان) declaration of faith; testimony of faith

شهادت (= کشته شدن در راه خدا) martyrdom

شهادتین two testimonies of faith

شهوانی lustful; passionate; sensual; sexual (desire)

شهوت appetite; concupiscence; concupiscibility; desire; lust; passion

شهود contemplation; intuition; presence; spiritual vision; vision

شهود بی‌واسطه contemplation without intermediary; direct vision; witnessing without intermediary

شهود عرفانی gnostic intuition; mystic vision

شهود عقلی intellectual vision

شهوی appetitive; concupiscible

شهید (= کشته‌ی راه خدا) martyr

شهید (خداوند) the Witness

شیء being; entity; fact; object; thing

شیء بالفعل actual thing

شیء بالقوّه potential thing

شیء زمانی temporal entity; thing in time

شیء فی نفسه thing-in-itself

شیاطین ← شیطان

شیاطین جنّ و انس demons in humans and jinns

شیخ master

شیخ اشراق Master of Illumination

شیخ المشایخ the greatest master; master of masters

شیطان demon; devil; Satan

شیطانی demonic; satanic

شیعه Shi'ah; Shi'ism

شیعه‌ی اثناعشری Twelve-Imam Shi'ism; Twelve-Imam Shi'ite school; Twelver Shi'ism

شیعه‌ی دوازده‌امامی the Duodeciman Shi'ism; Twelver Shi'ism

شیعه‌ی هفت‌امامی Seven-Imam Shi'ism

شیعی Shi'i; Shi'ite

شیئیّت being a thing; somethingness; substantiality of a thing; thingness

شیئیّت ماهیّت thingness of quiddity

شیئیّت وجود thingness of existence

ص

صابئی Sabian

صابئین Sabians

صاحب زمان Lord of the Time

صاحب شریعت Law-bringing

صاحب کرامات
performer of miracles

صاحب کشف
possessor of spiritual vision

صاحب لطف companion of subtlety;
possessor of kindness

صاحب نظر authority

صاحب نَفَس
possessed of spiritual influence

صادر اوّل first effusion;
first emanation;
first thing produced

صادر شدن to be emanated;
to be produced;
to proceed

صادق true

صادق (خداوند) the Truthful

صالح (≠ طالح) righteous;
wholesome

صالحات virtuous deeds;
wholesome deeds

صامت silent

صانع creator;
demiurge;
maker

صانع (خداوند) the Creator;
the Maker

صانع عالم creator of the world;
demiurge;
world builder

صبر forbearance; patience

صبور (خداوند) the Patient

صحابه the Companions

صحابه‌ی پیامبر Companions of the prophet

صحابی Companion

صحبت companionship; personal association

صحّت authenticity; correctness; soundness; validity

صُحُف revealed books; scriptures

صحیح right; true

صحیح (≠ ضعیف) sound; valid

صدرالمتألّهین foremost among the theosophers; Leader of Theosophers

صدرایی Sadrian

صُدفه (نیز ← تصادف) chance; hazard

صدق application; correctness;

صدق ایمان truth of faith

صدق قول truth of speech

صدق کردن to apply; to be true; to hold

صدق و کذب truth and falsity

صدور effusion; emanation; ontic issuance; procession; production

صدّیق truthful; sincere person

صدّیقین the righteous; saints; the truthful

صراحت definitiveness

صراط مستقیم Right Path; Straight Path; Straight Way

صِرف pure; correspondence; righteousness; sincerity; truth; truthfulness; veracity

sheer;
simple
صِرف الشیء purity of a thing;
thing *per se*
صرف الوجود being in itself;
pure being;
pure existence;
sheer being
صغایر (نیز ← گناه صغیره) venial sins
صغیره ← گناه صغیره
صفات ← صفت
صفات ایجابی (= صفات ثبوتی)
affirmative qualities;
positive attributes
صفات ازلی eternal attributes
صفات اضافی (≠ صفات نفسی)
relative attributes
صفات افعال attributes of activity;
attributes of acts;
attributes of operation
صفات الاهی Divine Attributes;
Divine Qualities
صفات بالعَرَض accidental attributes
صفات تشبیه attributes of similarity;
qualities of similarity
صفات تنزیه
attributes of incomparability;
qualities of incomparability
صفات ثبوتی affirmative qualities;
positive attributes
صفات جبروت attributes of majesty
صفات جلال Attributes of Glory;
Attributes of Majesty;
Attributes of Splendor
صفات جمال Attributes of Beauty
صفات حادث temporal attributes
صفات خدا Attributes of God;
God's Attributes
صفات خداوند Divine Qualities
صفات ذات
Attributes of the Essence
صفات ذاتی
attributes pertaining to essence;
essential attributes;
essential qualities
صفات ذمیمه evil qualities;
reprehensible attributes
صفات ربوبی Dominical Qualities;
Lordly Attributes
صفات سلبی negative attributes;
negative qualities
صفات عقلی intellectual qualities;
rational attributes
صفات فعل attributes of act;

attributes of action

صفات قدیم eternal qualities; pre-eternal attributes

صفات کمال Attributes of Perfection; Qualities of Perfection

صفات لازم intrinsic attributes; necessary attributes; necessary qualities

صفات لاهوتی Divine Qualities; Qualities of the Divine

صفات ناسوتی human qualities

صفات نسبی ← صفت نسبی

صفات نفسیّه attributes of the subject itself

صفات وجودی ← صفت وجودی

صفاتیّه attributists; attributers

صفای درون inner purification

صفای ذهن clearness of understanding; purification of the mind

صفت ascription; attribute; attribution; characteristic; description; property; quality

صفت اثباتی ← صفت ثبوتی

صفت اضافی relational attribute; relational quality; relative attribute; relative quality

صفت انتزاعی abstracted attribute; abstracted quality

صفت ایجابی ← صفت ثبوتی

صفت تکلّم (خداوند) Quality of Speech

صفت ثبوتی affirmative attribute; positive attribute

صفت حقیقی real attribute; true quality

صفت ذات attribute of the essence

صفت ذاتی essential attribute

صفت زائد بر ذات additional attribute to essence; attribute that is additional to the essence

صفت سلبی negative attribute; negative quality

صفت علم (خداوند) Attribute of Knowledge;

Quality of Knowledge

صفت فعل active attribute;
attribute of act;
attribute of action;
factual quality;
operative attribute;
positive attribute;
quality of act

صفت فعلی ← صفت فعل

صفت قدرت (خداوند)
Attribute of Power;
Quality of Power

صفت قیّومی خداوند
Quality of God as Sustainer;
Sustaining Quality of God

صفت لطف Quality of Favour

صفت نسبی relational attribute;
relative attribute;
relative quality

صفت وجودی affirmative attribute;
existential attribute;
positive attribute

صفیّ اللّه chosen by God

صلاح benefit;
interest;
utility;
welfare

صلاحیّت capacity;
qualification;
suitability

صُلحاء the peaceful

صمد (خداوند) the All-Rich;
the Besought of all;
the Constant;
the Eternal;
the Everlasting Refuge;
the Immovable;
the Impenetrable;
the Impermeable;
the Recourse;
the Self-Sufficient

صمدیّت impenetrableness;
impermeability;
steadfastness

صناعت art;
craft

صُنع activity;
benefaction;
making;
work

صواب correct;
right

صوت sound

صُور Trumpet

صُوَر ← صورت

صُوَر (مُثُل افلاطونی) Forms; Ideas

صُور اسرافیل Seraphiel's Trumpet

صُوَر اعمال forms of deeds

صُوَر افلاطونی Platonic Forms

صُوَر جوهری ← صورت جوهری

صُوَر خیالی ← صورت خیالی

صُوَر ذهنی ← صورت ذهنی

صُوَر طبیعی ← صورت طبیعی

صُوَر عقلی ← صورت عقلی

صُوَر مجرّده از هیولیٰ pure forms from matter

صُوَر مُرتَسم ← صورت مرتسم

صُوَر معقول ← صورت معقول

صُوَر معلّقه inverted forms; suspended forms

صُوَر موالید forms of progency; forms of the (three) kingdom

صُوَر نوعیّه ← صورت نوعیّه

صورت form; idea

صورت ادراکی comprehended form; conceivable form

صورت باطنی esoteric form; inward form

صورت بالذات essential form

صورت بالعَرَض accidental form

صورت بسیط simple form

صورت جِرمیّه ← صورت جسمیّه

صورت جزئی particular form

صورت جسمانی ← صورت جسمیّه

صورت جسمیّه bodily form; corporeal form; *forma corporalis*

صورت جنسی generic form

صورت جوهری *forma substantialis*; substantial form

صورت حسّیّه ← صورت محسوس

صورت حقّ تعالیٰ Form of the Exalted Divine Truth

صورت خاصّ special form

صورت خیالی image; imagery; imaginal form

صورت ذهنی mental concept; mental form; mental image; mental impression

صورت طبیعی natural form

صورت ظاهری exoteric form; outward form

صورت عامّ (= صورت جسمیّه) general form

صورت عرَضیّه	accidental form; *forma accidentalis*
صورت عقلی	intellectual form; intelligible form
صورت علمی	cognitive form; intelligible form
صورت عینی	concrete form; objective form
صورت کلّی	general form
صورت مادی	material form
صورت مثالی	apparitional body; apparitional figure; apparition figure; imaginal form
صورت مجرّد	abstract form; immaterial form
صورت محسوس	sensible form; sensory form; sensory image
صورت مرآتیّه	reflected form
صورت مُرتَسم	imprinted form
صورت مرکّب	composite form; compound form
صورت مطلق	absolute form
صورت مفارق	differentiated form; *forma separata*; separate form
صورت نوعیّه	*forma individualis*; form of the species; specific form
صوری	formal; formative
صوفیّه	mysticism
صومعه	monastery
صیرورت	becoming

ض

ضابطه criterion; rule

ضالّ erring; misguided; one who has erred; strayer

ضبط (= ضابط بودن راوی) exactitude

ضدّ contrary; impediment; opposite

ضدّیّت antagonism; contrariety; opposition

ضدّین two contraries; two opposites

ضرورات اوّلیّه primary essentials

ضرورات ثانویّه secondary essentials

ضرورت (= بداهت) self-evidence

ضرورت (= وجوب) necessity

ــ بالضروره necessarily; of necessity; self-evidently

ضرورت ازلی eternal necessity

ضرورت بالذات ← ضرورت ذاتی

ضرورت بالغیر necessity-by-something else; necessity through other than itself

ضرورت بالقیاس الی الغیر necessity in relation something else

ضرورت بخشیدن necessitation; to necessitate

ضرورت ذاتی essential necessity; necessity-by-itself

ضرورت عقلانی
intellectual necessity; rational necessity

ضرورت عقلی
intellectual necessity; rational necessity

ضرورت علّی
causal necessity

ضرورت غیری ← ضرورت بالغیر

ضروریّ
essential; necessary

ضروریّ (= بدیهی)
self-evident

ضروریّ العدم
necessarily non-existent

ضروریّ بالذات
essentially necessary; necessary-in-itself

ضروریّ بالغیر
necessary by another

ضروریّ بالقیاس الی الغیر
necessary in relation to something else

ضروریّ ذاتی
essentially necessary; necessary-in-itself

ضروریّ الوجود
necessarily existent; Necessary Being

ضروریّات ذاتیّه
necessary-in-themselves

ضلال ← ضلالت

ضلالت
astray; being lost; deviation; erring; error; going astray; wandering off the right way; wandering off the Straight Path

ضمیر (= وجدان)
conscience; consciousness; innermost mind; the inner self; mind

ط

طاری (نیز ← عارض) extrinsic; extrinsical; occurring

طاعت obedience

طاغی aggressor

طاقت بشری human capacity; human possibility

طالع‌بینی astrology; foretelling of fate

طباع تامّ Perfect Natures

طبایع dispositions; innate qualities; natures; temperaments

طبایع اربعه ← طبایع چهارگانه

طبایع چهارگانه four natures

طبایع کلّی عقلی rational universal natures; universal intelligible natures

طبع character; nature

ـــ بالطبع by nature; natural

طبع اولی prime nature; primordial nature

طبع تامّ perfect nature

طبیعت character; constitution; nature

طبیعت پنجم the fifth nature; *quinta essentia*

طبیعت سیّال mobile nature; flowing nature

طبیعت محسوس sensible nature

طبیعت مُشکّک
nature with analogical gradation

طبیعت نوعی
specific nature

طبیعی
natural;
physical

طبیعیّات
cosmology;
natural philosophy;
natural sciences;
physics

طبیعیّون
Naturalists;
natural philosophers;
natural scientists

طرد
negation;
rejecting;
rejection

طرد عدم
negation of non-existence;
refusal of non-existence;
removal of non-existence

طرد کردن
to cast out;
to exclude;
to expel;
to negate;
to reject

طرف
extreme;
extremity;
limit;
side

طرف زمان
limit of time;
point of time

طرفین
extremes

طفره
leap;
leaping

طلب علم
pursuit of knowledge;
search for knowledge

طلب کمال
pursuit of perfection;
quest for perfection

طلسم
talisman

طلسم‌گشایی
breaking the talisman

طمأنینه
peace;
tranquility

طور (نیز ← اَطوار)
stage;
state

طور عقل
stage of intellect;
stage of reason

طور وجود
mode of being;
mode of existence;
stage of being;
state of being

طول
length

طولی
longitudinal;
vertical

طهارت
purity;
ritual purification

طهارت باطن
inward purification;

طهارت خاصّ specific purification; specific purity

طهارت دل purification of the heart

طهارت روحانی spiritual purification; spiritual purity

طهارت صغریٰ lesser purification; lesser purity

طهارت عامّ general purification; general purity

طهارت قلب inward purity; purification of the heart; purity of the heart

طهارت کبریٰ greater purification; greater purity

طهارت معنوی spiritual purification; spiritual purity

طهارت نفس purification of the soul; purity of the soul

طیّ الارض rapid journey from one point to another

طیّب excellent; good; pleasant; sweet

ظ

ظاهر apparent;
evident;
exoteric;
exterior;
manifest;
outward;
visible

ظاهر (بمقابله سرّ) outward dimension;
outward situation

ـــ در ظاهر outwardly

ظاهر (خداوند) the Apparent;
the Exterior;
the Manifest;
the Manifested;
the Outward

ظاهر (معنا) exoteric meaning;
literal aspect;

outward meaning;
outward sense;
outward significance

ظاهر بالذات self-apparent;
self-manifesting

ظاهرٌ بذاته manifested by itself;
self-manifesting

ظاهر دین
exoteric aspect of religion;
exterior of religion;
formal aspect of religion;
outward aspects of religion

ظاهر شریعت
exoteric aspect of Divine Law;
exterior meaning of religion

ظاهرگرایان formalists;
literalists;

Zahirites

ظاهری exoteric; external; outward

ظاهریّه Zahirites; Zahirite School

ظرف container; dimension; locus

ظرف واقع dimension of objective reality; locus of objectively actualized reality

ظلّ shadow

ظلم aggression; crime; iniquity; injustice; oppression

ظلم به نفس doing wrong to oneself; wronging oneself

ظلمت darkness; obscurity; shadow

ظلّی shadowy

ظنّ belief; conjecture; estimation; opinion; presumption; surmise; suspicion; thought

ظنّ صائب right opinion

ظنّ غالب predominant opinion; predominant surmise

ظنّی presumptive; probable; suspect

ظواهر outward meanings; plain texts

ظواهر دین formal aspects of religion

ظواهر کتاب literal meanings of the book

ظهور (≠ کمون) apparentness; appearance

ظهور manifestation; outwardness

ظهور (≠ خفاء) manifestation

ظهور (معنا) outward significance

ع

عادت custom;
customary usage;
habit;
habitual action;
mores;
practice

عادت کردن to become accustomed;
to become habituated

عادل (خداوند) the Just

عارض accident;
accidental;
contingent;
occurrent;
occurring

عارض شدن to happen;
to occur

عارضِ ماهیّت accident occurring to quiddity;
accident of essence

عارضِ مفارق separable accident

عارضِ وجود accident occurring to existence;
accident of being;
accident of existence

عارضی accidental;
additional;
extrinsic

عارف gnostic;
knower;
mystic;
possessor of gnosis

عاطفه emotion;
feeling;

عاقل sentiment
intelligent; rational; reasonable; savant; wise
عالِم knower; knowing; learned man; learned master; man of knowledge; man of religious learning; scholar
عالِم باللّه knower of God
عالِم به غیب omniscient
عالِم به غیب و شهادت knower of the absent and the witnessed
عالِم (خداوند) the Knower; the Knowing; the Omniscient
عالِم ربّانی Divinely inspired knower; Divinely inspired master
عالَم cosmos; universe; world
عالَم آخرت next world; the other world
عالَم اجسام corporeal world; physical world; world of bodies
عالَم ارکان (نیز ← عالَم عنصری) world the elementsof
عالَم ارواح spiritual world; world of pure Spirits
عالَم اسرار world of secrets
عالَم اسفل the lowest world
عالَم اشباح world of apparitions; world of phantasms
عالَم اصغر microcosm
عالَم اعلیٰ higher world; superior world; world above
عالَم اعیان ثابته world of archetypes; world of immutable entities
عالَم اکبر macrocosm
عالَم الوهی Divine world
عالَم امر spiritual world; world of command; world of Divine command
عالَم اُنس world of intimacy
عالَم انفاس world of breaths
عالَم اوسط intermediate world
عالَم بالا transcendent world;

the world above	
intermediate world; purgatory	عالَم برزخ
world of self-disclosure; world of theophany	عالَم تجلّی
sublunary world	عالَم تحت قمر
world of compilation	عالَم تدوین
world of invocation; world of praise	عالَم تسبیح
world of writing	عالَم تسطیر
world of Oneness; world of Unitarianism; world of Unity	عالَم توحید
archangelic world; Celestial world; world of absolute Immensity; world of Domination; world of Sovereignty	عالَم جبروت
corporeal world	عالَم جسمانی
sensible world; world of sense	عالَم حسّ
animal world	عالَم حیوانی
external world; objective world	عالَم خارج
world of clay; world of earth	عالَم خاک
created world; world of creation	عالَم خلق
world of creation and command	عالَم خلق و امر
fictitious world; imaginal universe; imaginal world; world of imagination	عالَم خیال
the lowest world; this world	عالَم دنیا
sublunar world; world below the moon	عالَم دون قمر
world of pre-existence	عالَم ذرّ
mental world	عالَم ذهن
dream world; visionary world	عالَم رؤیا
Divine world; Dominical world	عالَم ربّانی
earthly world; lower world; the lowest world	عالَم سُفلی
phenomenal world; visible present world; visible world; witnessed domain; world of experience; world of phenomena; world of sensible;	عالَم شهادت

world of the visible;
world of visibility

عالَم شهادت (≠ عالم غیب)
visible world

عالَم شهادت متّصل
contiguous world of visibility;
continuous visible world

عالَم شهادت منفصل
discontiguous world of visibility;
discontinuous visible world

عالَم شهود visible world

عالَم صغیر microcosm;
microcosmic world

عالَم طبیعت natural world;
world of nature

عالَم ظاهر exterior world;
external world

عالَم عدم non-existent world;
world of non-existence;
world of nothingness

عالَم عقل world of intellect

عالَم عقلی intellectual world;
intelligible world

عالَم علوی higher world;
upper world

عالَم عنصری elemental world;
terrestrial world

عالَم عینی actual world;
objective world

عالَم غیب the Absent;
domain of the Unseen;
the Hidden;
invisible world;
Unseen world;
world of invisible realities;
world of Mystery;
world of the Unseen

عالَم قدس world of sanctity

عالَم قدسی sanctified world

عالَم کبیر macrocosm;
macrocosmic world

عالَم کثرت realm of multiplicity;
world of multiplicity

عالَم کون و فساد world of
generation and corruption

عالَم لاهوت Divine world

عالَم مثال imaginal realm;
imaginal world;
intermediate suprasensory world;
mundus imaginalis;
subtle world;
visionary realm;
world of archetypal figures;
world of Forms;

world of Idea-Images;
world of Ideas;
world of Images;
world of Imagination;
world of immaterial matter;
world of subsistent Idea-Images;
world of subtle substances

عالَم مثال مطلق
world of absolute Imagination;
world of Unbounded Imagination

عالَم مثال نورانی
luminous archetypes;
luminous world of apparitional figures;
luminous world of Idea-Images

عالَم مُثُل ← عالَم مثال

عالَم مُثُل معلّقه
world of suspended Forms

عالَم مجرّد immaterial world; non-material world

عالَم محسوس tangible world

عالَم مشهود visible world; world of Witnessing

عالَم معانی world of ideas

عالَم معقول intelligible world

عالَم مُلک
material phenomenal world;
material world;
world of dominion;
world of kingship;
world of the kingdom

عالَم ملکوت angelic world of souls; Divine world; invisible world; spiritual reality; supra-sensible world; world of angelic souls; world of Dominion; world of power

عالَم ناسوت human world; material world; world of bodily forms

عالَم نفس متّصل
contiguous world of souls;
continuous psychic world

عالَم نفس منفصل
discontiguous world of souls;
discontinuous psychic world

عالَم نور world of light

عالَم وحدانیّت domain of oneness; realm of unicity

عالَم وحدت domain of oneness; realm of unity; world of unity

عالِمیّت knowingness

عالی elevated;
superior

عالی (خداوند) the Elevated;
the Eminent;
the Transcendent

عامّ common;
general;
universal

عامل agent;
factor

عامّه commoners;
common people

عامّه (= اهل سنت) Sunnites

عِباد مخلَصین purified worshippers

عِباد اللّه ← عبداللّه

عبادت act of worship;
adoration;
devotion;
devoutness;
Divine service;
liturgical act;
liturgical rite;
ritual observance;
service;
simple observance of ritual practices;

عبث absurdity;
baseless action;
futility;
nonsense;
purposeless;
uselessness;
vain;
vanity

عبد bondsman;
servant;
slave

عبد صالح righteous bondsman;
righteous servant

عبد کلّی universal bondsman;
universal servant

عبداللّه God's bondsman;
God's servant;
servant of God;
slave of God

عبودیّت human condition of vassaldom;
servantship;
servitude

عترت descendants;

progeny
عجز helplessness; incapacity
عدالت just; justice
عدد number
عدل equity; justice; uprightness
عدل الاهی Divine justice; God's justice; theodicy
عدل خدا God's justice
عدم negation; non-being; non-existence; non-existent; not-being; nothing; nothingness; privation; privation of being
عدم ازلی beginningless non-existence; pre-eternal non-existence
عدم اقتضاء non-requirement
عدم تعلّق detachment; nonattachment
عدم تناهی infinitude; limitlessness
عدم حقیقی real non-being; real non-existence
عدم دهری non-existence at the level of perpetual duration; non-existence-through-perpetual-duration
عدم زمانی temporal non-existence
عدم سابق preceding non-existence
عدم سرمدی eternal non-existence; non-existence at the level of sempiternity; sempiternal non-existence
عدم صِرف pure non-existence; sheer non-existence
عدم لاحق following non-existence
عدم مُجامع (≠ عدم مقابل) parallel non-existence
عدم محض complete negation; pure non-existence; total negation
عدم مضاف non-existence related to something; relative non-existence

عدم مطلق absolute non-existence

عدم مقابل (≠ عدم مُجامع) preceding non-existence

عدم مقیّد determined non-existence; bound non-existence; relative non-existence

عدم ملکه non-existence in the sense of privation; privation

عدم موهوم imaginary non-existence

عدم و ملکه‌ی مشهوری privation and possession as commonly understood

عدم واقعی actual non-existence

عدم یقین lack of certitude; uncertainty

عدمی negative; of non-existence; privative

عدمیّت ذاتی state of essential non-existence

عذاب chastisement; doom; penalty; punishment; torment; torture

عذاب ابدی eternal punishment; eternal torment

عذاب الاهی Divine punishment; Divine torment

عذاب حسّی bodily punishment; bodily torment

عذاب دادن to accomplish the punishment; to punish; to torment

عذاب دیدن to be punished; to be tormented

عذاب روحی spiritual punishment; spiritual torment

عذاب شدن to be punished; to be tormented

عذاب قبر punishment of the grave; torment of the grave

عذاب معنوی spiritual punishment; spiritual torment

عذر exculpation; excuse

عرش empyrean; Throne

عرش الاهی Divine Empyrean; Divine Throne

عرش خدا	Throne of God
عَرَض	accident
ـــ بالعَرَض	accidental; accidentally; by accident; per accident
عَرَض جسمانی	corporeal accident; physical accident
عَرَض خارجی	accident in *concreto*; external accident
عَرَض خاصّ	proper accident; proprium; special accident
عَرَض ذاتی	essential property; natural accident
عَرَض عامّ	common accident; general accident
عَرَض غیرمفارق	inseparable accident
عَرَض لازم	inherent accident; inseparable accident; necessary accident
عَرَض متّصل	accident of juncture; contiguous accident; continuous accident
عَرَض مشخِّص	individuating accident
عَرَض مفارق	separable accident; separated accident
عَرَض منفصل	accident of separation; discontiguous accident; discontinuous accident
عَرَض نسبی	relational accident; relative accident
عَرَضی	accidental
عَرْضی (≠ طولی)	horizontal; latitudinal
عَرَضیّت	accidentality; accidentalness
عرف	common consent; common usage
عرفان	mysticism; Sufism
عرفان (= شناخت)	gnosis; sapience
عرفان عملی	practical mysticism; practical Sufism
عرفان نظری	introspective mysticism; speculative Sufism; theoretical Sufism
عرفانی	gnostic; mystic; mystical
عروج	ascent

عروض	accidence;
	accidentality;
	association;
	attribution;
	emergence;
	imposition;
	occurrence;
	predication
عزرائیل	Azrael
عزم	decision;
	determination;
	firm will;
	resolution;
	resolve;
	volition
عزیز (خداوند)	the Exalted;
	the Glorious;
	the Inaccessible;
	the Loved;
	the Mighty;
	the Powerful;
	the Precious;
	the Strong;
	the Unattainable
عشق	(erotic) passion;
	love
عشق الاهی	Divine love
عشق مَجازی	love of created things;
	virtual love
عصبیّت	blind partisanship;
	tribal ethnic bonding
عصمت	chastity;
	immunity;
	impeccability;
	inerrancy;
	infallibility;
	preservation;
	protection;
	sinlessness
عصیان	disobedience;
	transgression
عطاء	bestowal
عطوف (خداوند)	the Sympathetic
عطیّه‌ی الاهی	Divine gift
عظمت	grandeur;
	greatness;
	majesty;
	mightiness
عظیم	abounding;
	bounty
عظیم (خداوند)	the Glorified;
	the Great;
	the Mighty;
	the Tremendous

عفّت chasteness; chastity; continence; self-control

عفو forgiveness; pardon

عَفُوّ (خداوند) the All-Pardoning; the Most Pardoning

عفو کردن to pardon

عفوکردن to forgive

عفیف chaste; continent

عِقاب ← عذاب

عقبه difficult ascent

عُقبی الدار abode of the hereafter; ultimate abode

عُقبیٰ hereafter; next world

عقدالقلب binding of the heart; knotting of the heart

عقل intellect; intellectual faculty; *intellectus*; intelligence; mind; *nous*; *ratio*; reason

عقل اجمالی non-differentiated intellection

عقل استقرایی inductive intellect; inductive reason

عقل اعلیٰ (= عقل اوّل) Supreme Intellect

عقل الاهی Divine Intellect; Divine Intelligence

عقل انسانی human intellect; human reason

عقل اوّل (= عقل کلّی، صادر اوّل) *Deus revelatus*; First Intellect; First Intelligence; *Nous*; prime intellect; primordial intellect; *protokistos*

عقل بالفعل actual intellect; actualized intellect; intellect in act; intellect in action

عقل بالقوّه intellect in potency; possible intellect; potential intellect

عقل بالملکه dispositional intellect;

habitual intellect;
intellect by faculty;
intellect in disposition;
intellectus habitus

عقل بسیط simple intellect

عقل بسیط اجمالی
simple summary intellect

عقل تفصیلی detailed intellection;
diversified intellect

عقل ثانی Second Intellect

عقل جزئی partial intellect;
particular intelligence;
particular reason

عقل سلیم common sense;
sound judgement;
sound reason

عقل عملی functional intellect;
practical intellect;
practical intelligence;
practical reason

عقل غریزی instinctive intelligence

عقل فطری in-born intellect;
natural reason;
primal reason;
primordial intellect

عقل فعّال Active Intellect;
Active Intelligence;

agent intellect;
intellectus agens;
Intellegentia agens;
Madonna Intelligenza

عقل قدسی sacred intellect

عقل کامل cosmic intellect;
cosmic reason;
perfect intellect

عقل کلّی (= عقل اوّل، صادر اوّل) *Nous*;
Universal Intellect;
universal intelligence;
universal reason

عقل متفکّر contemplating mind;
reasoning mind;
speculative reason

عقل مجرّد immaterial intellect;
non-material intellect;
non-material world;
pure intellect

عقل محض pure intellect

عقل مستفاد acquired intellect;
acquired intelligence;
derived intelligence;
intellectus adeptus

عقل مفارق non-material intellect;
separated intellect

عقل مَلَکی angelic intelligences

عقل منفعل passive intellect; passive intelligence

عقل نظری conceptual intellect; conceptual intelligence; speculative intelligence; speculative reason; theoretical intellect; theoretical reason

عقل هیولانی hylic intellect; *intellectus materialis*; material intellect; material intelligence

عقل‌گرا rationalist

عقل‌گرایی rationalism

عقلاء rational thinkers

عقلانی intellectual; rational

عقلی intellectual; intelligent; noetic; rational

عقوبت ← عذاب

عقول تفصیلی diversified intellects

عقول سماوی celestial intelligences; heavenly intelligences

عقول طولی vertical intellects; vertical intelligences

عقول عَرْضی horizontal intellects; horizontal intelligences

عقول مجرّده pure intellects; *intelligentia spiritualis*; separated intelligences

عقول مفارق separated intelligences; separate intelligences

عقول مَلَکی *angeli intellectuales*; angelic intelligences

عقیده doctrine; dogma; tenet

علّام الغیوب (خداوند) the Ever-knowing of absent things

علائق دنیوی worldly attachments; worldly bonds

علّت cause; ground

علّت اصلی original cause; principal cause

علّت اِعدادی preparatory cause

علّت اعلیٰ first cause; supreme cause

علّت افاضه کننده (= فاعل الاهی) emanative cause

علّت اولیٰ *causa prima*; first cause;

supreme cause		*causa intentionalis*; final cause	علّت غایی
essential cause	علّت بالذات	efficient cause	علّت فاعلی
accidental cause	علّت بالعَرَض	emanating cause	علّت فیّاض
actual cause	علّت بالفعل	receptive cause	علّت قابلی
potential cause	علّت بالقوّه	eternal cause	علّت قدیم
simple cause	علّت بسیط	near cause; proximate cause; proximate principle	علّت قریب
extreme causes; remote cause	علّت بعید	*causa materialis*; material cause	علّت مادی
complete cause; perfect cause; sufficient cause	علّت تامّه	sustaining cause	علّت مُبقیه
secondary cause	علّت ثانوی	intermediary cause	علّت متوسّطه
bodily cause; corporeal cause	علّت جسمانی	pure cause	علّت محض
real cause; true cause	علّت حقیقی	composite cause; compound cause	علّت مرکّب
external cause; outward cause	علّت خارجی	preparatory cause; preparing cause	علّت معدّه
particular cause	علّت خاصّ	علت مُفیض ← علّت افاضه کننده	
internal cause; inward cause	علّت داخلی	constraining cause; necessitating cause	علّت موجِبه
causa formalis; formal cause	علّت صوری	creative cause; existentiating cause; producing cause	علّت موجِده
necessary cause	علّت ضروری	incomplete cause; partial cause	علّت ناقصه
natural cause	علّت طبیعی	first cause;	علّت نخستین
general cause	علّت عامّ		
elemental cause	علّت عنصری		

prime cause
علّت و معلول cause and effect
علّت واقعی factual cause; real cause
علّت هیولانی *causa materialis*; hylic cause; material cause
علّة العلل cause of all causes; cause of causes; primal cause
علل ← علّت
علل اربعه ← علل چهارگانه
علل ثانویّه ← علّت ثانوی
علل چهارگانه four causes
علل عالیه higher causes
علل قریب ← علّت قریب
علل قوام causes of subsistence; constituent causes; constitutive causes
علل متوسّطه intermediary causes
علم شهودی intuitive act of knowledge
عَلَم (= نشانه) signpost
علم احکام نجوم astrology
علم المَلَک (= فرشته‌شناسی) angelology
عِلم cognition; knowledge;

science
علم اجمالی collective knowledge; non-detailed knowledge
علم احاطی comprehensive knowledge; encompassing knowledge
علم احکام نجوم astrology
علم ارتسامی representational knowledge
علم ازلی eternal knowledge
علم اَسرار knowledge of the mysteries; knowledge of the Unseen
علم اعتقادی knowledge of beliefs; knowledge of religious doctrines
علم اعلیٰ higher science; supreme knowledge
علم اکتسابی (= علم کسبی، علم مکتسب) acquired knowledge; earned science
علم الاهی Divine knowledge; Divine science; God's knowledge; science of Divinity; *scientia sacra*
علم النّفس psychology; science of the soul

علم الهامی inspired knowledge; knowledge of inspiration

علم الیقین certain knowledge; knowledge of certainty; knowledge of certitude; science of certainty; sure knowledge

علم انفعالی passive knowledge

علم اوّلی immediate knowledge

علم باطن esoteric knowledge; inner knowledge

علم باطنی ← علم باطن

علم بدیهی intuitive knowledge; necessary knowledge

علم برین first philosophy

علم به ذات self-knowledge

علم به نفس consciousness of the self; self-knowledge

علم پیشین foreknowledge

علم تعلیمی an instructive science

علم تفصیلی detailed knowledge

علم جبلّی innate knowledge

علم حسّی sensory knowledge; sensual knowledge

علم حصولی acquired knowledge; conceptual knowledge; discursive knowledge; knowledge by acquaintance; knowledge by correspondence; knowledge by inference; knowledge by representation; knowledge through concepts; mediated knowledge; representational knowledge

علم حصولی ارتسامی discursive knowledge through impression

علم حصولی اکتسابی knowledge by acquired representation

علم حضوری direct knowledge; immediate knowledge; intuitive act of knowledge; intuitive knowledge; knowledge by presence; non-intentional knowledge; non-phenomenal knowledge; non-representational knowledge; presential knowledge; self-object-consciousness; self-objective knowledge

علم حقیقی real knowledge; true knowledge

علم خدا God's knowledge

علم خیالی imaginal knowledge;

imaginative knowledge

علم ذوق

knowledge of spiritual taste;
sapience;
tasted knowledge

علم ربّانی Divine science;
Dominical knowledge;
Dominical science;
Lordly knowledge;
Lordly science

علم ربوبی Divine knowledge

علم رسمی exoteric knowledge;
exoteric science;
formal knowledge;
formal science;
official science

علم سابق foreknowledge

علم شهودی intuitive knowledge;
science of vision;
visionary knowledge

علم صادق true knowledge

علم صوری formal knowledge;
formal science

علم ضروری *a priori* knowledge;
necessary knowledge

علم طبیعی natural knowledge;
natural philosophy;
natural science;
physics

علم ظاهر exoteric knowledge;
outward knowledge

علم ظاهری ← علم ظاهر

علم غیب knowledge of the Absent;
knowledge of the Unseen;
knowledge of the unseen world

علم فعلی active knowledge

علم قلیل little knowledge;
scant knowledge

علم کسبی (≠ علم موهوب)
acquired knowledge;
acquired science;
earned science

علم کشف
knowledge through vision;
science of vision

علم کلام dialectical theology;
Kalam;
scholastic theology;
science of *kalâm*;
speculative theology;
theolcgy

علم کلام عقلی rational theology

علم کلام نقلی revealed theology;
theology based on transmitted

sources

علم کلّی universal science

علم لاهوت science of metaphysics; theology

علم لدنّی awareness of transcendence; God-given knowledge; inner knowledge; intellectual intuition; knowledge from God

علم متعارف (= اصل متعارف) axiom

علم مطلق omniscience

علم مکتسَب (= علم کسبی) acquired knowledge; acquired science; earned science

علم مکنون hidden knowledge; secret science

علم مناظر و مرایا optics

علم موهوب (≠ علم کسبی) bestowed science

علم نجوم astronomy

علم نظری formal knowledge; speculative knowledge; speculative science; theoretical science

علم و عمل contemplation and action; knowledge and action

علم واسع all-embracing knowledge

علم هیئت astronomy

علم یقینی certain knowledge

علماء (نیز ← عالم) the learned; men of science; religious scholars

علمی cognitive

علوّ eminence; highness; transcendence

علوم اشراقی illuminative sciences; luminous sciences

علوم الاهی theological sciences

علوم ربّانی ← علم ربّانی

علوم رسمیّه ← علم رسمی

علوم عقلی intellectual sciences; rational sciences; speculative sciences

علوم غریبه esoteric sciences; hidden sciences; occult sciences

علوم نقلی religious sciences; traditional sciences; transmitted sciences

عَلیّ (خداوند) the All-High; the All-Highest; the Exalted; the Great; the Highest; the Supreme; the Transcendent

علّیّت causality; causation; causehood; cause-ness

علیم (خداوند) the All-Knowing; the Knower; the Knowing; the Omniscient

عماء chaos; dark mist; primal cloud

عمل act; action; deed; practice; work

عمل به ارکان performance of the basic religious rites; performance of the fundamental duties of religion

عمل به شریعت outward practice of literal religion; practice of the Law

عمل جوارحی action with the limbs

عمل سیّئ (≠ عمل صالح) wrong action; wrong deed

عمل صالح good action; good deed; meritorious action; wholesome deed

عمل ظاهر outer action; outward action

عمل عبادی act of devotion; deed of obedience

عمل قبیح evil act; evil deed

عمل قلبی act of the heart

عمل نفسانی act of concupiscent soul; carnal action

عملی practical

عموم (= کلیّت) generality; universality

عمومیّت all-encompassingness; comprehensiveness

عناصر ← عنصر

عناصر اربعه four elements

عناصر چهارگانه ← عناصر اربعه

عناصر مقوّم constituent elements

عنایت foreknowledge; grace; providence; providential ordering; supervision

عنایت ازلی eternal providence; predestination

عنایت الاهی Divine providence

عنایت حق Divine grace

عنایت ربّانی Divine providence

عندالله *in divinis*; in God's eyes; with God

عنصر element; origin; prime matter; principle

عنصر اعظم great element; supreme element

عنصر پنجم (= اثیر) the fifth elements; quintessence

عنصری elemental; material

عنصریّت elementality

عوارض accidents

عوارض خارجی external accidents; outward accidents

عوارض زمانی temporal accidents

عوارض غریبه extraneous accidents

عوارض لازم inseparable accidents; necessary accidents

عوارض ماهیّت accidents of essence; accidents of quiddity; individualizing accidents

عوارض مشخّصه individualizing accidents

عوارض وجود accidents of existence; existential accidents

عوام common people; the multitude

عوض compensation

عیب fault; imperfection

عیسی (ع) Jesus

عین concretized essence; entity; existence; individual reality; object;

particular reality;
reality;
self;
thing in itself

عین الربط pure connection

عین العدم complete negation;
total negation

عین الیقین
knowledge by perception;
vision of certainty;
vision of certitude

عین ثابت ← اعیان ثابته

عین معدومه nonexistent entity

عین موجوده existent entity

عینی actual;
concrete;
determinate;

determined;
genuine;
objective;
real

عینیّت concrete determination;
objective state of things;
objectivity

عینیّت (= یکسانی) identification;
identity;
same-ness;
self-sameness

عینیّت خارجی external object;
outward object

عینیّت ذات و وجود
identity of essence and being;
identity of essence and existence

غ

غافِر (خداوند)	the Forgiver
غافر الذنب (خداوند)	the Forgiver of sin
غافل	heedless; ignorant; oblivious
غالی	exaggerator; extremist
غائب (≠ شاهد)	absent
غایت (نیز ← غرض)	aim; end; furthest limit; goal; purpose; *telos*; utmost limit; utmost object
غایت بالذات	essential end; essential goal
غایت بالعَرَض	accidental end; accidental goal
غایت بسیط	simple end; simple goal
غایت قصوىٰ	ultimate end; ultimate goal
غاية الغايات	end of all ends; goal of goals
غایی	final
غرض	aim; desire; end; goal; individual desire; intention;

personal desire;
purpose;
target

غریزه innate disposition;
instinct

غریزی inborn;
instinctive

غزّالی Algazel;
al-Ghazali;
Al-Ghazzâlî

غضب indignation;
irascibility;
wrath

غفّار (خداوند) the All-Concealing;
the All-Forgiver;
the All-Forgiving;
the Forgiver

غفران (= آمرزش) forgiveness

غفلت heedlessness

غفلت از حق forgetfulness of God

غَفُور (خداوند) the Concealing;
the Forgiving;
the Indulgent;
the Pardoner

غُلات ← غالی

غلوّ exaggeration;
exceeding the proper bounds

غلوّ در دین being excessive in religion

غنا independence;
possessing riches;
richness

غناء ذاتی essential richness;
self-subsistence;
self-sufficiency

غنوصیّه Gnosticism

غنیّ independent;
rich

غنیّ بالذات self-sufficient

غنیّ (خداوند) the All-Rich;
Independent of all things;
the Rich

غنیّ بالذات self-sufficient

غنیّ مطلق absolutely rich;
all-rich

غیّ going stray

غیب مطلق absolute non-manifestation

غیب the Absent;
hidden;
invisible;
mysterious;
supernatural;
unknown;

the Unseen

غیب الغیب absent of the absent; the most hidden; unknown of the unknown

غیب مطلق the Absolute Unseen

غیب و شهادت absent and witnessed; invisible and visible

غیبت (≠ حضور) absence

غیبت امام occultation of the Imam

غیبت صغریٰ minor occultation

غیبت کبریٰ great occultation; major occultation

غیبت کردن (= غایب شدن) to become absent; to go into occultation

غیر other; otherness;

ـــ بالغیر by another; by-otherness; by-something-else

ـــ لغیره for-something-else; for something other than itself

غیراختیاری non-voluntary

غیرازلی non-eternal; non-pre-eternal

غیرجسمانی incorporeal

غیرقارّ non-static

غیرمادّی immaterial; incorporeal

غیرمتحرّک immovable; unchanging; unmoved

غیرمتناهی indefinite; indefinite in number; inexhaustible; infinite

غیرمحدود limitless; unlimited

غیرمحسوس imperceptible

غیرمخلوق uncreated

غیرمعقول unintelligible

غیرمعیّن undetermined

غیرموجود non-existence

غیریّت difference; differentiation; diversity; otherness

ف

فاجر	profligate
فارابی	*Al-Fârâbî*; Alfarabius; Avennasar
فارق	decisive criterion
فاسد (≠ کائن)	corruptible
فاسد (دلیل)	defective; invalid
فاضل	excellent; virtuous
فاطر (خداوند)	the Originator
فاعل	actor; affecting; agent; doer; maker
فاعل ارادی	voluntary agent
فاعل الاهی	Divine agent
فاعل اوّل	first agent; prime agent
فاعل با واسطه	mediating agent
فاعل بالاختیار	agent by choice
فاعل بالتجلّی	agent-by-manifestation; agent by self-manifestation
فاعل بالتسخیر	agent by compulsion; agent by subjection; subordinate agent
فاعل بالجبر	agent by being forced; agent by coercion; compelled agent; forced agent
فاعل بالذات	essential agent; proper agent

فاعل بالرّضا	agent by agreement
فاعل بالطّبع	agent by nature; natural agent
فاعل بالعَرَض	accidental agent
فاعل بالعنایه	agent by providence; providential agent
فاعل بالقسر	agent by compulsion; agent by violence
فاعل بالقصد	intentional agent
فاعل بسیط	simple agent
فاعل به تجلّی ← فاعل بالتجلّی	
فاعل به جبر ← فاعل بالجبر	
فاعل جزئی	partial agent; particular agent
فاعل حقیقی	real agent; true agent
فاعل خاصّ	special agent
فاعل طبعی ← فاعل بالطّبع	
فاعل طبیعی	natural agent
فاعل قاسر	coercive agent; violent agent
فاعل قدیم	eternal agent
فاعل قریب	nearby agent; proximate agent
فاعل قسری ← فاعل بالقسر	
فاعل کلّی	universal agent
فاعل مباشر	immediate agent
فاعل مختار	free agent
فاعل مرکّب	composite agent; compound agent
فاعل مطلق	absolute agent
فاعل موجَب	determined agent; necessitated agent; unfree agent
فاعلی	efficient
فاعلیّت	action; activity; actuality; agency; authorship; operation
فالق (خداوند)	the Splitter
فانی	mortal; perishable; perishing
فائق (خداوند)	the Overpowering
فتّاح (خداوند)	the Arbiter; the Conqueror; the Reliever
فتنه	sedition
فتوح الغیب	revelations of the Unseen; unveiling of the Unseen
فرائض	obligatory acts;

obligatory duties;
obligatory rituals

فرد
individual;
instance;
single;
single unit;
unitary

فرد (خداوند)
the Single;
the Solitary;
the Unique

فرد (عدد)
odd

فرد خاصّ (وجود)
particular unit

فرد عامّ (وجود)
general unit

فرد کلّی (نیز ← فرد عامّ)
universal unit

فرد مطلق (نیز ← فرد عامّ)
absolute unit

فرد منتشر
unspecified individual

فردانیّت (خداوند)
the Uniqueness

فردوس
the Garden;
heaven;
paradise

فردیّت
individuality;
individuation;
singleness;
singularity;
uniqueness

فرشتگان مقرّب ← ملائکه‌ی مقرّب

فرشته
angel

فرشته‌ی وحی
angel of revelation

فرشته‌شناسی
angelology

فرض
assumption;
hypothesis;
supposition

فرض کردن
to assume;
to posit;
to presume;
to suppose

فرض محال
supposing the impossible;
assumption of the impossible;
impossible supposition;
supposition of something impossible

فرضی
assumed;
hypothetical

فرعی
secondary;
subsidiary

فرق
difference;
distinction

فرقه
community;
faction;
school;
sect

فرقه‌ی امامیّه Imamite party; the Imamites
فرقه‌ی خوارج Kharijism; the Khawarij
فرقه‌ی ناجیه saved community
فرمان command; commandment; order
فرمان الاهی God's command
فرمان خدا order of God
فروع احکام branches of legal rules
فروع دین branches of the religion; ramifications of the religion
فروع شریعت branches of the Law
فریضه obligatory duty; obligatory ritual
فساد corruption; disorder
فسادپذیر corruptible
فسادناپذیر incorruptible
فسق debauchery; grave sin; sin; unrighteousness
فصل (= جزء مقوم نوع) difference; *differentia*
فصل مقوّم constituent *differentia*; constituting *differentia*
فصل الخطاب clear judgement; decisive address; decisive speech; the differentiation of address
فضل الاهی Divine bounty; Divine grace; favour of God
فضیلت virtue
فطرت genesis; inborn disposition; innate disposition; natural disposition; original creation; original disposition; original genesis; original nature; primal genesis; primary nature; primordial disposition; primordial nature; sound disposition
فطرت اولی primal genesis
فطرت سلیم sound original nature
فطرةاللّه bringing forth of God
فطری constitutional; inborn;

inherent;
innate;
natural
فعّال active;
agens
فعّال (خداوند) the Active
فعّال ما یَشاء (خداوند) the Doer of whatever He wills;
the Omnipotent
فعل act;
action;
activity;
actuality;
actus;
operation;
work
ـــ بالفعل actual;
actually;
by act;
in actu;
in act;
in actuality
فعل (مقوله) act;
action
فعل اختیاری freely chosen act;
optional act;
volitional act;

voluntary act
فعل ازلی eternal act
فعل الاهی Divine act
فعل باطل false act;
vain action
فعل جزاف capricious act
فعل جوارحی action by limbs
فعل جوانحی action by heart
فعل حادث created act
فعل خلق act of creation;
fiat lux
فعل رابط *copula*
فعل صِرف pure act
فعل طبیعی natural act;
natural action
فعل قدیم eternal act
فعل گزاف superfluous act;
superfluous action
فعل محدود limit act;
limit action
فعل مطلق absolute act
فعل نفسانی action of the self;
act of the soul
فعلی active;
actual
فعلیّت actuality;
actualization

فعلیّت بخشیدن to actualize; to make actual

فقر complete indigence; indigence; need; poverty; want

فقر ذاتی essential need; essential poverty

فکر cogitation; deliberation; idea; intellection; meditation; reflection; thinking; thought

فکری deliberative; intellectual; mental; noetic; reflective

فلاح salvation

فلاسفه ← فیلسوف

فلسفه philosophy

فلسفه‌ی ارسطویی Aristotelian philosophy; Peripatetic philosophy

فلسفه‌ی اشراق Illuminationism; Illuminationist philosophy; Illuminationist theosophy; illuminative philosophy

فلسفه‌ی اُولی first philosophy; metaphysics; *philosophia prima*; prime philosophy

فلسفه‌ی جاویدان perennial philosophy; *philosophia perennis*

فلسفه‌ی رواقی Stoicism

فلسفه‌ی فیثاغوری Pythagorian philosophy

فلسفه‌ی مشّاء Aristotelian philosophy; Peripatetic philosophy

فلسفه‌ی نوافلاطونی Neoplatonic philosophy; Neoplatonism

فَلَک celestial sphere; heaven; heavenly sphere; revolving heavens; sphere

فلک اطلس starless heaven;

starless sphere
فلک اعلیٰ the highest sphere
فلک اقصیٰ the lowest sphere
فلک ثوابت sphere of the fixed stars
فلک حیات sphere of life
فلک قمر sphere of the moon
فلک متداخل encircling sphere
فلک الافلاک first sphere; the highest sphere; sphere of the spheres
فلک البروج sphere of constellations; the zodiac
فلک المنازل sphere of the moon's mansions
فلکی celestial; heavenly; spherical
فنّ art; technique
فنّ جدل art of polemics; technique of polemics
فناء نفس annihilation of the ego; perishing of the soul; vanishing of the self
فناء فی اللّٰه annihilation in Allah

فناپذیر destructible; mortal
فناناپذیر immortal; indestructible
فوق above; beyond; high; up
فوقیّت aboveness; being above
فهلویّون Persian sages; sages of Persia
فهم apprehension; comprehension; grasp; intelligence; understanding
فی ذاته in essence; in itself; *per se*
فی نفسه in itself
فیّاض all-emanating
فیثاغورس Pythagoras
فیثاغوریان Pythangoreans
فیض effluence; effusion; emanation;

grace;
overflow;
procession

فیض اقدس
the most holy emanation;
the most sacred effusion

فیض بی‌واسطه
emanation without intermediary

فیض تجلّی دائم emanation of continuous theophany

فیض مقدّس holy emanation; sacred effusion

فیض وجود effusion of being

فیضان emanation; pouring forth

فیلسوف philosopher

ق

قابض (خداوند) the Gripper; the Restrainer

قابل (اسم) receiver; receptacle; recipient

قابل (وصف) accepting; being a receptacle; capable; passive; receptive; susceptible

قابل حمل capable of being predicated; predicable

قابل التوب (خداوند) the Acceptor of repentance

قابلیّت potentiality; susceptibility; receptivity

قادر (خداوند) the All-Mighty; the All-Powerful; the Almighty; the Omnipotent; the Powerful

قادر مطلق absolutely powerful; all-powerful; omnipotent

قادریّت being-capable; powerfulness

قارّ co-present; immobile; static

قارّ الذات co-present in essence; essentially established;

essentially immobile

قاعده basis;
principle;
rule

قاعده‌ی امکان اخسّ
doctrine of the baser contingent

قاعده‌ی امکان اشرف
doctrine of the nobler contingent

قاعده‌ی عقلی intellectual principle;
intellectual rule;
rational principle

قاعده‌ی فرعیّت
rule of presupposition;
rule of subordination

قانون canon;
law;
principle;
rule

قانون الاهی Divine law

قانون ضرورت علّی inexorable law

قانون طرد حدّ وسط
law of excluded middle

قانون طرد واسطه
law of excluded middle

قاهر (خداوند) the Conqueror;
the Dominant;
the Dominator;
the Overpowerer;
the Ruler;
the Subjugating;
the Triumphant;
the Victorious

قائل (خداوند) the Speaker

قائم به خود ← قائم به ذات

قائم به ذات self dependant;
self-existent;
self-subsistent;
self-sustaining

قائم به ذات بودن to subsist by itself;
to subsist in one's essence;
to subsist through its own essence

قائم به نفس autonomous;
self-subsistent

قبح badness;
distaste;
evil;
foulness;
nastiness;
ugliness

قبض روح contraction of the spirit;
seizure of the spirit

قبضه grip

قبلیّت ← تقدّم

قبول acceptance;

reception;
receptivity

قبیح abominable;
bad;
base;
distasteful;
evil;
foul;
perverted;
reprehensible;
repugnant;
ugly

قبیح بودن to be evil;
to be ugly

قبیح ذاتی essentially ugly;
intrinsically bad

قَدَر destiny;
determination;
Divine decree;
fate;
free will;
libertarianism;
measure;
measuring out;
predestination;
providence

قَدَر معلوم known measure;
predestined measure

قدرت ability;
aptitude;
capacity;
might;
power

قدرت ازلی pre-eternal power

قدرت بی‌کران boundless power;
limitless power

قدرت تصرّف capacity to dispose;
power to dominate

قدرت لا یزالی eternal power

قدرت مدبّره controlling power

قدرت مطلق absolute power;
omnipotence

قَدَری Libertarian;
predestinarian;
Qadarite

قدریان ← قدریّه

قدریّه believers in fate;
Libertarians;
Qadarites

قدس (عالم) Sanctity

قدسی heavenly;
holy;
sacred

قدسیّت sanctity;

holiness
قِدَم ancientness;
anteriority;
eternity;
pre-eternity;
pre-existence
قِدَم اضافی
relative non-temporal origination
قِدَم حقیقی
real non-temporal origination
قِدَم ذاتی essential eternity;
eternity in essence
قِدَم زمانی eternity in time;
temporal eternity
قدماء ثمانیه
eight non-temporally originated beings
قِدمت ← قِدَم
قُدّوس (خداوند) the All-Holy;
God the Holy;
the Holy;
the Most Holy;
the Most Sacred;
the Sacred
قدیر (خداوند) the All-Mighty;
the All-Powerful;
the Almighty;

the Omnipotent;
the Powerful
قدیم eternal;
non-temporal;
pre-eternal;
pre-existent;
sempiternal
قدیم (خداوند) the Ancient;
the Eternal;
the Everlasting;
the Pre-eternal
قدیم بالذات ← قدیم ذاتی
قدیم ذاتی essentially non-temporal;
pre-eternal by virtue of essence
قدیم زمانی
eternal by virtue of time;
eternal in terms of time
قرآن Koran;
Quran;
Qur'an
قرآن کریم the Noble Koran;
the Noble Quran;
the Noble *Qur'an*
قرّاء Koran reciters;
reciters of the Quran
قرامطه Qaramatis;
Qaramites

قرب	nearness; proximity
قرب به خدا	nearness to God
قرب الاهی	nearness to God
قریب	proximate
قریب (خداوند)	the Near; the Very Near One
قسر	coercion; compulsion; constraint; force; obstruction; violence
ـــ بالقسر	compulsory; in violence
قسر اقلّی	minor constraint
قسر اکثری	major constraint
قسر دائمی	permanent constraint
قسری	compulsory; constrained
قسط	justice; just scale
قسمت (تقدیر)	lot
قسمت (تقسیم)	division; partition
قسمت عقلی	logical division; rational division
قسمت وهمی	imaginary division
قسمت‌پذیر	divisible
قسمت‌پذیری	divisibility
قسمت‌ناپذیر	indivisible
قسمت‌ناپذیری	indivisibility
قصد	aim; intention; purpose
ـــ بالقصد	intentional
قصد ثانوی	secondary intention
قصد اوّل	primary intention
قضا	accomplishment; decree; Divine decree; Divine will; ordinance; predetermination
قضا (= تقدیر)	destiny; fate
قضا و قدر	decree and destiny; decree and preordination; destiny and fate; Divine decree and destiny; Divine decree and predestination; Divine will; foreordination; predestination

قضا و قدر الاهی
Divine decree and destiny;
Divine foreordination

قضاء الاهی
Divine decree;
Divine destiny;
God's decree

قضاء حتمی
certain decree;
unchangeable decree

قضاوت
judgement

قضیّه
proposition;
statement

قطب عالم
Pillar of the cosmos;
Pole of the world

قطع اسباب
cutting off secondary causes

قطع تعلّق
cutting off attachment;
severance of bonds

قطع علایق
cutting off attachments

قطعی
certain;
conclusive;
decisive;
definite

قطعیّت
certainty;
certitude;
definiteness

قلب (= دل)
heart

قلب ماهیّت
transformation of essence;
transformation of quiddity;
transubstantiation

قلب وجود
trans-existentiation;
transformation of existence

قلم
the Pen

قلم اعلیٰ
the Exalted Pen;
the Supreme Pen

قلمرو زمان و مکان
spatio-temporal domain

قمر
moon

قمری
lunar

قوا ← قوّه

قوابل ← قابل

قواعد ← قاعده

قواعد العقاید
articles of faith

قوام
constitution;
strength;
subsistence

قوای باطنی ← قوّه‌ی باطنی

قوای جسمانی ← قوه‌ی جسمانی

قوای حیوانی ← قوّه‌ی حیوانی

قوای ظاهری ← قوّه‌ی ظاهری

قوای مدرکه ← قوّه‌ی مُدرِکه

قوای منفعله
apprehensive powers

قوای واسطه
intermediary powers;

intermediate potencies

قوس صعود arc of ascent;
ascending arc;
curve of ascent

قوس صعودی ← قوس صعود

قوس نزول arc of descent;
curve of descent;
descending arc

قوس نزولی ← قوس نزول

قول dictum;
doctrine;
enunciation;
lexis;
saying;
speech;
thesis;
utterance;
word

قول جازم declarative discourse;
definitive discourse;
definitive word

قول خطابی rhetorical discourse;
rhetorical speech

قول شرطی conditional proposition;
hypothetical proposition

قول صادق true discourse

قول کاذب eristic discourse;
false discourse;
falsified discourse

قوّه faculty;
force;
power;
strength

قوّه (≠ ضعف) power;
strength

قوّه (≠ فعل) potence;
potency;
potentia;
potentiality

ـــ بالقوّه by potency;
in potentia;
potential;
potentially

قوّه‌ی استعدادی power of receptivity

قوّه‌ی انفعالی
faculty of being affected;
reactive force;
receptive faculty

قوّه‌ی باطنی intrinsic force

قوّه‌ی بحثیّه
power of analytic thinking

قوّه‌ی بیان faculty of speech;
power of speech

قوّه‌ی تحریک ← قوّه‌ی محرّکه

قوّه‌ی تفکّر	deliberative faculty; power of thought; reason
قوّه‌ی تولید مثل	faculty of generation
قوّه‌ی جذب	faculty of attraction
قوّه‌ی جسمانی	bodily faculty; corporeal faculty; corporeal force; corporeal power
قوّه‌ی حافظه	faculty of remembrance; memory
قوّه‌ی حدس	intuitive faculty; intuitive power
قوّه‌ی حسّاسه	sensible faculty; sensible force; sensible power
قوّه‌ی حسّی	faculty of sensation
قوّه‌ی حیوانی	animal faculty; animal power
قوّه‌ی خلّاقه	creative faculty; creative power
قوّه‌ی خیال	imagination; Imaginatrix
قوّه‌ی خیالیّه	imaginal power; imaginative faculty
قوّه‌ی دافعه	faculty of rejection; faculty of repulsion; repulsion faculty
قوّه‌ی درک	faculty of perception; intellect
قوّه‌ی ذاتی	essential faculty; essential power
قوّه‌ی ذاکره	recollective faculty; remembering faculty
قوّه‌ی ذهنی	mental faculty; mental power
قوّه‌ی شوقیّه	faculty of yearning; impulsive faculty
قوّه‌ی شهویّه	appetitive faculty; concupiscible faculty; desiderative faculty; faculty of concupiscibility; force of desire; power of lust; sensual power
قوّه‌ی طبیعی	natural force; natural power
قوّه‌ی ظاهری	external faculty
قوّه‌ی عاقله	intellectual faculty; rational faculty; reason; reason power

قوّه‌ی عامله moving faculty; practical faculty; practical power

قوّه‌ی عَرَضی accidental power; accidental strength

قوّه‌ی عقلی intellectual faculty; intelligent faculty; rational faculty

قوّه‌ی علمی theoretical faculty

قوّه‌ی عملی practical faculty

قوّه‌ی غاذیه feeding faculty; nutritive faculty

قوّه‌ی غضبیّه irascible faculty; irascible force; power of anger

قوّه‌ی فاعلی active faculty; active power; affecting power

قوّه‌ی فکر faculty of thought; meditative faculty; power of thought

قوّه‌ی ماسکه force of retention; retention faculty; retentive faculty

قوّه‌ی متخیّله (= قوّه‌ی متصوّره) faculty of imagination; imaginal faculty; imaginative faculty; imaginative power

قوّه‌ی محافظه retentive faculty

قوّه‌ی محرّکه faculty of movement; locomotive faculty; motive faculty; moving faculty; moving force

قوّه‌ی مُدرکه perceptual faculty; faculty of perception; intellective faculty; perceiving faculty; perceptive faculty; perceptive power; perceptual force; perceptual power; power of comprehension

قوّه‌ی مصوّره faculty of representation; form-giving faculty; imaginative faculty

قوّه‌ی مفکّره faculty of thought; reflective faculty; reflective power

قوّه‌ی منمیه augmentative faculty

قوّه‌ی مولّده faculty of reproduction; force of reproduction;

قوّه‌ی ناطقه	generative force; reproduction faculty
	calculative power; discursive power; rational; rational faculty
قوّه‌ی نامیه	faculty of growing; faculty of growth
قوّه‌ی نباتی	vegetative faculty; vegetative power
قوّه‌ی نُزوعیّه (= قوّه‌ی شوقیّه)	appetitive faculty; impulsive faculty
قوّه‌ی نطق	faculty of rationality; rational faculty
قوّه‌ی نظری	speculative faculty; theoretical faculty
قوّه‌ی نفسانی	power of the soul; psychic faculty
قوّه و فعل	potency and act; potentiality and actuality
قوّه‌ی وهمیّه	estimative faculty; faculty of estimation
قوّه‌ی هاضمه	digestive faculty; faculty of digestion; force of digestion
قویّ	powerful; strong
قویّ (خداوند)	the All-Powerful; the Most Strong; the Strong
قهّار (خداوند)	the All-Subjugating; the Conquering; the Invincible; the Omnipotent; the Overwhelming; the Subduer; the Victorious
قهر	domination; overwhelming power
قهر الاهی	Divine Wrath
قیاس (= تمثیل)	analogical human reasoning
قیاس (در منطق)	deduction; syllogism
قیام	erect stance
قیام (= قائم بودن)	subsistence
قیام به ذات	self-subsistence
قیام به ذهن	subsistence in the mind
قیام به نفس	subsistence in the soul
قیام حلولی	subsistence of inherence; subsistence of inhering
قیام صدوری	subsistence of issuing

قیامت Day of Judgement; the Resurrection

قیامت صغریٰ Lesser Rising

قیامت کبریٰ Greater Rising; Great Resurrection

قید condition; qualification

قیّم (خداوند) the Abiding

قیّوم (خداوند) the Ever-Standing; the Immutable; the Self-Abiding; the Self-Existent; the Self-Subsisting; the Subsistent

قیّومیّت self-subsistence

ک

کاتب وحی	scribe of the revelation
کاذب	false; untrue
کاسب	acquirer; gainer
کافر	disbelief; disbeliever; infidel; unbeliever; unbelieving
کافر ذمّی	← اهل ذمّه
کافر مرتد	apostate unbeliever
کافی	sufficient
کامل	complete; perfect
کان تامّه	"be" in its complete sense; "is" of existence
کان ناقصه	"be" in its incomplete sense; "is" of predication
کاهن	augur; priest; soothsayer
کائن	being; created being; creature; entity; generated being
کائنات	creatures; entities; generated beings; things generated; whole of creation
کبریاء	grandeur;

کبریایی greatness; magnificence; glorious; grandeur; majestic

کبریایی خدا Divine grandeur; Divine majesty

کبیر (خداوند) the All-Great; the Great; the Greatest

کبیره ← گناه کبیره

کتاب آسمانی revealed book; revealed text; sacred scripture; scripture

کتاب تدوینی composed book

کتاب تکوین book of creation

کتاب تکوینی آفاقی external book of creation; outward book of creation

کتاب تکوینی انفسی internal book of creation; inward book of creation

کتاب خدا Book of God

کتاب مقدّس sacred book; scripture

کتاب مقدّس (= عهدین) the Bible

کتاب مکنون hidden book

کتابی ← اهل کتاب

کتم عدم out of nothingness

کتمان سرّ concealment of secret

کثرت diversity; multiplicity; multitude; plurality

کثرت خارجی external multiplicity; outer diversity

کثرت در وحدت difference in unity; multiplicity within unity

کثرت طولی vertical multiplicity

کثرت ظلمانی multiplicity of darkness

کثرت عددی numerical manyness; numerical multiplicity

کثرت عرضی horizontal multiplicity

کثرت نورانی luminous multiplicity

کثرت نوعی multiplicity of species; specific multiplicity

کثیر many; multiple; multitude

کثیر عددی multiple in number; numerical many

کثیر نوعی specific many

کثیف (≠ لطیف) dense

کذب falsehood;
falsity;
untruth;
wrong

کرام الکاتبین Noble Recorders

کرامات charismatic acts;
charismatic gifts;
miracles performed by a Sufi saint

کرامات اولیاء miracles of the saints

کرامت charisma;
charismatic act;
charismatic gift;
Divine grace;
miracle;
miracle performed by a saint of God;
special gift

کرامت (= گشاده‌دستی) generosity;
munificence

کراهت aversion;
reluctance;
repugnance

کَرَم bounty

کرّوبیان archangels;
Cherubins

کریم (خداوند) the Generous

کسب (≠ خلق) acquisition;
earning;
gain;
performance

کسب خشنودی acquisition of happiness

کسبی *a posteriori*;
acquired

کشف disclosure;
manifestation;
mystic knowledge and experience;
revelation;
uncovering;
unveiling

کشف الاهی Divine illumination;
Divine unveiling

کشف تفصیلی detailed revealing;
detailed unveiling

کشف حقایق discovery of truths;
unveiling of truths

کشف عقلی intellectual intuition

کشف معانی unveiling of inner meanings

کشف معقولات unveiling of intelligibles

کشف و شهود internal unveiling and contemplation;
mystical experience;

mystical vision;
mystic intuition;
revelation

کفایت عقل
competence of intellect;
competence of reason

کفر blasphemy;
disbelief;
infidelity;
unbelief

کفرآمیز blasphemous

کفران being thankless;
ingratitude

کفران نعمت
ingratitude (towards God)

کلّ entire;
totality;
whole

کلّ اعتباری mentally-posited whole

کلّ اَفرادی (≠ کلّ مجموعی)
"all" used individually

کلّ حقیقی real whole;
true whole

کلّ مجموعی (≠ کلّ اَفرادی)
all-collectively;
"all" used collectively

کلّ و جزء whole and part

کلام (علم) ← علم کلام

کلام ازلی eternal Speech;
eternal Ward

کلام الاهی the Divine speech

کلام خدا ← کلام اللّه

کلام قدیم eternal speech

کلام ملفوظ articulated speech

کلام نفسانی speech of the soul

کلام نفسی spirituality message

کلام اللّه Discourse of God;
Divine Speech;
God's Speech;
God's Word;
Speech of God;
Word of God

کلامی theologian;
theological

کلبیان Cynics

کلبیّه Cynicism

کلمات قصار aphorisms;
pithy sayings;
short sayings

کلمة اللّه Word of God

کلمه logos

کلمه‌ی توحید
Formula of God's Unity;
Formula of *tawḥîd*;

sentence of *tawḥîd*	
general; universal	کلّی
natural universal	کلّی طبیعی
Colliget; generalities; universals	کلّیّات
universality	کلّیّت
the one who spoke to Allah	کلیم اللّه
(generic) quantity	کمّ (مقوله)
non-static quantity	کمّ غیرقارّ
static quantity	کمّ قارّ
continuous quantity	کمّ متّصل
continuous quantity which is essentially mobile; non-static continuous quantity	کمّ متّصل غیرقارّالذات
continuous constant measurement; continuous constant quantity; immobile continuous quantity; static continuous quantity	کم متّصل قارّالذات
discontinuous quantity; discrete quantity	کمّ منفصل
completeness; perfection	کمال
the highest perfection	کمال اتمّ
encompassing perfection	کمال احاطی
human perfection	کمال انسانی
first perfection; primary perfection	کمال اوّل
secondary perfection; second perfection	کمال ثانی
cognitive perfection; theoretical perfection	کمال علمی
pure perfection; supreme perfection	کمال محض
absolute perfection; nondelimited perfection	کمال مطلق
ultimate perfection	کمال نهایی
latency	کمون
immanence	کمون (≠ ظهور)
quantitative	کمّی
	کمّیّت ← کمّ
	کمّیّت متّصل ← کمّ متّصل
Be! and it is; Be! so it comes to be	کُنْ فَیَکون
Al-Kindî; *Alkindus*	کِنْدی
slowness	کُندی (≠ سرعت)
hidden treasure	کنز مخفی
action	کُنِش

کُنه core;
deepest reality;
innermost;
root

کُنه ذات core of the essence;
the very essence

کوکب planet;
star

کوکب سعد star of good fortune

کوکب نحس star of ill-fortune

کَوْن being;
cosmos;
engendered thing;
existence;
generation;
genesis

کَوْن (≠ ظهور)
engendered existence

کَوْن (= وجود) engendered being

کَوْن اوّل primal being

کون جامع the most universal being

کَوْن و فساد extinction and creation;
generation and corruption

کَونَین manifest and hidden worlds;
two worlds

کید نفس deceits of the lower soul

کیش ← آیین

کیف (مقوله) (generic) quality

کیف استعدادی quality of capacity;
quality-through-preparedness

کیف انفعالی affective quality;
passive quality

کیف بالعَرَض quality by accident

کیف فعلی active quality

کیف مُبْصَر visual quality

کیف محسوس sensible quality

کیف مختصّ به کمّیّات
quality peculiar to quantities

کیف مَذوق gustatory quality

کیف مسموع audible quality;
auditory quality

کیف ملموس tangible quality

کیف نفسانی psychic quality;
quality belonging to the soul;
quality of the soul

کیفر chastisement;
penalty;
punishment;
retribution;
reward

کیفی qualitive

کیفیّات affective qualities

کیفیّات اربعه four modes;

کیفیّت انفعالی ← کیف انفعالی

کیفیّت four qualities

کیفیّت howness; mode; quality

کیفیّت اصلی primary quality

کینونت being; coming to be; form of being

گ

گزاف arbitrary;
excessive;
superfluous

گمان guess;
opinion;
surmise

گمراه (نیز ← ضالّ) astray;
misguided;
misled

گمراهی (نیز ← ضلالت) deviation;
error;
seduction

گناه (moral) transgression;
guilt;
sin;
sinfulness;
sinning;

گناه صغیره light sin;
small sin;
venial sin

گناه کبیره capital sin;
grave sin;
great sin;
major sin;
mortal sin

گناه نابخشودنی unforgivable sin;
unpardonable sin

گناه‌کار sinful;
sinner;
sinning

گوهر ← جوهر

گیتی ← عالَم

vice;
wickedness

ل

لا ذات non-essence

لازم binding;
bound up with;
concomitant;
consequent;
consequential;
inherent;
inseparable;
necessary;
requisite

لازم ذات necessary essentially;
requisite for the essence

لازم ماهیّت consequential property
of quiddity;
requisite for the quiddity

لازم و ملزوم back and belly

لازمه accompaniment;

لا فی نفسه non-in-itself

لا ادری agnostic

لا ادری‌گری agnosticism

لا اقتضاء indifferent;
non-requirement

لا بشرط non-conditioned;
unconditioned

لا بشرط مقسمی non-conditional as
the source of division

لا تکرّر فی التجلّی (there is) no
repetition in theophany
self-disclosure never repeats itself;

لاحق consequent;
following;
sequence;
subsequent;
ulterior

accompanying;
characteristic;
consequence;
implication;
(necessary) accompaniment;
necessary feature;
requirement;
requisite

لازمه‌ی ذاتی
essential requirement

لا شیء not-being-a-thing;
no-thing

لا شیء مطلق absolute nothing

لا شیئیّت nothing-ness

لا ضرورت non-necessity

لا قوّه lack of potential;
non-potency;
non-power

لامسه feeling;
touch;
touching

لا مکان non-local;
non-spatial;
spaceless;
without place

لا نهایت infinitude;
unboundedness

لا وجود (نیز ← عدم) non-being;
non-existence

لاهوت the Divine nature;
Divine realm;
divinity

لاهوتی Divine;
spiritual

لا یتغیّر unchanging

لا یتناهی infinite;
limitless;
unlimited

لا یُخبَر عنه
nothing can be predicated of

لا یزال eternal;
post-eternal

لُبّ innermost;
innermost heart

لحاظ consideration

لحظه instant;
moment

لحوق posteriority

لحوق دهری
trans-temporal posteriority

لحوق زمانی temporal posteriority

لدنّی God-given

لِذاتِه for-itself;
in its essence

لذّت enjoyment; joy; pleasure

لذّت جنسی sexual pleasure

لذّت حیوانی animal pleasure; bestial pleasure

لزوم concomitance; consequence; implication; necessity; requirement; requiring

لسان شرع language of Divine Law; tongue of revealed religion

لطف benefit; benevolent assistance; favour; gentleness; grace

لطف الاهی Benefit from God; Divine grace; God's favour

لطف خفیّ hidden grace

لطف ربوبیّت Lordly grace

لطیف (≠ کثیف) intangible; subtle

لطیف (خداوند) the Gracious; the Subtle

لِغیره for-other-than-itself; for-something-else

لفظ term; utterance; word

لفظ مشترک (نیز ← مشترک لفظی) equivocal term; homonym; shared terminology

لقاء meeting

لقاء اللّه beatific vision (of God); vision of God; *viso Dei*

لِمّ "why"

لِمّ اثباتی "why" of an affirmation

لِمّ ثبوتی "why" of an objective fact

لم‌یزل pre-eternal

لِمّی (برهان) *apriori*; from cause to effect; *propterquid*

لِمّیّت why-ness

لِنفسه by himself; for-itself

لواحق ← لاحق	
لوازم ← لازمه	
لوح	Sacred Tablet; the Tablet
لوح محفوظ	Divine Tablet; Guarded Tablet; Preserved Tablet; Protected Tablet;

Reserved Tablet	
Logos	لوگوس
non-being; non-existence; nothing; nothingness	ليْس (= عدم)
pure non-existence	ليْس محض
Night of Power	ليلة القدر

م

مآل	end; final goal
ـــ بالمآل	finally; in the end
ما بازاء	instance; referent
مابعدالطبیعه	metaphysics
مابعدالطبیعی	metaphysical
ما به الاختلاف	that by which something differs; what causes the difference
ما به الاشتراک	what is shared in common
ما به الشیء هو هو	by which a thing is what it is
ماتریدی	Maturidite
ماتریدیّه	Maturidism; Maturidites
ماجد (خداوند)	the Sublime
مأجور	rewarded; wage-earner
ماحی (خداوند)	the Effacer
مادّة الموادّ	matter of matters
مادّه	matter; substratum; substratum-body
مادّه‌ی اُولیٰ (= هیولای اولی)	*materia prima*; primal matter; prime matter
مادّه‌ی بالذات	essential matter
مادّه‌ی بالعَرَض	accidental matter
مادّه‌ی بسیط	simple matter
مادّه‌ی ثانیه	secondary matter;

second matter
مادّه‌ی خارجی external matter
مادّه‌ی عقلی intellectual matter; intelligible matter; rational matter
مادّه‌ی قابل receptive matter
مادّه‌ی قدیم eternal matter
مادّه‌ی مرکّب composite matter
مادّه‌ی نخستین ← مادّه‌ی اُولیٰ
مادّی material; physical
مادّیّات material things; physical objects
مادّیّون materialists
ما سوی اللّه
everything other than God
ما لا یتناهی infinite; *infinitum*
ـــ الی ما لا یتناهی
ad infinitum
مالک (خداوند) the Monarch; the Possessor; the Ruler; the Sovereign
مالک المُلک (خداوند)
the Kingdom-Possessing; the King of the kingdom; the Possessor of the kingdom
مانع constraint; impediment; obstacle; withholder
مانع (خداوند) the Withholder
مانع شدن to debar; to impede; to prevent; to witnhold
مانویّ Manichaean
مانویّت Manichaeanism; Manichaeism; Manicheism
ماوراء طبیعت transphysics
ماوراء طبیعی supranatural
ماهیّت entity; essence; *essentia*; nature; *quidditas*; quiddity; whatness
ماهیّت اعتباری conceived essence; mentally-posited quiddity
ماهیّت بشرط لا divested quiddity
ماهیّت بشرط شیء mixed quiddity

ماهیّت تامّ complete quiddity

ماهیّت توصیفی descriptive essence; descriptive nature

ماهیّت جنسی generic essence; generic quiddity

ماهیّت عینی بالعَرَض accidental objective quiddity

ماهیّت غیرمتحصّله mentally-posited quiddity; quiddity which is not actualized

ماهیّت لا بشرط nonconditioned quiddity; unconditioned quiddity

ماهیّت متحصّله actualized quiddity

ماهیّت مجرّده (= ماهیّت بشرط لا) negatively conditioned quiddity; non-mixed quiddity

ماهیّت محصّله quiddity which is real

ماهیّت مخلوطه (= ماهیّت بشرط شیء) mixed quiddity

quiddity conditioned by something

ماهیّت مرکّب compound essence; compound quiddity

ماهیّت مشترک common essence

ماهیّت مطلقه (= ماهیّت لا بشرط) absolute quiddity; non-conditioned quiddity

ماهیّت من حیث هی quiddity *qua* quiddity

ماهیّت مهمله obscure substance

ماهیّت نوعیّه specific essence; specific quiddity

مباح permissible; permitted

مبادی اوّلیّه first principles

مبادی برهان principles of demonstration

مبادی جدل principles of dialectic

مبادی عالیه higher principles; superior principles

مبادی نخست first principles; prime principles

مباشر direct; immediate

مباشرت direct involvement; immediate operation

مبانی foundations; grounds

مباین incompatible; separate

مباینت separation

مبتدع ← بدعت‌گذار

مبتهج exultant; happy;

joyful

مبدأ first principle; prime source; primordial origin

مبدأ (= آغاز) beginning; starting point

مبدأ (= اصل) principle

مبدأ (= علّت) cause

مبدأ (≠ معاد) the Origin

مبدأ (= مقدّمه) premise

مبدأ (= منشأ) origin; source

مبدأ اشتقاق principle of derivation

مبدأ اوّل first principle; first source; primary cause; primary principle; prime principle

مبدأ برهان ← مبادی برهان

مبدأ بعید remote source

مبدأ حرکت origin of motion; principle of motion

مبدأ فیّاض emanating source

مبدأ و معاد the beginning and the end; the Origin and the Return

مبدأ المبادی first of principles; principle of principles

مُبدَع created

مُبْدِع author; creator; emanative being; initiator; innovator; originator

مبدِع (خداوند) the Author; the Creator

مُبدِع اوّل prime originator

مُبدَعات emanated entities; originated things

مُبدئ beginner

مُبدئ (خداوند) the Commencer; the Originator

مُبرهَن demonstrated

مبشِّر binger of news; harbinger

مبصَر visible

مبعوث کردن to choose as a prophet; to send out

مبهم ambiguous; obscure; vague

مبیّن clear;

theophanic

متجلّی (خداوند) the Self-Discloser

متّحد الحقیقه
having a common reality;
of a common essence

متّحد المعنی
having the same meaning;
univocal

متحرّک in motion;
mobile;
movable;
moved;
moving

متحرّک بالاراده
moved through volition;
moving by will

متحصّل actualized;
realized

متحقّق actualized;
realized

متحیّز having-a-place;
localized;
localized in space;
occupying space;
spatially confined

متخالف different

متخیّل imaginable;

مبیّن plain;
self-evident

مبیّن (خداوند) the Clarifier

متابعت هوا obedience of passion

متأخّر posterior

متأخّر رُتبی posterior in rank

متأصّل (نیز ← اصیل) actual;
actualized externally;
fundamentally real

متألّه theosopher

متباین different;
differentiated;
disparate;
distinct;
distinguishable;
diverse

متباینات diverse entities;
having the quality of diversity

متجانس homogeneous

متجاوز (خداوند) the Indulgent

متجدّد renewed;
renewing

متجسّد شدن
to become corporealized;
to take body

متجلّی self-manifesting;
self-revealing;

imaginalized object; imagined	متخیّله
imaginal faculty; imagination	متخیّله
pious; religious	متدیّن
superimposed	متراکب
to follow	مترتّب بودن
equal; identical	متساوی
equal in relation; equally indifferent; equally neutral	متساوی النّسبه
equivalent; identical; similar	متشابه
with similar conditions; with similar terms	متشابه الاطراف
homologous	متشابه الأجزاء
similarities	متشابهات (= شباهت‌ها)
individuated; particular; specified	متشخّص
devoted to law	متشرّع
being qualified by existence	متّصف شدن به وجود
conjunctive; connected; continuous; coordinates; joined; linked	متّصل
conceivable; conceived	متصوَّر
Sufis	متصوفه
opposite	متضاد
coincidence of opposites	متضایف
to contain; to embody; to involve	متضمّن بودن
successive	متعاقب
the Exalted; the Most Exalted; the Most High; the Self-exalter; the Self-High; the Sublimely High; the Transcendent	متعالی (خداوند)
associate; object of association; subsumed	متعلّق
associations	متعلّقات
conditioned;	متعیّن

متغایر	determinate
	different;
	other
متغیّر	alterable;
	changeable;
	changing;
	modified;
	variable
متفرّد	unique
متفرّع	subordinate
متفرقات	miscellaneous articles
متفلسف	≠ crypto-philosopher;
	philosophaster;
	philosophizer;
	pseudo-philosopher
متقدّم	anterior;
	forward;
	prior
متقدّم بالزمان	prior in time;
	temporally prior
متقدّم بالعلّیه	anterior by cause;
	causally anterior;
	causally prior
مُتقن	well-established;
	well-grounded;
	wisely ordered
متقوّم	subsistent;
	sustained
متقوّم بالمحلّ	
	subsistent through its locus
متّقی	pious
متکبّر (خداوند)	the Justly Proud;
	the Magnificent;
	the Proud;
	the Self-Great
متکثّر	multiple
متکلّم (خداوند)	the Speaker;
	the Speaking
متکلّمین	*Kâlam* authorities;
	Kâlam specialists;
	scholastics of Islam;
	scholastic theologians;
	speculative theologians;
	theologians
متکوّن	generated
متماثل	alike;
	coequal
متمایز	distinct
متمثّل شدن	to be imaginalized
متمکّن	emplaced;
	established
متناقض بودن	to be contradictory;
	to contradict
متناقض	contradictory;

contrary;
incongruous;
paradoxical;
self-contradictory
متناقضین two contradictories
متناهی finite;
limited
متنبّی prophetaster;
pseudo-prophet
مُتوحِّد attained unity;
immersed in unity
متوسّط intermediate;
medium
متوسّط شدن to intervene
متوسّل شدن به
to seek mediation through
متوکّل reliant;
trustful
متوهَّم imagined
متی (مقوله) time (category);
when (category)
متیقّن assured
متین (خداوند) the Firm
مثال analogy;
image
مثال افلاطونی Platonic archetype;
Platonic form;
Platonic idea
مثال نوری luminous archetype;
luminous idea
مثالی
belonging to the imaginal world;
imaginal
مُثبِت (خداوند) the Establisher
مُثُل archetypes;
Forms;
Ideas;
Platonic Ideas;
مَثَل like
similitude
مُثُل افلاطونی ← مثال افلاطونی
مُثُل نوری ← مثال نوری
مجادل contender;
controversialist
مجادله controversy;
polemics
مَجاز metaphor
ـــ بالمجاز figurative;
in a metaphorical sense;
metaphorically
مُجازات punishment
مَجازی metaphorical
مجانس homogeneous
مجاورت nearness;

proximity

مجاهدات inner strivings; inner struggles

مجاهده‌ی با نفس struggling against the soul

مجبّره ← جبریّه

مجبور compelled; constrained; determined

مجتمع در وجود coexistent; existing altogether; gathered in being

مجرّبات data of experience; empirical premises; premises based on experience

مجرّد abstract; abstracted; detached from material entanglement; immaterial; non-material; separate; separate from matter

مجرّد تامّ completely immaterial thing; totally disentangled from matter; totally incorporeal

مجرّدات non-material objects

مجرّده (= ماهیّت بشرط لا) negatively conditioned (quiddity); non-mixed (quiddity)

مجسّمه (= معتقدان به جسم داشتن خداوند) Corporealists

مجعول created entity; instaurated; made; object of instauration; something made

مجعول بالذات essentially instaured; essentially made

مجعول بالعَرَض accidentally instaured; accidentally made

مجعولیّت being created; being made; instauration

مَجْلیٰ (= جلوه‌گاه خداوند) Divine unveiling; place of theophany

مجمل ambiguous; equivocal; vague

مجموع collection; conjunction;

sum total

مجوس Magi; Magian; Zoroastrian

مجهول unknown

مجیب (خداوند) the Answerer; the Assenter

محاجّه argumentation; debate

محاذات parallelism

محاط comprehended; encompassed

محاکمات trials

مُحال absurd; impossible

محال عقلی rationally impossible

محاوره debate; dialogue

محبّت charity; friendship; love

محبّت الاهی Divine love; love of God

محبت خداوند Divine love; love of God

محبوب beloved; lovable;

object of love

محتاج dependent; needy

محتمل probable

محجوب veiled

محدِث creator; maker; originator

محدَث brought into being; created; created in time; newly arrived; originated; produced; produced in time; temporal; temporally created; temporally produced

محدود (نیز ← متناهی) bounded; definite; delimited; limited

محدود زمانی limited in duration; temporally limited

محدودیّت limitation; limitedness; restriction

محدودیّت ذاتی essential limitation; self-limitation

محذور false consequence

محرّک cause of motion; mover

محرّک (= انگیزه) motivation; motive

محرّک ازلی pre-eternal mover

محرّک اوّل primary mover; prime mover

محرّک بالطبع natural mover

محرّک غیرمتحرّک Immovable Mover; Motionless Mover; Unmoved Mover

محرّمات forbidden matters; prohibited acts

محسن (خداوند) the Beneficent

محسوس concrete; empirical; perceived object; sensible; sensory; tangible

محسوسات sense objects; sensible objects; sensibles; sensible things; sensory objects; sensory phenomena; sensuals

محسوسات (= ادراکات حسّی) sense-data

محشر the Assembly; the Congregation; Gathering at the Resurrection

محصَّل actualized; determined

محض absolute; mere; pure

محقَّق actualized; realized

محکم (دلیل) decisive; definite; firm; sound

محلّ location; locus; place; receptacle; subject; substratum

محل بسیط simple locus;

simple substratum

محلّ نزاع debatable point; point of contention; problematic case

محمول attribute; predicate

محمول اوّل essential predicate; prime predicate

محمول بالضمیمه (عرَضی) a predicate by way of adherence; predicated adherence

محمولی predicative

محویّ (= محاط) content; encompassed

محیط circumference; comprehensive; covering; encompassing

محیط (خداوند) the All-Encompassing; the Encompasser; the Encompassing; the Sovereign

مُحیی (خداوند) the Bestower of life; the Life-Bestowing; the Life-Giver

محیی الدّین reviver of religion; vivifier of religion

مختار choosing; free; free to choose; free-willed; voluntary

مختار (خداوند) the Free

مختلف الحقیقه possessing different truths; with different realities

مخصِّص determinant; determining principle; individualizer; particularizer; specializing factor; specifying

مخصوص particular; special; specific

مخلَّد immortal; perpetual

مخلوطه (= ماهیّت بشرط شیء) mixed (quiddity); (quiddity) conditioned by something

مخلوق created; creature

مخلوقیّت createdness

مخیّلات imaginal matters; imaginary premises

مدارج ascending degrees; ranks

مدارج کمال ranks of perfection

مدبّر arranger; director; orderer; regulator; ruler

مدبّر (خداوند) the Governing; the Governor

مدبّر عالم regulator of the world; ruler of the world; world's governor

مدّت duration; temporal period; time

مُدرِک apprehender; apprehending; knowing; perceiver; perceiving; percipient

مُدرَک known; object of cognition; object of perception; perceived; perceived thing; percept; perceptible; thing apprehended

مدرَک بالذات essential object of perception; immediate object of perception; primarily perceived

مدرَک بالعَرَض indirect object of perception; secondarily perceived

مُدرَک بی‌واسطه immediately known; perceived without intermediary

مدرَک عقلی perceived by the intellect; rationally perceived

مُدرَکات objects of perception; things perceived

مدرَکات ذهنی mental perceptions

مدلول signification

مدلولٌ علیه described subject

مدینه‌ی ضالّه astray-going state

مدینه‌ی فاضله Ideal City; Ideal City-State; Utopia; Virtuous City;

مدینه‌ی معنوی spiritual city; Virtuous Community

مذاهب اربعه four schools (of Sunni Law)

مذاهب اسلامی Islamic schools of thought

مذهب legal system; school of law; school of thought; sect

مذهب اثناعشری Twelve-Imam School

مذهب اسماعیلیّه Isma'lism

مذهب حنبلی Hanbalism

مذهب حنفی Hanafism

مذهب دهریّه materialism

مذهب رسمی official religion

مذهب شافعی Shafi'ism

مذهب مالکی Malikism

مرئی object of vision; seen; visible

مراتب degrees; grades; hierarchy; levels; ranks; stages; states

مراتب اشتداد gradual increase of intensity

مراتب اکوان grades of engendered beings; grades of existents

مراتب تجلّی grades of Self-Disclosure; grades of theophany

مراتب تعیّنات degrees of determinations; degrees of entification

مراتب سعادت degrees of felicity

مراتب عالم grades of the world; levels of the world

مراتب معرفت levels of knowledge

مراتب نفس stages of the soul

مراتب وجود degrees of being; degrees of existence; grades of existence; ontological levels; stages of existence

مراحل تجرید grades of abstraction

مُراد (= متعلّق اراده) object of desire; object of will

مُراد (= مرشد) spiritual master

مرادات	volitions
مراقب (خداوند)	the Examiner
مراقبت	control; observation
مراقبه	meditation; self-control; watching over the self
مربوب	*fedele*; vassal
مرتبه	class; degree; grade; level; order; plane; position; rank; stage; standing; state
مرتبه‌ی احدیّت	plane of Unity; stage of Unity
مرتبه‌ی الاهی	Divine stage
مرتبه‌ی امامت	status of Imamate
مرتبه‌ی انسان	rank of man; stage of man
مرتبه‌ی ایمان	stage of faith; status of faith
مرتبه‌ی عین	rank of the physical world; stage of objective existence
مرتبه‌ی معنوی	spiritual rank; spiritual state
مرتبه‌ی وجود	existential rank; state of existence
مرتدّ	apostate; excommunicated; renegade
مرتکب کبیره	gravely sinning; grave sinner
مرجّح	determinant; determinator; preponderator
مرجع و مآب	place of return
مرجعیّت مطلق	absolute authority; sole authority
مرجئه	Murji'ite; Murji'ites
مرجئه (مسلک)	Murji'ism
مردان خدا	Men of Allah; Men of God
مُرسَل	emissary; envoy; messenger;

prophet
envoys; messengers — مُرسَلین
Sufi guide; Sufi master — مرشد
the Director; the Guide — مرشد (خداوند)
complex; component; composed; composite; compound — مرکّب
complete compound; total compound — مرکّب تامّ
real composite; real compound — مرکّب حقیقی
external composite; external compound — مرکّب خارجی
incomplete composite; incomplete compound — مرکّب ناقص
death; demise — مرگ
to be dead to the creation; to be dead to the creatures — مرگ از خلق
natural death — مرگ طبیعی
symbolic sign — مرموز

willer; willing — مرید
the Desirous; the Willing — مُرید (خداوند)
constitution; mingling; mixture; temper; temperament — مزاج
human constitution; human temperament — مزاج انسانی
balanced constitution; temperament in equilibrium — مزاج متعادل
bothersome; jostling — مزاحمت
Mazdakites — مزدکیّه
advantage; excellence; superiority; preference — مزیّت
the Remover — مزیل (خداوند)
issue; matter; problem; question — مسأله
imprecision; loose talk — مسامحه (در تعبیر)

loose way of expression

مسانخت congruence

مساوات equality; equivalence; parity

مساوق coextensive; coincident; concomitant; equal; equivalent; parallel

مساوقت concomitance; equivalence

مساوی commensurate; equal; equivalent

مسائل دینی matters of religion; religious issues; religious matters

مسائل عقیدتی doctrinal issues; matters of belief

مسائل کلامی theological matters; theological problems

مسبَّب caused; effect

مسبّب الاسباب (خداوند) the Author of all causes; the Causer of secondary causes; the Occasioner of all occasions

مستحیل absurd; impossible

مستدَلّ reasoned; well-established; well-founded

مستدیر circular

مستعدّ apt; capable; disposed; susceptible

مستفاد acquired

مستقبل future

مستقلّ autonomous; independent; self-sufficient

مستقیم direct; straight

مستلزم بودن to demand; to entail; to imply; to necessitate; to require

مستمرّ constant; continuing; continuous

مسخ (انتقال نفس پس از مرگ به بدن حیوان) metamorphosing; metempsychosis

مسخَّر dominated; subordinated

مسطور recorded

مسلک التقاطی eclecticism

مسلّم accepted; established

مسلِم ← مسلمان

مسلّم دانستن to assume as certain

مسلّم فرض کردن to postulate; to take for granted

مسلّمات admitted premises; axioms; firmly established premises; postulates; presuppositions

مسلمان Muslim

مسموعات audibles

مسؤولیّت responsibility

مسیح (ع) Christ; the Messiah

مسیح (منجی) messiah

مسیحی Christian

مسیحیّت Christianity

مشابه similar

مشابهت likeness; resemblance; similarity

مشاعر senses

مشاعر باطنی internal senses

مشاعر ظاهری external senses

مشاهدات observations; observed facts

مشاهده contemplation; direct apprehension; direct vision; immediate experience; intuition; sensible experience; spirituality observation; vision

مشاهده‌ی باطنی inner vision; inward vision

مشّائی Aristotelian; Peripatetic

مشائیان followers of Aristotle; Peripatetics

مشبِّهه (= آیین تشبیه) anthropomorphism

مشبِّهه (= قائل به تشبیه) anthropomorphists

مشتبه doubted;

questioned
مشترک common
مشترک لفظی equivocal; homonym; homonymous; polysemous; shared in expression; shared in term
مشترک معنوی shared in meaning; univocal
مشتهیات appetites
مشخِّص concretizing element; distinguishing feature; individualizing factor; individuating; particularizer
مشخَّص particular; specific
مشرب disposition; temper
مشرک associationist; idolater; polytheist
مشروط conditioned
مشروع lawful; legal; legitimate

مشکّک analogous; comprising various degrees; graded; graduated; hierarchical
مشکور praised; thanked
مشهد برزخی intermediate locus of witnessing
مشهود contemplated being; object of witnessing
مشیّت الاهی Divine Providence; Divine Will; God's creative Will; God's Intention
مصادره‌ی به مطلوب begging the question; circular *vitiosus*; *circulus in probando*; *petitio principii*; petition of principle
مصادره‌آمیز question-begging
مصباح lamp; lantern
مصحف the Quran
مصداق example; instance;

object; مصداقیّت instantiation

referent

مصلح maker of wholesomeness;
making wholesome;
reformer

مصلحت best interest;
common good;
expediency;
interest;
prudent purpose;
welfare;
well-being;
wholesomeness

مصلحت عامّه public interest;
public welfare;
public well-being

مصنوع creature;
made;
produced

مصوِّر (خداوند) the Creator;
the Fashioner;
the Formator;
the Former;
the Form-Giver;
the Shaper

مُصَوِّره imaginative

مصون از خطا immuned from error;
inerrant;
infallible;
preserved from error

مصونیّت immunity;
protection

مصونیّت از گناه protection from sin

مصیب correct

مضاف term attributed

مُضاف حقیقی real correlation

مُضِلّ misguider;
misguiding

مضلّ (خداوند) the Misguider

مطابَق corresponding object

مطابِق بودن با واقع to accord with reality;
to conform to reality;
to correspond to reality

مطابقت adequation;
agreement;
coincidence;
concordance;
conformity;
congruence;
correlation;
correspondence

مطابقت با واقع
correspondence with reality;
genuineness;
true to fact

مطاع
obeyed

مطلق
absolute;
categorical;
indifferent;
nondelimited;
ultimate;
unboundedness;
unconditional;
unrestricted

مطلق وجود
existence as such;
existence in the absolute sense;
indeterminate existence

مطلقه (لا بشرط مقسمی)
non-conditioned (being as the source of division)

مطلوب
desired;
object of seeking;
sought;
what is sought

مطلوب ذاتی
desirable for itself;
desired for itself;
sought for itself

مطلوبیّت
desirability

مطیع
obedient;
obeyer;
submissive

مظاهر
epiphantic forms;
loci of manifestation;
theophanic forms;
theophanies

مظاهر خارجی
external aspects (of an object)

مَظهر
epiphantic form;
epiphany (of God);
expression;
locus of manifestation;
manifestation;
theophanic form;
theophany

مُظهِر غیر
that which makes others apparent

معاد
Doomsday;
eschatology;
the hereafter;
resurrection;
the world-to-come

معاد (≠ مبدأ)
the Return

معاد جسمانی
bodily resurrection

معاد روحانی
spiritual resurrection

معادشناختی
eschatological

معادشناسی eschatology

معارف (نیز ← معرفت)
realized knowledge

معارف الاهی Divine sciences

معاش خلق life of creatures

مَعاصی ← معصیت

مُعافی (خداوند) the Forgiver

مُعاقِب (خداوند) the Punisher

معبود object of worship; worshiped

معبود (خداوند) the Adorable; the Object of worship; the Worshipped

معتبر authoritative; reliable; valid

معتزله Mu'tazilism; Mu'tazilites

معتقد believer

معجزه miracle; prodigy; wonder

معجزه‌ی خالده everlasting miracle; perpetual miracle

مُعِدّ preparatory cause; preparatory disposition; preparing cause;

subsidiary factor

معدود enumerated; numbered

معدوم annihilated; non-being; non-entity; non-existent; nothing

معدوم مطلق absolutely non-being; absolutely non-existent

معدوم موجود existent non-being

معذَّب chastised; punished; tortured

معذور excusable; forgiven

معراج ascension to heaven; ascent to heaven; night journey into His Presence; nocturnal ascent; spiritual ascent

معراج رفتن to ascend

معرفت cognition; gnosis; gnostic knowledge; knowledge; mystical knowledge;

mystic wisdom;
recognition;
sapience

معرفت استدلالی
discursive knowledge;
inferential knowledge

معرفت اکتسابی acquired knowledge

معرفت اوّلیّه prime knowledge

معرفت بالقوّه potential knowledge

معرفت برهانی
demonstrative knowledge;
intellectual knowledge

معرفت تامّه perfect gnosis;
total knowledge

معرفت حسّی
empirical knowledge;
sensuous knowledge

معرفت حصولی
conceptual knowledge;
discursive knowledge

معرفت خدا knowledge of God

معرفت ذوقی mystic perception

معرفت شهودی
intuitive act of knowledge

معرفت عقلی
intellectual knowledge;
rational knowledge

معرفت نفس
knowledge of the soul;
self-knowledge

معرفة الامام Imamology;
knowledge of the Imam

معرفة النفس psychology;
science of the soul;
self-knowledge

معروض subject;
substratum;
underlying subject

معروف (≠ منکر)
(morally) approved;
good;
proper;
right

مُعزّ (خداوند) the Empowerer;
the Exalter

معصوم holy;
immaculate;
impeccable;
inerrant;
infallible;
not liable to sin;
sinless

معصیت disobedience;
disobedient act;

sin;
sinfulness;
vice

معطّل (در شناخت) agnostic

معطّل (در وجود) ineffectual;
inoperative

معطّله (در شناخت) the agnostics

معطی (خداوند) the Bestower;
the Giver

معطی وجود existence-giver;
giver of being

معطی الوجود bestower of existence

معقول intellectual;
intelligible;
object of intellection;
rational;
reasonable

معقول اوّل primary intelligible;
prime intelligible

معقول ثانی secondary concept;
secondary intelligible;
second level of intelligibles

معقول ثانی فلسفی philosophical secondary intelligible

معقول ثانی منطقی logical secondary intelligible

معقول مجرّد abstract intelligible concepts;
معقولات intellectual matters;
intelligibilia;
intelligibles;
rational concepts;
universals

معقولات ثانیه secondary intelligibles

معقولیّت being-the-object of intellection;
intelligibility

معلّل having a cause;
subject to causality

معلّم اوّل (ارسطو) First Teacher

معلّم ثالث (میر داماد) Third Teacher

معلّم ثانی (فارابی) Second Teacher

معلول caused;
effect

معلول واحد شخصی one single caused

معلولیّت being caused;
being effect;
effecthood

معلوم cognition;
datum;
knowable;
known;

known thing;
object known;
object of knowledge
معلوم بالذات immediately known;
known-by-essence;
known-by-itself;
primarily known
معلوم بالعَرَض indirectly known;
known-by-another;
secondarily known
معلوم خارجی external "object-known";
external object of knowledge
معلومات objects of knowledge
معموره inhabited region
معنا concept;
idea;
import;
intension;
intention;
meaning;
notion;
purpose;
sense;
significance
ـــ بالمعنی الاخصّ
in its most particular sense

ـــ بالمعنی الاعمّ
in its most general sense
معنای اسمی nominal concept
معنای انتزاعی abstracted idea
معنای باطنی inner meaning
معنای تشکیکی
analogical significance
معنای حرفی preposional meaning;
preposition
معنای حقیقی literal meaning;
real meaning;
true sense
معنای صحیح true meaning
معنای ظاهری apparent meaning;
external meaning;
external sense
معنای کلّی universal meaning
معنای متصور concept
معنایی semantic
معنوی ideal;
spiritual;
supra-sensory
معنویّت spirituality
معیار criterion;
norm;
standard
معیّت being simultaneous;

coexistence;
concomitance;
simultaneity;
togetherness

معیّت دهری
being perpetually coextensive

معیّت زمانی
simultaneity;
temporal concomitance

معیّت وجودی
co-existence

معید (خداوند)
He-Who-Brings-Back;
the Restorer

معیَّن
definite;
determinate;
determined;
fixed;
particular;
specified

مُعین (خداوند)
the Helper

معیّن بالذات
self-objective

مغالطه
fallacy;
paralogism;
sophism;
sophistry

مغالطه‌آمیز
fallacious;
sophistical

مغالطه‌کار
paralogist;
sophist

مغایر
alterable;
different;
incompatible;
inconsistent

مغایرت
alteration;
difference;
disaggregation;
incompatibility;
inconsistency

مغفرت
forgiveness;
pardon

مغفور
pardoned

مُغنی (خداوند)
the Enricher

مغیث (خداوند)
the Reliever;
the Savior;
the Saviour

مُغیِّره (قوّه)
altering;
conversive

مفاد
content;
purport

مفارق (نیز ← مجرّد)
immaterial;
nonmaterial;
separable;
separate;
separated;
separative

مفارقات	separate substances
مفارقات محض	pure non-material things; pure separate objects
مفارقات نوری	luminous non-material things
مفارقت از بدن	departure from body; separation from body
مفرد	single; singular
مفروض	assumed; given; hypothetical
مفصِّل (خداوند)	the Differentiator; the Distinguisher
مفضِّل (خداوند)	the Bounteous
مفضول	excelled by others
مفکّره	deliberative imagination; rational imagination; reason
مفهوم	concept; meaning; notion; term
مفهوم انضمامی	concrete concept
مفهوم تشبیهی	anthropomorphic notion
مفهوم جزئی	partial concept; partial term
مفهوم جنسی	generic concept
مفهوم حاصر	quantifier term
مفهوم ذاتی	essential term; proper term
مفهوم ضمنی	connotation
مفهوم عَرَضی	accidental term
مفهوم کلّی	universal concept; universal term
مفهوم متواطی	univocal term
مفهوم مشترک	equivocal term; homonym term
مفهوم مشکّک	analogical term
مفهوم مفرد	singular term
مفهوم نوعی	specific concept
مفهوم وجود	concept of being
مفهوم‌سازی	conceptualization
مُفیض	agent of emanation; effusive; emanating; emanator
مقابل	counterpart; opposed; opposite
مقابله	antithesis; counter;

counteroffensive
مقارنه combination; conjunction
مقام abode; office; position; rank; standing; state; station
مقام امامت station of *Imâmate*; station of the *Imâmate*
مقام خضر station of *Khadir;*
مقام رسالت station of messengerhood; station of messengership
مقام رضا state of contentment; station of satisfaction
مقام شکر state of thankfulness; station of gratitude
مقام صبر station of patience
مقام عبودیّت state of servitude; station of servantship
مقام محمود lauded station
مقام نبوّت state of Prophecy; station of Prophecy
مقام یقین state of certitude; station of certainty
مقامات esoteric abodes; spiritual states; spiritual stations; stations
مقامات العارفین stations of the gnostics; stations of the mystics
مقاومت resistance
مقبولات accepted premises; received premises
مقتدر (خداوند) the Omnipotent; the Potent
مقتضی demanding; requiring
مقتضی بودن to necessitate; to occasion; to require
مقدار magnitude; measure; measurement; quantity
مقدار تعلیمی ← جسم تعلیمی
مقدار متّصل غیرقارّ ← کم متّصل غیر قارّالذات
مقدار متّصل قارّ ← کم متّصل قارّالذات
مقدِّر fortune-giver; determiner

مقدّر determined; ordained; predestined

مقدّر (= مفروض) non-actualized

مقدّر (خداوند) the Fortune-Giver; the Ordainer; the Predestinator

مقدّر کردن to predestine

مقدّس holy; sacred; sanctified

مقدّم prior

مقدّم (≠ تالی) antecedent

مقدّم (خداوند) the Advancer

مقدّم بودن بر ... to take precedence over ...

مقدّمات preliminaries; preparatory matters

مقدّماتی introductory; preparatory

مقدّمه (در استدلال) premise; premiss

مقدور capable of being done; object of power

مقدورات determinables; possibilities

مقرّبان those who approach to God as much as possible

مُقسِط (خداوند) the Just

مقصد destination; goal

مقصد اقصیٰ outermost destination; outermost goal

مقصود aim; goal

مقلّب القلوب (خداوند) the Transformer of hearts; the Turner of hearts

مقلِّد follower of authority; imitator

مقول predicate; predicated

مقول بالتشکیک analogically predicated of degrees

مقولات categories; predicaments

مقولات ده‌گانه ← مقولات عشر

مقولات عشر the ten categories; the ten predicaments

مقوله category

مقوله‌ی اضافه
category of generic relation

مقوله‌ی انفعال
category of affection; category of passion

مقوله‌ی اَیْن
category of generic place

مقوله‌ی جِدَه
category of category of state; category of possession

مقوله‌ی جوهر
category of substance

مقوله‌ی فعل
category of action; category of action activity that which acts

مقوله‌ی کم
category of generic quantity

مقوله‌ی کیف
category of generic quality

مقوله‌ی متی
category of time

مقوله‌ی وضع
category of position

مُقَوِّم
constituent; constituting; constitutive; intrinsic

مقهور
dominated; overpowered

مُقیت (خداوند)
the Food-Giver; the Giver of Sustenance

مقیَّد
conditioned; confined; determined; limited; qualified

مقیِّد
conditioning agent; determining factor

مقیل (خداوند)
the Forbearer; the Raser

مکابره
obstinacy; sceptical doubt

مکارم اخلاق
noble character traits; noble dispositions

مکاشفه
disclosure; mystical disclosure; vision

مکاشفه (= کشف)
unveiling

مکاشفه‌ی در حال بیداری
unveiling in a awake state; vision while awake; waking vision

مکاشفه‌ی در حال خواب
nonwaking vision; vision in sleep

مکاشفه‌ی نفس
self unveiling; unveiling of the soul

مکافات
punishment;

recompense; retribution — مکافات الاهی: Divine retribution; Divine sanction

مکان: location; locus; place; space

مکانی: local; spatial

مکتب اشراق: Illuminationism; School of Illumination

مکتب اعتزال: Mu'tazilite School

مکتب تجسّم: corporealism

مکتب ذرّه‌ای: atomism; atomistic school

مکتب نوافلاطونی: Neoplatonism

مکتسِب: acquirer; acquisitor

مکتسَب: acquired; derived

مکتفی: sufficient

مکر: circumvention; deception; devising; guile; malice

مکر الاهی: God's ruse; ruse of the Divine

مکر حقّ: ruse of the Truth (God)

مکروه: disapproved (by the Law); odious

مکلَّف: legally commanded; legally responsible; morally responsible; responsible person

مکلّف کردن: to oblige

مکوِّن: agent of generation; creator; producer

مکوَّن: brought forth; engendered; engendered being; entity; existentialised thing

مکوِّن (خداوند): the Giver of existence; God as Bestower of being; God as the Giver of being

مکوِّن اسباب (خداوند): the Engenderer of Secondary Causes

مکیّف: qualified

ملّا صدرا (نیز ← صدرالمتألّهین)
Mulla Sadra

ملازم
concomitant;
inherent;
necessary

ملازمه
implication;
inherence

ملاک
basis;
common basis;
criterion;
standard;
yardstick

ملاک تقدّم
basis of priority;
criterion of precedence

ملائکه ← مَلَک

ملائکه‌ی تدبیر
angels of governance

ملائکه‌ی کرام
generous angels;
honoured angels

ملائکه‌ی مقرّب
angels of Divine Proximity;
archangels

ملایم
appetizing

ملائمت
agreeableness;
fitness

ملائم طبع
agreeable to one's nature

ملّت
creed;
religious community;
tenet

مُلحد
atheist;
heretic;
unbeliever

مَلأ
assembly;
plenum

مَلأ اعلیٰ
higher plenum;
higher spiritual realm;
the highest counsel;
intelligible world;
sublime assembly;
sublime company

مُلک
corporeal world;
dominion;
kingdom;
monarchy;
reign;
visible world

مِلْک (= جِدَه)
possession

مَلَک (= فرشته)
angel;
angelos

مَلِک (خداوند)
the King;
the Sovereign

مَلِک دیّان
conquering;
king retributor

مَلِک علی الاطلاق
absolute king

مَلَک مقرّب ← ملائکه‌ی مقرّب
مَلَک الموت angel of death
مَلَکات positive counterparts
ملکوت celestial hierarchy; Divine power; dominion; higher plane of reality; kingdom of God; kingdom of heaven; sovereignty; spiritual dominion; spiritual realm; spiritual root; spiritual world; supreme dominion; world of souls
ملکوت اعلیٰ higher kingdom; the highest kingdom
ملکوتی angelic
ملکه (≠ عدم) acquisition; disposition; faculty; habit; *habitus*; possession
ـــ بالملکه habitual

ملکه شدن to become a permanent state
ملکه و عدم possession and privation
مِلَل creeds; nations; religious communities
مِلَل و نِحَل creeds and sects; heresiographical literature; heresiography
ملهَم inspired
ملیک مقتدر (خداوند) the Omnipotent King
مُماثل analogous; equivalent; similar
مماثلت analogy; likeness; mutual likeness; mutual resemblance; similarity
مماسّ in contact
ممتد extended; continuous; extended
ممتزج mixed; mixture

ممتنع (نیز ← محال) absurd; impossible

ممتنع بالذات essentially impossible; impossible-by-itself

ممتنع بالغیر impossible-by-something-else

ممتنع بالقیاس الی الغیر impossible in-relation-to-something-else

ممتنع الزّوال incapable of declining

ممتنع الوجود impossible to be; impossible to exist

ممدّ helper

ممدوح object of praise; praised; praiseworthy

مُمسک (خداوند) the Retainer

ممکن contingent; possible

ممکن بالذات contingent in itself; essentially contingent; possible by itself

ممکن معدوم non-existent possible

ممکن الثبوت possibly subsistent

ممکن الوجود contingent; contingent being; contingent existence; possible being; possible existence

ممکنات contingencies; contingent entities; possibilities; possible beings

مُمیت (خداوند) the Death-Giver; the Giver of Death; the Slayer

ممیّز *differentia*; distinctive characteristic; specific characteristic

ممیزهٔ ذاتی essential characteristic

من حیث هو *qua*

منْ نفسه from itself; instinctively

منازل آخرت waystations of the hereafter

مناسبت adequation; affinity; analogy; convenience; correspondence; harmony; interrelation; interrelationship; mutual relation

مناط (نیز ← ملاک) basis;
cause;
criterion;
yardstick

مناط حاجت yardstick of need

مناط صدق basis of truthfulness;
yardstick of truthfulness

مناظر contemplated ones;
loci of vision

مُناظره debate;
debating;
discourse;
disputation;
polemics

منافات incompatibility;
inconsistence;
mutual exclusion

مُنافر طبع
disagreeable to one's nature;
disagreeable to the constitution

منافرت disagreeableness

مُنافی contradictory;
contrary

مناقب (نیز ← منقبت)

مناقشه dispute;
objection

منّان (خداوند) the Benevolent;
the Favourer

منبسط expanded;
unfolded

منبع origin;
source

منتزع abstracted

منتقم (خداوند) the Avenger;
the Vengeful

منتهیٰ end;
final end

مندرج contained;
interpolated;
subsumed

مندرج بودن to be concluded;
to be implicit

منزلت state;
station;
waystation

منزلت بین منزلتین
intermediary state;
intermediate position

منزّه free;
glorified;
incomparable;
purified;
untarnished

منسوخ abrogated

منشأ	cause; origin; prime source
منشأ آثار	origin of effects; source of effects
منشأ انتزاع	source of abstraction
مُنشِئ (خداوند)	the Configurer; the Originator
منصب	rank
منصرم	ceasing
منطبق شدن	to conform; to correspond
منطق	logic
منطق بحثی	discursive logic
منطقی (اسم)	logician
منطقی (وصف)	logical
منظر	locus of vision; view
منع	abstain; abstention
مُنعِم (خداوند)	the Benefactor; the Blesser; the Blessing-giver; the Dispenser
منفرد	individualized
منفرد (خداوند)	the Unequalled; the Unique
منفعت	advantage; benefit
منفعل	affected; passive; receptive; subject to affections
منفی	denied; negated; negative
منقاد	obedient; submissive
مَنقبت	virtue
منقسم	divisible
منقول (= نقلی)	narrated; revealed; transmitted
منکَر	(morally) disapproved; bad action; disapproved; forbidden act; perversion; wrong; wrongdoing
منکشف	disclosed
منهاج الدین	path of religion
منهج	course; path;

way

مُنیل (خداوند) the Dispenser

مؤاخذه calling to account; chastizement; punishment

مؤاخذه‌ی الاهی Divine punishing

موادّ material; substance; substrata

موادّ ثلاث (= وجوب، امکان و امتناع) the (implicit) modes; the (implicit) moods; modals; three implicit modes; tripartite division of being; tripartite division of existence

موادّ قضایا (≠ جهات قضایا) matters of propositions

موادّ قیاس syllogism's premises

موازات parallelism

مواقف آخرت halting places of the hereafter

مواقف قیامت halting places of the Resurrection; stopping places of the Resurrection

موالات friendship

مواهب bestowals; gifts

موت death; demise

موت اجباری determined death

موت اختیاری voluntary death

مؤثّر active; affecting; agent; effective

موثّق authentic

موجِب necessitating agent; necessitator

موجَب caused; necessitated; unfree

موجَب بالذات essentially caused; essentially necessitated

موجِد bringer into existence; creator; producer

موجِد (خداوند) the Bestower of being; the Existence-Giver; the Existentiator; the Giver of Existence

موجود being;

das Seindes;
ens;
entity;
existent;
the Existentiated entity;
existent thing;
found thing

موجود ازلی pre-eternal being

موجود بالذات being by itself

موجود بالعَرَض accidental being;
existent by accident

موجود بالفعل being in act;
real subject

موجود بالقوّه potential being;
potential subject

موجود بما هو موجود
being *qua* being;
existent *qua* existent

موجود بنفسه being by itself;
being in itself;
existent by itself

موجود بودن to exist

موجود تقدیری
hypothetical existent;
supposed existent

موجود جسمانی bodily being;
corporal being

موجود خارجی
existent in the concrete

موجود خارجی محقّق
actualized external existent

موجود خارجی مقدّر
non-actualized external existent

موجود ذهنی mental being;
mental existent

موجود زنده living being;
living entity

موجود عینی concrete existence;
existent *in concreto*;
objective existent

موجود فی نفسه being in itself;
existent in itself

موجود لذاته being for self;
existent for itself

موجود متشخّص
distinguished existent;
individuated being;
personal being

موجود مجرّد immaterial being;
incorporeal being

موجود مرکب composed being;
compound existent

موجود مطلق absolute being;
absolute existent

موجود ممکن contingent being; possible existence

موجود نفسی existent in the souls

موجودیّت being existent

موجّه allowable; plausible

موحّد affirmer of God's Unity; believer in God's Unity; confessor to the Unity of God; monotheist; Unitarian

مؤخّر (خداوند) the Deferrer

مودّت charity; love

موسی (ع) Moses

موصل (خداوند) the Uniter

موصوف described; qualified

موصوف (خداوند) the Named

موضوع locus; object; subject; substratum

موضوع عَرَض substratum for accident

موضوع علم subject-matter

موطن abode

موعظه preaching

موقف halting place; stopping place

مولّدات created things; kingdoms (of nature); progenies

مولّدات ثلاث three kingdoms; three progenies

مؤلّف composite; compound

مولیٰ (خداوند) the Lord; the Master; the Patron

مؤمن believer; believing; faithful; man of faith; person of faith

مؤمن حقیقی honest believer; real believer

مؤمن خالص pure believer; sincere believer

موهبت bestowal; gift (of God)

موهبت الاهی Divine grace; God-given gift

موهوم chimeric;

fantasy; imaginary	
confirmer	مؤیّد
emigrant	مهاجر
emigrants; immigrants	مهاجرین
guided	مهتدی
Promised Mahdi	مهدی موعود (عج)
the Affrighter	مهیل (خداوند)
the Guardian; the Protector; the Vigilant	مهیمن (خداوند)
domain of action	میدان
difference; distinction	میْز
balance; criterion; scale	میزان
criterion of action; scale of action	میزان اعمال
Divine Balance; Divine Scale	میزان الاهی
Scale of the Law	میزان شریعت
harmonious scale; right measure	میزان مستقیم
Michael	میکائیل
appetence; disposition; *inclinatio*; inclination; obliquity; propensity; tendency	میل
deviation	میل (= انحراف از طریق)
inclination	میل (= گرایش)
appetite; propensity	میل غریزی
natural inclination; natural tendency	میل فطری

ن

نابسامانی	chaos; disorder
نار	the Burning
نار (= جهنّم)	the Fire; Hell; the Inferno
نار (از عناصر اربعه)	fire
نارضایی از قضا	displeasure over the pre-decreed
نازل	descending
نازل کردن	to reveal; to send down
ناسازگار	incoherent; incompatible; inconsistent; irreconcilable
ناسازگاری	incoherence; incompatibility; inconsistency; irreconcilability
ناسخ	abrogating; abrogator
ناسوت	human; humanity; human nature
ناسوتی	anthropic; earthly; pertaining to this world
ناصر (خداوند)	the Helper; the Victorious
ناطق	intelligent; rational; thinking
ناطقه (نفس)	rational

ناظم	designer
نافع (خداوند)	the Benefiter
ناقص	defective; deficient; imperfect; what falls short
نامتعیّن	indefinite; undetermined
نامتناهی	indefinite; infinite; *infinitum*
نامحدود	indefinite; limitless; nonlimited; unlimited
نامحسوس	nonsensible; unperceivable; unperceived
نامعقول	absurd; irrational; unintelligible
ناموس	cosmic law; the highest criterion; the highest law; law; principle; religious law
ناموس الاهی	Divine edict; Divine law
نامه‌ی اعمال	book of actions; record of deeds
نامیه (نفس)	growing; vegetative
نایب امام	deputy of the Imam; representative of the Imam
نائب الامام ← نایب امام	
نایب خدا	deputy of God; representative of God
نباتات	plants; the vegetal
نباتی	vegetal
نبوّت	prophecy; prophethood
نبوّت تشریعی	legislative prophecy; prophecy of legal institution; prophethood of legislation
نبوّت خاصّه (= رسالت)	bound prophethood; delimited prophethood; special prophethood
نبوّت عامّه	general prophethood
نبوّت مطلقه	absolute prophethood
نبوی	prophetic
نبیّ	prophet

نبیّ اللّه prophet of Allah

نتیجه conclusion; consequence; result

نتیجه‌ی طبیعی corollary

نجات deliverance; salvation

نجوم ← علم نجوم

نِحَل philosophical schools; sects

نحوه‌ی وجود mode of being; mode of existence

نِدّ equal; match; rival; similar one; similitude

ندامت regret; repentance

ندای غیبی Divine call; locution

نزول descent

نزولی declining

نِسَب (≠ عین وجود) relations; relationships

نسبت attribution; connection; connexion; correlation; proportion; relation; respect

نسبت اتّحادی unitive relation

نسبت احاطی encompassing relation

نسبت ارتباطی relation correlation

نسبت اشراقی illuminative relation

نسبت ذهنی mental relation

نسبت ضروری necessary relation

نسبت عقلی intellectual relation; rational relation

نسبت مقولی categorical relation

نسبت نفی negation relationship

نسبت وضعی conventional relation

نسبی relational; relative

نسخ abrogating; abrogation

نسخ (= انتقال نفس پس از مرگ به بدنی دیگر) ← تناسخ

نسخ احکام abrogation of religious law

نسخ روح (نیز ← تناسخ) transmigration of spirit

نسخ کردن to abrogate

نُشُور reviving; rising; uprising

نشئه modality of being; mode of being; state of being; world

نشئه‌ی آخرت next state of being; other world; otherworldly state of being; world of the hereafter

نشئه‌ی اُخریٰ ← نشئه‌ی آخرت

نشئه‌ی ارواح realm of being of spirits; world of spirits

نشئه‌ی الاهی Divine realm

نشئه‌ی انسانیّه human realm; human state of being

نشئه‌ی اولی first creation; first state of being

نشئه‌ی جسمانیّه bodily realm; corporeal world

نشئه‌ی دنیا state of being of this world; worldly state of being

نشئه‌ی روح mode of spirit; state of spirit

نشئه‌ی طبیعت configuration of nature; mode of nature; state of nature

نشئه‌ی عقلی intellectual configuration; intellectual mode; intelligible world; rational world

نصّ definitive text; plain text; revelation; text

نصّ معتبر authoritative text

نصارا Christians; Nazarenes

نصب appointment; determination

نصب خاصّ special appointment; special determination

نصوح (خداوند) the Sincere

نصیب portion; share

نطق lecture; speech; utterance

نطق (= درک کلّیّات) intelligibility;

rationality

نطق باطنی esoteric intellection; inner intelligibility; inner logos

نطق ظاهری exoteric intellection; exoteric intelligibility; external logos

نطق عقلی intellectual speech; reasoning speech

نطق نفسانی psychic speech; psychic utterance

نظام design; *harmonia*; harmony; hierarchy; order; scale; system

نظام احسن
the best arrangement of things; the best ordering of things

نظام اکمل
the most perfect arrangement; the most perfect of things

نظام خارجی موجودات
external order of existence; outward harmony of existents

نظام درونی موجودات
inner order of existence; inward harmony of existents

نظام دینی religious order; religious system

نظام طولی longitudinal hierarchy; longitudinal order; vertical order

نظام عرضی horizontal order; latitudinal hierarchy; latitudinal order

نظر contemplation; inquiry; observation; reasoning; reflection; speculation; theoretical research; thinking; thought; vision

نظری considerative; deductive; derivative; discursive; speculative; theoretical

نظریّات ← نظریّه

نظریّه doctrine;
speculation;
theory;
thesis

نظریّه‌ی آفرینش creationism

نظریّه‌ی آفرینش هم‌زمان
theory of simultaneous creation

نظریّه‌ی اتّحاد theory of fusion;
theory of union

نظریّه‌ی احوال theory of states

نظریّه‌ی انسان کامل
theory of the perfect man

نظریّه‌ی اولویّت
theory of preponderance;
theory of priority

نظریّه‌ی تصویری
representational view

نظریّه‌ی توحید doctrine of Unity;
theory of Unity

نظریّه‌ی جزء لا یتجزا
theory of atomism

نظریّه‌ی جوهر فرد atomism;
monadism;
theory of monad

نظریّه‌ی صدور emanationism;
theory of emanation

نظریّه‌ی طفره theory of leap

نظریّه‌ی ظهور و کمون
theory of appearance and hiding;
theory of manifestation and hiddenness

نظریّه‌ی عادت theory of custom;
theory of habit

نظریّه‌ی کسب theory of acquisition

نظریّه‌ی کمون theory of hiding;
theory of latency

نظریّه‌ی مادّه ـ صورت hylomorphism

نظم coordination;
design;
harmony;
order;
orderliness

نعت characteristic;
feature;
qualify

نعمت benefaction;
benefit;
blessing;
bliss;
bounty;
favour;
grace;
prosperity

نعمت باطنی	esoteric blessing; inner blessing
نعمت ظاهری	exoteric blessing; outward blessing
نعیم	bliss; ease; grace; heaven
نفخ	blowing
نفخ الاهی	Divine breathing; Divine exhalation
نفخ روح	breathing of the spirit
نفخ صور	blast of the Trumpet; blowing of the Trumpet
نفخه	blow; blowing; breath; swelling
نفْس	ego; lower soul; mind; psyche; self; soul; spirit
نفْس آدمی	human psyche; human soul
نفْس الامر	actuality; an object in itself; a thing itself; objective existence; veritable reality
نفْس امّاره	concupiscent soul; imperative soul; impulsive soul; passionate soul
نفْس امّاره به سوء	concupiscent soul; soul that inspires evil
نفْس انسانی	human mind; human psyche; human soul
نفْس برزخی	demon
نفْس بهیمی	bestial soul
نفْس جزئی	individual soul; partial soul
نفْس حاسّه	sensitive soul
نفْس حیوانی	animal psyche; animal soul
نفْس روحانی	spiritual soul
نفْس زمینی	earthly soul; terrestrial soul
نفْس سَبُعی	savage soul
نفْس شهوانی	appetitive soul; carnal soul

نفْس شهوی	concupiscible soul
نفْس طبیعی	natural psyche; natural spirit
نفْس عاقله	intellectual soul; rational soul
نفْس غاذیه	nutritive soul
نفْس غضبی	irascible soul; pugnacious soul
نفْس فانی	mortal self
نفْس فردی	individual psyche; individual soul
نفْس فلکی	astral soul; celestial soul; heavenly soul; spherical soul
نفْس قدسیّه	holy soul; sacred soul
نفْس کلّی	absolute soul; cosmic soul; universal soul
نفْس کلّیّه‌ی الاهیّه	universal Divine soul
نفْس لوّامه	blaming soul; conscience
نفْس لئیم	base self; base soul
نفْس متخیّل	imaginative soul
نفْس مجرّد	immaterial soul
نفْس مطمئنّه	peaceful soul; satisfied self; self at peace; soul at peace; soul in peace; tranquil soul
نفْس معلّق	suspended soul
نفْس مَلَکی	angelic soul
نفْس ناطقه	intellective soul; rational soul; reasonable soul
نفْس نباتی	vegetable soul; vegetative soul
نفْس واحده	one soul; single self; single soul
نفسانی	animated; of the soul; psychic; psychical; spiritual; subjective
نفسی (≠ اضافی)	absolute; non-relational
نفوس اجسام عنصری	souls of elemental bodies

نفوس افلاک souls of the spheres

نفوس سماوی *animae celestes*; celestial souls; heavenly souls

نفوس سیارات souls of the planets

نفوس مفردات souls of simple bodies

نفوس منطبعه imprinted souls; natural souls

نفی (≠ اثبات) denial; negation; refutation

نفی خواطر negation of astray thoughts

نفی کردن to deny; to negate; to refute

نفی مطلق absolute negation

نفیِ نفی negation of negation

نفی و اثبات negation and confirmation

نقص defect; deficiency; imperfection; shortcoming

نقصان decrease; deficiency; imperfection;

lack

نقض abolition; destruction; refutation; violation

نقض کردن to go against; to overturn; to violate

نقطه point

نقل (≠ عقل) inspired transmission; revealed law; revelation; tradition

ـــ از طریق نقل through tradition; through transmission

نقلی revealed; traditional; transmitted

نقمت vengeance

نقیب chief

نقیصه ← نقص

نقیض antithesis; contradictory; negation; opposed; opposite

نقیض وجود antithesis of existence;

نقیضیْن	contradictory of existence pair of contradictories; two contradictories
نماد	symbol
نمط	mode; type
نمود	appearance; manifestation; symbol
نوّاب اربعه	Four Representatives (of the Twelfth Imam)
نوافل	supererogatory prayers; supererogatory rituals; supererogatory works
نوافلاطونی (اسم)	Neoplatonist
نوافلاطونی (وصف)	Neoplatonic
نوامیس الاهی	Divine laws
نواهی ← نهی	
نوح (ع)	Noah
نور	illumination; light; *lux*; radiance
نور (خداوند)	the Light
نور احدیّت	light of Oneness
نور اسفهبدی	light of Divine command; light of Divine commandment; Lordly light; marshalling light
نور اعظم	Supreme Light
نور تجلّی	light of self-revelation; light of theophany; light of unveiling
نور توحید	light of oneness; light of *tawḥîd*
نور جوهری	substantial light
نور حسّی	sensible light
نور حقیقی	real light; true light
نور عقل	light of intellect; light of intelligence
نور فعلی	active light
نور قاهر	*lux victorialis*; triumphal light; victorious light
نور قاهر ادنیٰ	lower victorious light
نور قاهر اعلیٰ	higher victorious light
نور محض	pure light
نور مدبّر	directing light; regent light
نور مطلق	absolute light
نور معنوی	spiritual light
نور مقیّد	delimited light;

limited light	
the nearest light	نور الاقرب
Light of (all) lights	نور الانوار
Light of God	نور اللّه
illuminated;	نوری
luminous	
class;	نوع
kind;	
species;	
type	
end;	نهایت
finitude;	
limit;	
terminus;	
utmost end	

final;	نهایی
ultimate	
forbidding;	نهی
forbidding the bad;	
prohibition	
forbidding the bad	نهی از منکر
Divine deputyship	نیابت الاهی
Divine vicarate	نیابت خدا
intention	نیّت
power;	نیرو
strength	
invisible power	نیروی غیبی
non-being	نیستی
	نیستی ← عدم

و

وابستگی متقابل interdependence

وابسته dependent

واجب (≠ حرام) obligatory

واجب (= ضروری) necessary; required

واجب (≠ ممکن) necessary

واجب (خداوند) the Necessary

واجب بالذات
Necessary Being through Itself;
necessary-by-itself;
necessary *per se*

واجب بالغیر
necessary-by-something-else;
necessary by the other;
necessary through Other;
necessary through other than itself;
necessary through the other

واجب بالقیاس الی الغیر
necessary-in-relation-to-something-else

واجب الثبوت necessarily subsistent

واجب الوجود (خداوند)
the Necessary Being;
the Necessary Existence

واجب الوجود بالذات
being necessary in his essence;
existence necessary by itself;
necessary being in itself

واجب الوجود بالغیر necessarily existent through another

واجد (خداوند) the Perceiver

واحد nondual;
one;
single;

واحد unique;
unit
واحد (خداوند) the Nondual;
the One;
the Unique
واحدِ احد the One\Unique
واحد بالعدد (نیز ← واحدعددی)
numerically "one"
واحد بالعَرَض (نیز ← واحد عَرَضی)
"one" by accident;
"one" with regard to an accident
واحد بالعموم (نیز ← واحد عمومی)
generalized "one"
واحد بالکیف "one" by quality
واحد بالنوع (نیز ← واحد نوعی)
"one" with regard to species
واحد بسیط simple "one";
unitary simplex
واحد جنسی generic "one"
واحد حقیقی real "one";
true "one"
واحد خصوصی particularized "one"
واحد در جنس "one" by genus
واحد عددی numerically "one";
"one" in number
واحد عَرَضی accidental "one"
واحد عمومی generalized "one";

general "one"
واحد غیرحقیقی non-real "one"
واحدِ کثیر one\many;
unity in multiplicity
واحد محض absolute oneness;
pure unity
واحد مفارق non-material "one"
واحد منقسم divisible "one"
واحد نوعی "one" in species;
specific "one"
واحدیّت unicity;
oneness;
uniqueness
وارث (خداوند) the Heir;
the Inheritor
واردات قلبی
inspirations of the heart;
knowledge received by the heart
واسطه intermediary;
intermediate;
mean;
means;
mediator
واسطه‌ی در اثبات
mediator of affirmation
واسطه‌ی در ثبوت
mediator of subsistence

واسطه‌ی در صدور
means for production;
mediator in emanation

واسطه‌ی در عروض
accidental intermediary;
mediator of attribution;
mediator of occurrence

واسع (خداوند) the All-Embracing;
the Vast One

واقع actuality;
external realm;
fact;
reality

واقعی actual;
factual;
of fact

واقعیّت event;
reality

واقعیّت امکانی contingent fact;
contingent reality

واقعیّت حقیقی true reality

واقعیّت عینی objective fact

واقفیّه suspendors of judgement

والی (خداوند) the Lord

واهب (خداوند) the Bestower;
the Donator

واهب الصّور dispenser of forms;
donator formatum;
giver of forms;
provider of forms

واهب الصُوَر (خداوند) Giver of forms

واهمه estimation;
fantasy;
imagination

وتر (خداوند) the Single

وثنی idolator;
pagan

وثنیّت idolatory;
idol-worship

وجدان awareness;
conscience;
consciousness;
moral sentiment

وجدانی intuitive;
of immediate experience;
of inner experience;
related to conscience

وجوب (≠ امکان) necessity

وجوب (≠ حرمت) duty;
obligation

وجوب بالذات essential necessity;
necessity by itself

وجوب بالغیر
necessity by something else;

necessity through another

وجوب بالقیاس الی الغیر necessity in relation to something else

وجوب ذاتی essential necessity; self-necessity

وجوب عقلی intellectual necessity; rational necessity

وجوب لاحق consequent necessity; following necessity

وجوب وجود necessity of being; necessity of existence

وجود بحت unmixed existence

وجود *actus essendi*; being; *das Sein*; *esse*; existence; finding; reality; *wujûd*

وجود آنی momentary existence

وجود احاطی comprehensive being; comprehensive existence; encompassing being; encompassing existence

وجود احدی unitary being; unitary existence

وجود ارتباطی connective being

وجود الاهی Divine Being; Divine existence

وجود امکانی contingent existence; possible existence

وجود انتسابی relational being; relational existence; relative existence

وجود اوّل first being; primary being

وجود بالقوّه potential being; potential existence

وجود بحت pure being; unmixed existence

وجود بذاته existence by itself

وجود بشرط لا negatively unconditioned being

وجود بغیره existence by something else

وجود بنفسه being in itself; existence by itself; existence in itself

وجود تامّ complete existence; full existence; perfect existence

وجود تَبَعی subordinate existence

وجود تطفّلی dependent existence

وجود حادث
temporally originated being;
temporally originated existence

وجود حقیقی
real existence;
true being

وجود خارجی
external existence

وجود خاصّ
particular being;
particular existence

وجود خودبسنده
self-substantive being

وجود خیالی
imaginal existence

وجود در اعیان
existence *in concreto*;
existence in objective reality

وجود ذاتی
essential existence

وجود ذهنی
esse intellectus;
mental being;
mental existence

وجود رابط
connective being;
copula existence;
copulative existence;
relative existence

وجود رابطی
connective existence;
copulative existence;
inhering being;
inhering existence;
relational existence

وجود ربطی
copulative existence

وجود سافل
lower being;
lower existence

وجود صِرف
Absolute Being;
Pure Being;
pure existence

وجود صوری
formal being;
formal existence

وجود ظلّی
participated being;
shadowy being;
shadowy existence

وجود عاریتی
borrowed existence;
wujûd on loan

وجود عالی
higher existence

وجود عامّ
all-inclusive Being;
general existence

وجود عقلی
intellectual being;
intellectual existence;
rational existence

وجود علمی (نیز ← وجود ذهنی)
mental existence

وجود عنصری
elemental existence

وجود عینی
entified existence;
objective being;
objective existence

وجود فی غیره
existence in something else

وجود فی نفسه
existence in itself;

existence in *se*

وجود فی نفسه لنفسه

existence in itself for itself

وجود فی نفسه لنفسه بغیره existence in itself for itself by other than itself

وجود فی نفسه لنفسه بنفسه

being in *se, per se* and *a se*; existence in itself for itself by itself; existence in *se, per se* and *a se*

وجود قائم به ذات

self-subsistent being; self-subsistent existence

وجود قدیم eternal being

وجود کلّی universal being; universal existence

وجود لا فی نفسه

existence not in-itself

وجود لا یتناهی infinite being

وجود لغیره

existence for other than itself

وجودِ للحق being for God; existence before God

وجود للغیر existence-for-the other

وجود لنفسه existence-for-itself; existence *per se*

وجود مادّی material existence

وجود متعالی supreme being; transcendent being; transcendent existence

وجود متعیّن determined existence; entified existence

وجود متناهی finite being; finite existence

وجود مثالی imaginal being; imaginal existence

وجود مجازی metaphorical being; metaphorical existence; virtual existence

وجود مجرّد abstract existence; existence disentangled from matter; immaterial existence

وجود محدود limited being; limited existence

وجود محض absolute being; pure being; pure existence

وجود محقَّق realized existence; verified existence

وجود محمولی predicative existence

وجود مستقلّ independent being; independent existence

وجود مطلق absolute being;

absolute existence

وجود مقیّد (نیز ← حصّه‌ی وجود)

determined existence;
finite being

وجود ممکن

contingent being;
contingent existence;
possible being

وجود منبسط

all-pervading existence;
ever-expanding existence;
ever-extending existence;
extended being;
prevailing existence;
unfolded existence;
unfolding being

وجود نامحدود

unlimited being;
unlimited existence

وجود نفسی

self-subsistent existence

وجود واجب (تعالی)

Necessary Being

وجودیّ

existential;
ontic;
ontological;
positive

وجه

aspect;
mode

وجه حقّ

Divine Face

وجه ظهور

face of manifestation

وجه مشترک (≠ وجه اخصّ)

shared aspect;
shared face

وجه اللّه

Face of God;
God's Countenance;
God's Face

وحدانی

non-composite;
unitary

وحدانیّت

Absolute Unity;
Oneness;
Unicity;
Uniqueness

وحدانیّت ذاتی

essential Unicity;
undifferentiated unity;
union in essence;
unity of essence

وحدت

identity;
unicity;
unification;
uniqueness;
unity

وحدت اتّصالی

unity of continuity

وحدت انتزاعی

abstract unity

وحدت بلاتمیّز

undifferentiated unity

وحدت جامع inclusive unity

وحدت جوهری
oneness of substance;
substantial oneness;
substantial unity

وحدت حقّه real unity;
true unity

وحدت حقّه‌ی حقیقی
true and real unity

وحدت حقّه‌ی ظلّی
true and shadowy unity

وحدت حقیقی real oneness;
real unity

وحدت در کثرت
oneness in manyness;
unity in multiplicity;
unity within multiplicity

وحدت درونی esoteric unity;
inner unity

وحدت ذاتی essential oneness;
essential unity

وحدت روحانی spirituality union

وحدت زمان unity of time

وحدت زمانی temporal unity

وحدت سرمدی eternal oneness;
eternal unity

وحدت شخصی individual unity;
oneness of individuality

وحدت شخصی وجود
individual unity of existence

وحدت شهود
unity of contemplation;
unity of vision

وحدت عددی numerical unity

وحدت عددی محدود
limited numerical unity

وحدت عَرَضی accidental unity

وحدت عرفانی gnostic unity;
mystical unity

وحدت عقل و عاقل و معقول
unity of intellect, intelligence and intelligible

وحدت علم و عالم و معلوم
unity of the knower, known and the act of knowing

وحدت غیرحقّه non-true unity;
unreal unity

وحدت غیرحقیقی non-real unity;
untrue unity

وحدت محض absolute unicity;
pure unicity;
pure unity

وحدت محلّ unity of place

وحدت مطلق absolute oneness;

absolute unity;
specific unity

وحدت معنایی unity of meaning;
univocation;
univocity

وحدت و کثرت
unity and multiplicity

وحدت وجود existential unity;
Oneness of Being;
oneness of existence;
Oneness of Finding;
oneness of reality;
"pantheism";
transcendent unity of being;
transcendent unity of existence;
unity existence;
unity of all being;
unity of being;
unity of existence

وحدت وجودی (= قائل به وحدت وجود)
monist;
non-dualist

وحی prophetic inspiration;
revelation

وحی الاهی Allah's revelation;
Divine revelation;
God's revelation

وحی کردن to reveal;
to send revelation

وحی مکتوب
scriptural revelation;
textual revelation

وحید one;
unique

ودود (خداوند) the Lover;
the Loving

ورای طور عقل
beyond the stage of reason

وسایط intermediaries

وسط intermediate;
medium;
middle

وسط و طرف middle-and-the-side

وسع انسانی human capacity;
human possibility

وسوسه whispering

وسوسه‌ی نفسانی
temptation of the soul

وسیله means;
mediation

وصف attribute;
characteristic;
description;
property;

qualification; quality — وصف

وصف به حال متعلق
qualifying a thing by the state of its associate

وصف مشترک — common qualification

وصف‌ناپذیر — ineffable

وصف‌ناپذیری — ineffability

وصل و فصل — joining and separation

وصول به حقّ — reaching God

وصیّ — entrusted; trustee

وضع — convention; *inclusio*; position

وضع (مقوله) — position (category); state

وضع علّت — establishing the cause; positing the cause

وضع مقدّم — *modus ponens*

وضعی — by convention; conventional; positional

وضعیّت — circumstance; condition; situation

وعاء — container; focusing point; vessel

وعده — promise

وعظ — sermon

وعید — threat; threatening; warning

وفاق — concord; consensus; harmony; unanimity

وفیّ (خداوند) — the Faithful

وقت — moment; momentary experience; time

وقفه — interruption; interval; stop

وقوع — actualization; happening; occurrence

وکیل (خداوند) — the Advocate; the Trustee

ولایت — authority; sanctity; spiritual ministry

ولایت الاهی Divine authority; Divine friendship; Divine guardianship

ولایت باطنی inner sanctity; inner spiritual power

ولایت خاصّه special sainthood; specific saintship

ولایت عامّه general authority; general sainthood

ولایت کلّیّه universal saintship; universal spiritual authority

ولیّ (خداوند) the Patron

ولیّ اللّه (= دوست خدا) friend of God

وهّاب (خداوند) the All-Bestower; the Bountiful; the Giver

وهم estimation; fancy; fantasy; fiction; hallucination; illusion; imagination; imagining; perception; phantasm

وهم حادث occurring fantasy; transient fancy

وهمی chimerical; estimative; fantastic; fictitious; illusory; imaginary; prehensive

وهمیّات doxical premises; false premises; illusory premises; imagined premises

هـ

هادی guide;
guiding

هادی (خداوند) the Guide;
the Guiding

هارون Aaron

هباء cloud of dust;
dust;
dust cloud

هبوط coming down;
fall;
falling;
going down

هجرت emigration

هدایت guidance;
right guidance

هدایت الاهی Divine guidance

هدایت تشریعی guidance through religious law;
legal guidance

هدایت تکوینی cosmic guidance;
creational guidance;
guidance through creation

هدایت خاصّه special guidance;
specific guidance

هدف end;
goal;
purpose

هدف مقدّس sacred end;
sacred purpose

هدفمندی purposefulness

هُدیٰ ← هدایت

هراکلیتس Heraclitus

هستی ← وجود

هفت آسمان seven heavens;
seven skies

هلاکت annihilation;

perishing

همبسته interconnected

همزمان simultaneous

همزمانی simultaneity

هم‌سنخ cognate;
of the same kind

هم‌معنا having the same meaning;
univocal

همانندی identification;
likeness;
sameness;
self-identity

هماهنگی coherence;
coherency;
consistency;
harmony

همت spiritual ardor;
spiritual intention;
zeal

هندسه geometry

هندسی geometric

هوا (از عناصر اربعه) air;
wind

هوهویّت identity

هویٰ capricious wind

هویّت being;
entity;
essence;
existence;
He-ness;
identity;
Ipseity;
it-ness;
nature

هویّت اتّصالی identity of continuity

هویّت اوّلیّه initial ipseity;
primary identity

هویّت شخصی personal ipseity

هویّت غیبیّه absent identity;
hidden ipseity;
non-manifested identity

هویّت واحد one single ipseity

هیأت appearance;
characteristics;
configuration;
disposition;
form;
mode of being;
shape

هیاکل نوریّه luminous frames;
luminous temples

هیبت awe;
fear;
reverence

هیکل frame; temple

هیولانی material; pertaining to *hyle*

هیولای اولیٰ first *hyle*; primary matter; prime matter

هیولای بی‌شکل formless matter; indefinite matter; undifferentiated matter

هیولای ثالث tertiary matter

هیولای ثانی secondary matter; second matter

هیولای جسمانی bodily matter; corporeal matter

هیولای قریب proximate matter

هیولای مبهم indefinite matter

هیولیٰ *hyle*; *materia prima*; matter; primal matter; prime matter

ی

یدالله	God's Hand; Hand of Allah; Hand of God
یقین	assurance; certainty; certitude; conviction; sureness
یقین مضاعف	redoubled certainty
یقینی	certain; definite; definitive
یقینیّات	certain theoretical foundations; theoretical certainties
یکتاپرستی ← توحید	
یک‌سان	homogeneous; uniform
یک‌سان‌سازی	assimilation
یگانگی (نیز ← وحدت)	oneness
یگانه‌پرست ← موحّد	
یگانه‌سازی	integration
یهود	Jews
یهودی	Jewish
یهودیّت	Judaism

اسماء و صفات الاهی

اسماء و صفات الاهی

آخِر	the Last
اَحَد	the Alone; the One; the Unique
اکبر	the Great; the Greatest
اکرم اکرمین	the Most Generous of the generous
اللّه	Allah
اوّل	the First; the Origin
اهل التقوی	the Worthy of pious fear
اهل مغفرت	the Worthy of pardon
باری	the Author; the Creator; the Maker; the Producer
باسط	the Donator; the Expander;
باطن	the Concealed; the Hidden; the Inward; the Inwardly; the Occult
باعث	the Resurrector
باقی	the Abiding; the Enduring; the Everlasting; the Immortal; the Permanent; the Subsistent
بدیع	the Incomparable; the Innovator
برّ	the Righteous
بصیر	the All-Seeing; the Clairvoyant;

the Seeing;	
the Seer	
the Distant	بعيد
the Accepter of repentance;	توّاب
the Relenter;	
the Relenting	
the Appointer;	جاعل
the Instaurer;	
the Maker	
the Gatherer	جامع
the All-Dominating;	جبّار
the All-Powerful;	
the Almighty;	
the Awful;	
the Compelling;	
the Overbearing;	
the Overpowering Sovereign;	
the Sovereign	
the Disclosed	جلىّ
the Majestic	جليل
the Beautiful	جميل
the Generous;	جواد
the Munificent	
the Reckoner	حاسب
the Omnipresent;	حاضر
the Present	
the Guardian;	حافظ
the Preserver	
the Conditioner;	حاكم
the Dominant;	
the Judge;	
the Ruler	
the Beloved;	حبيب
the Friend	
the Reckoner	حسيب
the Guardian	حفيظ
the Divinity;	حقّ
God;	
the *Ḥaqq*;	
the Real;	
the Real One;	
the True;	
the Truth	
the Arbitrator;	حَكَم
the Judge	
the All-Wise;	حكيم
the Wise	
the Clement;	حليم
the Gentle	
the Laudable;	حميد
the Praiseworthy	
the Compassionate	حنّان
the Alive;	حىّ
the Eternally Living;	
the Ever-Living;	
the Life;	
the Living;	
the Living One	
the Abaser;	خافض
He-Who-Puts-Down	

خالق	the Creating;
	the Creator
خبير	the Aware;
	the Informed
خفيّ	the Hidden;
	the Occult
خلّاق	the Creator;
	the Ever-Creating
خير	the Good;
	the Goodness
خير الماكرين	
	the Best of the deceivers
خيرخواه	the Omnibenevolent
دائم	the Everlasting;
	the Lasting
دليل	the Guide;
	the Indicator
ديّان	the Retributer
ذوالجلال	the Lord of Splendor;
	the Majestic;
	the Possessor of Glory;
	the Possessor of Majesty
راحم	the Merciful
رازق	the Nourisher;
	the Nourishing;
	the Provider
رافع	the Exalter
ربّ	the Guardian Lord;
	the Lord;
	the Master

رحمٰن	the All-Compassionate;
	the All-Good;
	the All-Merciful;
	the Clement;
	the Compassionate;
	the Infinitely Merciful;
	the Merciful
رحيم	the All-Merciful;
	the Compassionate;
	the Infinitely Merciful;
	the Merciful;
	the Mercy-giving;
	the Most Merciful
رزّاق	the All-Provider;
	the Provider;
	the Sustainer
رشيد	the Guide to the Right Path
رفيع	the Lofty;
	the Uplifter
رفيع الدرجات	
	the Uplifter of degrees;
	the Uplifter of ranks
رقيب	the Surveyor;
	the Vigilant;
	the Watcher;
	the Watchful
رئوف	the Affectionate;
	the Clement;
	the Kind
سامع	the Hearer;

the Hearing;	
the Listener	
the Glorified	سبّوح
the Concealer of sins	ستّار
the Generous	سخيّ
	سريع الحساب
the Swift in Reckoning	
the Swift in Punishing	سريع العقاب
the Peace;	سلام
the Peaceful;	
the Source of Peace	
the Authority;	سلطان
the Dominator;	
the Majesty;	
the Ruler	
the Hearer;	سميع
the Hearing	
the Lord;	سيّد
the Master	
the Cure-Giver;	شافى
the Healer	
the Grateful	شاكر
the Witness;	شاهد
the Witnesser	
	شديد العذاب
Terrible in Punishment;	
Terrible in Tribulation	
Terrible in Punishing	شديد العقاب
the Grateful;	شكور
the Rewarder	
the Witness	شهيد
the Truthful	صادق
the Creator;	صانع
the Maker	
the Patient	صبور
the All-Rich;	صمد
the Besought of all;	
the Constant;	
the Eternal;	
the Everlasting Refuge;	
the Immovable;	
the Impenetrable;	
the Impermeable;	
the Recourse	
the Exterior;	ظاهر
the Manifest;	
the Manifested;	
the Outward	
the Just	عادل
the Knower;	عالِم
the Knowing;	
the Omniscient	
the Elevated;	عالى
the Eminent;	
the Transcendent	
the Exalted;	عزيز
the Glorious;	
the Inaccessible;	
the Loved;	
the Mighty;	

the Powerful;	
the Precious;	
the Strong;	
the Unattainable	
the Sympathetic	عطوف
the Glorified;	عظيم
the Great;	
the Mighty;	
the Tremendous	
the All-Pardoning;	عَفُوّ
the Most Pardoning	
the Ever-knowing of absent things	علّام الغيوب
the All-High;	عَلِيّ
the All-Highest;	
the Exalted;	
the Great;	
the Highest;	
the Supreme;	
the Transcendent	
the All-Knowing;	عليم
the Knower;	
the Knowing;	
the Omniscient	
the Forgiver	غافِر
the Forgiver of sin	غافر الذنب
the All-Concealing;	غفّار
the All-Forgiving;	
the Forgiver	
the Concealing;	غَفُور
the Forgiving;	
the Indulgent;	
the Pardoner	
the All-Rich;	غنيّ
the Rich	
the Originator	فاطر
the Splitter	فالق
the Overpowering	فائق
the Arbiter;	فتّاح
the Conqueror;	
the Reliever	
the Single;	فرد
the Solitary;	
the Unique	
the Active	فعّال
the Doer of whatever He wills	فعّال ما يَشاء
the Gripper;	قابض
the Restrainer	
the Acceptor of repentance	قابل التوب
the Omnipotent;	قادر
the Powerful	
the Conqueror;	قاهر
the Dominant;	
the Dominator;	
the Overpowerer;	
the Ruler;	
the Subjugating;	
the Triumphant;	

the Victorious		
the Speaker	قائل	
the All-Holy;	قُدّوس	
God the Holy;		
the Holy;		
the Most Holy;		
the Most Sacred;		
the Sacred		
the All-Mighty;	قدیر	
the All-Powerful;		
the Almighty;		
the Omnipotent;		
the Powerful		
the Ancient;	قدیم	
the Eternal;		
the Everlasting;		
the Pre-eternal		
the Near;	قریب	
the Very Near One		
the All-Powerful;	قویّ	
the Most Strong;		
the Strong		
the All-Subjugating;	قهّار	
the Conquering;		
the Invincible;		
the Omnipotent;		
the Overwhelming;		
the Subduer;		
the Victorious		
the Abiding	قیّم	
the Immutable;	قیّوم	
the Self-Abiding;		
the Self-Existent;		
the Subsistent		
the All-Great;	کبیر	
the Great;		
the Greatest		
the Generous	کریم	
the Gracious;	لطیف	
the Subtle		
the Deferrer	مؤخّر	
the Sublime	ماجد	
the Effacer	ماحی	
the Monarch;	مالک	
the Possessor;		
the Ruler;		
the Sovereign		
the Kingdom-Possessing;	مالک المُلک	
the King of the kingdom;		
the Possessor of the kingdom		
the Withholder	مانع	
the Commencer;	مُبدئ	
the Originator		
the Author;	مبدِع	
the Creator		
the Clarifier	مبیِّن	
the Indulgent	متجاوز	
the Self-Discloser	متجلّی	
the Most High;	متعالی	

the Self-exalter;			مسبّب الاسباب
the Self-High;		the Author of all causes;	
the Transcendent		the Causer of secondary causes;	
the Justly Proud;	متکبّر	the Occasioner of all occasions	
the Magnificent;		the Creator;	مصوّر
the Proud;		the Fashioner;	
the Self-Great		the Formator;	
the Speaker;	متکلّم	the Former;	
the Speaking		the Form-Giver;	
the Firm	متین	the Shaper	
the Establisher	مُثبِت	the Misguider	مضلّ
the Answerer;	مجیب	the Forgiver	معافی
the Assenter		the Punisher	معاقِب
the Beneficent	محسن	the Adorable;	معبود
the All-Encompassing;	محیط	the Object of worship;	
the Encompasser;		the Worshipped	
the Encompassing;		the Empowerer;	مُعزّ
the Sovereign		the Exalter	
the Bestower of life;	مُحیی	the Bestower;	معطی
the Life-Bestowing;		the Giver	
the Life-Giver		He-Who-Brings-Back;	مُعید
the Free	مختار	the Restorer	
the Governing;	مدبّر	the Helper	مُعین
the Governor		the Enricher	مُغنی
the Examiner	مراقب	the Reliever;	مغیث
the Director;	مرشد	the Saviour	
the Guide		the Differentiator;	مفضّل
the Desirous;	مُرید	the Distinguisher	
the Willing		the Bounteous	مفضّل
the Remover	مزیل	the Omnipotent;	مقتدر

the Potent	
the Fortune-Giver;	مقدِّر
the Ordainer;	
the Predestinator	
the Advancer	مقدِّم
the Just	مُقسِط
	مقلّب القلوب
the Transformer of hearts;	
the Turner of hearts	
the Food-Giver;	مُقيت
the Giver of Sustenance	
the Forbearer;	مقيل
the Raser	
the Giver of existence;	مكوِّن
God as Bestower of being;	
God as the Giver of being	
the Engenderer of	مكوِّن اسباب
Secondary Causes	
	مكوِّن الاسباب
the Engenderer of Secondary	
Causes	
the King;	مَلِک
the Sovereign	
the Omnipotent King	مليک مقتدر
the Retainer	مُمسک
the Death-Giver;	مُميت
the Giver of Death;	
the Slayer	
the Benevolent;	منّان
the Favourer	

the Avenger;	منتقم
the Vengeful	
the Configurer;	مُنشِئ
the Originator	
the Benefactor;	مُنعِم
the Blesser;	
the Blessing-giver;	
the Dispenser	
the Unequalled;	منفرد
the Unique	
the Dispenser	منيل
the Bestower of being;	موجِد
the Existence-Giver;	
the Existentiator;	
the Giver of Existence	
the Uniter	موصل
the Named	موصوف
the Lord;	مولیٰ
the Master;	
the Patron	
the Affrighter	مهيل
the Guardian;	مهيمن
the Protector;	
the Vigilant	
the Helper;	ناصر
the Victorious	
the Benefiter	نافع
the Sincere	نصوح
the Light	نور
the Necessary	واجب

واجب الوجود	the Necessary Being; the Necessary Existence
واجد	the Perceiver
واحد	the Nondual; the One; the Unique
وارث	the Heir; the Inheritor
واسع	the All-Embracing; the Vast One
والی	the Lord
واهب	the Bestower; the Donator
واهب الصُوَر	the Giver of forms
وتر	the Single
ودود	the Lover; the Loving
وفیّ	the Faithful
وکیل	the Advocate; the Trustee
ولیّ	the Patron
وهّاب	the All-Bestower; the Bountiful; the Giver
هادی	the Guide; the Guiding

فهرست منابع و مآخذ

فهرست منابع و مآخذ

الف ـ منابع عمومی

1 – *The Encyclopedia of Islam*, new edition, Leiden: E. J. Brill, 1986.

2 – Netton, Ian Richard, *A Popular Dictionary of Islam*, London: Curzon Press, 1992.

3 – Ibn-Khaldûn, *The Muqaddimah; An Introduction to History*, vol. 3, Trans. by Rosenthal, Franz, New York: Pantheon Books, 1958.

4 – Merriam Webster INC., *Webster's Third New International Dictionary of the English Language Unabrided*, 3 vols., Chicago: Encyclopedia Britannica, INC, 1986.

5 – Patrick Hughes, Thomas, *Dictionary of Islam*, New Delhi: Cosmo Publications, 1978.

۶ – اکبری، محمّدتقی و دیگران، ***فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدّن اسلامی*** (فارسی ـ انگلیسی)، ویراسته‌ی بهاءالدّین خرّمشاهی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اوّل، ۱۳۷۱.

۷ – اکبری، محمّدتقی و دیگران، ***فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدّن اسلامی*** (انگلیسی ـ فارسی)، ویراسته‌ی بهاءالدّین خرّمشاهی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اوّل، ۱۳۷۲.

۸ – البَعلبَكي، روحي، ***المورد*** (قاموس عربي ـ انكليزي)، بيروت: دار العلم للملايين، الطبعة العاشرة، ۱۹۹۷.

۹ – المالكي، عبد اللّه أبو عشي و الشيخ إبراهيم، عبدالطيف، ***معجم المصطلحات الدينيّة*** (عربي ـ إنجليزي، إنجليزي ـ عربي) الرياض: مكتبة العبيكان، الطبعة الثانية، ۱۴۱۸ هـ / ۱۹۹۷ م.

۱۰ – مشیری، مهشید، ***فرهنگ زبان فارسی*** (الفبایی ـ قیاسی)، تهران: انتشارات سروش، چاپ سوّم، ۱۳۷۴.

۱۱ – معین، دکتر محمّد، *فرهنگ فارسی*، تهران: مؤسّسه‌ی انتشارات امیرکبیر، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۹.
۱۲ – سجّادی، سیّد جعفر، *فرهنگ علوم فلسفی و کلامی*، تهران: مؤسّسه‌ی انتشارات امیرکبیر، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۵.
۱۳ – قسم الكلام و الفلسفة في مجمع البحوث الإسلاميّة، *معجم العناوين الكلاميّة و الفلسفيّة*، مشهد: مجمع البحوث الإسلاميّة، ۱۴۱۵ هـ ق.

ب ـ منابع تخصّصی فلسفه

۱۴ – الحفني، عبدالمنعم، *المعجم الفلسفي* (عربي، انجليزي و ...) بيروت: دار ابن زيدون، الطبعة الأولىٰ، ۱۹۹۲.
۱۵ – باختر، ژاله، *واژه‌نامهٔ تاریخ فلسفه در اسلام* (انگلیسی ـ فارسی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اوّل، ۱۳۷۳.
۱۶ – مجمع اللغة العربيّة، *المعجم الفلسفي* (عربي، فرنسي، انجليزي)، التصدير: ابراهيم مدكور، القاهرة: الهيئة العامّة لشؤون المطابع الأميريّة، ۱۹۷۹ / ۱۳۹۹.
۱۷ – سبزواری، حاج ملّاهادی، *في الالهيّات بالمعنى الأخصّ من كتاب شرح غرر الفرائد يا شرح منظومه‌ی حکمت* (قسمت فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات)، باهتمام مهدی محقّق و توشی‌هیکو ایزوتسو، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.
۱۸ – أفنان، سهيل محسن، *واژه‌نامهٔ فلسفی* (فارسی، عربی، انگلیسی و ...) تهران: انتشارات حکمت، چاپ دوّم، ۱۴۰۴ هـ ق.
۱۹ – صليبا، جميل، *المعجم الفلسفي*، (بالألفاظ العربيّة و الفرنسيّة و الانكليزيّة و اللاتينيّة)، بيروت: الشركة العالميّة للكتاب، ۱۹۹۴.
۲۰ – جهامي، جيرار، *موسوعة مصطلحات الفلسفه عندالعرب*، بيروت: مكتبة لبنان و ناشرون، ۱۹۹۸.
۲۱ – مركز مطالعات و تحقيقات اسلامی، *اصطلاحنامه فلسفه اسلامی*، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۲۲ – بابایی، پرویز، *فرهنگ اصطلاحات فلسفه* (انگلیسی ـ فارسی)، تهران: مؤسّسه انتشارات نگاه، ۱۳۷۴.
۲۳ – قسم الفلسفة في مجمع البحوث الإسلاميّة، *شرح المصطلحات الفلسفيّة*، مشهد: مجمع البحوث الإسلاميّة، ۱۴۱۴ هـ ق.
24 – Avicenna, *The Metaphysica of Avicenna,* trans. by Parviz Morewedge, London: Routledge and Kegan Paul, 1973.

۲۵ – ابوعلی سینا، *دانش‌نامهٔ علائی* (قسمت فلسفه‌ی اولیٰ)، با تصحیح و تعلیق احمد خراسانی، طهران: کتابخانه‌ی فارابی، ۱۳۶۰.

26 – Sabzavârî, Al-Ḥâj Mullâ Hâdî, *The Metaphysics of Sabzavârî*, trans. from the Arabic by Mehdi Mohaghegh and Toshihiko Izutsu, Tehran: Tehran University Press, 1991.

۲۷ – سبزواری، حاج ملّاهادی، *شرح غرر الفرائد معروف به یا شرح منظومهٔ حکمت* (قسمت الهیّات بالمعنی الاعمّ و جواهر و اعراض)، ترجمه از عربی به انگلیسی توسّط مهدی محقّق و توشی‌هیکو ایزوتسو، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

28 – Aṣ-Ṣadr, Muḥammad Bâqir, *Our Philosophy*, trans. by Shams C. Inati, foreword by Seyyed Hossein Nasr, Qum, Ansariyan publications, N. D.

۲۹ – الصدر، السیّد محمّد باقر، *فلسفتنا*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، الطبعة الثانیة عشر، ۱۴۰۲ هـ ق ـ ۱۹۸۲ م.

۳۰ – الصدر، السیّد محمّد باقر، *تئوری شناخت در فلسفه‌ی ما*، ترجمه‌ی سیّد حسین حسینی، قم: انتشارات بدر، ۱۳۵۹.

۳۱ – الصدر، السیّد محمّد باقر، *جهان‌بینی در فلسفه‌ی ما*، ترجمه‌ی سیّد حسین حسینی، قم: انتشارات بدر، ۱۳۶۰.

32 – Izutsu, Toshihiko, *The Fundemental Structure of Sabzavârî's Metaphysics*, Tehran: Tehran University Publications, 1990.

۳۳ – ایزوتسو، توشی‌هیکو، *بنیاد حکمت سبزواری یا تحلیلی تازه از فلسفهٔ حاج ملّاهادی سبزواری*، با ترجمه‌ی فارسی سیّد جلال‌الدین مجتبوی، تهران دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.

34 – Ḥa'irî Yazdî, Mehdi, *Knowledge by Presence*, Tehran: Cultural Studies and Research Institute, 1982.

35 – Miṣbâḥ Yazdî, Muḥammad Taqî, *An Introduction to Muslim Philosophy*, trans. by Muḥammad Legenhausen, Binghamton: Institute of Gloable Cultural Studies, 1999.

۳۶ – مصباح یزدی، محمّدتقی، *آموزش فلسفه*، ۲ ج، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۴.

37 – Mullâ Ṣadrâ, *The Metaphsics of Mullâ Ṣadrâ* (*Al-Mashâ'ir*), trans. by Parviz Morewedge, New York, The society For the study of Islamic Philosophy and Science, 1992.

۳۸ – الشیرازی، صدر الدین محمّد، *کتاب المشاعر*، ترجمه بدیع الملك میرزا عماد الدوله، تهران: طهوری، چاپ دوّم ۱۳۶۳.

39 – Nasr, Seyyed Hossein, *Ṣadr al-Dîn Shîrâzî and his Transcendent Theosophy; Background, Life and Works*, Tehran: Institute for Humanities and cultural studies, 1997.

۴۰ – نصر، سیّد حسین، *صدرالمتألّهین شیرازی و حکمت متعالیه*، ترجمه‌ی حسین سوزنچی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ اوّل، ۱۳۸۲.

41 – Aṭ-Ṭabâṭabâ'î, 'Allâmah Sayyid Muḥammad Ḥusayn, *Bidâyat al-Ḥikmah: The Elements of Muslim Metaphsics*, trans. by A. Q. Qarâ'i, London: ICAS Press, 2003.

۴۲ – الطباطبایی، السیّد محمّد حسین، *بدایة الحکمة*، قم: مکتبة الطباطبایی، بی‌تا.

43 – Frank, Richard MacDonough, *Beings and Their Attributes*, Albang, State University of New York Press, 1978.

44 – Mullâ Ṣadrâ, *The Wisdom of the Throne*, trans,. by James Winston Morris, Princeton University Press, Princeston, New Jersey, 1981.

۴۵ – الشیرازی، صدرالدین، *الحکمة العرشیة*، همراه با تصحیح و ترجمه‌ی غلامحسین آهنی، انتشارات مولیٰ، تهران ۱۳۶۱.

46 – Ibn Rushd, *Ibn Rushd's Metaphysics* (Ibn Rushd's Commentary on Aristotle's Metaphysics, *Book Lâm*), trans. by Charles Genequand, Leiden, E. J. Brill, 1986.

۴۷ – ابن رشد، *تفسیر ما بعد الطبیعة*، (المقالة المرسوم علیها حرف اللام من مقالات ما بعد الطبیعة)، ج ۳، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۷۷.

48 – Nasr, Seyyed Hossein, "Mullâ Ṣadrâ: his Teachings", in *History of Islamic Philosophy*, vol., edited by Seyyed Hossein Nasr and Oliver Leaman, Tehran, Arayeh Cultural Ins, 1375.

۴۹ – نصر، سیّد حسین، «تعالیم ملاصدرا»، ترجمه‌ی حسینعلی شیدان‌شید، حوزه، شماره مسلسل ۹۲، خرداد و تیر ۱۳۷۸.

ج ـ منابع تخصّصی کلام

۵۰ – مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، *اصطلاحنامه کلام اسلامی*، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲.

۵۱ – دُغَیم، سمیح، *موسوعة مصطلحات علم الکلام الاسلامي*، بیروت: مکتبة لبنان ناشرون، ۱۹۹۸.

۵۲ – النیسابوری المقري، قطب الدین محمّد بن الحسن، *الحدود (المعجم الموضوعي*

للمصطلحات الكلاميّة)، تحقيق: محمود يزدى مطلق (فاضل)، قم: مؤسّسة الإمام الصادق (ع)، ۱۴۱۴ هـ ق.

۵۳ – قسم الكلام في مجمع البحوث الإسلاميّة، *شرح المصطلحات الكلاميّة*، مشهد: مجمع البحوث الإسلاميّة، ۱۴۱۵ هـ ق.

54 – Al-Shaykh Al-Mufîd, *Kitâb al–Irshâd* (*The Book of Guidance*), trans. By I. K. A Howard, London: Balagha Books, 1981.

۵۵ – المفيد، محمّد بن النعمان، *الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد*، همراه با ترجمه و شرح سيّد هاشم رسولى محلّاتى، چاپ دوّم، تهران: انتشارات علميّه اسلاميّه، بى‌تا.

56 – al-Râzî, Fakhr al-Dîn, *A Study on Fakhr al-Dîn al-Râzî and his Controversies in Transoxiana*, trans. by Fathalla Kholeif, Beyrouth: Dar el-Machreq Editeurs, 1966.

۵۷ – الرازى، فخرالدين، *مناظرات فخرالدين الرازى في بلاد ماوراء النهر*، تحقيق: الدكتور فتح اللّه خليف، تهران: ۱۳۶۴ هـ ش ـ ۱۴۰۶ هـ ق. (تجديد چاپ شده به طريق افست از روى نسخه‌ى دار المشرق، بيروت، ۱۹۶۶ م).

58 – McDermott, Martin J., *The Theology of Al-Shaikh Al-Mufîd*, Beyrouth: Dar el-Machreq Editeurs, 1986.

۵۹ – مكدرموت، مارتين، *انديشه‌هاى كلامى شيخ مفيد*، ترجمه‌ى احمد آرام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.

60 – Klein, F. A., *The Religion of Islam*, London: Curzon Press, 1985.

61 – Ṭabâṭabâ'î, 'Allâmah Sayyid Muḥammad Ḥusayn, *Shî'a*, trans. by Sayyid Ḥusayn Naṣr, Qum, Ansariyan Publications, N. D.

۶۲ – طباطبايي، سيّد محمّد حسين، *شيعه در اسلام*، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرّسين حوزه‌ى علميّه قم، ۱۳۷۳.

63 – ash-Shaykh aṣ-Ṣadûq, *A Shi'ite Creed* (*I'tiqâdâtu 'l-Imâmiyyah*), trans. by Asaf A. A. Fyzee, Tehran: World Organization for Islamic Services, 1982 / 1403.

۶۴ – الشيخ الصدوق، أبي جعفر محمّد بن علي بن بابويه، *إعتقادات*، ترجمه سيّد محمّد الحسنى قلعه كهنه، مشهد: آستان قدس رضوى، ۱۳۷۱.

65 – Averroes (Ibn Rushd), *Averroes; On the Harmony of Religion and Philosophy* (A translation with introduction and notes of Ibn Rushd's Kitâb *Faṣl al-maqâl*), trans. by George F. Hourani, London: Lowe and Brydone, 1976.

۶۶ – القاضی ابن رشد الاندلسي، *فصل المقال فيما بين الحكمة و الشريعة من الاتّصال*، تصحيح: مصطفى عبدالجواد عمران، الطبعة الثالثة، المكتبة المحموديّة التجاريّة، ۱۳۸۸ هـ ق / ۱۹۶۸ م.

67 – Al-Muẓaffar, Muḥammad Riḍa, *The Faith of Shi'a Islam*, trans. by a group at Dâr aT-Tablîgh al-Islâmî in Qum, Cambridge, Muhammadi Trust, 1982.

۶۸ – المظفّر، الشيخ محمّد رضا، *العقايد الاماميّة*، قدّم له حامد حنفي داود، القاهرة: المكتبة الإسلاميّة الكبرىٰ.

69 – Dar Rah-e Haq Educational Institute, *Roots of Religion*, Qom: Dar Rah-e Haq Publishers, 1374 H.

۷۰ – هیأت تحریریّه‌ی مؤسّسه‌ی در راه حقّ، *درس‌هایی از اصول دین*، قم: مؤسّسه‌ی در راه حقّ، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.

71 – Maimonides, Moses, *The Guide of the Perplexed*, 2 vol., trans. by Shlomo Pines, the University of Chicago Press, 1963.

۷۲ – ابن ميمون القرطبي الأندلسي، موسى، *دلالة الحائرين*، حقّق و ترجم نصوصه العبريّة الى العربيّة و قدّم له الدكتور حسين آتاي، ثلاثة أجزاء، مكتبة الثقافة الدينيّة.

73 – Madelung, Wilferd, *Religious Schools and Sects in Medieval Islam*, London: Variorum Repints, 1985.

74 – Al-Kasim B. Ibrahim, *The Proof of Gods Existence* (*Kitâb al-Dalîl al-Kabîr*) by Binyamin Abrahamov, Leiden, E. J. Brill, 1990.

۷۵ – *الدليل الكبير*، المطبوع مع ترجمته الإنكليزيّة.

76 – Al-Shahrastânî, *The Summa Philosophiae of* Al-Shahrastânî *(Kitâb Nihâyatu 'l-Iqdâm Fî 'Ilmi 'l-Kalâm*), edited and translated by Alfred Guillaume, London: Oxford University Press, 1934.

۷۷ – الشهرستاني، عبد الكريم، *نهاية الإقدام في علم الكلام*، حرّره و صحّحه الفرد جيوم، المطبوع مع ترجمته الإنكليزيّة.

78 – Ṭabâṭabâ'î, 'Allâmah Sayyid Muḥammad Ḥusayn, *A Shi'ite Anthology*, trans. with explanatory notes by William C. Chittick, Qum: Ansariyan Publications, N. D.

79 – Ṭabâṭabâ'î,' 'Allâmah Sayyid Muḥammad Ḥusayn, *Basic Teaching of Islam*, trans. by Mujgân Jalhâî, Tehran: International Publishing Co., 1380.

۸۰ – طباطبایی، سیّد محمّد حسین، *خلاصة تعالیم اسلام*، به کوشش داود الهامی، تهران: کعبه: ۱۳۶۲.

81 – Al-Kâshifu 'l-Ghiṭâ', Muḥammad Ḥusayn, *The Original of Shi'ite Islam and It's Principles* (*Aṣl Ash-Shî'ah wa Uṣûluhâ*), trans. by Ghuhâm Hussain, Qum: Ansariyan Publications, 1999 - 1375.

۸۲ – آل کاشف الغطاء، محمّد الحسین، *أصل الشیعة و أصولها*، بیروت: مؤسّسة الأعلمي للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق.

83 – Wolfson, Harry Austryn, *The Philosophy of the Kalam*, United States of America, Harvard University Press, 1976.

۸۴ – ولفسن، هری اُوسترین، *فلسفهٔ علم کلام*، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۶۸.

85 – Ibn Qudâma, *Ibn Qudâma's Censure of Speculative Theology*, edited and translated by George Makdisi, Cambridge: E. J. W. Gibb Memorial Trust, 1985.

۸۶ – ابن قُدامة المَقْدسي، موفّق الدین، *تحریم النظر في کتب أهل الکلام* (کتابٌ فیه الردّ علی ابن عقیل)، المطبوع مع ترجمته الإنکلیزیّة.

87 – Shahrastânî, Muḥammad B. 'Abd al-Karîm, *Muslim Sects and Divisions* (*The Section on Muslim Sects in kitâb al-Milal wa 'l-Niḥal*), trans. by A. K. Kazi and J. Flynn, London, Kegan Paul International, 1984.

۸۸ – الإمام الشهرستاني، *الملل و النحل*، تخریج: محمّد بن فتح اللّه بَدْران، ۲ ج، الطبعة الثانیة، القاهره، مکتبة الانجلو المصریّة (تجدید چاپ به طریق افست توسّط منشورات الرضی، قم، ۱۳۶۷ هـ ش).

89 – Madelung, Wilferd, *Religious Trends in Early Islamic Iran*, the United States of America: The Persian Heritage Foundation under the imprint of Bibliotheca Persica, 1988.

90 – Goldziher, Ignaz, *The Ẓâhiris; Their Doctrine and Their History*, trans. by Wolfgang Behn, Leiden: E. J. Brill, 1971.

91 – Watt, W. Montgomery, *Muslim Intellectual; A Study of Al-Ghazâlî*, Great Britain: R. and R. Clard Ltd., Edinburgh. 1971.

92 – Ḥery, Fadhlallah, *Decree & Destiny*, Dorset: Element Books, 1991.

Bibliography

Unattainable, the	عزيز
Unequalled, the	منفرد
Unique, the	اَحَد؛
	فرد؛
	منفرد؛
	واحد
Uniter, the	موصل
Uplifter of degrees, the	رفيع الدرجات
Uplifter of ranks, the	رفيع الدرجات
Uplifter, the	رفيع
Vast One, the	واسع
Vengeful, the	منتقم
Very Near One, the	قريب
Victorious, the	قاهر؛
	قهّار؛
	ناصر
Vigilant, the	رقيب؛
	مهيمن
Watcher, the	رقيب
Watchful, the	رقيب
Willing, the	مُريد
Wise, the	حكيم
Withholder, the	مانع
Witnesser, the	شاهد
Witness, the	شاهد؛
	شهيد
Worshipped, the	معبود
Worthy of pardon, the	اهل مغفرت
Worthy of pious fear, the	اهل التقوى

Sacred, the	قُدّوس
Saviour, the	مغيث
Seeing, the	بصير
Seer, the	بصير
Self-Abiding, the	قيّوم
Self-Discloser, the	متجلّى
Self-exalter, the	متعالى
Self-Existent, the	قيّوم
Self-Great, the	متكبّر
Self-High, the	متعالى
Shaper, the	مصوِّر
Sincere, the	نصوح
Single, the	فرد؛
	وتر
Slayer, the	مُميت
Solitary, the	فرد
Source of Peace, the	سلام
Sovereign, the	جبّار؛
	مالک؛
	محيط؛
	مَلِک
Speaker, the	قائل؛
	متكلّم
Speaking, the	متكلّم
Splitter, the	فالق
Strong, the	عزيز؛
	قوىّ
Subduer, the	قهّار
Subjugating, the	قاهر
Sublime, the	ماجد
Subsistent, the	باقى؛
	قيّوم
Subtle, the	لطيف
Supreme, the	عَلىّ
Surveyor, the	رقيب
Sustainer, the	رزّاق
Swift in Punishing, the	سريع العقاب
Swift in Reckoning, the	سريع الحساب
Sympathetic, the	عطوف
Terrible in Punishing, the	شديد العقاب
Terrible in Punishment, the	شديد العذاب
Terrible in Tribulation, the	شديد العذاب
Transcendent, the	عالى؛
	عَلىّ؛
	متعالى
Transformer of hearts, the	مقلّب القلوب
Tremendous, the	عظيم
Triumphant, the	قاهر
True, the	حقّ
Trustee, the	وكيل
Truthful, the	صادق
Truth, the	حقّ
Turner of hearts, the	مقلّب القلوب

مُبدئ؛	
مُنشِئ	
اوّل	Origin, the
باسط	Outspreader, the
ظاهر	Outward, the
جبّار	Overbearing, the
قاهر	Overpowerer, the
جبّار	Overpowering Sovereign, the
فائق	Overpowering, the
قهّار	Overwhelming, the
غفُور	Pardoner, the
صبور	Patient, the
مولیٰ؛	Patron, the
ولیّ	
سلام	Peaceful, the
سلام	Peace, the
واجد	Perceiver, the
باقی	Permanent, the
ذوالجلال	Possessor of Glory, the
ذوالجلال	Possessor of Majesty, the
مالک المُلک	Possessor of the kingdom, the
مالک	Possessor, the
مقتدر	Potent, the
عزیز؛	Powerful, the
قادر؛	
قدیر	
حمید	Praiseworthy, the
عزیز	Precious, the
مقدِّر	Predestinator, the

قدیم	Pre-eternal, the
حاضر	Present, the
حافظ	Preserver, the
باری	Producer, the
مهیمن	Protector, the
متکبّر	Proud, the
رازق؛	Provider, the
رزّاق	
مُعاقِب	Punisher, the
مقیل	Raser, the
حقّ	Real One, the
حقّ	Real, the
حاسب؛	Reckoner, the
حسیب	
صمد	Recourse, the
توّاب	Relenter, the
توّاب	Relenting, the
فتّاح؛	Reliever, the
مغیث	
مزیل	Remover, the
مُعید	Restorer, the
قابض	Restrainer, the
باعث	Resurrector, the
مُمسک	Retainer, the
دیّان	Retributer, the
شکور	Rewarder, the
غنیّ؛	Rich, the
برّ	Righteous, the
حاکم؛	Ruler, the
سلطان؛	

Loved, the عزیز
Lover, the ودود
Loving, the ودود
Magnificent, the متکبّر
Majestic, the جلیل؛
ذوالجلال
Majesty, the سلطان
Maker, the باری؛
جاعل؛
صانع
Manifested, the ظاهر
Manifest, the ظاهر
Master, the ربّ؛
سیّد؛
مولیٰ
Merciful, the راحم؛
رحمٰن؛
رحیم
Mercy-giving, the رحیم
Mighty, the عزیز؛
عظیم
Misguider, the مضلّ
Monarch, the مالک
Most Generous of the generous, the
اکرم اکرمین
Most High, the متعالی
Most Holy, the قُدّوس
Most Merciful, the رحیم
Most Pardoning, the عَفُوّ
Most Sacred, the قُدّوس
Most Strong, the قویّ
Munificent, the جواد
Named, the موصوف
Near, the قریب
Necessary Being, the واجب الوجود
Necessary Existence, the
واجب الوجود
Necessary, the واجب
Nondual, the واحد
Nourisher, the رازق
Nourishing, the رازق
Object of worship, the معبود
Occasioner of all occasions, the
مسبّب الاسباب
Occult, the باطن؛
خفیّ
Omnibenevolent, the خیرخواه
Omnipotent King, the ملیک مقتدر
Omnipotent, the قادر؛
قدیر؛
قهّار؛
مقتدر
Omnipresent, the حاضر
Omniscient, the عالِم؛
علیم
One, the اَحَد؛
واحد
Open-handed, the باسط
Ordainer, the مقدِّر
Originator, the فاطر؛

Hearing, the	سامع؛
	سميع
Heir, the	وارث
Helper, the	مُعين؛
	ناصر
He-Who-Brings-Back, the	مُعيد
Hidden, the	باطن؛
	خفيّ
Highest, the	عَليّ
Holy, the	قُدّوس
Immortal, the	باقي
Immovable, the	صمد
Immutable, the	قيّوم
Impenetrable, the	صمد
Impermeable, the	صمد
Inaccessible, the	عزيز
Incomparable, the	بديع
Indicator, the	دليل
Indulgent, the	غَفُور؛
	متجاوز
Infinitely Merciful, the	رحمٰن؛
	رحيم
Informed, the	خبير
Inheritor, the	وارث
Innovator, the	بديع
Instaurer, the	جاعل
Invincible, the	قهّار
Inwardly, the	باطن
Inward, the	باطن
Judge, the	حاكم؛
	حَكَم
Justly Proud, the	متكبّر
Just, the	عادل؛
	مُقسِط
Kind, the	رؤوف
Kingdom-Possessing, the	مالك المُلك
King of the kingdom, the	مالك المُلك
King, the	مَلِك
Knower, the	عالِم؛
	عليم
Knowing, the	عالِم؛
	عليم
Lasting, the	دائم
Last, the	آخِر
Laudable, the	حميد
Life-Bestowing, the	مُحيي
Life-Giver, the	مُحيي
Life, the	حيّ
Light, the	نور
Listener, the	سامع
Living One, the	حيّ
Living, the	حيّ
Lofty, the	رفيع
Lord of Splendor, the	ذوالجلال
Lord, the	ربّ؛
	سيّد؛
	مولىٰ؛
	والي

Food-Giver, the مُقيت
Forbearer, the مقيل
Forgiver of sin, the غافر الذنب
Forgiver, the غافِر؛
غفّار؛
مُعافى
Forgiving, the غَفُور
Formator, the مصوِّر
Former, the مصوِّر
Form-Giver, the مصوِّر
Fortune-Giver, the مقدِّر
Free, the مختار
Friend, the حبيب
Gatherer, the جامع
Generous, the جواد؛
سخيّ؛
كريم
Gentle, the حليم
Giver of Death, the مُميت
Giver of existence, the مكوِّن؛
موجِد
Giver of forms, the واهب الصُوَر
Giver of Sustenance, the مُقيت
Giver, the معطى؛
وهّاب
Glorified, the سبّوح؛
عظيم
Glorious, the عزيز
God as Bestower of being, the مكوِّن
God as Giver of being, the مكوِّن
God Holy, the قُدّوس
God, the حقّ
Goodness, the خير
Good, the خير
Governing, the مدبّر
Governor, the مدبّر
Gracious, the لطيف
Grateful, the شاكر؛
شكور
Greatest, the اكبر؛
كبير
Great, the اكبر؛
عظيم؛
عَلِيّ؛
كبير
Gripper, the قابض
Guardian Lord, the ربّ
Guardian, the حافظ؛
حفيظ؛
مهيمن
Guide, the دليل؛
مرشد؛
هادى
Guide to the Right Path, the رشيد
Guiding, the هادى
Ḥaqq, the حقّ
Healer, the شافى
Hearer, the سامع؛
سميع

صانع؛	
مبدِع؛	
مصوِّر	
شافی	Cure-Giver, the
مُمیت	Death-Giver, the
مؤخّر	Deferrer, the
مُرید	Desirous, the
مفصِّل	Differentiator, the
مرشد	Director, the
جلیّ	Disclosed, the
مُنعِم؛	Dispenser, the
مُنیل (خداوند)	
بعید	Distant, the
مفصِّل	Distinguisher, the
حقّ	Divinity, the
فعّال مایَشاء	Doer of whatever He wills, the
حاکم؛	Dominant, the
قاهر	
سلطان؛	Dominator, the
قاهر	
باسط؛	Donator, the
واهب	
ماحی	Effacer, the
عالی	Elevated, the
عالی	Eminent, the
مُعزّ	Empowerer, the
محیط	Encompasser, the
محیط	Encompassing, the
باقی	Enduring, the
مکوِّن اسباب؛	Engenderer of secondary causes, the
مُغنی	Enricher, the
مُثبِت	Establisher, the
حیّ	Eternally Living, the
صمد؛	Eternal, the
قدیم	
خلّاق	Ever-Creating, the
علاّم الغیوب	Ever-knowing of absent things, the
صمد	Everlasting Refuge, the
باقی؛	Everlasting, the
دائم؛	
قدیم	
حیّ	Ever-Living, the
عزیز؛	Exalted, the
عَلیّ	
رافع؛	Exalter, the
مُعزّ	
مراقب	Examiner, the
موجِد	Existence-Giver, the
موجِد	Existentiator, the
باسط	Expander, the
باسط	Extender, the
ظاهر	Exterior, the
وفیّ	Faithful, the
مصوِّر	Fashioner, the
منّان	Favourer, the
متین	Firm, the
اوّل	First, the

All-Wise, the حكيم
Almighty, the جبّار؛
قدير
Alone, the اَحَد
Ancient, the قديم
Answerer, the مجيب
Appointer, the جاعل
Arbiter, the فتّاح
Arbitrator, the حَكَم
Assenter, the مجيب
Authority, the سلطان
Author of all causes, the
مسبّب الاسباب
Author, the باری؛
مبدِع
Avenger, the منتقم
Aware, the خبير
Awful, the جبّار
Beautiful, the جميل
Beloved, the حبيب
Benefactor, the مُنعِم
Beneficent, the محسن
Benefiter, the نافع
Benevolent, the منّان
Besought of all, the صمد
Best of the deceivers, the
خيرالماكرين
Bestower of being, the موجِد
Bestower of life, the مُحيی
Bestower, the معطی؛
واهب
Blesser, the مُنعِم
Blessing-giver, the مُنعِم
Bounteous, the مفضِّل
Bountiful, the وهّاب
Causer of secondary causes, the
مسبّب الاسباب
Clairvoyant, the بصير
Clarifier, the مبيِّن
Clement, the حليم؛
رؤوف؛
رحمٰن
Commencer, the مُبدئ
Compassionate, the حنّان؛
رحمٰن؛
رحيم
Compelling, the جبّار
Concealed, the باطن
Concealer of sins, the ستّار
Concealing, the غفُور
Conditioner, the حاكم
Configurer, the مُنشِئ
Conquering, the قهّار
Conqueror, the فتّاح؛
قاهر
Constant, the صمد
Creating, the خالق
Creator, the باری؛
خالق؛
خلّاق؛

Allah's Names and Attributes

Abaser, the	خافض
Abiding, the	باقی؛
	قیّم
Accepter of repentance, the	توّاب
Acceptor of repentance, the	قابل التوب
Active, the	فعّال
Adorable, the	معبود
Advancer, the	مقدِّم
Advocate, the	وکیل
Affectionate, the	رؤوف
Affrighter, the	مهیل
Alive, the	حیّ
Allah	الله
All-Bestower, the	وهّاب
All-Compassionate, the	رحمٰن
All-Concealing, the	غفّار
All-Dominating, the	جبّار
All-Embracing, the	واسع
All-Encompassing, the	محیط
All-Forgiving, the	غفّار
All-Good, the	رحمٰن
All-Great, the	کبیر
All-Highest, the	عَلیّ
All-High, the	عَلیّ
All-Holy, the	قُدّوس
All-Knowing, the	علیم
All-Merciful, the	رحمٰن؛
	رحیم
All-Mighty, the	قدیر
All-Pardoning, the	عَفُوّ
All-Powerful, the	جبّار؛
	قدیر؛
	قویّ
All-Provider, the	رزّاق
All-Rich, the	صمد؛
	غنیّ
All-Seeing, the	بصیر
All-Subjugating, the	قهّار

Allah's Names and Attributes

Z z

Zahirites	ظاهرگرایان؛
	ظاهریّه
Zahirite School	ظاهریّه
Zaidis	زیدی؛
	زیدیّه
Zaidites	زیدیّه
Zaydism	زیدیّه
Zaydite	زیدی
zeal	همّت
zodiac, the	فلک البروج
Zoroastrian	زرتشتی؛
	مجوس
Zoroastrianism	آیین مجوس؛
	زرتشتی‌گری
Zurvanism	زروانی
Zurvanite	زروانی

Y y

yardstick	ملاک؛	yardstick of truthfulness	مناط صدق
	مناط	yearning	رغبت؛
yardstick of need	مناط حاجت		شوق

	غضب
wretched	شقیّ
wretchedness	شقاوت
wretched, the	اهل شقاوت
written	تدوینی
wrong	باطل؛
	خطا؛
	کذب؛
	منکَر

wrong action	
	عمل سیّئ (≠ عمل صالح)
wrong deed	
	عمل سیّئ (≠ عمل صالح)
wrongdoing	منکَر
wrongful act	سیّئه
wronging oneself	ظلم به نفس
wujûd	وجود
wujûd on loan	وجود عاریتی

world of nature عالَم طبیعت
world of non-existence عالَم عدم
world of nothingness عالَم عدم
world of Oneness عالَم توحید
world of phantasms عالَم اشباح
world of phenomena عالَم شهادت
world of power عالَم ملکوت
world of praise عالَم تسبیح
world of pre-existence عالَم ذرّ
world of pure intellects جبروت
world of pure Spirits عالَم ارواح
world of sanctity عالَم قدس
world of secrets عالَم اسرار
world of self-disclosure عالَم تجلّی
world of sense عالَم حسّ
world of sensible عالَم شهادت
world of souls ملکوت
world of Sovereignty عالَم جبروت
world of spirits نشئه‌ی ارواح
world of subsistent Idea-Images عالَم مثال
world of subtle substances عالَم مثال
world of suspended Forms عالَم مُثُل معلّقه
world of the elements عالَم ارکان
world of the hereafter نشئه‌ی آخرت
world of the kingdom عالَم مُلک
world of theophany عالَم تجلّی
world of the Unseen عالَم غیب
world of the visible عالَم شهادت
world of Unbounded Imagination عالَم مثال مطلق
world of Unitarianism عالَم توحید
world of Unity عالَم توحید؛ عالَم وحدت
world of visibility عالَم شهادت
world of Witnessing عالَم مشهود
world of writing عالَم تسطیر
world's governor مدبّر عالم
world-to-come, the معاد
worship عبادت
worshiped معبود
worshiping تعبّد
worship of God عبادت
Worshipped, the معبود (خداوند)
worshipping عبادت
worthiness استحقاق
worthlessness رذیلت
Worthy of pardon, the اهل مغفرت (خداوند)
Worthy of pious fear, the اهل التقوی (خداوند)
wrath سخط (= ناخشنودی)؛

worldly enjoyments تمتّعات دنیوی
worldly happiness سعادت دنیوی
worldly life حیات دنیا
worldly people اهل دنیا
worldly state of being نشئه‌ی دنیا
worldly, the اهل دنیا
world of absolute imagination عالَم مثال مطلق
world of absolute Immensity عالَم جبروت
world of angelic souls عالَم ملکوت
world of apparitions عالَم اشباح
world of archetypal figures عالَم مثال
world of archetypes عالَم اعیان ثابته
world of being جهان هستی
world of bodies عالَم اجسام
world of bodily forms عالَم ناسوت
world of breaths عالَم انفاس
world of clay عالَم خاک
world of command عالَم امر
world of compilation عالَم تدوین
world of creation عالَم خلق
world of creation and command عالَم خلق و امر
world of Divine command عالَم امر
world of Domination عالَم جبروت
world of dominion عالَم مُلک؛ عالَم ملکوت
world of earth عالَم خاک
world of experience عالَم شهادت
world of Forms عالَم مثال
world of generation and corruption عالَم کون و فساد
world of Idea-Images عالَم مثال
world of Ideas عالَم مثال؛ عالَم معانی
world of Images عالَم مثال
world of imagination عالَم خیال؛ عالَم مثال
world of immaterial bodies عالَم مثال
world of immaterial matter عالَم مثال
world of immutable entities عالَم اعیان ثابته
world of intellect عالَم عقل
world of intimacy عالَم اُنس
world of invisible realities عالَم غیب
world of invocation عالَم تسبیح
world of kingship عالَم مُلک
world of light عالَم نور
world of multiplicity عالَم کثرت
world of Mystery عالَم غیب

with cordial presence با حضور قلب
with different realities
مختلف الحقیقه
withdrawal from corporeality
تجرید
with God عندالله
withholder مانع
Withholder, the مانع (خداوند)
withhold, to مانع شدن
without asking how بلاکیف
without cause بی‌علّت
without intermediary بی‌واسطه
without peer بی‌همتا
without place لا مکان
without raising the question how
← or why بلاکیف
with similar conditions
متشابه الاطراف
with similar terms متشابه الاطراف
witness شاهد
witnessed domain عالَم شهادت
Witnesser, the شاهد (خداوند)
witnessing without intermediary
شهود بی‌واسطه
Witness, the شاهد (خداوند)؛
شهید (خداوند)
woe شقاوت
wonder تحیّر؛
معجزه
wont سنّت
wonts of the Prophet سنّت پیامبر
word قول؛
لفظ
Word of God سخن خدا؛
کلام الله؛
کلمة الله
work صُنع؛
عمل؛
فعل
working corruption افساد
world جهان؛
خَلق (= مخلوقات)؛
دنیا؛
دیار؛
عالَم؛
نشئه
world above عالَم اعلیٰ
world above, the عالَم بالا
world below the moon عالَم دون قمر
world builder صانع عالم
world-denying ترک دنیا
worldly دنیوی
worldly attachments علائق دنیوی
worldly bonds علائق دنیوی

well-grounded مُتقن
Well-visited House بیت المعمور
what causes the difference ما به الاختلاف
what falls short ناقص
what is shared in common ما به الاشتراک
what is sought مطلوب
whatness ماهیّت
when (category) متی (مقوله)
where اَین (مقوله)
whereness اَینیّت
whispering وسوسه
whole تامّ؛
کلّ
whole and part کلّ و جزء
whole of an essence تمام ذات
whole of creation کائنات
wholesome صالح (≠ طالح)
wholesome deed عمل صالح
wholesome deeds صالحات
wholesomeness مصلحت
"why" لِمّ
why-ness چرایی؛
لِمّیّت
"why" of an affirmation لِمّ اثباتی
"why" of an objective fact لِمّ ثبوتی

wickedness گناه
wideness سعه
will اختیار؛
اراده؛
خواست
willer مرید
willful ارادی
willing اراده؛
مرید
Willing, the مُرید (خداوند)
will of coercion اراده‌ی اضطراری
Will of God اراده‌ی الاهی؛
اراده‌ی خدا؛
خواست خدا
wind باد (از عناصر اربعه)؛
هوا (از عناصر اربعه)
wisdom حکمت؛
خرد
wise حکیم؛
دانا؛
عاقل
wise hierarchy ترتیب حِکْمی
wisely ordered مُتقن
wisely ordering اتقان
wise order ترتیب حِکْمی
Wise, the حکیم (خداوند)
wishes امانیّ

wage-earner	مأجور
waking up	انتباه
waking vision	مکاشفه در حال بیداری
wandering off the right way	ضلالت
wandering off the Straight Path	ضلالت
want	حاجت؛
	فقر
warning	انذار؛
	وعید
Watcher, the	رقیب (خداوند)
Watchful, the	رقیب (خداوند)
watching over the self	مراقبه
water	آب (از عناصر اربعه)
way	منهج
waymark	راهنما
waymarks	شعائر
way of life	سنّت؛
	سیرت؛
	سیره
way of transcendence	راه تنزیه
waystation	منزلت
waystations of the hereafter	منازل آخرت
weak consciousness	شعور ضعیف
weight	ثقل
welfare	صلاح؛
	مصلحت
well-being	مصلحت
well-doing	احسان
well-established	مُتقن؛
	مستدَلّ
well-founded	مستدَلّ

vision of God, the رؤیت خداوند
vision of the angles رؤیت ملائکه
vision while awake مکاشفه در حال بیداری
vision with inner eye بصیرت
viso Dei لقاء اللّه
visual بصری
visual perception ادراک بصری
visual quality کیف مُبْصَر
vivifier of religion محیی الدّین
void باطل؛
تُهی؛
خلأ (≠ ملأ)
volition اختیار؛
اراده؛
عزم

volitional اختیاری؛
ارادی
volitional act فعل اختیاری
volitional Command امر ارادی
volitions مرادات
volume حجم
voluntary اختیاری؛
ارادی؛
مختار
voluntary act فعل اختیاری
voluntary agent فاعل ارادی
voluntary death موت اختیاری
voluntary motion حرکت ارادی
voluntary movement حرکت ارادی
voluntary prayer تطوّع
voluntary submission تسلیم اختیاری

view	منظر
Vigilant, the	رقیب (خداوند)؛
	مهیمن (خداوند)
violate, to	نقض کردن
violation	نقض
violence	قسر
violent agent	فاعل قاسر
virtual existence	وجود مجازی
virtual love	عشق مَجازی
virtue	احسان؛
	بِرّ؛
	حُسن؛
	فضیلت؛
	منقبت
virtue disposition	خُلق نیکو
virtuous	شریف؛
	فاضل
Virtuous City	مدینه‌ی فاضله
Virtuous Community	مدینه‌ی فاضله
virtuous deeds	صالحات
virtuousness	بِرّ
virtuous quality	خُلق حَسَن
visible	دیدنی؛
	ظاهر؛
	مبصَر؛
	مرئی
visible present world	عالَم شهادت
visible world	عالَم شهادت؛
	عالَم شهادت (≠ عالم غیب)؛
	عالَم شهود؛
	عالَم مشهود؛
	مُلک
visio dei	رؤیة اللّه
vision	ابصار؛
	باصره؛
	بَصَر؛
	بصیرت؛
	بینش؛
	رؤیت؛
	شهود؛
	مشاهده؛
	مکاشفه؛
	نظر
visionaries	اهل شهود
visionary knowledge	علم شهودی
visionary realm	عالَم مثال
visionary world	عالَم رؤیا
vision by the heart	رؤیت به دل؛
	رؤیت به قلب؛
	رؤیت قلبی
vision in sleep	مکاشفه در حال خواب
vision of certainty	عین الیقین
vision of certitude	عین الیقین
vision of God	لقاء اللّه

veiled	محجوب
veiling	احتجاب (≠ تجلّی)
veneration	تقدیس
vengeance	نقمت
Vengeful, the	منتقم (خداوند)
venial sin	گناه صغیره
venial sins	صغایر
Venus	زهره
veracity	صدق
verbal affirmation	اقرار به زبان
verbal gratitude	شکر لفظی
verbal profession	اقرار به زبان
verbal thanksgiving	شکر لفظی
veridical dream	رؤیای صادقه
verified existence	وجود محقَّق
veritable	حقیقی
veritable reality	نفْس الامر
vernal equinox	اعتدال بهاری
verse	آیه (قرآن)
vertical	طولی
vertical connection	پیوند طولی
vertical hierarchy	سلسله طولی
vertical intellects	عقول طولی
vertical intelligences	عقول طولی
vertical multiplicity	کثرت طولی
vertical order	نظام طولی
very essence, the	کُنه ذات
Very Near One, the	قریب (خداوند)
vessel	وعاء
via remotionis	راه تنزیه
vice	رذیلت؛ گناه؛ معصیت
vicegerency	خلافت
Vicegerency of God	خلافت الاهی
vicegerent	جانشین؛ خلیفه
vicegerent of God	خلیفة الله
vicegerent of the Divine	خلیفه‌ی الاهی
vicegerent of the Messenger	خلیفة الرسول
viceroy	خلیفه
vice versa	بالعکس
(vicious) circle	دور (= استدلال دوری)؛ دور باطل؛ دور فاسد؛ دور محال
vicious regress	تسلسل
victorious light	نور قاهر
victorious lights	انوار قاهره
Victorious, the	قاهر (خداوند)؛ قهّار (خداوند)؛ ناصر (خداوند)

V v

variable	متغیّر
variation	اختلاف؛
	تفاوت؛
	تنوّع
vassal	مربوب
vastness	سعه
Vast One, the	واسع (خداوند)
vegetable soul	نفْس نباتی
vegetable spirit	روح نامیه
vegetal	نباتی
vegetal, the	نباتات
vegetative	نامیه (نفس)
vegetative faculty	قوّه‌ی نباتی
vegetative power	قوّه‌ی نباتی
vegetative soul	نفْس نباتی
vegetative spirit	روح نامیه
veil	حجاب
vacating	تخلیه
vacuum	خلأ (≠ ملأ)
vague	مبهم؛
	مجمل
vain	باطل؛
	عبث
vain action	جزاف؛
	فعل باطل
vain fancy	خیال باطل
valid	درست؛
	صحیح (≠ ضعیف)؛
	معتبر
valid argument	دلیل معتبر
validity	صحّت
vanishing of the self	فناء نفس
vanity	عبث
vaporous spirit	روح بخاری

utmost limit	غایت	utterance	قول؛
utmost object	غایت		لفظ؛
Utopia	مدینه‌ی فاضله		نطق

Unmoved Mover محرّک غیرمتحرّک
unpardonable sin ذنب لا یُغفر؛
گناه نابخشودنی
unperceivable نامحسوس
unperceived نامحسوس
unreal باطل
unreal objects امور موهوم
unreal priority تقدّم غیرحقیقی
unreal unity وحدت غیرحقّه
unrestricted مطلق
unrighteousness فسق
Unseen, the غیب
Unseen world عالَم غیب
unspecified individual فرد منتشر
unswerving repentance
توبه‌ی نصوح
untarnished منزّه
untrue کاذب
untrue unity وحدت غیرحقیقی
untruth کذب
unveiling انکشاف؛
تبیین (= ایضاح)؛
تجلّی؛
کشف؛
مکاشفه (= کشف)
unveiling in a awake state
مکاشفه در حال بیداری
unveiling of inner meanings
کشف معانی
unveiling of intelligibles
کشف معقولات
unveiling of the soul مکاشفه‌ی نفس
unveiling of the Unseen
فتوح الغیب
unveiling of truths کشف حقایق
up فوق
upholders of opinion اصحاب رأی
upholding the unity of the Godhead
توحید
Uplifter of degrees, the
رفیع الدرجات (خداوند)
Uplifter of ranks, the
رفیع الدرجات (خداوند)
Uplifter, the رفیع (خداوند)
upper bodies
اَجرام عِلوی (= اجرام سماوی)
upper world عالَم علوی
uprightness عدل
uprising نُشُور
uprising, the بعث
useless باطل
uselessness عبث
utility صلاح
utmost end, the نهایت

universal intelligence
عقل کلّی (= عقل اوّل، صادر اوّل)
universal intelligible natures
طبایع کلّی عقلی
universality عموم (= کلیّت)؛
کلّیّت
universalization تعمیم
Universal Man انسان کامل؛
انسان کلّی
universal matters امور کلّی
universal meaning معنای کلّی
universal perception ادراک کلّی
universal proof برهان کلّی
universal reality حقیقت کلّیه
universal reason
عقل کلّی (= عقل اوّل، صادر اوّل)
universals کلّیات؛
معقولات
universal saintship ولایت کلّیه
universal science علم کلّی
universal servant عبد کلّی
universal soul نفْس کلّی
universal spiritual authority
ولایت کلّیه
universal term مفهوم کلّی
universal truth حقیقت کلّیه
universal unit فرد کلّی

universe جهان؛
خَلق (= مخلوقات)؛
عالَم
univocal متّحدالمعنی؛
مشترک معنوی؛
هم‌معنا
univocality اشتراک معنوی
univocal term مفهوم متواطی
univocation اشتراک معنوی؛
وحدت معنایی
univocity اشتراک معنوی؛
وحدت معنایی
unknown غیب؛
مجهول
unknown of the unknown
غیب الغیب
unlawful حرام
unlettered Prophet, the پیامبر امّی
unlimited بی‌نهایت؛
غیرمحدود؛
لا یتناهی؛
نامحدود
unlimited being وجود نامحدود
unlimited existence وجود نامحدود
unmerited evil شرّ گزاف
unmixed existence وجود بحت
unmoved غیرمتحرّک

unit of time آن (مفرد آنات)؛ زمان فرد

unity اتّحاد؛ احدیّت؛ وحدت

unity and multiplicity وحدت و کثرت

unity existence وحدت وجود

unity in multiplicity واحدِ کثیر؛ وحدت در کثرت

unity of all being وحدت وجود

unity of being وحدت وجود

unity of contemplation وحدت شهود

unity of continuity وحدت اتّصالی

unity of essence وحدانیّت ذاتی

unity of existence وحدت وجود

unity of God توحید

unity of intellect, intelligence and ← intelligible وحدت عقل و عاقل و معقول

unity of meaning وحدت معنایی

unity of place وحدت محلّ

Unity of the Divine Acts توحید افعالی

Unity of the Divine attributes توحید صفات

Unity of the Divine Essence توحید ذات؛ توحید ذاتی

unity of the knower, known and the ← act of knowing وحدت علم و عالم و معلوم

Unity of the Necessary Being توحید واجب

unity of time وحدت زمان

unity of vision وحدت شهود

unity within multiplicity وحدت در کثرت

universal عامّ؛ کلّی

universal agent فاعل کلّی

universal being وجود کلّی

Universal Body بدن کلّی؛ جسم کلّی

universal bondsman عبد کلّی

universal concept مفهوم کلّی

universal demonstration برهان کلّی

universal Divine soul نفْس کلّیّه‌ی الاهیّه

universal existence وجود کلّی

universal facts امور کلّی

Universal Intellect عقل کلّی (= عقل اوّل، صادر اوّل)

union between the knower and the known and the act of knowing ← اتّحاد عقل و عاقل و معقول

union in essence وحدانیّت ذاتی

union of matter and form اتّحاد مادّه و صورت

union of the instrument of intellection and the intelligible ← اتّحاد عاقل و معقول

union of the intellect with the intelligible ← اتّحاد عاقل و معقول

union of the knower and the known اتّحاد عالم و معلوم

union of the perceiver and the perceived ← اتّحاد مُدرِک و مُدرَک

union of the real with the delicate اتّحاد حقیقة و رقیقة

union of the subject and the object اتّحاد مُدرِک و مُدرَک

unique بی‌همتا؛ متفرّد؛ واحد؛ وحید

unique and universal self حقیقت حقایق

uniqueness احدیّت؛ تعیّن؛ فردیّت؛ واحدیّت؛ وحدانیّت؛ وحدت

Uniqueness, the فردانیّت (خداوند)

unique reality حقیقت واحده

Unique, the اَحَد (خداوند)؛ فرد (خداوند)؛ منفرد (خداوند)؛ واحد (خداوند)

unique time زمان فرد

unique truth حقیقت واحده

unit جزء؛ واحد

Unitarian موحِّد

unitarians اهل توحید

unitary توحیدی؛ فرد؛ وحدانی

unitary being وجود احدی

unitary existence وجود احدی

unitary relationship اضافه‌ی وحدانی

unitary simplex واحد بسیط

Unitary wisdom حکمت توحیدی

Uniter, the موصل (خداوند)

unitive relation نسبت اتّحادی

لا یتغیّر
uncleanness رجس
unconditional مطلق
unconditioned لا بشرط
unconditioned quiddity
ماهیّت لا بشرط
uncovering کشف
uncreated غیرمخلوق
uncritical acceptance تقلید
underlying subject معروض
understanding ادراک؛
ذهن؛
فهم
understanding of the soul درک نفس
undetachability انفصال‌ناپذیری
undetermined غیرمعیّن؛
نامتعیّن
undifferentiated matter
هیولای بی‌شکل
undifferentiated mood اجمال
undifferentiated unity
وحدانیّت ذاتی؛
وحدت بلاتمیّز
unending desire آرزوی دور و دراز
Unequalled, the منفرد (خداوند)
unfailing حتمی
unfolded منبسط

unfolded existence وجود منبسط
unfolding being وجود منبسط
unforgivable sin ذنب لا یُغفر؛
گناه نابخشودنی
unfree موجَب
unfree agent فاعل موجَب
ungrounded بی‌دلیل
unicity احدیّت؛
توحید؛
واحدیّت؛
وحدانیّت؛
وحدت
unification اتّحاد؛
وحدت
unification of acts توحید افعالی
unification of the Divine Essence
توحید ذات
uniform یک‌سان
uniform succession توالی
unintelligible غیرمعقول؛
نامعقول
union اتّحاد؛
اتّصال؛
پیوند (= اتّحاد)
union and separation جمع و تفرقه
union between the intellect and the
← intelligible اتّحاد عاقل و معقول

U u

ugliness	زشتی؛
	قبح
ugly	قبیح
ugly act	سیّئه
ugly custom	سنّت سیّئه
ulterior	لاحق
ultimate	مطلق؛
	تهایی
ultimate abode	عُقبی الدار
ultimate end	غایت قصویٰ
ultimate goal	غایت قصویٰ
ultimate perfection	کمال نهایی
ultimate reality	حقیقت غایی
ultimate truth	حقیقت غایی
unanimity	وفاق
Unattainable, the	عزیز (خداوند)
unbegotten	زاده‌نشده (= صفت خدا)
unbelief	بی‌ایمانی؛
	کفر
unbeliever	زندیق؛
	کافر؛
	مُلحد
unbelieving	بی‌ایمان؛
	کافر
unboundedness	اطلاق (= مطلق بودن)؛
	لا نهایت؛
	مطلق
unboundedness of being	
	اطلاق وجود
uncertainty	شبهه؛
	عدم یقین
unchangeability	تغییرناپذیری
unchangeable	تحویل‌ناپذیر؛
	تغییرناپذیر
unchangeable decree	قضاء حتمی
unchanging	غیرمتحرّک؛

Trustee, the وکیل (خداوند)
trustful متوکّل
trustworthy امین
Trustworthy Spirit روح الامین
trustworthy, the اُمَناء
truth حقّ؛
حقّ (= حقیقت)؛
حقّانیّت؛
حقیقت؛
راستی؛
صدق
truth and falsity صدق و کذب
truthful صدّیق
truthfulness درستی؛
صدق
truthful, the اهل صدق؛
صادق (خداوند)؛
صدّیقین
truth of faith حقیقت ایمان؛
صدق ایمان
truth of speech صدق قول
truth of truths حقیقت حقایق
Truth, the حقّ (خداوند)
Turner of hearts, the
مقلّب القلوب (خداوند)
turning away from the Truth
اِعراض از حقّ
turning to God توجّه به خدا
turn repentantly, to توبه کردن
Twelve-Imam School
مذهب اثناعشری
Twelve-Imam Shi'ism
شیعه‌ی اثناعشری
Twelve-Imam Shi'ite school
شیعه‌ی اثناعشری
Twelver دوازده‌امامی
Twelver Shi'ism شیعه‌ی اثناعشری؛
شیعه‌ی دوازده‌امامی
Twelvers, the اثنا عشریّه
twisting تحریف
two contradictories متناقضین؛
نقیضیْن
two contraries ضدّین
two opposites ضدّین
two testimonies of faith شهادتین
two weighty ones
ثقلان (= جنّ و انس)
two worlds کَونَین
type سنخ؛
نمط؛
نوع
types (species) اَشکال
tyrannize, to ستم کردن
tyranny جور؛
ستم

tribal ethnic bonding عصبیّت
trinitarianism سه‌خداپرستی؛ سه‌گانه‌پرستی
trinity تثلیث
tripartite division of being موادّ ثلاث (= وجوب، امکان و امتناع)
tripartite division of existence موادّ ثلاث (= وجوب، امکان و امتناع)
triplicity تثلیث
tritheism سه‌خداپرستی؛ سه‌گانه‌پرستی
triumphal light نور قاهر
triumphal lights انوار قاهره
Triumphant, the قاهر (خداوند)
true حقّ؛ حقیقی؛ درست؛ صادق؛ صحیح
true agent فاعل حقیقی
true and real unity وحدت حقّه‌ی حقیقی
true and shadowy unity وحدت حقّه‌ی ظلّی
true being وجود حقیقی
true cause علّت حقیقی
true discourse قول صادق
true judgements اَحکام صادق
true knowledge علم حقیقی؛ علم صادق
true light نور حقیقی
true meaning معنای صحیح
true nature حقیقت
true "one" واحد حقیقی
true piety بِرّ
true quality صفت حقیقی
true reality حقیقت؛ واقعیّت حقیقی
true religion دین حقّ
true sense معنای حقیقی
true significance حقیقت
True, the حقّ (خداوند)
true to fact مطابقت با واقع
true unity وحدت حقّه
true whole کلّ حقیقی
true wisdom حکمت حقیقی
truly real حقّ
Trumpet صُوْر
trust امانت؛ توکّل
Trusted Spirit روح الامین
trustee امین؛ وصیّ
trustees اُمَناء

تطوّر؛
تغيّر
transformation of essence
قلب ماهيّت
transformation of existence
قلب وجود
transformation of quiddity
قلب ماهيّت
Transformer of hearts, the
مقلّب القلوب (خداوند)
transgression عصيان
transient fancy وهم حادث
transient life حيات فانی
transient world دار فانی (= دنيا)؛
دار فناء (= دنيا)
transition انتقال
transitive action جوارحی
transmigration تناسخ
transmigrationists تناسخيّه
transmigration of spirit نسخ روح
transmitted منقول (= نقلی)؛
نقلی
transmitted knowledge سمعيّات
transmitted sciences علوم نقلی
transmodification انقلاب
transmutation انقلاب؛
تحوّل؛
دگرگونی
transphysics ماوراء طبيعت
transposition تبديل
trans-temporal posteriority
تأخّر دهری؛
لحوق دهری
trans-temporal priority تقدّم دهری؛
سبق دهری
transubstantial motion
حرکت جوهری
transubstantiation حرکت جوهری؛
قلب ماهيّت
traversing movement حرکت قطعی
treading a spiritual path سلوک
treasure خزانه
treasures of the Unseen خزائن غيب
treasures of the Unseen Generosity
خزائن غيب
treasuries خزائن
treasury خزانه
treasury of imagination
خزانه‌ی خيال
Tremendous, the عظيم (خداوند)
trepidation بيم
trial ابتلاء (= آزمايش)؛
امتحان
trials محاکمات

traditional signs آیات سمع
traditionists اصحاب حدیث
traditions حدیث
training تربیت
training in good conduct ادب
training of the soul تربیت نفس
trait شأن
trance جذبه؛
خلسه
tranquility طمأنینه
tranquility of the heart اطمینان قلب
tranquility of the soul سکون نفس
tranquil soul نفْس مطمئنّه
transcendence تنزّه؛
تنزیه؛
علوّ
transcendence and otherness تنزیه
transcendent being وجود متعالی
transcendent Essence ذات متعالی
transcendent existence وجود متعالی
transcendent Names of God
اسماء تنزیهی خداوند
transcendent philosophy
حکمت متعالیه
transcendent power قدرت متعال
Transcendent, the عالی (خداوند)؛
عَلیّ (خداوند)؛
متعالی (خداوند)
transcendent theosophy
حکمت متعالیه
Transcendent Theosophy concerning
← the Four Intellectual Journeys of
← the Soul
الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیّة الاربعة
transcendent unity of being
وحدت وجود
transcendent unity of existence
وحدت وجود
transcendent wisdom حکمت متعالیه
transcendent world عالَم بالا
trans-existentiation استحاله‌ی وجودی
حرکت جوهری؛
قلب وجود
transfer انتقال
transferable انتقال‌پذیر
transference انتقال
transformable تحویل‌پذیر
transformation
استحاله (= حرکت کیفی)؛
انقلاب؛
تبدّل؛
تبدّل ذاتی؛
تحوّل جوهری (= تحول ذاتی)؛
تحویل؛

threatening وعید
three dimensions
ابعاد ثلاثه (= ابعاد سه‌گانه)
three implicit modes
موادّ ثلاث (= وجوب، امکان و امتناع)
three kingdoms مولّدات ثلاث
three progenies مولّدات ثلاث
Throne عرش
Throne of God عرش خدا
through tradition
از طریق نقل
through transmission
از طریق نقل
time زمان؛
متی (مقوله)؛
مدّت؛
وقت
time-bound زمان‌مند
time (category) متی (مقوله)
timelessness ازلیّت
time of death اجل (= وقت مرگ)
time of ignorance جاهلیّت
togetherness معیّت
tongue of revealed religion
لسان شرع
tool آلت
Torah, the تورات
torment عذاب
torment of the grave عذاب قبر
torment, to عذاب دادن
torture عذاب
tortured معذَّب
total compound مرکّب تامّ
total knowledge معرفت تامّه
totally disentangled from matter
مجرّد تامّ
totally incorporeal مجرّد تامّ
total negation عدم محض
total reliance on God توکّل
touch لامسه
touching لامسه
trace اثر
tradition حدیث؛
خبر (= حدیث)؛
سنّت؛
نقل (≠ عقل)
traditional سمعی (= دلیل سمعی)؛
نقلی
traditionalists اصحاب حدیث؛
اهل حدیث
traditionally transmitted signs
آیات سمع
traditional questions سمعیّات
traditional sciences علوم نقلی

دعویٰ؛
قول؛
نظریّه
thing امر (= شیء، چیز)؛
چیز؛
شیء
thing apprehended مُدرَک
thing-in-itself شیء فی‌نفسه؛
عین
thing in time شیء زمانی
thingness شیئیّت
thingness of existence شیئیّت وجود
thingness of quiddity شیئیّت ماهیّت
thing per se صِرف الشیء
things generated کائنات
things in time زمانیّات
things perceived مُدرَکات
thinkers اهل فکر
thinking تفکّر؛
فکر؛
ناطق؛
نظر
Third Teacher معلّم ثالث (میرداماد)
third world برزخ
this-ness انّیّت
this world اُولیٰ (≠ آخرت)؛
دار دنیا؛

دنیا؛
عالَم دنیا
those committing acts by
disobedience اصحاب معاصی
those condemned to hell fire
اهل نار
those deeply grounded in knowledge
راسخون در علم
those engaged in the inner spiritual
← warfare ارباب مجاهدت
those firmly rooted in knowledge
راسخون در علم
those in Paradise اهل بهشت
those well grounded in knowledge
راسخون در علم
those who approach to God as
← much as possible مقرّبان
those who are firmly rooted in
← knowledge راسخون در علم
those who exert themselves for God
اهل جهاد
thought تفکّر؛
خیال؛
ظنّ؛
فکر؛
نظر
threat وعید

theoretical certainties يقينيات
theoretical faculty قوّه‌ی علمی؛ قوّه‌ی نظری
theoretical intellect عقل نظری
theoretically wise man حکیم نظری
theoretical perfection کمال علمی
theoretical reason عقل نظری
theoretical research نظر
theoretical science حکمت نظری؛ علم نظری
theoretical Sufism عرفان نظری
theoretical wisdom حکمت نظری
theory نظریّه
theory of acquisition نظریّه‌ی کسب
theory of appearance and hiding نظریّه‌ی ظهور و کمون
theory of atomism نظریّه‌ی جزء لا یتجزّا
theory of custom نظریّه‌ی عادت
theory of emanation نظریّه‌ی صدور
theory of fusion نظریّه‌ی اتّحاد
theory of habit نظریّه‌ی عادت
theory of hiding نظریّه‌ی کمون
theory of latency نظریّه‌ی کمون
theory of leap نظریّه‌ی طفره
theory of manifestation and hiddenness نظریّه‌ی ظهور و کمون
theory of monad نظریّه‌ی جوهر فرد
theory of preponderance نظریّه‌ی اولویّت
theory of priority نظریّه‌ی اولویّت
theory of simultaneous creation نظریّه‌ی آفرینش هم‌زمان
theory of states نظریّه‌ی احوال
theory of the perfect man نظریّه‌ی انسان کامل
theory of union نظریّه‌ی اتّحاد
theory of Unity نظریّه‌ی توحید
theosopher حکیم الاهی؛ متألّه
theosophers الاهیّون؛ اهل تحقیق؛ اهل حکمت
theosophia حکمت (= فلسفه‌ی الاهی)
theosophical tasting ذوق تألّه
theosophist حکیم الاهی
theosophy تألّه؛ حکمت (= فلسفه‌ی الاهی)؛ حکمت الاهی
theosophy of Light حکمت اشراق
theosophy of the Orient of light حکمت اشراق
theses اصول موضوعه
thesis اصل موضوع؛

thanking	شکرگزاری
thanks	شکر
thanksgiving	شکر؛
	شکرگزاری
theist	الاهی (= خداباور)
theists	الاهیّون
Themistius	ثامسطیوس
theocentric	خدامحوری
theocracy	حکومت الاهی؛
	حکومت دینی
theodicy	الاهیّات بالمعنی الاخصّ؛
	امور خاصّه (= الاهیّات)؛
	عدل الاهی
theologian	حکیم الاهی؛
	کلامی
theologians	اصحاب کلام؛
	متکلّمین
theological	الاهیّاتی (= کلامی)؛
	کلامی
theological matters	مسائل کلامی
theological problems	مسائل کلامی
theological proof	دلیل کلامی
theological sciences	علوم الاهی
theological thought	تفکّر کلامی
theology	الاهیّات؛
	امور خاصّه (= الاهیّات)؛
	خداشناسی؛
	علم کلام؛
	علم لاهوت
Theology (of Aristotle = *Enneads* ← of Plotinus)	اثولوجیا (= الاهیّات)
theology based on transmitted ← sources	علم کلام نقلی
theophanic	متجلّی
theophanic form	مَظهر
theophanic forms	مظاهر
theophanic locutions	شطحیّات
theophanies	مظاهر
theophanize, to	تجلّی کردن
theophany	تجلّی؛
	جلوه؛
	مَظهر
theophany of Beauty	تجلّی جمال
theophany of Majesty	تجلّی جلال
theophany of the Attributes	تجلّی صفات
theophany of the Divine Essence	تجلّی ذات الاهی
theophany of the Essence	تجلّی ذات
theophany of the most holy, the	تجلّی اقدس
theoretical	نظری

temporal precedence سبق زمانی
temporal priority تقدّم زمانی؛ سبق زمانی
temporal things زمانیّات
temporal unity وحدت زمانی
temporary حادث
temptation اغوا
temptation of the soul وسوسه‌ی نفسانی
tempus discretum زمان منفصل
ten categories, the مقولات عشر
tendency میل
tenet عقیده؛ ملّت
ten predicaments, the مقولات عشر
term لفظ؛ مفهوم
term attributed مضاف
termination انقضاء
terminology اصطلاح
terminus نهایت
terrestrial fathers آباء عنصری (= عناصر اربعه)
terrestrial life حیات دنیا
terrestrial soul نفْس زمینی
terrestrial world عالَم عنصری
Terrible in Punishing, the شدید العقاب (خداوند)
Terrible in Punishment شدید العذاب
Terrible in Punishment, the شدید العذاب (خداوند)
Terrible in Tribulation شدید العذاب
Terrible in Tribulation, the شدید العذاب (خداوند)
territory of faith دار الایمان
territory of Islam دار الاسلام
territory of the Islamic state دار الاسلام
territory of unbelief دار الکفر
terrors اهوال
tertiary matter هیولای ثالث
tertiary substance جوهر ثالث
test امتحان
testimony of faith شهادت (= اعلام ایمان)
text نصّ
textual revelation وحی مکتوب
Thales تالس
thanked مشکور
thankful سپاس‌گزار؛ شَکور
thankfulness شکر

teach through inspiration, to الهام کردن
tearing خرق (≠ التیام)
technique فن
technique of polemics فن جدل
telos غایت
temper خُلق؛
مزاج؛
مشرب
temperament خُلق (= خو)؛
مزاج
temperament in equilibrium مزاج متعادل
temperaments طبایع
temple هیکل
temporal حادث؛
دهری؛
زمان‌مند؛
زمانی؛
محدَث
temporal accidents عوارض زمانی
temporal and the eternal, the حدوث و قِدَم
temporal anteriority تقدّم زمانی
temporal attributes صفات حادث
temporal coming-into-being حدوث زمانی
temporal concomitance معیّت زمانی
temporal creation حدوث زمانی
temporal dimension بُعد زمانی
temporal entity شیء زمانی
temporal eternity قِدَم زمانی
temporal events حوادث
temporality حدوث
temporality and the eternity حدوث و قِدَم
temporally created محدَث
temporally generated حادث زمانی
temporally limited محدود زمانی
temporally mobile سیّال زمانی
temporally originated being وجود حادث
temporally originated existence وجود حادث
temporally prior متقدّم بالزمان
temporally produced حادث زمانی؛
محدَث
temporal non-existence عدم زمانی
temporal object حادث
temporal objects حوادث
temporal occurrence حادث زمانی
temporal origination حدوث زمانی
temporal period مدّت
temporal posteriority لحوق زمانی

T t

talking to oneself	حدیث نفس
tangible	محسوس
tangible quality	کیف ملموس
tangible world	عالَم محسوس
target	غرض
task	شأن
taste	چشایی (= ذائقه)؛ ذائقه؛ ذوق
tasted knowledge	ذوق؛ علم ذوق
tasting	ذوق
tasting of theosophy	ذوق تألّه
teacher	استاد
teaching	تعلیم
teaching through Divine inspiration	الهام
Tablets of the Divine Law	الواح شریعت
Tablet, the	لوح
take body, to	متجسّد شدن
take for granted, to	مسلّم فرض کردن
take into consideration, to	اعتبار کردن
take precedence over, to	سابق بودن بر؛ مقدّم بودن بر
taking of the Covenant	اخذ میثاق
taking on of lordly characteristics	تخلّق به اخلاق ربوبیّت
taking shape	تشکّل
taking the text back to its origin	تأویل
talisman	طلسم

Swift in Punishing, the
سریع العقاب (خداوند)

Swift in Reckoning, the
سریع الحساب (خداوند)

syllogism قیاس (در منطق)

syllogism's premises موادّ قیاس

symbol تمثّل؛
رمز؛
نماد؛
نمود

symbolic رمزی

symbolic language زبان رمزی

symbolic narrative داستان تمثیلی؛
داستان رمزی

symbolic sign مرموز

symbolism تشبیه

symbols شعائر

symmetrical relation
اضافه‌ی متشابه الاطراف

symmetry تکافؤ؛
تناسق

Sympathetic, the عطوف (خداوند)

synthesis ترکیب؛
تلفیق

synthesizing تلفیق

system نظام

	علّت اولیٰ
supreme dominion	ملکوت
supreme element	عنصر اعظم
supreme genus	جنس عالی
supreme good	خیر مطلق
supreme goodness	خیر اعلیٰ
supreme happiness	سعادت برین؛
	سعادت عظمیٰ
supreme knowledge	علم اعلیٰ
Supreme Light	نور اعظم
Supreme Master	ربّ الارباب
Supreme Name	اسم اعظم
Supreme Pen, the	قلم اعلیٰ
supreme perfection	کمال محض
supreme spirit	روح اعظم
supreme substance	جوهر عالی
Supreme, the	عَلیّ (خداوند)
supreme union	اتّحاد اعلیٰ
sure knowledge	علم الیقین
surface	حیّز؛
	سطح
surmise	ظنّ؛
	گمان
surrender	تسلیم
surrender to Allah	تسلیم الی اللّه
Surveyor, the	رقیب (خداوند)
survival	بقا
survival of the soul	بقاء نفس
susceptibility	استعداد؛
	شأنیّت؛
	قابلیّت
susceptible	قابل (وصف)؛
	مستعدّ
suspect	ظنّی
suspended apparitions	
	اشباح معلّقه
suspended forms	صور معلّقه
suspended soul	نفْس معلّق
suspendors of judgement	واقفیّه
suspicion	توهّم (= ظنّ)؛
	شبهه؛
	ظنّ
sustained	متقوّم
sustainer	حامل
Sustainer, the	حفیظ (خداوند)؛
	رزّاق (خداوند)
sustaining cause	علّت مُبقیه
Sustaining Quality of God, the	
	صفت قیومی خداوند
sustenance	رزق
suzerainty	ربوبیّت
swear allegiance, to	بیعت کردن
sweet	طیّب
swelling	نفخه

suitability	صلاحیّت
summum bonum	خیر اعلیٰ
sum total	مجموع
Sunna	سنّت
Sunni Muslim	سُنّی
Sunnis	اهل سنّت
Sunnism	اهل سنّت؛
	تسنّن
Sunnite	سُنّی
Sunnites	اهل سنّت؛
	عامّه (= اهل سنّت)
supererogatory prayers	نوافل
supererogatory rituals	نوافل
supererogatory works	نوافل
superfluity	زیاده
superfluous	زائد؛
	گزاف
superfluous act	فعل گزاف
superfluous action	فعل گزاف
superimposed	متراکب
superior	افضل؛
	عالی
superiority	برتری؛
	مزیّت
superior principles	مبادی عالیه
superior substance	جوهر عِلوی
superior world	عالَم اعلیٰ
supernatural	خارق العاده؛
	غیب
superstition	خرافه
supervision	عنایت
supplication	دعا
supplicator	دعا کننده
supplies	رزق
supposed existent	موجود تقدیری
suppose, to	فرض کردن
supposing the impossible	
	فرض محال
supposition	افتراض؛
	فرض
supposition of something impossible	
	فرض مُحال
suppression of reasoning	
	تعطیل عقل
supranatural	ماوراء طبیعی
supra-sensible world	عالَم ملکوت
supra-sensory	معنوی
supremacy	تفوّق
supreme	اعلیٰ
supreme beatitude	بهجت کبریٰ
supreme being	وجود متعالی
supreme bliss	سعادت برین؛
	سعادت عظمیٰ
supreme cause	علّت اعلیٰ؛

substantial realities حقایق جوهری
substantial transformation تغییر جوهری
substantial unity وحدت جوهری
substantiate, to اثبات کردن
substitution تبدّل
substrata موادّ
substratum حامل؛
مادّه؛
محلّ؛
معروض؛
موضوع
substratum-body مادّه
substratum for accident موضوع عَرَض
subsumed متعلّق؛
مندرج
subsumption اندراج
subtle لطیف (≠ کثیف)
subtle being شخص لطیف
subtle body جسم لطیف
Subtle, the لطیف (خداوند)
subtle world عالَم مثال
succession ترتّب؛
تسلسل (= توالی)؛
تعاقب؛
توالی
succession of theophanies توالی تجلیّات
successive متعاقب
successive order ترتّب
successive parts اجزاء متوالی
successor جانشین؛
خلیفه
successor of the Messenger خلیفة الرسول
successors تابعین
succour توفیق
sudden دفعی
sudden death اجل ناگهانی (= مرگ مفاجات)
sufficient کافی؛
مکتفی
sufficient cause علّت تامّه
sufficient condition شرط کافی
sufficient ground تمام العلّة
sufficient requirement شرط کافی
Sufi guide مرشد
Sufi master مرشد
Sufis متصوّفه
Sufism تصوّف؛
عرفان
suggestion القاء
Suhrawardi سهروردی

تسخیر

subsequent لاحق

subsidiary فرعی

subsidiary cause سبب

subsidiary factor مُعِدّ

subsist by itself, to
قائم به ذات بودن

subsistence بقا؛
تقوّم؛
ثبوت؛
رزق؛
قوام؛
قیام (= قائم بودن)

subsistence in the mind
قیام به ذهن

subsistence in the soul قیام به نفس

subsistence of inherence
قیام حلولی

subsistence of inhering قیام حلولی

subsistence of issuing قیام صدوری

subsistent ثابت؛
متقوّم

Subsistent, the باقی (خداوند)؛
قیّوم (خداوند)

subsistent through its locus
متقوّم بالمحلّ

subsisting باقی

subsist in one's essence, to
قائم به ذات بودن

subsist through its own essence, to
قائم به ذات بودن

substance جوهر (≠ عرض)؛
جوهر (مقوله)؛
موادّ

substance of body جوهر جسمانی

substance pertaining to species
جوهر نوعی

substantia prima جوهر اوّلی؛
جوهر نخستین

substantial بالذات؛
جوهری

substantial change
تحوّل جوهری (= تحوّل ذاتی)؛
تغییر جوهری

substantial form صورت جوهری

substantial increase of intensity
اشتداد جوهری

substantiality تجوهر؛
جوهریّت

substantiality of a thing شیئیّت

substantial light نور جوهری

substantial motion حرکت جوهری

substantial Names اسماء جوهریّه

substantial oneness وحدت جوهری

student تلمیذ (≠ شیخ)
subconsciousness شعور ضعیف
Subduer, the قهّار (خداوند)
subject ذات؛
ذهن؛
محلّ؛
معروض؛
موضوع
subjective اعتباری؛
انفسی؛
ذاتی؛
ذهنی؛
نفسانی
subjective consideration اعتبار؛
اعتبار عقلی
subjective individuals افراد ذهنی
subjective journey سیر انفسی
subjectivity اعتباریّت؛
ذهنیّت
subject-matter موضوع علم
subject-object relation
رابطه‌ی ذهن و عین
subject to affections منفعل
subject to a negative condition
بشرط لا
subject to causality معلّل
subjoined زائد

Subjugating, the قاهر (خداوند)
subjugation تسخیر
sublime جلیل
sublime assembly ملأ اعلیٰ
sublime character خُلُق عظیم
sublime company ملأ اعلیٰ
sublime disposition خُلُق عظیم
sublime luminous tablets
الواح عالیه نوریّه
Sublimely High, the متعالی (خداوند)
Sublime, the ماجد (خداوند)
sublimity جلال
sublunar ارضی
sublunar world عالَم دون قمر
sublunary world عالَم تحت قمر
submission انقیاد؛
تسلیم
submissive مطیع؛
منقاد
submissiveness خشوع
subordinate بالتَّبَع (وصف)؛
تَبَعی؛
متفرّع
subordinate agent فاعل بالتسخیر
subordinated مسخَّر
subordinate existence وجود تَبَعی
subordination تبعیّت؛

station of *Imâmate* مقام امامت
station of *Khadir* مقام خضر
station of messengerhood مقام رسالت
station of messengership مقام رسالت
station of patience مقام صبر
station of Prophecy مقام نبوّت
station of satisfaction مقام رضا
station of servantship مقام عبودیّت
station of the *Imâmate* مقام امامت
stations مقامات
stations of the gnostics مقامات العارفین
stations of the mystics مقامات العارفین
status of faith مرتبه‌ی ایمان
status of Imamate مرتبه‌ی امامت
steadfastness ثبات؛ صمدیّت
sticking تمسّک
stillness سکون
stimulation انگیختگی
stipulation شرط
Stoic رواقی
Stoicism فلسفه‌ی رواقی
Stoics رواقیان
stop وقفه
stopping place موقف
stopping places of the Resurrection مواقف قیامت
storehouse خزانه
storehouse of imagination خزانه‌ی خیال
straight مستقیم
Straight Path صراط مستقیم
Straight Way صراط مستقیم
straitness حرَج
strayer ضالّ
stray thoughts خواطر
strength شدّت؛ قوام؛ قوّه؛ قوّه (≠ ضعف)؛ نیرو
strong قویّ
strong argument دلیل قوی؛ دلیل محکم
strongest proof, the اقوی الادلّه
Strong, the عزیز (خداوند)؛ قویّ (خداوند)
structure بُنیه
struggling against the soul مجاهده‌ی با نفس

مرتبه؛
مقام
standstill سکون
star ستاره؛
کوکب
starless heaven فلک اطلس
starless sphere فلک اطلس
star of good fortune کوکب سعد
star of ill-fortune کوکب نحس
starting point مبدأ (= آغاز)
state حال؛
حالت؛
شأن؛
طور؛
مرتبه؛
مقام؛
منزلت؛
وضع (مقوله)
statement قضیّه
state of being طور وجود؛
نشئه
state of being dependent on God
افتقار
state of being of this world
نشئه‌ی دنیا
state of certitude مقام یقین
state of contentment مقام رضا
state of essential non-existence
عدمیّت ذاتی
state of existence مرتبه‌ی وجود
state of ignorance جاهلیّت
state of internal unveiling and contemplation حال کشف و شهود
state of nature نشئه‌ی طبیعت
state of Prophecy مقام نبوّت
state of servitude مقام عبودیّت
state of spirit نشئه‌ی روح
state of thankfulness مقام شکر
states احوال؛
مراتب
states of being اکوان
static ایستا؛
ثابت؛
ساکن؛
قارّ
static continuous quantity
کمّ متّصل قارّالذات
static quantity کمّ قارّ
station شأن؛
مقام؛
منزلت
stationary ساکن
station of certainty مقام یقین
station of gratitude مقام شکر

طهارت معنوی
spiritual rank مرتبه‌ی معنوی
spiritual reality عالَم ملکوت
spiritual realm ملکوت
spiritual remoteness
بُعد معنوی (≠ قرب معنوی)
spiritual resurrection معاد روحانی
spiritual retreat خلوت
spiritual root ملکوت
spiritual soul نفْس روحانی
spiritual state مرتبه‌ی معنوی
spiritual states مقامات
spiritual stations مقامات
spiritual substance جوهر روحانی
spiritual torment عذاب روحی؛
عذاب معنوی
spiritual understanding
درک معنوی
spiritual vision شهود
spiritual world عالَم ارواح؛
عالم امر؛
ملکوت
spiritus روح
spiritus animalis روح حیوانی
Spiritus Dei روح اللّه
splendor بهجت
splendour جلال

Splitter, the فالق (خداوند)
spontaneity of being بداهت وجود
spontaneous ارتکازی؛
بدیهی؛
خودانگیخته
spontaneous generation
خَلق (= آفرینش)
spontaneous knowledge بدیهه
stability ثبات
stable ثابت
stage درجه؛
طور؛
مرتبه
stage of being طور وجود
stage of faith مرتبه‌ی ایمان
stage of intellect طور عقل
stage of man مرتبه‌ی انسان
stage of objective existence
مرتبه‌ی عین
stage of reason طور عقل
stage of Unity مرتبه‌ی احدیّت
stages مراتب
stages of existence مراتب وجود
stages of the soul مراتب نفس
standard معیار؛
ملاک
standing رتبه؛

نفْس
Spirit of Allah روح اللّه
spirit of deed روح عمل
spirit of devotion روح عبادت
Spirit of God روح اللّه
spirit of man روح انسانی
spirit of the action روح عمل
spirit of the angel روح مَلَک
spiritual انفسی؛
روحانی؛
روحی؛
لاهوتی؛
معنوی؛
نفسانی
spiritual acceptance تصدیق قلبی
spiritual apparitions اشباح روحانیّه
spiritual ardor همت
spiritual ascent معراج
spiritual attraction انجذاب روحی
spiritual beings روحانیّات
spiritual city مدینه‌ی معنوی
spiritual comprehension
درک معنوی
spiritual determinations
تعیّنات روحی
spiritual dimension
بُعد معنوی (= جنبه معنوی)

spiritual distance
بُعد معنوی (≠ قرب معنوی)
spiritual dominion ملکوت
spiritual eye بصیرت
spiritual Garden جنّت معنوی
spiritual intention همت
spirituality روحانیّت؛
معنویّت
spirituality message کلام نفسی
spirituality observation مشاهده
spirituality union وحدت روحانی
spiritual journey اِسراء؛
سیر و سلوک
spiritual leadership امامت
spiritual life حیات معنوی
spiritual light نور معنوی
spiritual lights انوار روحانی
spiritual master مُراد (= مرشد)
spiritual ministry ولایت
spiritual perception بصیرت
spiritual pleasure رضا
spiritual punishment عذاب روحی؛
عذاب معنوی
spiritual purification
طهارت روحانی؛
طهارت معنوی
spiritual purity طهارت روحانی؛

specific nature طبیعت نوعی
specific "one" واحد نوعی
specific possibility امکان خاصّ
specific purification طهارت خاصّ
specific purity طهارت خاصّ
specific quiddity ماهیّت نوعیّه
specific resurrection بعث خاصّ
specifics خواصّ (= خصوصیّت‌ها)
specific saintship ولایت خاصّه
specific sending forth بعث خاصّ
specific substance جوهر نوعی
specific unity وحدت مطلق
specified متشخّص؛
معیَّن
specifying تخصیص؛
مخصِّص
specify, to اختصاص دادن
speculation تأمّل؛
نظر؛
نظریّه
speculative نظری
speculative faculty قوّه‌ی نظری
speculative intelligence عقل نظری
speculative knowledge علم نظری
speculative philosophy حکمت نظری
speculative reason عقل متفکّر؛
عقل نظری
speculative science علم نظری
speculative sciences علوم عقلی
speculative Sufism عرفان نظری
speculative theologians متکلّمین
speculative theology علم کلام
speech بیان؛
تکلّم؛
قول؛
نطق
Speech of God سخن خدا؛
کلام اللّه
speech of the soul کلام نفسانی
sphere سپهر؛
فَلَک
sphere of constellations فلک البروج
sphere of Divine power جبروت
sphere of life فلک حیات
sphere of the fixed stars فلک ثوابت
sphere of the moon فلک قمر
sphere of the moon's mansions
فلک المنازل
sphere of the spheres فلک الافلاک
spherical فلکی
spherical revolutions ادوار فلکی
spherical soul نفْس فلکی
spirit جان؛
روح؛

spatio-temporal domain قلمرو زمان و مکان

spatio-temporal objects امور زمانی و مکانی

spatio-temporal order آفاق

Speaker, the قائل (خداوند)؛ متکلّم (خداوند)

speaking تکلّم

Speaking, the متکلّم (خداوند)

special مخصوص

special accident عَرَض خاصّ

special agent فاعل خاصّ

special appointment نصب خاصّ

special confidant(s) خواصّ (≠ عوام)

special determination نصب خاصّ

special form صورت خاصّ

special gift کرامت

special guidance هدایت خاصّه

specialization تخصّص؛ تخصیص

specializing factor مخصِّص

special possibility امکان خاصّ

special prophethood نبوّت خاصّه (= رسالت)

special sainthood ولایت خاصّه

special Self-disclosure تجلّی خاصّ

special theophany تجلّی خاصّ

species نوع

species of light انواع نوریّه

specific بعینه؛ جزئی؛ خاصّ؛ شخصی؛ مخصوص؛ مشخَّص

specification اختصاص (≠ کسب)؛ تخصّص؛ تخصیص؛ تعیّن؛ تعیین؛ تقیید؛ تنوّع؛ تنویع؛ خصوصیّت

specific characteristic ممیّز

specific concept مفهوم نوعی

specific contingency امکان خاصّ

specific essence ماهیّت نوعیّه

specific form صورت نوعیّه

specific guidance هدایت خاصّه

specificity خصوصیّت

specific many کثیر نوعی

specific mercy رحمت خاصّ

specific multiplicity کثرت نوعی

sorcery	سِحر
sort	سنخ
sought	مطلوب
sought for itself	مطلوب ذاتی
soul	جان؛
	روان؛
	روح؛
	نفْس
soul at peace	نفْس مطمئنّه
soul in peace	نفْس مطمئنّه
souls	اَنفُس
soul's destruction	زوال نفس
souls of elemental bodies	نفوس اجسام عنصری
souls of simple bodies	نفوس مفردات
souls of the planets	نفوس سیارات
souls of the spheres	نفوس افلاک
soul that inspires evil	نفْس امّاره‌ی به سوء
sound	صحیح (≠ ضعیف)؛
	صوت؛
	محکم (دلیل)
sound disposition	فطرت
sound judgement	عقل سلیم
soundness	صحّت
sound original nature	فطرت سلیم
sound reason	عقل سلیم
source	اصل؛
	مبدأ (= منشأ)؛
	منبع
source of abstraction	منشأ انتزاع
source of effects	منشأ آثار
Source of Peace, the	سلام (خداوند)
sovereign	سلطان
sovereign encompassment	احاطه‌ی قیّومی
Sovereign, the	جبّار (خداوند)؛
	مالک (خداوند)؛
	محیط (خداوند)؛
	مَلِک (خداوند)
sovereignty	جبروت؛
	ملکوت
sovereignty of God	سلطه‌ی خدا
space	حیّز؛
	مکان
spaceless	لا مکان
spatial	مکانی
spatial character	تحیّز
spatial confinement	تحیّز
spatial dimension	بُعد مکانی
spatiality	حیّز
spatialization	تحیّز
spatially confined	متحیّز
spatial substance	جوهر متحیّز

sinless	معصوم
sinlessness	عصمت
sinner	خطاکار؛
	گناه‌کار
sinning	گناه؛
	گناه‌کار
sinuosity	انحناء
sitting upon the Throne	استواء بر عرش
situation	حال؛
	وضعیّت
skeptic	شکّاک
skepticism	شکاکیّت
skies	افلاک
sky	آسمان
slave	بنده؛
	عبد
slave of God	عبدالله
Slayer, the	مُمیت (خداوند)
slot	حیّز
slowness	کُندی (≠ سرعت)
slow to decline	بطیء الزوال
slow to perish	بطیء الزوال
small human being	انسان صغیر
small sin	گناه صغیره
society	اجتماع (= جامعه)
Socrates	سقراط
sole authority	مرجعیّت مطلق
solid	جماد
solitary substance	جوهر فرد
Solitary, the	فرد (خداوند)
solitary time	زمان فرد
Solomon	سلیمان (ع)
something given	اصل موضوع
something made	مجعول
somethingness	شیئیّت
somewhere between the spiritual and the physical	برزخی
soothsayer	کاهن
Sophia Aeterna	حکمت خالده
sophia perennis	جاویدان خرد؛
	حکمت خالده
sophism	سفسطه؛
	سوفسطایی‌گری؛
	مغالطه
sophist	سوفسطایی؛
	سوفیست؛
	مغالطه‌کار
sophistic	سفسطه‌آمیز
sophistical	سوفسطایی‌مآبانه؛
	مغالطه‌آمیز
sophistry	سفسطه؛
	مغالطه
sorcerer	ساحر

simple end	غایت بسیط
simple form	صورت بسیط
simple goal	غایت بسیط
simple ignorance	جهل بسیط
simple in nature	بسیط الحقیقه
simple instauration	جعل بسیط
simple intellect	عقل بسیط
simple judgement	حُکم بسیط
simple locus	محل بسیط
simple making	جعل بسیط
simple matter	مادّه‌ی بسیط
simple observance of ritual practices	عبادت
simple "one"	واحد بسیط
simple reality	بسیط الحقیقه
simple substance	جوهر بسیط
simple substratum	محل بسیط
simple summary intellect	عقل بسیط اجمالی
simplex	بسیط
simplexity	بساطت
simplicity	بساطت
simultaneity	معیّت؛ معیّت زمانی؛ همزمانی
simultaneous	همزمان
sin	خطیئه؛ فسق؛ گناه؛ معصیت
sincere believer	مؤمن خالص
sincere friendship	خُلّت
sincere person	صِدّیق
sincere repentance	توبه‌ی نصوح
Sincere, the	نصوح (خداوند)
sincerity	اخلاص؛ خلوص؛ صدق
sinful	گناه‌کار
sinful action	سیّئه
sinfulness	گناه؛ معصیت
single	فرد؛ مفرد؛ واحد
singleness	فردیّت
single self	نفْس واحده
single soul	نفْس واحده
Single, the	فرد (خداوند)؛ وتر (خداوند)
single unit	فرد
singular	مفرد
singularity	فردیّت
singular term	مفهوم مفرد

Shi'ism تشیّع؛ شیعه
Shi'ite شیعی
shortcoming نقص
short sayings کلمات قصار
shrine حَرَم
side طرف
sight اِبصار؛ باصره؛ بَصَر؛ بینش
sign آیه (= نشانه)؛ اثر؛ اشارت؛ دلیل (= شاهد)
significance معنا
signification دلالت؛ مدلول
signified will اراده‌ی عزمی
signify, to دلالت کردن
signpost عَلَم (= نشانه)
signs of contemplation آیات تفکّر
signs of faith آیات ایمان
signs of God آیات خدا
signs of knowledge آیات علم
signs of similarity آیات تشبیهی
signs of the intellect آیات عقل
signs of the Truth آیات حقّ
signs upon the horizons آیات آفاقی
signs (with)in one's being آیات انفسی
silent صامت
similar شبیه؛ متشابه؛ مشابه؛ مُماثل
similarities اشتراکات (≠ اختلافات)؛ متشابهات (= شباهت‌ها)
similarity تشبیه؛ تماثل؛ مشابهت؛ مماثلت
similar one نِدّ
similitude تشبیه؛ مَثَل؛ نِدّ
similitudes اشباه (= نظایر)
simple بسیط؛ صِرف
simple agent فاعل بسیط
simple bodies اجسام مفرد
simple body جسم بسیط
simple cause علّت بسیط
simple creation جعل بسیط

servitude to God بندگی خدا
setting aright تسدید
setting down as custom سنّت‌گذاری
settled names اسماء توقیفیّه
seven heavens هفت آسمان
Seven-Imam Shi'ism
شیعه‌ی هفت‌امامی
seven skies هفت آسمان
severance of bonds قطع تعلّق
sexual (desire) شهوانی
sexual pleasure لذّت جنسی
shadow ظلّ؛
ظلمت
shadowy ظلّی
shadowy being وجود ظلّی
shadowy existence وجود ظلّی
Shafi'ism مذهب شافعی
Shamanism شَمَنیّه
shape شکل؛
هیأت
Shaper, the مصوِّر (خداوند)
share حِصّه؛
حظّ (= سهم)؛
نصیب
shared aspect
وجه مشترک (≠ وجه اخصّ)
shared face
وجه مشترک (≠ وجه اخصّ)
shared in expression مشترک لفظی
shared in meaning اشتراک معنوی؛
مشترک معنوی
shared in term مشترک لفظی
shared terminology لفظ مشترک
share of being حِصّه‌ی وجود
Sharî'a شریعت
sharî'ah شریعت
sharing in expression اشتراک لفظی
sharing in Names اشتراک در اسم
sharing in verbal form اشتراک لفظی
sharing of names اشتراک در اسم
sharing of terminology اشتراک لفظی
sharing-one-position توازی
sharing-one-species تماثل
sharing the same root سنخیّت
shaykh استاد
sheer خالص؛
صِرف
sheer being صرف الوجود
sheer felicity سعادت محض
sheer good خیر محض
sheer goodness خیر محض
sheer non-existence عدم صِرف
Shî'ah شیعه
Shî'i شیعی

sensuals	محسوسات
sensuous knowledge	معرفت حسّی
sensuous perception	ادراک حسّی
sensus communis	حسّ مشترک
sentence of *tawḥîd*	کلمه‌ی توحید
sentient	حسّاس
sentiment	عاطفه
separable	انفکاک‌پذیر؛
	مفارق
separable accident	عارضِ مفارق؛
	عَرَض مفارق
separate	مباین؛
	مجرّد؛
	مفارق
separate body	جسم منفصل
separated	مفارق
separated accident	عَرَض مفارق
separated Imagination	خیال منفصل
separated intellect	عقل مفارق
separated intelligences	عقول مجرّده؛
	عقول مفارق
separated substance	
	جوهر مفارق (= جوهر مجرّد)
separated time	زمان منفصل
separate form	صورت مفارق
separate from matter	مجرّد
separate intelligences	عقول مفارق
separateness	انفصال
separate substance	
	جوهر مفارق (= جوهر مجرّد)
separate substances	مفارقات
separation	افتراق؛
	انفصال؛
	انفکاک؛
	تفرقه؛
	مباینت
separation from body	مفارقت از بدن
separative	مفارق
sequence	ترتّب؛
	تسلسل (= توالی)؛
	تعاقب؛
	توالی؛
	لاحق
Seraphiel	اسرافیل
Seraphiel's Trumpet	صُوْر اسرافیل
series	سلسله
sermon	وعظ
servant	بنده؛
	عبد
servant of God	عبداللّه
servantship	عبودیّت
service	عبادت
servitude	بندگی؛
	عبودیّت

sense of smell حسّ بویایی (= شامّه)؛ شامّه
sense of touch حسّ بساوی (= لامسه)؛ حسّ لامسه
sense perception ادراک حسّی
senses مشاعر
sensibility حسّاسیّت
sensible حسّاس؛ حسّی؛ محسوس
sensible beings اشیاء محسوس
sensible experience مشاهده
sensible faculty قوّه‌ی حسّاسه
sensible force قوّه‌ی حسّاسه
sensible form صورت محسوس
sensible Garden جنّت محسوس
sensible grade رتبه‌ی حسّی
sensible level رتبه‌ی حسّی
sensible light نور حسّی
sensible nature طبیعت محسوس
sensible objects حسّیّات؛ محسوسات
sensible power حاسّه؛ قوّه‌ی حسّاسه
sensible quality کیف محسوس
sensible rank رتبه‌ی حسّی
sensibles محسوسات
sensible things محسوسات
sensible vision رؤیت حسّی
sensible world عالَم حسّ
sensitive حاسّه؛ حسّاس
sensitive beings اشیاء محسوس
sensitive qualities انفعالیّات
sensitive soul نفْس حاسّه
sensitivity حسّاسیّت
sensory حسّی؛ محسوس
sensory form صورت محسوس
sensory image صورت محسوس
sensory knowledge شناخت حسّی؛ علم حسّی
sensory objects محسوسات
sensory organs اندام‌های حسّی
sensory phenomena محسوسات
sensual حسّی؛ شهوانی
sensual apparitions اشباح حسیّه
sensual distance بُعد حسّی
sensual knowledge علم حسّی
sensual perception ادراک حسّی
sensual power قوّه‌ی شهویّه
sensual remoteness بُعد حسّی

قیام به ذات؛
قیّومیّت
self-subsistent ثابت العین؛
قائم به ذات؛
قائم به نفس
self-subsistent being
وجود قائم به ذات
self-subsistent existence
وجود قائم به ذات؛
وجود نفسی
Self-Subsisting, the قیّوم (خداوند)
self-substantive being
وجود خودبسنده
self-sufficiency استغناء؛
غناء ذاتی
self-sufficient غنیّ بالذات؛
مستقلّ
Self-Sufficient, the صمد (خداوند)
self-sustaining قائم به ذات
self-transmutation تحوّل
self unveiling مکاشفه‌ی نفس
selves اَنفُس
semantic معنایی
semblance شکل
sempiternal دائم؛
سرمدی؛
قدیم

sempiternal non-existence
عدم سرمدی
sempiternity سرمد؛
سرمدیّت
send down, to نازل کردن
sending forth بعث
sending (forth) the messengers
ارسال رسل
send out, to مبعوث کردن
send revelation, to وحی کردن
sensation احساس؛
حاسّه؛
حسّ؛
شعور
sensation of pain احساس اَلَم
sensation of pleasure احساس لذّت
sense احساس؛
حاسّه؛
حسّ؛
شعور؛
معنا
sense-data حسّیّات؛
محسوسات (= ادراکات حسّی)
sense objects محسوسات
sense of hearing
حسّ شنوایی (= سامعه)
sense of sight حسّ بینایی (= باصره)

self-disclosure of the Divine Essence تجلّی ذات الاهی
self-disclosure of the Essence تجلّی ذات
self-evidence بداهت؛ ضرورت (= بداهت)
self-evidence of being بداهت وجود
self-evident بدیهی؛ ضروریّ (= بدیهی)؛ مبیَّن
self-evidently بالبداهه؛ بالضروره
self-evident premises اوّلیّات
Self-exalter, the متعالی (خداوند)
self-existent قائم به ذات
Self-Existent, the قیّوم (خداوند)
self-giving ایثار
Self-Great, the متکبّر (خداوند)
Self-High, the متعالی (خداوند)
self-identity همانندی
self-impossibility امتناع ذاتی
selfish appetite خواهش نفس
selfish passing thought خاطر نفسانی
selfish passing thoughts خواطر نفسانی
self-knowledge خودشناسی؛ علم به ذات؛ علم به نفس؛ معرفت نفس؛ معرفة النفس
self-limitation محدودیّت ذاتی
self-love حبّ ذات؛ حبّ نفس
self-manifestation تجلّی؛ تجلّی ذاتی
self-manifesting ظاهر بالذات؛ ظاهرٌ بذاته؛ متجلّی
self-necessity وجوب ذاتی
self-object-consciousness علم حضوری
self-objective معیّن بالذات
self-objective-knowledge علم حضوری
self-perception آگاهی به خود
self-purification تزکیه‌ی نفس
self-realization تحقّق نفس؛ درک نفس
self reliant به خود متکی
self-revealing متجلّی
Self-revelation تجلّی ذاتی
self-sacrifice ایثار
self-sameness عینیّت (= یکسانی)
self-subsistence غناء ذاتی؛

second perfection کمال ثانی
Second Teacher معلّم ثانی (فارابی)
secret خفیّ؛
سرّ (= راز)
secret invocation ذکر خفیّ
secret remembrance ذکر خفیّ
secret science علم مکنون
sect فرقه؛
مذهب
sects نِحَل
sedition فتنه
seduction گمراهی
seeing بصیر
Seeing, the بصیر (خداوند)
seeking help استمداد
seeking insight استبصار
seeking of pardon اعتذار
seek mediation through, to
متوسّل شدن به ...
seen مرئی
Seer, the بصیر (خداوند)
seizure of the spirit قبض روح
self خود؛
ذات؛
عین؛
نفْس
Self-Abiding, the قیّوم (خداوند)

self-apparent ظاهر بالذات
self at peace نفْس مطمئنّه
self-awareness آگاهی به خود؛
خودآگاهی
self-centeredness انانیّت
self-consciousness آگاهی به خود؛
خودآگاهی
self-contradiction خُلف
self-contradictory خودستیز؛
متناقض
self-control عفّت؛
مراقبه
self dependant قائم به ذات
self dependent به خود متکی
self-discipline انتظام؛
تهذیب نفس
Self-Discloser, the متجلّی (خداوند)
self-disclosure تجلّی؛
تجلّی ذاتی
self-disclosure never repeats itself
لا تکرّر فی التجلّی
self-disclosure of Beauty
تجلّی جمال
self-disclosure of Majesty
تجلّی جلال
self-disclosure of the Attributes
تجلّی صفات

	عِلم
science of certainty	علم اليقين
science of Divinity	علم الاهی
science of Kalam	علم کلام
science of metaphysics	علم لاهوت
science of numerical symbolism of letters ←	جفر
science of the soul	علم النفس؛ معرفة النفس
science of vision	علم شهودی؛ علم کشف
scientia sacra	علم الاهی
scientist	دانشمند
scribe of the revelation	کاتب وحی
scriptural revelation	وحی مکتوب
scripture	کتاب آسمانی؛ کتاب مقدّس
scriptures	صُحُف
scrutiny	تعمّق
seal of prophecy	ختم نبوّت
seal of saintship	ختم ولایت
Seal of the Friends	خاتم اولیاء
Seal of the Prophets	خاتم النبیّین (ص)؛ خاتم انبیاء (ص)؛ خاتم پیامبران (ص)
Seal of the Saints	خاتم اولیاء
search for knowledge	طلب علم
secondarily	بالتَّبَع
secondarily and accidentally	ثانیاً و بالعَرَض
secondarily known	معلوم بالعَرَض
secondarily perceived	مدرَک بالعَرَض
secondary	تطفّلی؛ ثانوی؛ فرعی
secondary cause	سبب؛ علّت ثانوی
secondary concept	معقول ثانی
secondary essential properties	ذاتیّات ثانویّه
secondary essentials	ذاتیّات ثانویّه؛
secondary intelligible	معقول ثانی
secondary intelligibles	معقولات ثانیه
secondary intention	قصد ثانوی
secondary matter	مادّه‌ی ثانیه؛ هیولای ثانی
secondary perfection	کمال ثانی
secondary substance	جوهر ثانی
Second Intellect	عقل ثانی
second level of intelligibles	معقول ثانی
second matter	مادّه‌ی ثانیه؛ هیولای ثانی

same-ness عینیّت (= یک‌سانی)؛ همانندی
sanctification تقدیس
sanctified مقدّس
sanctified world عالَم قدسی
sanction جزا
sanctity تقدّس؛ قدس (عالم)؛ قدسیّت؛ ولایت
sapience عرفان (= شناخت)؛ علم ذوق؛ معرفت
sapiential knowledge ذوق
Satan ابلیس؛ شیطان
satanic شیطانی
satanic incoming thought خاطر شیطانی
satanic incoming thoughts خواطر شیطانی
satanic suggestion القاء شیطانی
satanic thought خاطر شیطانی
satisfaction رضا
satisfied self نفْس مطمئنّه
Saturn زحل
savage soul نفْس سَبُعی
savant عاقل
saved رستگار
saved community فرقه‌ی ناجیه
Savior, the مغیث (خداوند)
Saviour, the مغیث (خداوند)
saying قول
scale میزان؛ نظام
scale of action میزان اعمال
Scale of the Law میزان شریعت
scant knowledge علم قلیل
sceptic شکّاک
sceptical doubt مکابره
scepticism شکّ؛ شکاکیّت
scholar عالِم
scholars اهل تحقیق
scholars of Islamic Law اهل حلّ و عقد
scholastics of Islam متکلّمین
scholastic theologians متکلّمین
scholastic theology علم کلام
school فرقه
School of Illumination مکتب اشراق
school of law مذهب
school of thought مذهب
science دانش؛

Sabian	صابئی
Sabians	صابئین
sacred	قدسی؛
	مقدّس
sacred book	کتاب مقدّس
sacred effusion	فیض مقدّس
sacred end	هدف مقدّس
sacred intellect	عقل قدسی
Sacred Law	شرع؛
	شریعت
sacred locution	حدیث قدسی
sacred observances	شعائر
sacred precinct	حَرَم
sacred purpose	هدف مقدّس
sacred saying	حدیث قدسی
sacred scripture	کتاب آسمانی
sacred soul	نفْس قدسیّه
Sacred Tablet	لوح
Sacred, the	قُدّوس (خداوند)
sacred tradition	حدیث قدسی
sadness	حُزن
Sadrian	صدرایی
sagacity	بصیرت؛
	تدبیر؛
	حُسن تدبیر
sage	حکیم
sages of Persia	حکمای فُرس؛
	فهلویّون
saints	صدّیقین
saints of God	اولیاء اللّه
salvation	خلاص (= نجات)؛
	رستگاری؛
	فلاح؛
	نجات

Rigour of God	جلال خدا
rising	نُشُور
rites	شعائر
ritualism	شریعت‌گرایی
ritualistic	شعائری
ritual observance	عبادت
ritual purification	طهارت
rituals	شعائر
rituals related to God	شعائرالله
rival	نِدّ
road	سبیل
root	اصل؛
	کُنه
roots of religion	اصول دین
roots of the Law	اصول شریعت
rotation	دَوَران .
rule	اصل؛
	حکومت؛
	ضابطه؛
	قاعده؛
	قانون
rule of presupposition	
	اعاده‌ی فرعیّت
rule of subordination	
	قاعده‌ی فرعیّت
ruler	حاکم؛
	مدبّر
ruler of the world	مدبّر عالم
rulership	تولیت
Ruler, the	حاکم (خداوند)؛
	سلطان (خداوند)؛
	قاهر (خداوند)؛
	مالک (خداوند)
rules	شرایع (= احکام)
ruse of the Divine	مکر الاهی
ruse of the Truth (God)	مکر حقّ

	وحی
revelations of the Unseen	
	فتوح الغیب
reverence	حرمت (= تکریم)؛
	هیبت
reverential fear of God	تقوا
revering the waymarks	تعظیم شعائر
revival of religion	احیاء دین
reviver of religion	محیی الدّین
revivification	احیاء
revivify, to	احیاء کردن؛
	زنده کردن
reviving	نُشُور
revocation	رجوع
revolution	انقلاب
revolving heavens	فَلَک
reward	پاداش؛
	ثواب؛
	جزا؛
	کیفر
rewarded	مأجور
Rewarder, the	شکور (خداوند)
reward, to	پاداش دادن؛
	ثواب دادن
rhetoric	خطابه
rhetorical discourse	قول خطابی
rhetorical speech	قول خطابی
rhetorician	خطابی؛
	خطیب
rhetoric proof	دلیل خطابی
rich	غنیّ
richness	غنا
Rich, the	غنیّ (خداوند)؛
right	حقّ؛
	صحیح؛
	صواب؛
	معروف (≠ منکر)
right conduct	رشاد (= راه راست)
righteous	صالح (≠ طالح)
righteous bondsman	عبد صالح
righteousness	صدق
righteous servant	عبد صالح
Righteous, the	برّ (خداوند)؛
	صدّیقین
rightful	حقّه
rightful claim	استحقاق
rightful due	حقّ
rightfulness	حقّانیّت
(right) guidance	ارشاد؛
	هدایت
rightly-guided caliphs	خلفاء راشدین
right measure	میزان مستقیم
right opinion	ظنّ صائب
Right Path	صراط مستقیم

بعث؛
حشر؛
رستاخیز؛
معاد
Resurrection, the قیامت
Resurrector, the باعث (خداوند)
resurrect, to زنده کردن
Retainer, the مُمسک (خداوند)
retention حفظ
retention faculty قوّه‌ی ماسکه
retentive faculty قوّه‌ی ماسکه؛
قوّه‌ی محافظه
Retributer, the دیّان (خداوند)
retribution کیفر؛
مکافات
retrogradation رجعت
retrograde سیر قهقرایی
retrogression of time اعاده‌ی زمان
return رجعت
returning انابه
return of the dead بازگشت مردگان؛
رجعت
Return, the معاد (≠ مبدأ)
return to God بازگشت به سوی خدا
revealed تشریعی؛
سمعی (= دلیل سمعی)؛
منقول (= نقلی)؛
نقلی
revealed argument دلیل سمعی؛
دلیل نقلی
revealed book کتاب آسمانی
revealed books صُحُف
revealed command امر تشریعی
revealed law سمع (= دلیل سمعی)؛
شرع؛
شریعت؛
نقل (≠ عقل)
revealed religion دین آسمانی؛
شرع
revealed religions ادیان آسمانی؛
شرایع
revealed text کتاب آسمانی
revealed theology علم کلام نقلی
reveal, to تجلّی کردن؛
نازل کردن؛
وحی کردن
revelation نقل (≠ عقل)؛
تنزیل (≠ تأویل)؛
الهام؛
تجلّی؛
سمع (= دلیل سمعی)؛
کشف؛
کشف و شهود؛
نصّ؛

required condition شرط لازم
requirement افتقار؛
اقتضاء؛
لازمه؛
لزوم
requirements شرایط
require, to مستلزم بودن؛
مقتضی بودن
requiring اقتضاء؛
لزوم؛
مقتضی
requisite لازم؛
لازمه
requisite for the essence لازم ذات
requisite for the quiddity
لازم ماهیّت
requital جزا
research بحث
research inspired by the Throne
تحقیق عرشیّ
resemblance تشابه؛
تشبیه؛
مشابهت
Reserved Tablet لوح محفوظ
reserving one's judgement
توقّف (= خودداری از اظهار نظر)
resignation تفویض
resignation to God توکّل
resistance مقاومت
resolution تصمیم؛
عزم
resolve عزم
resolving تصمیم
resources رزق
respect حرمت (= تکریم)؛
نسبت
responsibility مسؤولیّت
responsible obligation تکلیف
responsible person مکلّف
rest سکون
rest of the soul سکون نفس
Restorer, the مُعید (خداوند)
restore to life, to زنده کردن
restoring the dead to life
احیاء اموات
Restrainer, the قابض (خداوند)
restriction انحصار؛
تحدید؛
تخصیص؛
محدودیّت
result نتیجه
resurrection احیاء؛
احیاء اموات؛
بازگشت مردگان؛

renewal of Platonic Ideas
تجدید مُثُل
renewed متجدّد
renewing متجدّد
renunciation رهبانیّت؛
زهد
repellence دفع
repellency دفع
repentance توبه؛
ندامت
repentance of a true type
توبه‌ی نصوح
repentance of return توبه‌ی انابت
repentant تائب؛
توبه کننده
repent, to توبه کردن
repetition تکرار؛
تکرّر
repetition of self-disclosure
تکرار تجلّی
repetition of theophany
تکرار تجلّی
replacement تبدّل
report-giving إخبار
reports of the messengers
اَخبار رسل
reprehensible قبیح

reprehensible attributes
صفات ذمیمه
reprehensible characteristics
خصال ناپسند
representation ارتسام؛
تخیّل؛
تصوّر؛
تمثیل
representational حصولی (علم)
representational knowledge
علم ارتسامی؛
علم حصولی
representational view
نظریّه‌ی تصویری
representative of God نایب خدا
representative of the Imam
نایب امام
reproduction faculty قوّه‌ی مولّده
repudiation جحد (= انکار)
repugnance کراهت
repugnant قبیح
repulsion دافعه؛
دفع
repulsion faculty قوّه‌ی دافعه
repulsion of harm دفع ضرر
request استدعا
required واجب (= ضروری)

religiosity	دیانت
religious	دینی؛
	متدیّن
religious command	امر تشریعی
religious communities	مِلَل
religious community	امّت؛
	ملّت
religious duties of Islam	
	آداب الاسلام
(religious) faith	ایمان
religious issues	مسائل دینی
religious knowledge	تفقّه
religious law	شرع؛
	شریعت؛
	ناموس
religious lawgiver	شارع
religious laws	شرعیّات
religious legalism	شریعت‌گرایی
religious matters	مسائل دینی
religious order	نظام دینی
religious people	اهل دین
religious purity	تنزّه
religious scholars	اهل علم؛
	علماء
religious sciences	علوم نقلی
religious struggle	جهاد
religious system	نظام دینی
religious thought	تفکّر مذهبی
religious war	جهاد
religious warfare	جهاد
religious way	سنّت
relinquishment	تخلیه
relinquishment (of a claim)	اِسکات
reluctance	کراهت
remembering faculty	قوّه‌ی ذاکره
remembrance of God	ذکر؛
	ذکر اللّه
reminiscence	تذکّر؛
	ذکر
remnant	ثابت
remote cause	علّت بعید
remote source	مبدأ بعید
remotio	تنزیه
removal of non-existence	طرد عدم
Remover, the	مزیل (خداوند)
removing	رفع
rendering void	احباط (≠ تکفیر)
renegade	رافضی؛
	مرتدّ
renewal	تجدّد؛
	تجدید
renewal of creation	تجدید خلق
renewal of essences	تجدّد امثال
renewal of likes	تجدّد امثال

relational accident عَرَض نسبی
relational attribute صفت اضافی؛ صفت نسبی
relational being وجود انتسابی
relational existence وجود انتسابی؛ وجود رابطی
relational quality صفت اضافی
relation between necessity and contingency ← رابطه‌ی وجوب و امکان
relation between necessity and possibility ← رابطه‌ی وجوب و امکان
relation between potentiality and actuality ← رابطه‌ی قوّه و فعل
relation correlation نسبت ارتباطی
relation of supremacy اضافه‌ی تسلّطی
relations نِسَب (≠ عین وجود)
relationship اضافه (≠ عین وجود)؛ رابطه
relationships نِسَب (≠ عین وجود)
relation with God ارتباط با خدا
relative اضافی؛ نسبی
relative accident عَرَض نسبی
relative accidents اَعراض نسبی
relative attribute صفت اضافی؛ صفت نسبی
relative attributes صفات اضافی (≠ صفات نفسی)
relative coming into being حدوث اضافی
relative existence وجود انتسابی؛ وجود رابط
relative good خیر نسبی
relatively بالاضافه
relative non-existence عدم مضاف؛ عدم مقیَّد
relative non-temporal origination قِدَم اضافی
relative quality صفت اضافی؛ صفت نسبی
Relenter, the توّاب (خداوند)
Relenting, the توّاب (خداوند)
reliable معتبر
reliant متوکّل
Reliever, the فتّاح (خداوند)؛ مغیث (خداوند)
religion آیین (= دین)؛ دین؛ شرع
religion of purity دین خالص
religion of the Truth دین حقّ
religions and schools of thought ادیان و مذاهب

تهذیب

refinement of character traits

تهذیب اخلاق

refinement of the soul تزکیه‌ی نفس

refining تهذیب

reflected form صورت مرآتیّه

reflection تخیّل؛

تأمّل؛

تفکّر؛

فکر؛

نظر

reflective فکری

reflective faculty قوّه‌ی مفکّره

reflective power قوّه‌ی مفکّره

reform اصلاح

reformer مصلح

refusal جحد (= انکار)

refusal of all attributes of creatures

تنزیه

refusal of non-existence طرد عدم

refutation نفی (≠ اثبات)؛

ابطال؛

ردّ؛

نقض

refute, to ردّ کردن؛

نفی کردن

regent light نور مدبّر

regressio ad infinitum تسلسل

regret حسرت؛

ندامت

regulate تدبیر

regulation of household

تدبیر منزل

regulator مدبّر

regulator of the world مدبّر عالم

reign مُلک

reincarnation تناسخ

reincarnationists تناسخیّه

reject رفض

rejecting ردّ؛

طرد

rejection ردّ؛

رفض؛

طرد

reject, to رَدّ کردن؛

طرد کردن

related ربطی

related to conscience وجدانی

related to revealed law شرعیّات

relation اضافه (≠ عین وجود)؛

رابطه؛

نسبت

relational رابط؛

نسبی

reason, to استدلال کردن
rebel باغی
rebellion بغی
rebuking زاجر
recalling تذکّر
received premises مقبولات
receiver قابل (اسم)
receptacle حامل صورت؛
قابل (اسم)؛
محلّ
reception قبول
receptive قابل (وصف)؛
منفعل
receptive cause علّت قابلی
receptive faculty قوّه‌ی انفعالی
receptive matter مادّه‌ی قابل
receptiveness استعداد
receptivity اَنْ یَنْفَعِل (مقوله)؛
انفعال؛
انفعال (مقوله)؛
قابلیّت؛
قبول
ecipient قابل (اسم)
eciprocal hindering تمانع
citation of God's Names ذکر
citers of the Quran قرّاء
eckoner, the حاسب (خداوند)؛
حسیب (خداوند)
reckoning حساب
recognition شناخت؛
معرفت
recollection تذکّر
recollective faculty ذاکره؛
قوّه‌ی ذاکره
recompense ثواب؛
جزا؛
مکافات
reconciliation توفیق (= سازش)
recorded مسطور
record of deeds نامه‌ی اعمال
recounting حکایت (= گزارش)
Recourse, the صمد (خداوند)
recurrence تجدید
recurrence of the creative act
تجدید خلق
recurrent creation خَلق جدید
recursiveness تکرار
redoubled certainty یقین مضاعف
reductio ad absurdum
برهان خُلف
redundant زائد
referent مابازاء؛
مصداق
refinement تزکیه؛

realized existence	وجود محقَّق
realized knowledge	معارف
real knowledge	علم حقیقی
real light	نور حقیقی
real meaning	معنای حقیقی
realm of being of spirits	نشئه‌ی ارواح
realm of contingency	بقعة الامکان
realm of multiplicity	عالَم کثرت
realm of possibility	بقعة الامکان
realm of unicity	عالَم وحدانیّت
realm of unity	عالَم وحدت
real nature	حقیقت
real non-being	عدم حقیقی
real non-existence	عدم حقیقی
real non-temporal origination	قِدَم حقیقی
real "one"	واحد حقیقی
real oneness	وحدت حقیقی
Real One, the	حقّ (خداوند)
real subject	موجود بالفعل
Real, the	حقّ (خداوند)
real unity	وحدت حقّه؛ وحدت حقیقی
real whole	کلّ حقیقی
reason	حکمت؛ خرد؛

	دلیل؛
	سبب؛
	عقل؛
	قوّه‌ی تفکّر؛
	قوّه‌ی عاقله؛
	مفکّره
reasonable	عاقل؛
	معقول
reasonable soul	نفْس ناطقه
reasoned	مستدَلّ
reasoning	استدلال؛
	برهان؛
	تعقّل؛
	دلیل عقلی؛
	رویّت؛
	نظر
reasoning *a pari*	تمثیل
reasoning based on revealed sources	دلیل نقلی
reasoning by analogy	تمثیل
reasoning from the cause	استدلال لِمّی
reasoning from the effect	استدلال اِنّی
reasoning mind	عقل متفکّر
reasoning speech	نطق عقلی
reason power	قوّه‌ی عاقله

rational thinkers عقلاء
rational thought تفكّر عقلی
rational treatment تعليم عقلی
rational universal natures طبايع كلّی عقلی
rational world نشئه‌ی عقلی
reaching God وصول به حقّ
reaction انفعال؛ ردّالفعل
reactive force قوّه‌ی انفعالی
readiness استعداد
real حقّ؛ حقيقی؛ عينی
real agent فاعل حقيقی
real attribute صفت حقيقی
real believer مؤمن حقيقی
real cause سبب حقيقی؛ علّت حقيقی؛ علّت واقعی
real certitude حقّ اليقين
real coming into being حدوث حقيقی
real composite مركّب حقيقی
real composition تركيب حقيقی
real compound مركّب حقيقی
real correlation مُضاف حقيقی
real existence وجود حقيقی
real existentiation ايجاد حقيقی
real felicity سعادت حقيقی
real happiness سعادت حقيقی
reality انّيّت؛ حقيقت؛ عين؛ واقع؛ واقعيّت؛ وجود
reality of being حقيقت وجود
reality of certitude حقّ اليقين
reality of existence حقيقت وجود
reality of realities حقيقت حقايق
Reality of the realities حقيقة الحقايق
reality of the world حقيقت دنيا
realizable possibility امكان وقوعی
realization انّيّت؛ تحصُّل؛ تحقّق؛ ثبوت؛ حصول
realized حقّ؛ متحصّل؛ متحقّق؛ محقَّق

rational aspects	اعتبارات عقلیّه
rational attributes	صفات عقلی
rational conception	تصوّر عقلی
rational concepts	معقولات
rational construct	اعتبار عقلی
rational degree	رتبه‌ی عقلی
rational demonstration	استدلال عقلی
rational division	قسمت عقلی
rational evidences	ادلّه‌ی عقلی
rational evil	شرّ عقلانی
rational existence	وجود عقلی
rational faculty	قوّه‌ی عاقله؛
	قوّه‌ی عقلی؛
	قوّه‌ی ناطقه؛
	قوّه‌ی نطق
rational imagination	مفکّره
rational injunctions	اَحکام عقلی
rational interpretation	تأویل عقلی
rationalism	عقل‌گرایی
rationalists	اهل نظر؛
	عقل‌گرایان
rationalist school	اصحاب رأی
rationality	نطق (= درک کلّیات)
rationalization	تعلیل
rational judgement	حُکم عقلی
rational knowledge	شناخت عقلانی؛
	شناخت عقلی؛
	معرفت عقلی
rational labouring	تعمّل عقلی
rationally impossible	محال عقلی
rationally perceived	مدرَک عقلی
rational matter	مادّه‌ی عقلی
rational modes	جهات عقلیّه
rational necessity	ضرورت عقلانی؛
	ضرورت عقلی؛
	وجوب عقلی
rational part	جزء عقلی
rational perception	ادراک عقلی؛
	درک عقلی
rational possibility	امکان عقلی
rational principle	اصل عقلی؛
	قاعده‌ی عقلی
rational principles	اَحکام عقلی
rational proof	برهان عقلی؛
	حجّت عقلی؛
	دلیل عقلی
rational proofs	براهین عقلی
rational rank	رتبه‌ی عقلی
rational relation	نسبت عقلی
rational sciences	علوم عقلی
rational soul	نفْس عاقله؛
	نفْس ناطقه
rational theology	علم کلام عقلی
rational theoreticians	اصحاب نظر

Rr

radiance	نور
Rafidite	رافضی
Rafidites	رافضه
raising	بعث
raising the dead to life	احیاء اموات
ramifications of the religion	فروع دین
random thoughts	خواطر
rank	درجه؛
	رتبه؛
	شأن؛
	مرتبه؛
	مقام؛
	منصب
rank of man	مرتبه‌ی انسان
rank of the physical world	مرتبه‌ی عین
ranks	مدارج؛
	مراتب
ranks of perfection	مدارج کمال
rapid journey from one point to ← another	طیّ الارض
Raser, the	مقیل (خداوند)
ratification	امضاء
ratio	عقل
ratiocination	استدلال منطقی
rational	عاقل؛
	عقلانی؛
	عقلی؛
	قوّه‌ی ناطقه؛
	معقول؛
	ناطق؛
	ناطقه (نفس)
rational analysis	تحلیل عقلی
rational apprehension	تصوّر عقلی
rational argument	دلیل عقلی

quality of act صفت فعل
quality of capacity کیف استعدادی
Quality of Favour صفت لطف
Quality of God as Sustainer, the صفت قیومی خداوند
Quality of Knowledge, the صفت علم (خداوند)
Quality of Power, the صفت قدرت (خداوند)
Quality of Speech, the صفت تکلّم (خداوند)
quality of the soul کیف نفسانی
quality peculiar to quantities کیف مختصّ به کمّیات
quality-through-preparedness کیف استعدادی
quantative increase of intensity اشتداد کمّی
quantifier term مفهوم حاصر
quantitative کمّی
quantitative change حرکت کمّی
quantitative extension امتداد کمّی
quantitative movement حرکت کمّی
quantitative part جزء کمّی؛ جزء مقداری
quantity مقدار
quantum جزء
quest for perfection طلب کمال
question مسأله
question-begging مصادره‌آمیز
questioned مشتبه
questioning in the grave سؤال قبر
quiatic proof برهان انّی
quiative reasoning استدلال إنّی
quick to decline سریع الزوال
quick-wittedness ذکاوت
quidditas ماهیّت
quiddity ماهیّت
quiddity being predicated by existence ← اتّصاف ماهیّت به وجود
(quiddity) conditioned by something مخلوطه (= ماهیّت بشرط شیء)
quiddity qua quiddity ماهیّت من حیث هی
quiddity which is not actualized ماهیّت غیرمتحصّله
quiddity which is real ماهیّت محصّله
quiescence سکون
quinta essentia طبیعت پنجم
quintessence اثیر؛ عنصر پنجم (= اثیر)
Quran قرآن
Qur'ân قرآن
Quranic commentary تفسیر قرآن
Quranic hermeneutics تأویل قرآن
Quran's miraculous character اعجاز قرآن
Quran, the مصحف

Q q

Qadarite قَدَری

Qadarites قدریّه

Qaramatis قرامطه

Qaramites قرامطه

qua بماهو؛
حیثیّت؛
مِن حیث هو

quae انّی (برهان)

qualification اتّصاف؛
تقیید؛
توصیف؛
حیثیّت؛
صلاحیّت؛
قید؛
وصف

qualified مقیَّد؛
مکیَّف؛
موصوف

qualify نعت

qualifying a thing by the state of its associate ← وصف به حال متعلق

qualitative change
استحاله (= حرکت کیفی)؛
حرکت کیفی

qualitative increase of intensity
اشتداد کیفی

qualitative movement حرکت کیفی

qualities of incomparability
صفات تنزیه

Qualities of Perfection صفات کمال

qualities of similarity صفات تشبیه

Qualities of the Divine
صفات لاهوتی

qualitive کیفی

quality حال؛
خصلت؛
صفت؛
کیفیّت؛
وصف

quality belonging to the soul
کیف نفسانی

quality by accident کیف بالعَرَض

purified	منزّه
purified worshippers	عِباد مخلَصین
purifying	تزکیه؛
	تنزیه
purifying the heart	تطهیر قلب
purity	پارسایی؛
	خلوص؛
	طهارت
purity of a thing	صِرف الشیء
purity of the heart	طهارت قلب
purity of the soul	طهارت نفس
purport	مفاد
purpose	غایت؛
	غرض؛
	قصد؛
	معنا؛
	هدف
purposefulness	هدفمندی
purposeless	بی‌هدف؛
	عبث
pursuit of knowledge	طلب علم
pursuit of perfection	طلب کمال
pushing	دافعه
putting in order	اصلاح
Pythagoras	فیثاغورس
Pythagorian philosophy	فلسفه‌ی فیثاغوری
Pythangoreans	فیثاغوریان

pupil تلمیذ (≠ شیخ)
pupils اصحاب
pure خالص؛
صِرف؛
محض
pure act فعل صِرف
pure being صرف الوجود؛
وجود بحت؛
وجود صِرف؛
وجود محض
pure believer مؤمن خالص
pure cause علّت محض
pure connection عین الربط
pure determinism جبر محض
pure evil شرّ محض؛
شرّ مطلق
pure existence صرف الوجود؛
وجود صِرف؛
وجود محض
pure forms from matter
صور مجرّده از هیولیٰ
pure good خیر محض؛
خیر مطلق
pure happiness سعادت محض
pure intellect عقل مجرّد؛
عقل محض
pure intellects عقول مجرّده
pure light نور محض
pure non-existence عدم صِرف؛
عدم محض
pure non-material things
مفارقات محض
pure perfection کمال محض
pure religion دین خالص
pure separate objects
مفارقات محض
pure truth حقّ محض
pure unicity وحدت محض
pure unity واحد محض؛
وَحدت محض
pure verification تصدیق مطلق
purgation تصفیه
purgatorial برزخی
purgatorial apparitions
اشباح برزخیّه
purgatorial realities حقایق برزخی
purgatory برزخ؛
عالَم برزخ
purification تزکیه؛
تطهیر؛
تهذیب
purification of one's inner being
طهارت باطن
purification of the carnal soul
تهذیب نفس
purification of the heart
طهارت دل؛
طهارت قلب
purification of the mind صفای ذهن
purification of the soul طهارت نفس

	عقل اوّل (= عقل کلّی، صادر اوّل)
prototypes	ارباب انواع
Proud, the	متکبّر (خداوند)
proven	ثابت
prove, to	اثبات کردن؛
	ثابت کردن
providence	عنایت؛
	قَدَر
providential agent	فاعل بالعنایه
providential ordering	عنایت
provider of forms	واهب الصّور
Provider, the	رازق (خداوند)؛
	رزّاق (خداوند)
provision	رزق
prowess	شجاعت
proximate	قریب
proximate agent	فاعل قریب
proximate cause	علّت قریب
proximate matter	هیولای قریب
proximate principle	علّت قریب
proximity	تقرّب؛
	قرب؛
	مجاورت
prudent purpose	مصلحت
Psalm book	زبور
Psalms (of David)	زبور
pseudo-philosopher	متفلسف
pseudo-prophet	متنبّی
pseudo-proposition	شبه قضیّه
psyche	روان؛
	روح؛
	نفْس
psychic	نفسانی
psychical	نفسانی
psychic conversation	حدیث نفس
psychic determinations	تعیّنات نفسانی
psychic faculty	قوّه‌ی نفسانی
psychic quality	کیف نفسانی
psychic speech	نطق نفسانی
psychic utterance	نطق نفسانی
psychological	روانی
psychology	علم النّفس؛
	معرفة النفس
public interest	مصلحت عامّه
public weal	استصلاح
public welfare	مصلحت عامّه
public well-being	مصلحت عامّه
pugnacious soul	نفْس غضبی
punished	معذَّب
Punisher, the	مُعاقِب (خداوند)
punishment	جزا؛
	عذاب؛
	کیفر؛
	مؤاخذه؛
	مُجازات؛
	مکافات
punishment of the grave	عذاب قبر
punish, to	عذاب دادن

propagate, to تبلیغ کردن
propagating تبلیغ
propensity اقتضاء؛
میل؛
میل غریزی
proper معروف (≠ منکر)
خاصّ؛
proper accident عَرَض خاصّ
proper agent فاعل بالذات
proper cause سبب ذاتی
proper term مفهوم ذاتی
properties اَحکام (= آثار)؛
خواصّ (= خصوصیّت‌ها)
properties of existence اَحکام وجود
property خاصیّت؛
صفت؛
وصف
prophecy نبوّت
prophecy of legal institution
نبوّت تشریعی
prophet مُرسَل؛
نبیّ
prophetaster پیامبر دروغین
prophethood نبوّت
prophethood of legislation
نبوّت تشریعی
prophetic نبوی
prophetic call دعوت پیامبر
prophetic consciousness شعور وحی
prophetic inspiration وحی
prophetic saying حدیث
prophet of Allah نبیّ اللّه
prophet's distraction سهوالنّبی
Prophet's *Sunna* سنّت پیامبر
proportion نسبت
proportionality تناسب
proposition حُکم؛
خبر؛
قضیّه
propositional تصدیقی
propositions based on experience
تجربیّات
proprium عَرَض خاصّ
propteric proof برهان لمّی
propterquid استدلال لِمّی؛
برهان لمّی؛
لِمّی (برهان)
prosperity توفیق؛
رستگاری؛
سعادت؛
نعمت
prosperous سعید
Protagoras پروتگراس
Protected Tablet لوح محفوظ
protection حفظ؛
عصمت؛
مصونیّت
protection from sin مصونیّت از گناه
Protector, the مهیمن (خداوند)
protokistos

probable ظنّی؛
محتمل

probatio per absurdum
برهان خُلف

probatio per incommodum
برهان خُلف

problem مسأله

problematic case محلّ نزاع

proceed, to صادر شدن

procession صدور؛
فیض

Proclus برقلس

prodigy معجزه

produced محدَث؛
مصنوع

produced in time حادث زمانی؛
محدَث

producer مُکوِّن؛
موجِد

Producer, the باری (خداوند)

producing cause علّت موجِده

production ایجاد؛
تکوین؛
تولید؛
جعل؛
صدور

production in time اِحداث

product of consideration اعتباری

profession of God's Unity
توحید

profession of the two *shahadahs*
اقرار به شهادتین

profession with tongue اقرار به زبان

profess polytheism, to شرک ورزیدن

profligate فاجر

progenies مولّدات

progeny عترت

progress ترقّی

prohibited حرام

prohibited acts محرّمات

prohibition حرمت (= حرام بودن)؛
زجر (= منع)؛
نهی

promise وعده

Promised Mahdi مهدی موعود (عج)

prompting داعی (= انگیزه)

promptings خواطر

proof آوند (= برهان)؛
استدلال؛
برهان؛
حجّت؛
دلیل

proof by comparison برهان تطبیق

proof from contingency and necessity
برهان امکان و وجوب

proof from reason دلیل عقلی

proof of God حجّت خدا

proof of the righteous
برهان صدّیقین

proof of the truthful برهان صدّیقین

principles of faith اصول اعتقادی؛ اصول عقاید
principles of religion اصول دین
prior سابق؛ متقدّم؛ مقدَّم
prior in time متقدّم بالزمان
priority اولویّت؛ اوّلیّت؛ تقدّم؛ سَبْق (≠ لُحوق)
priority at the level of perpetual ← duration تقدّم دهری؛ سبق دهری
priority at the level of sempiternity سبق سرمدی
priority by rank سبق بالمرتبه
priority in terms of causality تقدّم در علّیّت؛ سبق بالعلّیه
priority in terms of degree سبق بالمرتبه
priority in (terms of) essence تقدّم ذاتی؛ سبق بالذات
priority in terms of honor سبق بالشرف
priority in terms of nature تقدّم طبعی؛ سبق بالطبع
priority in terms of nobility سبق بالشرف
priority in terms of quiddity تقدّم در ماهیّت؛ سبق بالماهیّه
priority in terms of rank تقدّم رتبی
priority in terms of subsistence سبق بالتجوهر
priority in terms of substantiality تقدّم در تجوهر؛ سبق بالتجوهر
priority in terms of time تقدّم زمانی؛ سبق زمانی
priority in the metaphorical sense تقدّم غیرحقیقی
priority in the real sense سبق بالحقیقه
priority in time سبق زمانی
priority of essence اولویّت ذاتی
priority of non-existence سبق عدم
privation سلب؛ عدم؛ عدم ملکه
privation and possession as ← commonly understood عدم و ملکه مشهوری
privation of being عدم
privative عدمی
probability احتمال

primary self-evident بدیهی اوّلی
primary substance جوهر اوّلی
prime agent فاعل اوّل
prime cause علّت نخستین
prime intellect
عقل اوّل (= عقل کلّی، صادر اوّل)
prime intelligible معقول اوّل
prime knowledge اوّلیّات؛
معرفت اوّلیّه
prime matter عنصر؛
مادّه‌ی اُولیٰ (= هیولای اولی)؛
هیولای اُولیٰ؛
هیولیٰ
prime motion حرکت نخستین
prime mover محرّک اوّل
prime nature طبع اولی
prime originator مُبدِع اوّل
prime philosophy فلسفه‌ی اُولی
prime predicate محمول اوّل
prime principle مبدأ اوّل
prime principles مبادی نخست
prime source مبدأ؛
منشأ
primordial اصلی
primordial disposition فطرت
primordial intellect
عقل اوّل (= عقل کلّی، صادر اوّل)؛
عقل فطری
primordialist حنیف
primordial nature طبع اولی؛
فطرت
primordial origin مبدأ
primordial religion دین حنیف
principal اصلی؛
اصیل
principal cause علّت اصلی
principality اصالت
principality of being اصالت وجود
principiality اصالت
principiality of essence
اصالت ماهیّت
principiality of existence
اصالت وجود
principiality of quiddity
اصالت ماهیّت
principle اساس؛
اصل؛
عنصر؛
قاعده؛
قانون؛
principle of causality اصل علّیّت
principle of causation اصل علّیّت
principle of derivation مبدأ اشتقاق
principle of motion مبدأ حرکت
principle of principles مبدأ المبادی
principles concerning quiddity
اَحکام ماهیّت
principles of demonstration
مبادی برهان
principles of dialectic مبادی جدل

Present, the	حاضر (خداوند)
present world	دنیا
preservation	عصمت
preservation of the self	بقاء نفس
preserved from error	مصون از خطا
Preserved Tablet	لوح محفوظ
Preserver, the	حافظ (خداوند)
preserving trust	حفظ امانت
presume, to	فرض کردن
presumption	ظنّ
presumptive	ظنّی
presuppositions	مسلّمات
pre-temporality	ازل
prevailing existence	وجود منبسط
prevent, to	مانع شدن
pride	تکبّر
priest	کاهن
primacy	اصالت؛
	اوّلیّت
primacy of existence	اصالت وجود
primacy of quiddity	اصالت ماهیّت
primal	اوّلی
primal being	کَوْن اوّل
primal cause	علّة العلل
primal cloud	عماء
primal genesis	فطرت؛
	فطرت اوّلیّه
primal matter	
	مادّه‌ی اُولیٰ؛
	هیولیٰ

primal reason	عقل فطری
primal terms	اوّلیّات
primarily	بالاصاله
primarily and essentially	
	اوّلاً و بالذات
primarily known	معلوم بالذات
primarily perceived	مدرَک بالذات
primary	اصلی؛
	اصیل؛
	اوّلی
primary and essential predication	
	حمل اوّلی ذاتی
primary being	وجود اوّل
primary cause	مبدأ اوّل
primary essential properties	
	ذاتیّات اوّلیّه
primary essentials	ذاتیّات اوّلیّه؛
primary identity	هویّت اوّلیّه
primary intelligible	معقول اوّل
primary intention	قصد اوّل
primary judgement	تصدیق اُولیٰ
primary matter	هیولای اُولیٰ
primary movement	حرکت نخستین
primary mover	محرّک اوّل
primary nature	فطرت
primary perfection	کمال اوّل
primary premises	اوّلیّات
primary principle	مبدأ اوّل
primary principles	اصول اوّلیّه
primary quality	کیفیّت اصلی

preferability	اولویّت
preference	ترجیح؛
	رجحان؛
	مزیّت
prehensive	وهمی
pre-Islamic period	جاهلیّت
pre-Islamic state	جاهلیّت
prejudice	تعصّب
preliminaries	مقدّمات
pre-measurement	تقدیر
premise	مبدأ (= مقدّمه)؛
	مقدّمه (در استدلال)
premises based on experience	
	مجرّبات
premiss	مقدّمه (در استدلال)
preordained sustenance	رزق مقدّر
preordination	تقدیر
preparation	استعداد؛
	اِعداد
preparatory	استعدادی؛
	مقدّماتی
preparatory cause	علّت اِعدادی؛
	علّت معدّه؛
	مُعِدّ
preparatory disposition	مُعِدّ
preparatory matters	مقدّمات
preparedness	استعداد
preparing cause	علّت معدّه؛
	مُعِدّ
preponderance	اقتضاء؛
	اولویّت؛
	ترجیح؛
	رجحان
preponderance by something else	
	اولویّت غیری
preponderance without a preponderant	← ترجیح بلا مرجّح
preponderance without being a preponderant	← ترجّح بلا مرجّح
preponderator	مرجّح
preposional meaning	معنای حرفی
preposition	معنای حرفی
prerequisite	اقتضاء؛
	شرط
prescribed practices	سنّت
prescription	تکلیف؛
	حُکم
prescriptive command	امر تکلیفی
presence	حضور؛
	شهود
presence by identity	حضور عینی
presence of consciousness	
	حضور قلب
Presence of God, the	حضور خداوند
presence of the heart	حضور قلب
present	شاهد
presentation	بیان؛
	حکایت (= حاکی بودن)
presential	حضوری (علم)
presential knowledge	علم حضوری

جبر؛
عنایت ازلی؛
قَدَر؛
قضا و قدر
predestination and free will
جبر و اختیار
Predestinator, the مقدِّر (خداوند)
predestined مقدَّر
predestined measure قَدَر معلوم
predestined sustenance رزق مقدّر
predestine, to مقدّر کردن
predetermination تقدیر؛
جبر؛
قضا
predetermination and free will
جبر و اختیار
predetermined creation
خَلق تقدیری
predicable قابل حمل
predicaments مقولات
predicate خبر؛
محمول؛
مقول
predicated مقول
predicated adherence
محمول بالضمیمه (عرَضی)
predicate extracted from its very ← subject خارج محمول (عرَضی)
predication حُکم؛
حمل؛

عروض
predicative خبری؛
محمولی
predicative element جزء حملی
predicative existence وجود محمولی
predominant opinion ظنّ غالب
predominant surmise ظنّ غالب
pre-estimation تقدیر
pre-eternal ازلی؛
قدیم؛
لم‌یزل
pre-eternal attributes صفات قدیم
pre-eternal being موجود ازلی
pre-eternal by essence ازلی ذاتی
pre-eternal by virtue of essence
قدیم ذاتی
pre-eternal decree تقدیر ازلی؛
حُکم ازلی
pre-eternal dictate حُکم ازلی
pre-eternal mover محرّک ازلی
pre-eternal non-existence عدم ازلی
pre-eternal power قدرت ازلی
pre-eternal subsistents ثابتات ازلیّه
Pre-eternal, the قدیم (خداوند)
pre-eternal Will اراده‌ی ازلی
pre-eternity ازل؛
ازلیّت؛
قِدَم
pre-existence قِدَم
pre-existent قدیم

power to dominate قدرت تصرّف
practical عملی
practical faculty قوّه‌ی عامله؛
قوّه‌ی عملی
practical gratitude شکر عملی
practical injunctions اَحکام عملی
practical intellect عقل عملی
practical intelligence عقل عملی
practically wise man حکیم عملی
practical mysticism عرفان عملی
practical power قوّه‌ی عامله
practical reason حکمت عملی؛
عقل عملی
practical Sufism عرفان عملی
practical thankfulness شکر عملی
practical wisdom حکمت عملی
practice سیره؛
عادت؛
عمل
practice dissimulation, to تقیّه کردن
practice of the Law عمل به شریعت
praise تسبیح؛
ثناء؛
حمد؛
ستایش
praised مشکور؛
ممدوح
praise of God تسبیح
praiser of God ذاکر
praise, to ستایش کردن
praiseworthy حَسَن؛
ممدوح
praiseworthy act حسَنه
praiseworthy character traits
خصال پسندیده
Praiseworthy, the حمید (خداوند)
praising ثناء
praising Allah by saying: "There is
← no god but Allah" تهلیل
prayer دعا
preaching تبلیغ؛
موعظه
preach, to تبلیغ کردن
precaution احتیاط
precedence اولویّت؛
تقدّم؛
سَبْق (≠ لُحوق)
precedence by nobility تقدّم بالشّرف
precede, to تقدّم یافتن
preceding non-existence سبق عدم؛
عدم سابق؛
عدم مقابل (≠ عدم مُجامع)
Precious, the عزیز (خداوند)
precise دقیق
precision تدقیق؛
دقّت
predecessors سَلَف (≠ خَلَف)
predestinarian جبری مذهب؛
قَدَریّ
predestination تقدیر؛

post-eternity of the post-eternities أبَد آباد
postponing إرجاء
postulate اصل موضوع
postulates اصول موضوعه؛ مسلّمات
postulate, to مسلّم فرض کردن
potence قوّه (≠ فعل)
potency قوّه (≠ فعل)
potency-act relationship رابطه‌ی قوّه و فعل
potency and act قوّه و فعل
potentia قوّه (≠ فعل)
potential بالقوّه
potential being موجود بالقوّه؛ وجود بالقوّه
potential cause علّت بالقوّه
potential existence وجود بالقوّه
potential facts امور بالقوّه
potential good خیر بالقوّه
potential infinite بی‌نهایت بالقوّه
potential intellect عقل بالقوّه
potentialities امور بالقوّه
potentiality قابلیّت؛ قوّه (≠ فعل)
potentiality and actuality قوّه و فعل
potential knowledge شناخت بالقوّه؛ معرفت بالقوّه
potentially بالقوّه
potentially existent جایز الوجود
potential possibility امکان استعدادی
potential subject موجود بالقوّه
potential thing شیء بالقوّه
Potent, the مقتدر (خداوند)
pouring forth فیضان
poverty افتقار؛ فقر
power توان؛ توانایی؛ قدرت؛ قوّه؛ قوّه (≠ ضعف)؛ نیرو
powerful توانا؛ قویّ
powerfulness قادریّت
Powerful, the عزیز (خداوند)؛ قادر (خداوند)؛ قدیر (خداوند)
power of analytic thinking قوّه‌ی بحثیّه
power of anger قوّه‌ی غضبیّه
power of comprehension قوّه‌ی مُدرِکه
power of lust قوّه‌ی شهویّه
power of receptivity قوّه‌ی استعدادی
power of speech قوّه‌ی بیان
power of the soul قوّه‌ی نفسانی
power of thought قوّه‌ی تفکّر؛ قوّه‌ی فکر

Possessor of the kingdom, the
مالک المُلک (خداوند)
possessors of Divine secrets
اهل راز
possessors of inner meaning
اولوا الالباب
possessors of spiritual states
اصحاب احوال
possessors of steadfastness
اولوا العزم
possessors of the eyes اولوا الابصار
possessors of the kernel
اولوا الالباب
possessors of the sciences
ارباب علوم
possessors of vision اولوا الابصار
Possessor, the مالک (خداوند)
possibilities مقدورات؛
ممکنات
possibility احتمال؛
امکان؛
جواز (= امکان)
possibility by itself امکان بالذات؛
امکان ذاتی
possibility in relation to something
← else امکان بالقیاس الی الغیر
possibility of occurrence
امکان وقوعی
possibility of preparedness
امکان استعدادی
possibility of the higher
امکان اشرف
possibility of the inferior
امکان اخسّ
possibility of the lower
امکان اخسّ
possibility of the nobler
امکان اشرف
possibility through something else
امکان بالغیر
possible امکانی؛
جایز (= ممکن)؛
ممکن
possible being ممکن الوجود؛
وجود ممکن
possible beings ممکنات
possible by itself ممکن بالذات
possible existence ممکن الوجود؛
موجود ممکن؛
وجود امکانی
possible intellect عقل بالقوّه
possibly subsistent ممکن الثبوت
posterior متأخّر
posterior in rank متأخّر رُتبی
posteriority تأخّر؛
لحوق
post-eternal ابدی؛
لا یزال
post-eternity اَبَد؛
ابدیّت

politics سیاست
polysemous مشترک لفظی
polysemy اشتراک لفظی
polytheism شرک
polytheism implicit شرک خفیّ
polytheist مشرک
polytheistic شرک‌آلود
polytheists اهل شرک
pondering تدبّر؛
تعمّق؛
تفکّر
portent آیه (= نشانه)
portion جزء؛
حِصّه؛
نصیب
portion of existence حِصّه‌ی وجود
portion of time حین
posited principle اصل موضوع
posited principles اصول موضوعه
positing the cause وضع علّت
position جِدَه (= مقوله‌ی ملک)؛
مرتبه؛
مقام؛
وضع؛
وضع (مقوله)
positional وضعی
positional movement حرکت وضعی
positional order ترتیب وضعی
position (category) وضع (مقوله)
positive ثبوتی؛
وجودیّ
positive attribute صفت ثبوتی؛
صفت فعل؛
صفت وجودی
positive attributes
صفات ایجابی (= صفات ثبوتی)؛
صفات ثبوتی
positive counterparts مَلکات
positive reality ثبوت
positive things امور وجودی
positive way راه اثباتی
posit, to فرض کردن
possessed of spiritual influence
صاحب نَفَس
possessing different truths
مختلف الحقیقه
possessing riches غنا
possession جِدَه (= مقوله‌ی ملک)؛
جِدَه (مقوله)؛
مِلْک (= جِدَه)؛
ملکه (≠ عدم)
possession and privation ملکه و عدم
Possessor of Glory, the
ذوالجلال (خداوند)
possessor of gnosis عارف
possessor of kindness صاحب لطف
Possessor of Majesty, the
ذوالجلال (خداوند)
possessor of spiritual vision
صاحب کشف

pillars of the religion ارکان دین
pious متدیّن؛
متّقی
pithy sayings کلمات قصار
pity رحمت؛
رأفت
place اَین (مقوله)؛
حیث (مکان)؛
حیّز؛
محلّ؛
مکان
place of return مرجع و مآب
place of theophany, the
مَجْلیٰ (= جلوه‌گاه خداوند)
plain بیّن؛
روشن؛
مبیَّن
plain text نصّ
plain texts ظواهر
plane سطح؛
مرتبه
plane of Unity مرتبه‌ی احدیّت
planet کوکب
plants نباتات
Plato افلاطون
Platonic افلاطونی
Platonic archetype مثال افلاطونی
Platonic form مثال افلاطونی
Platonic Forms صُوَر افلاطونی
Platonic idea مثال افلاطونی
Platonic Ideas مُثُل
plausible موجّه
pleasant طیّب
pleasing oneself تلذّذ
pleasure حظّ؛
رضا؛
رضوان؛
لذّت
pledge of allegiance بیعت
plenum مَلأ
plot روضه
Plotinus اَفلوطین؛
فلوطین (= اَفلوطین)
plurality تعدّد؛
تکثّر؛
کثرت
point نقطه
pointer دلیل (= شاهد)
point of contention محلّ نزاع
point of time طرف زمان
point of view اعتبار
polarization(s) of being
اشتراک و اشتداد وجود
polemic جدل
polemical جدلی (وصف)
polemicists اصحاب جدل
polemics جدل؛
مجادله؛
مُناظره
Pole of the world قطب عالم

person of faith مؤمن
perspicacity بصیرت
persuasion اقناع
persuasive اقناعی
persuasive proof دلیل اقناعی
pertaining *to hylé* هیولانی
pertaining to the afterlife اُخروی
pertaining to this world ناسوتی
perversion منکَر
perverted قبیح
petitio principii مصادره به مطلوب
petition دعا
petition of principle مصادره به مطلوب
phantasm وهم
phantom شبح
phase رتبه
phenomena حوادث
phenomenal world عالَم شهادت
phenomenon پدیده؛ حادث
phenomenonal حادث
phenomenon of nature آیه (= نشانه)
philosophaster متفلسف
philosopher حکیم؛ فیلسوف
philosophers اهل حکمت
philosophia perennis جاویدان خرد؛ حکمت خالده؛ فلسفه‌ی جاویدان
philosophia prima فلسفه‌ی اُولی
philosophical schools نِحَل
philosophical secondary intelligible معقول ثانی فلسفی
philosophical thought تفکّر فلسفی
philosophization تفلسف (= فلسفه‌ورزی)
philosophizer متفلسف
philosophy حکمت (= فلسفه)؛ فلسفه
phronesis حکمت عملی
physical جسمانی؛ طبیعی؛ مادّی
physical accident عَرَض جسمانی
physical body جسم طبیعی
physicality جسمانیّت
physical object جسم
physical objects مادّیّات
physical world عالَم اجسام
physics طبیعیّات؛ علم طبیعی
piety تقوا؛ دیانت
pilgrimage زیارت
pilgrimage (to Mecca) حجّ
pillar رکن (= اساس)
pillar of religion رکن دین
Pillar of the cosmos قطب عالم
pillars of Islamic Law ارکان شرع

	فلسفه‌ی مشّاء
Peripatetics	حکمت مشّاء؛
	مشّائیان
perishable	زوال‌پذیر؛
	فانی
perishing	فانی؛
	هلاکت
perishing of the soul	فناء نفس
permanence	بقا؛
	ثبات؛
	ثبوت؛
	دوام
permanent	ثابت؛
	دائم؛
	دائمی
permanent archetypes	اعیان ثابته
permanent constraint	قسر دائمی
permanent creation	خَلق دائم
permanent judgement	حُکم ثابت
Permanent, the	باقی (خداوند)
permeate, to	سریان داشتن
permeation of existence	
	سریان وجود
permeation of light	سریان نور
permissible	حلال؛
	مباح
permission	اباحه؛
	اجازه؛
	رخصت
permitted	حلال؛
	مباح
perpetual	باقی؛
	مخلّد
perpetual duration	دهر
perpetual miracle	معجزه‌ی خالده
perpetual motion	حرکت دائمی
perpetuation	بقا
perpetuity	ابدیّت؛
	جاودانگی؛
	خُلد؛
	دوام؛
	سرمد
perplexity	تحیّر
Persian sages	حکمای فُرس؛
	فهلویّون
persistence	بقا؛
	ثبات؛
	دوام
persistence after annihilation	
	بقاء بعدالفناء
persistent	باقی
persisting	باقی
person	شخص
personal	شخصی
personal association	صحبت
personal being	موجود متشخّص
personal desire	غرض
personal ipseity	هویّت شخصی
personality	شخصیّت
personification	تشخّص

perceptible ادراکی؛
مُدرَک
perception آگاهی؛
احساس؛
ادراک؛
بینش؛
درک؛
وهم
perception by essence ادراک ذاتی
perception of intelligibles
ادراک معقولات
perception of the image
ادراک صورت
perceptive faculty قوّه‌ی مُدرِکه
perceptive power قوّه‌ی مُدرِکه
perceptual ادراکی
perceptual faculty قوّه‌ی مُدرکه
perceptual force قوّه‌ی مُدرِکه
perceptual power قوّه‌ی مُدرِکه
percipient مُدرِک
perdition زوال
perennial philosophy جاویدان خرد؛
حکمت خالده؛
فلسفه‌ی جاویدان
perennial status بقا
perfect تامّ؛
کامل
perfect cause علّت تامّه
perfect comprehension احاطه‌ی تامّه
perfect encompassing احاطه‌ی تامّه

perfect existence وجود تامّ
perfect faith حقّ الیقین
perfect gnosis معرفت تامّه
perfecting استکمال؛
اکمال
perfect intellect عقل کامل
perfection کمال
Perfect Man انسان کامل
perfect nature طبع تامّ
Perfect Natures طباع تامّ
perfectness اتقان؛
اِحکام (= اتقان)
performance کسب (≠ خلق)
performance of the basic religious
← rites عمل به ارکان
performance of the fundamental
← duties of religion عمل به ارکان
performer of miracles
صاحب کرامات
perigee حضیض (≠ اوج)
period of concealment دوره‌ی ستر
period of exposition دوره‌ی کشف
period of manifestation
دوره‌ی کشف
Peripatetic ارسطویی؛
اَرسطی (= ارسطویی)؛
مشّائی
Peripatetic philosophy
حکمت مشّاء؛
فلسفه‌ی ارسطویی؛

people of authority in Islamic ← legal matters اهل حلّ و عقد
people of certitude اهل یقین
people of demonstration اهل برهان
people of (divine) favour اهل عنایت
people of faith اهل ایمان
people of falsity اهل باطل
people of heresy اهل بدعت
People of Household اهل بیت (ع)
people of imitation اهل تقلید
people of inner interpretation اهل تأویل
people of innovation اهل بدعت
people of intuition اهل شهود
people of invocation اهل ذکر
people of Islam اهل اسلام
people of Justice اهل عدل
people of knowledge اهل معرفت
people of meditation اهل فکر
people of paradise اصحاب جنّت؛ بهشتیان
people of prayer اهل نماز
people of presence اهل حضور
people of proof اهل برهان؛ اهل دلیل
people of realization اهل تحقیق
people of reason اهل نظر
people of reasoning اهل نظر
people of reflection اهل فکر

People of the Book اهل کتاب
people of the Fire اصحاب جهنّم؛ اهل نار
people of the truth اهل حقّ
people of tradition and consensus اهل سنّت و جماعت
people of unity and justice اهل توحید و عدل
people of unveiling اهل کشف
people of wisdom اهل حکمت
people who commit grave sins اهل کبایر
people who commit minor sins اهل صغایر
per essentia بالذات
per se بذاته؛ فی ذاته
per accident بالعَرَض
perceived مُدرَک
perceived by the intellect مدرَک عقلی
perceived object محسوس
perceived thing مُدرَک
perceived without intermediary مُدرَک بی‌واسطه
perceiver مُدرِک
Perceiver, the واجد (خداوند)
perceiving مُدرِک
perceiving faculty قوّه‌ی مُدرِکه
percept مُدرَک

passage	انتقال
passing away	انقضاء؛
	رحلت؛
	زوال
passing thought	خاطر
passing thought of the self	خاطر نفسانی
passing thoughts	خواطر
passing thoughts of the self	خواطر نفسانی
passion	انفعال؛
	انفعال (مقوله)؛
	شهوت
passionate	شهوانی
passionate soul	نفْس امّاره
passive	انفعالی؛
	قابل (وصف)؛
	منفعل
passive intellect	عقل منفعل
passive intelligence	عقل منفعل
passive knowledge	علم انفعالی
passive quality	کیف انفعالی
passivity	اَنْ یَنْفَعِل (مقوله)؛
	انفعال (مقوله)
path	سبیل؛
	منهج
path of guidance	راه هدایت
path of perdition	راه ضلالت
path of religion	منهاج الدین
path to God	راه حقّ؛
	راه خدا
path to the Divine, the	راه خدا
patience	صبر
Patient, the	صبور (خداوند)
Patron, the	مولی (خداوند)؛
	مولیٰ (خداوند)؛
	ولیّ (خداوند)
pay allegiance, to	بیعت کردن
peace	طمأنینه
peaceful soul	نفْس مطمئنّه
Peaceful, the	سلام (خداوند)؛
	صُلحاء
peace of the heart	اطمینان قلب
Peace, the	سلام (خداوند)
peculiarity	خاصیّت؛
	خصوصیّت
peerless	بی‌همتا
penalty	جزا؛
	عذاب؛
	کیفر
penetrate, to	سریان داشتن
penetration	سریان
penitence	توبه
Pen, the	قلم
people	امّت
people in the Fire	اهل جهنّم؛
	اهل دوزخ؛
	دوزخیان
people in the Garden	
	اهل بهشت

Parmenides	پارمنیدس
parousia	رجعت
parra naturalia	سماع طبیعی
parra physica	سماع طبیعی
part	بخش؛
	جزء؛
	حِصّه
partial	جزئی
partial agent	فاعل جزئی
partial cause	جزء العلّه؛
	علّت ناقصه
partial causes	اسباب جزئیّه
partial concept	مفهوم جزئی
partial demonstration	برهان جزئی
partial disposition	استعداد ناقص
partial ground	جزء العلّه
partial intellect	عقل جزئی
partial perception	ادراک جزئی
partial soul	نفْس جزئی
partial term	مفهوم جزئی
participated being	وجود ظلّی
particle	جزء؛
	ذرّه
particular	جزئی؛
	خاصّ؛
	متشخّص؛
	مخصوص؛
	مشخَّص؛
	معیَّن
particular agent	فاعل جزئی
particular being	وجود خاصّ
particular cause	علّت خاصّ
particular existence	وجود خاصّ
particular form	صورت جزئی
particular gradation	تشکیک خاصّی
particular intelligence	عقل جزئی
particularities (= خصوصیّت‌ها)	خواصّ
particularity	تشخّص؛
	تعیّن؛
	جزئیّت؛
	خاصیّت
particularization	خصوصیّت
particularized "one"	واحد خصوصی
particularizer	مخصِّص؛
	مشخِّص
particular reality	عین
particular reason	عقل جزئی
particular spirits	ارواح جزئیّه
particular unit	فرد خاص (وجود)
parting	تجزیه
partisans of unity	اصحاب توحید
partition	تجزیه؛
	تقسیم؛
	قسمت (تقسیم)
partner of the Creator	شریک الباری
part of the cause	جزء العلّه
part of the essence	جزء ذات
part of the ground	جزء العلّه
part pertaining to magnitude	جزء مقداری

P p

pagan وثنی

paganism شرک

pain اَلَم (≠ لذّت)؛
درد

pairing زوجیّت

pair of contradictories نقیضیْن

panegyric ستایش

panic رعب

pantheism وحدت وجود

parable تمثیل

paradise بهشت؛
جنّت؛
دار رضوان؛
رضوان؛
فردوس

paradisiacal بهشتی

paradox شبهه

paradoxical متناقض

paradoxical ecstatic utterances
شطحیّات

paradoxical statements شطحیّات

parallel مساوق

parallelism اتّحاد در وضع؛
محاذات؛
موازات

parallel non-existence
عدم مُجامع (≠ عدم مقابل)

paralogism مغالطه

paralogist مغالطه‌کار

pardon عفو؛
مغفرت

pardoned آمرزیده؛
مغفور

Pardoner, the آمرزنده (خداوند)؛
غَفُور (خداوند)

pardon, to آمرزیدن؛
بخشیدن (= آمرزیدن)؛
عفو کردن

parity تکافؤ؛
مساوات

otherworldly state of being نشئه‌ی آخرت
other world, the عالَم آخرت
outer خارجی
outer action عمل ظاهر
outer diversity کثرت خارجی
outer judgement حُکم ظاهر
outermost destination مقصد اقصیٰ
outermost goal مقصد اقصیٰ
outer world آفاق
out of choice اختیاری
out of nothingness کتم عدم
out of work تعطیل (در وجود)
Outspreader, the باسط (خداوند)
outstanding figures اعاظم
outward بیرونی؛ خارجی؛ ظاهر؛ ظاهری
outward accidents عوارض خارجی
outward action عمل ظاهر
outward aspects of religion ظاهر دین
outward blessing نعمت ظاهری
outward book of creation کتاب تکوینی آفاقی
outward cause علّت خارجی
outward decree حُکم ظاهر
outward dimension ظاهر (≠ سرّ)
outward form صورت ظاهری
outward harmony of existents نظام خارجی موجودات
outward knowledge علم ظاهر
outward language زبان ظاهری
outwardly در ظاهر
outward meaning ظاهر (معنا)
outward meanings ظواهر
outwardness خارجیّت؛ ظهور
outward object عینیّت خارجی
outward practice of literal religion عمل به شریعت
outward sense ظاهر (معنا)
outward significance ظاهر (معنا)؛ ظهور (معنا)
outward situation ظاهر (≠ سرّ)
Outward, the ظاهر (خداوند)
overall perception ادراک کلّی
Overbearing, the جبّار (خداوند)
overflow فیض
overlapping تداخل
overpowered مقهور
Overpowerer, the قاهر (خداوند)
Overpowering Sovereign, the جبّار (خداوند)
Overpowering, the فائق (خداوند)
overturn, to نقض کردن
overwhelming power قهر
Overwhelming, the قهّار (خداوند)

organization ترتیب
organs جوارح
Oriental اشراقی
Oriental philosophy حکمت اشراق
Oriental theosophy حکمت اشراق
Oriental Wisdom حکمت اشراق
orientation اهتدا
origin اصل؛
اصیل؛
خاستگاه؛
عنصر؛
مبدأ؛
منبع؛
منشأ
original ابداعی؛
اصلی؛
اوّلی
original cause علّت اصلی
original creation ابداع؛
فطرت
original disposition فطرت
original genesis فطرت
original nature فطرت
Origin and the Return, the مبدأ و معاد
originated حادث؛
محدَث
originated-as-a-name حادث اسمی
originatedness حدوث
originated things مُبدَعات
origination ابداع؛
اِحداث؛
ایجاد؛
حدوث؛
خَلق (= آفرینش)
originator خالق؛
مُبْدِع؛
محدِث
Originator, the فاطر (خداوند)؛
مُبدئ (خداوند)؛
مُنشِئ (خداوند)
origin of effects منشأ آثار
origin of motion مبدأ حرکت
Origin of the origins, the اوّل الاوائل
Origin, the اوّل (خداوند)؛
مبدأ (≠ معاد)
orthodox سُنّی
orthodox caliphs خلفاء راشدین
other غیر؛
متغایر
otherness تغایر؛
غیریّت
other world نشئه‌ی آخرت
other-worldly اُخروی
other-worldly bliss سعادت اخروی
otherworldly enjoyments تمتّعات اخروی
other-worldly happiness سعادت اخروی

Open-handed, the	باسط (خداوند)
open invocation	ذکر جلیّ
openness of the spirit	انشراح صدر
openness of vision	سعه‌ی صدر
open polytheism	شرک صریح
open remembrance	ذکر جلیّ
operation	فاعلّیت؛
	فعل
operative attribute	صفت فعل
opinion	ظنّ؛
	گمان
opposed	مقابل؛
	نقیض
opposite	آخشیج (= ضدّ)؛
	ضدّ؛
	متضاد؛
	مقابل؛
	نقیض
opposition	اختلاف؛
	خلاف؛
	ضدّیت
oppression	ستم؛
	ظلم
oppressor	باغی
oppress, to	ستم کردن
optics	علم مناظر و مرایا
option	اختیار
optional	اختیاری
optional act	فعل اختیاری
optional religious practices	تطوّع
orally transmitted	سمعی (= دلیل سمعی)
oral transmission	سماع
oration	خطابه
orator	خطیب
orbital motion	حرکت مداری
orbital movement	حرکت مداری
ordained	مقدَّر
Ordainer, the	مقدِّر (خداوند)
ordainment	تقدیر
order	اتقان؛
	ترتیب؛
	حُکم؛
	رتبه؛
	فرمان؛
	مرتبه؛
	نظام؛
	نظم
orderer	مدبّر
ordering	ترتیب
orderliness	انتظام؛
	ترتیب؛
	نظم
order of God	فرمان خدا
order of the world	ترتیب عالم
ordinance	ترتیب؛
	تقدیر؛
	قضا
organ	آلت
organic	آلی

واحدیّت؛
وحدانیّت؛
یگانگی
oneness in manyness
وحدت در کثرت
Oneness of Being وحدت وجود
oneness of existence وحدت وجود
Oneness of Finding وحدت وجود
Oneness of God توحید
oneness of individuality
وحدت شخصی
oneness of reality وحدت وجود
oneness of substance
وحدت جوهری
Oneness of the Divine Essence
توحید ذاتی
Oneness of the Necessary Being
توحید واجب
Oneness of Ultimate Reality
توحید
one single caused
معلول واحد شخصی
one single ipseity هویّت واحد
one soul نفْس واحده
One, the اَحَد (خداوند)؛
واحد (خداوند)
one-to-one correspondence
تطبیق؛
تناظر یک به یک
One\Unique, the واحدِ احد

ضالّ one who has erred
کلیم اللّه one who spoke to Allah, the
حنیف one with primordial faith
واحد بالعَرَض "one" with regard to an accident
واحد بالنوع "one" with regard to species
توقیفی based on instruction
بالاستقلال on its own
بالعکس on the contrary
وجودیّ ontic
ثبوت (ontic) affirmation
اصالت ontic basis
صدور ontic issuance
تکوینی؛ ontological
وجودیّ
اجتماع وجودی ontological combination
اجتماع وجودی ontological conjunction
امور وجودی ontological entities
اصالت وجود ontological fundamentality of existence
اصالت ماهیّت ontological fundamentality of quiddity
مراتب وجود ontological levels
امور وجودی ontological quality
سعه‌ی وجودی ontological vastness
امور عامّه ontology

occupying a space تحیّز
occupying space متحیّز
occurrence اتّفاق (= حادثه)؛
تحقّق؛
عروض؛
وقوع
occurrent عارض
occurring طاری؛
عارض
occurring fantasy وهم حادث
occurring possibility امکان وقوعی
occurring together توارد
occur, to عارض شدن
odd فرد (عدد)
odious مکروه
odor رایحه
offense خطیئه
office مقام
official religion مذهب رسمی
official science علم رسمی
official wisdom حکمت رسمی
of immediate experience وجدانی
of inner experience وجدانی
of necessity بالضروره
of non-existence عدمی
of the same kind هم‌سنخ
of the soul نفسانی
olfaction حسّ بویایی (= شامّه)؛
شامّه
olfactory faculty شامّه
olfactory sense حسّ بویایی (= شامّه)
oligarchy حکومت خواصّ
omitting ترک
Omnibenevolent, the
خیرخواه (خداوند)
omnipotence جبروت؛
قدرت مطلق
omnipotent قادر مطلق
Omnipotent King, the
ملیک مقتدر (خداوند)
Omnipotent, the
فعّال مایَشاء (خداوند)؛
قادر (خداوند)؛
قدیر (خداوند)؛
قهّار (خداوند)؛
مقتدر (خداوند)
Omnipresent, the حاضر (خداوند)
omniscience علم مطلق
omniscient عالِم به غیب
Omniscient, the عالِم (خداوند)؛
علیم (خداوند)
one واحد؛
وحید
"one" by accident واحد بالعَرَض
"one" by genus واحد در جنس
"one" by quality واحد بالکیف
"one" in number واحد عددی
"one" in species واحد نوعی
one\many واحدِ کثیر
oneness احدیّت؛

objectivity عینیّت
object known معلوم
object of association متعلَّق
object of cognition مُدرَک
object of desire مُراد (= متعلَّق اراده)
object of instauration مجعول
object of intellection معقول
object of knowledge معلوم
object of love محبوب
object of perception مُدرَک
object of power مقدور
object of praise ممدوح
object of seeking مطلوب
object of vision مرئی
object of will مُراد (= متعلَّق اراده)
object of witnessing مشهود
object of worship معبود
Object of worship, the معبود (خداوند)
objects of knowledge معلومات
objects of perception مُدرَکات
obligation وجوب (≠ حرمت)
obligatory تکلیفی؛ واجب (≠ حرام)
obligatory acts فرائض
obligatory duties فرائض
obligatory duty فریضه
obligatory ordinances of the faith اَحکام فرایض ایمان
obligatory ritual فریضه
obligatory rituals فرائض
oblige, to تکلیف کردن؛ مکلّف کردن
obliquity میل
oblivious غافل
obscure مبهم
obscure substance جوهر مبهم؛ ماهیّت مهمله
obscurity ظلمت
observation مراقبت؛ نظر
observations مشاهدات
observed facts مشاهدات
obstacle مانع
obstinacy مکابره
obstruction قسر
obvious بدیهی
obvious knowledge بدیهه
obviously بِالبداهه
occasion سبب
Occasioner of all occasions, the مسبّب الاسباب (خداوند)
occasion, to مقتضی بودن
occult باطنی؛ خفیّ
occultation of the Imam غیبت امام
occult objects امور خفیّه
occult sciences علوم غریبه
Occult, the باطن (خداوند)؛ خفیّ (خداوند)

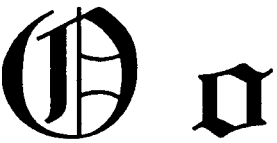

obedience	اطاعت؛
	امتثال؛
	تعبّد؛
	طاعت
obedience of passion	متابعت هوا
obedience to God	بندگی خدا
obedient	مطیع؛
	منقاد
obeyed	مطاع
obeyer	مطیع
obeying God	بندگی
obfuscation	شبهه
object	امر (= شیء، چیز)؛
	جسم؛
	شیء؛
	عین؛
	مصداق؛
	موضوع
objection	اعتراض؛
	ایراد؛

	شبهه؛
	مناقشه
objective	آفاقی؛
	اصیل؛
	خارجی؛
	عینی
objective being	وجود عینی
objective existence	نفْس الامر؛
	وجود عینی
objective existent	موجود عینی
objective fact	واقعیّت عینی
objective form	صورت عینی
objective individuals	افراد محقَّق در خارج
objective journey	سیر آفاقی
objective part	جزء عینی
objective presence	حضور عینی
objective state of things	عینیّت
objective world	عالَم خارج؛
	عالَم عینی

nothing proceeds from the one but one ← الواحد لا يصدر منه الّا الواحد
notion تصوّر؛
معنا؛
مفهوم
not liable to sin معصوم
noumenon ذات
Nourisher, the رازق (خداوند)
Nourishing, the رازق (خداوند)
nourishment رزق
nous عقل؛
عقل اوّل (= عقل کلّی، صادر اوّل)؛
عقل کلّی (= عقل اوّل، صادر اوّل)
novelty تجدّد

null and void باطل
nullification ابطال
number عدد
numbered معدود
numerically "one" واحد بالعدد؛
واحد عددی
numerical many کثیر عددی
numerical manyness کثرت عددی
numerical multiplicity کثرت عددی
numerical unity وحدت عددی
nun راهبه
nutritive faculty قوّه‌ی غاذیه
nutritive soul نفْس غاذیه
nymph حوری

non-materiality تجرّد
non-material objects مجرّدات
non-material "one" واحد مفارق
nonmaterial substance جوهر مجرّد
non-material substance relating to ← the intellect جوهر مجرّد عقلی
non-material substance relating to ← the soul جوهر مجرّد نفسی
non-material world عالَم مجرّد؛ عقل مجرّد
non-mixed quiddity ماهیّت مجرّده (= ماهیّت بشرط لا)؛ مجرّده (= ماهیّت بشرط لا)
non-Muslims legally protected by ← Islamic government اهل ذمّه
non-Muslims who are protected by a ← treaty of surrender ذمّی
non-necessity لا ضرورت
non-phenomenal knowledge علم حضوری
non-potency لا قوّه
non-power لا قوّه
non-pre-eternal غیرازلی
non-real "one" واحد غیرحقیقی
non-real unity وحدت غیرحقیقی
non-relational نفسی (≠ اضافی)
non-representational knowledge علم حضوری
non-requirement عدم اقتضاء؛ لا اقتضاء

nonsense عبث
nonsensible نامحسوس
non-sensible expressions شطحیّات
non-spatial لا مکان
non-static غیرقارّ
non-static continuous quantity کمّ متّصل غیر قارّ الذات
non-static quantity کمّ غیرقارّ
non-temporal زمان‌ناپذیر؛ قدیم
non-true unity وحدت غیرحقّه
non-voluntary غیراختیاری
nonwaking vision مکاشفه‌ی در حال خواب
norm معیار
normative legal custom سنّت
not-being عدم
not-being-a-thing لا شیء
nothing عدم؛ لا شیء؛ لیس (= عدم)؛ معدوم
nothing can be predicated of لا یُخبَر عنه
nothing issues from the one except ← one الواحد لا یصدر منه الّا الواحد
nothingness عدم؛ لا شیئیّت؛ لیْس (= عدم)

non-composite وحدانی
noncompound بسیط
non-concrete اعتباری
non-conditional as the source of
← division لا بشرط مقسمی
non-conditioned لا بشرط
non-conditioned (being as the source
← of division) مطلقه (لا بشرط مقسمی)
nonconditioned quiddity
ماهیّت لا بشرط؛
ماهیّت مطلقه (= ماهیّت لا بشرط)
nondelimitation اطلاق (= مطلق بودن)
nondelimited مطلق
nondelimited perfection کمال مطلق
non-detailed knowledge علم اجمالی
non-differentiated intellection
عقل اجمالی
nondual واحد
non-dualist
وحدت وجودی (= قائل به وحدت وجود)
Nondual, the واحد (خداوند)
non-entity تعطیل (در وجود)؛
معدوم
non-essence لا ذات
non-eternal غیرازلی
non-eternity حدوث
non-existence عدم؛
غیرموجود؛
لا وجود؛
لیس (= عدم)

non-existence at the level of
← perpetual duration عدم دهری
non-existence at the level of
sempiternity عدم سرمدی
non-existence in the sense of
privation عدم ملکه
non-existence related to
something عدم مضاف
non-existence-through-perpetual-
duration عدم دهری
non-existent عدم؛
معدوم
non-existent entities امور عدمی
nonexistent entity عین معدومه
nonexistent matters امور عدمی
non-existent possible ممکن معدوم
non-existent quality امور عدمی
non-existent relations and realities
امور عدمی
non-existent world عالَم عدم
non-in-itself لا فی نفسه
non-intentional knowledge
علم حضوری
nonlimited نامحدود
non-local لا مکان
non-manifested identity هویّت غیبیّه
non-material مجرّد؛
مفارق
non-material intellect عقل مجرّد؛
عقل مفارق

مجرّده (= ماهیّت بشرط لا)
negatively unconditioned being
وجود بشرط لا
negative qualities صفات سلبی
negative quality صفت سلبی
Neoplatonic نوافلاطونی (وصف)
Neoplatonic philosophy
فلسفه‌ی نوافلاطونی
Neoplatonism فلسفه‌ی نوافلاطونی؛
مکتب نوافلاطونی
Neoplatonist نوافلاطونی (اسم)
nescience تعطیل (در شناخت)؛
جهالت؛
جهل
new arrival حدوث
new creation خَلق جدید
newly arrived حادث؛
محدَث
new Muslim
حدید الاسلام (= تازه‌مسلمان)
next life آخرت
next state of being نشئه‌ی آخرت
next world آخرت؛
عالَم آخرت؛
عُقبیٰ
night journey into His Presence
معراج
night journey of the Prophet (from
← Mecca to Jerusalem) اِسراء
Night of Power شب قدر؛
لیلة القدر
nine heavens افلاک نه‌گانه
nine spheres افلاک نه‌گانه
Noah نوح (ع)
noble شریف
noble and common خاصّ و عامّ
noble character traits مکارم اخلاق
noble dispositions مکارم اخلاق
Noble Koran, the قرآن کریم
nobleman شریف
Noble Qur'an, the قرآن کریم
Noble Quran, the قرآن کریم
Noble Recorders کرام الکاتبین
nobler, the اشرف
noblest, the اشرف
nocturnal ascent معراج
noetic عقلی؛
فکری
nominal concept معنای اسمی
non-actualized مقدَّر (= مفروض)
non-actualized external existent
موجود خارجی مقدّر
non-apodictic proof دلیل اقناعی
nonattachment عدم تعلّق
non-being عدم؛
لا وجود؛
لیْس (= عدم)؛
معدوم؛
نیستی
non-canonical prayer دعا

ضرورت (= وجوب)؛
لزوم؛
وجوب (≠ امکان)
necessity-by-itself ضرورت ذاتی؛
وجوب بالذات
necessity-by-something else
ضرورت بالغیر؛
وجوب بالغیر
necessity in relation something else
ضرورت بالقیاس الی الغیر
necessity in relation to something
← else وجوب بالقیاس الی الغیر
necessity of being وجوب وجود
necessity of existence وجوب وجود
necessity through another
وجوب بالغیر
necessity through other than itself
ضرورت بالغیر
need احتیاج؛
افتقار؛
حاجت؛
فقر
neediness افتقار
needy محتاج
negated منفی
negate, to سلب کردن؛
طرد کردن؛
نفی کردن
negation رفع؛
سلب؛

طرد؛
عدم؛
نفی (≠ اثبات)؛
نقیض
negation and affirmation
سلب و ایجاب
negation and confirmation
نفی و اثبات
negation of astray thoughts
نفی خواطر
negation of a thing of itself
سلب شیء از خودش
negation of negation سلبِ سلب؛
نفیِ نفی
negation of non-existence طرد عدم
negation of the Divine Attribute(s)
تعطیل (= نفی صفات)
negation of two contradictories
ارتفاع نقیضین؛
رفع نقیضیین
negation relationship نسبت نفی
negative سلبی (≠ ایجابی)؛
عدمی؛
منفی
negative attribute صفت سلبی
negative attributes صفات سلبی
negative judgement حُکم سلبی
negatively conditioned بشرط لا
negatively conditioned quiddity
ماهیّت مجرّده (= ماهیّت بشرط لا)؛

necessary accident عَرَض لازم
necessary accidents عوارض لازم
(necessary) accompaniment لازمه
necessary attributes صفات لازم
Necessary Being ضروریّ الوجود؛
وجود واجب (تعالی)
necessary being in itself
واجب الوجود بالذات
Necessary Being, the
واجب الوجود (خداوند)
Necessary Being through Itself
واجب بالذات
necessary by another ضروریّ بالغیر
necessary-by-itself واجب بالذات
necessary-by-something-else
واجب بالغیر
necessary by the other واجب بالغیر
necessary cause علّت ضروری
necessary concomitance تلازم
necessary consequence تولّد
necessary essentially لازم ذات
necessary existence of priority
سبق بالذات
Necessary Existence, the
واجب الوجود (خداوند)
necessary feature لازمه
necessary-in-itself ضروریّ بالذات؛
ضروریّ ذاتی
necessary in relation to something
← else ضروریّ بالقیاس الی الغیر؛
واجب بالقیاس الی الغیر
necessary-in-themselves
ضروریات ذاتیّه
necessary judgement حُکم ضروری
necessary knowledge علم بدیهی؛
علم ضروری
necessary *per se* واجب بالذات
necessary qualities صفات لازم
necessary relation نسبت ضروری
necessary requirement شرط لازم
Necessary, the واجب (خداوند)
necessary through Other
واجب بالغیر
necessary through other than itself
واجب بالغیر
necessary through the other
واجب بالغیر
necessitated موجَب
necessitated agent فاعل موجَب
necessitate, to ایجاب کردن؛
ضرورت بخشیدن؛
مستلزم بودن؛
مقتضی بودن
necessitating agent موجِب
necessitating cause علّت موجِبه
necessitation استلزام؛
ایجاب؛
ضرورت بخشیدن
necessitator موجِب
necessity اضطرار (= ضرورت)؛

natural evil	شرّ طبیعی
natural force	قوّه‌ی طبیعی
natural form	صورت طبیعی
natural inclination	میل فطری
Naturalists	طبیعیّون
natural knowledge	علم طبیعی
natural motion	حرکت طبیعی
natural movement	حرکت طبیعی
natural mover	محرّک بالطبع
natural order	ترتیب طبیعی
natural philosophers	طبیعیّون
natural philosophy	طبیعیّات؛
	علم طبیعی
natural power	قوّه‌ی طبیعی
natural priority	تقدّم طبعی؛
	سبق بالطّبع
natural psyche	نفْس طبیعی
natural reason	عقل فطری
natural religion	دین فطری
natural science	علم طبیعی
natural sciences	طبیعیّات
natural scientists	طبیعیّون
natural souls	نفوس منطبعه
natural spirit	روح طبیعی؛
	نفْس طبیعی
natural tendency	میل فطری
natural universal	کلّی طبیعی
natural world	عالَم طبیعت
nature	حقیقت؛
	ذات؛
	طبع؛
	طبیعت؛
	ماهیّت؛
	هویّت
natures	طبایع
nature with analogical gradation	طبیعت مُشکَّک
Nazarenes	نَصارا
nearby agent	فاعل قریب
near cause	علّت قریب
nearest light, the	نور الاقرب
nearness	تقرّب؛
	قرب؛
	مجاورت
nearness to God	قرب الاهی؛
	قرب به خدا
Near, the	قریب (خداوند)
necessarily	بالضروره
necessarily existent	ضروریّ الوجود
necessarily existent through another	واجب الوجود بالغیر
necessarily non-existent	ضروریّ العدم
necessarily subsistent	واجب الثبوت
necessary	اضطراری (= ضروری)؛
	ضروریّ؛
	لازم؛
	ملازم؛
	واجب (= ضروری)؛
	واجب (≠ ممکن)

N n

named term	اجل مسمّیٰ
Named, the	موصوف (خداوند)
names	اسماء
names and attributes	اسماء و صفات
names and qualities	اسماء و صفات
Names for magnification	اسماء تقدیس
Names of Attributes of God	اسماء صفات
Names of Beauty	اسماء جمال
Names of Divine Acts	اسماء افعال
names of gentleness	اسماء لطف
Names of incomparability	اسماء تنزیه
Names of Majesty	اسماء جلال
Names of sanctification	اسماء تقدیس
names of severity	اسماء قهر
names of suzerainty	اسماء ربوبی
Names of the Divine Essence	اسماء ذات
naming	تسمیه
narrated	منقول (= نقلی)
nascent	حادث
nastiness	قبح
nation	امّت
nations	مِلَل
natural	بالطبع؛ طبیعی؛ فطری
natural accident	عَرَض ذاتی
natural act	فعل طبیعی
natural action	فعل طبیعی
natural agent	فاعل بالطّبع؛ فاعل طبیعی
natural body	جسم طبیعی
natural cause	سبب طبیعی؛ علّت طبیعی
natural death	مرگ طبیعی
natural disposition	خُلق؛ فطرت

mystic vision	شهود عرفانی	mystification	رمز
mystic wisdom	معرفت		

mundus imaginalis	عالَم مثال
munificence	جود؛
	کرامت (= گشاده‌دستی)
Munificent, the	جواد (خداوند)
Murji'ism	مرجئه (مسلک)
Murji'ite	مرجئه
Murji'ites	مرجئه
Muslim	مسلمان
Muslim community	امّت اسلامی؛
	امّت مسلمان
Muslim countries	دار الاسلام
Muslim lands	دار الاسلام
mustering	حشر
mutation	تحوّل
Mu'tazilism	معتزله
Mu'tazilites	معتزله
Mu'tazilite School	اعتزال؛
	مکتب اعتزال
mutual exclusion	تمانع؛
	منافات
mutual impeding	تمانع
mutual implication	تلازم
mutual likeness	مماثلت
mutual opposition	تمانع
mutual prevention	تمانع
mutual relation	تناسب؛
	مناسبت
mutual resemblance	تماثل؛
	مماثلت
(mutual) similarity	تشابه
mysteries of God, the	اسرار خداوند
mysterious	غیب
mystery	سرّ (= راز)
mystery of destiny	سرّ قدر
mystery of predestination	سرّ قدر
mystic	عارف؛
	عرفانی
mystical	عرفانی
mystical disclosure	مکاشفه
mystical experience	ذوق؛
	کشف و شهود
mystical knowledge	معرفت
mystical life	حیات عرفانی
mystical tasting	ذوق عرفانی
mystical theosophists	الاهیّون
mystical unity	وحدت عرفانی
mystical vision	کشف و شهود
mystic dubitation	تجاهل عارف
mystic intuition	کشف و شهود
mysticism	تصوّف؛
	صوفیّه؛
	عرفان
mystic journey	سلوک
mystic knowledge and experience	کشف
mystic perception	ذوق؛
	معرفت ذوقی
mystics	اهل عرفان
mystic state	حال
mystic trance	خلسه‌ی عرفانی

most solid and concise proof, the دلیل اسدّ و اخصر
most special possibility, the امکان اخصّ
Most Strong, the قویّ (خداوند)
most universal being, the کون جامع
mother of all propositions امّ القضایا
Mother of the Book امّ الکتاب
Mother of the Cities امّ القری
Mother of the Faithful امّ المؤمنین
motion حرکت
motion and rest حرکت و سکون
motion in setting حرکت وضعی
motionless ساکن
Motionless Mover محرّک غیرمتحرّک
motivation انبعاث؛
محرّک (= انگیزه)
motive باعث؛
داعی (= انگیزه)؛
محرّک (= انگیزه)
motive faculty قوّه‌ی محرّکه
mountedness ترکیب
movable متحرک
move حرکت
moved متحرّک
moved through volition متحرّک بالاراده
movement حرکت
movement in place حرکت مکانی
movement of ardent desire حرکت شوقی
mover محرّک
moving متحرّک
moving by will متحرک بالاراده
moving faculty قوّه‌ی عامله؛
قوّه‌ی محرّکه
moving force قوّه‌ی محرّکه
Muhammadan spirit روح محمّدی
Muhammad's Family اهل بیت محمّد (ص)
Mullâ Sadrâ ملّا صدرا
multiple کثیر؛
متکثّر
multiple good خیر کثیر
multiple in number کثیر عددی
multiplication تکثّر
multiplicity تعدّد؛
تکثّر؛
کثرت
multiplicity of darkness کثرت ظلمانی
multiplicity of species کثرت نوعی
multiplicity within unity کثرت در وحدت
multitude کثرت؛
کثیر
multitude, the عوام
mundane دنیوی
mundanity دنیاگرایی

moral traits اخلاق
(moral) transgression گناه
more befitting اصلح
more particular اخصّ
mores عادت
more special possibility امکان اخصّ
more specific اخصّ
mortal زوال‌پذیر؛ فانی؛ فناپذیر
mortal life حیات فانی
mortal man بشر
mortal self نفْس فانی
mortal sin گناه کبیره
mortal sinner مرتکب کبیره
mortal sinners اهل کبایر
Moses موسی (ع)
(Most) Beautiful Names, the اسماء حُسنیٰ
most beautiful of creators, the احسن الخالقین
most beautiful stature, the احسن تقویم
most befitting, the اصلح
most deniable of the deniables, the انکر منکرات
most evident and clear, the اعرف
most exalted, the اعلیٰ؛ متعالی (خداوند)
most excellent, the افضل
Most Generous of the generous, the اکرم اکرمین (خداوند)
most hidden state, the اخفیٰ (از مراتب نفس)
most hidden, the غیب الغیب
Most High, the متعالی (خداوند)
most holy emanation, the فیض اقدس
Most Holy, the قُدّوس (خداوند)
most indefinite of the indefinites, the انکر منکرات
Most Merciful, the رحیم (خداوند)
most noble of all creation, the اشرف مخلوقات
most noble of all creatures, the اشرف مخلوقات
Most Pardoning, the عَفُوّ (خداوند)
most perfect arrangement, the نظام اکمل
most perfect of things, the نظام اکمل
most perfect stature, the احسن تقویم
most sacred effusion, the فیض اقدس
most sacred, the اقدس؛ قُدّوس (خداوند)
most solid and concise (argument), the ← اسدّ و اخصر (برهان)

حالت؛
حیثیّت؛
کیفیّت؛
نمط؛
وجه
mode of being طور وجود؛
نحوه‌ی وجود؛
نشئة؛
هیأت
mode of existence طور وجود؛
نحوه‌ی وجود
mode of nature نشئه‌ی طبیعت
mode of spirit نشئه‌ی روح
moderate temperament اعتدال مزاج
moderation اعتدال؛
توسّط
modes احوال؛
اَطوار
modes of being اکوان؛
انحاء وجود
modes of perception ادراکات
modesty خضوع
modification تعدیل؛
تغییر
modified متغیّر
modus ponens وضع مقدّم
modus tollens رفع تالی
moment آن (مفرد آنات)؛
لحظه؛
وقت

momentary events آنیّات
momentary existence وجود آنی
momentary experience وقت
momentary things آنیّات
moment of death اجل (= وقت مرگ)
monad جوهر فرد
monadism نظریّه‌ی جوهر فرد
Monarch, the مالک (خداوند)
monarchy مُلک
monastery صومعه
monasticism رهبانیّت
monist
وحدت وجودی (= قائل به وحدت وجود)
monk راهب
monopoly انحصار
monotheism آیین توحید؛
توحید
monotheist حنیف؛
موحِّد
monotheistic توحیدی
monotheistic doctrine تعالیم توحیدی
moon قمر
moral خُلقی (= اخلاقی)
moral evil شرّ اخلاقی
morality اخلاق
(morally) approved معروف (≠ منکر)
(morally) disapproved منکَر
morally responsible مکلَّف
moral philosophy حکمت اخلاقی
moral sentiment وجدان

نفْس
mineral جماد
minerals جمادات
mingling امتزاج؛
مزاج
minor constraint قسر اقلّی
minor occultation غیبت صغریٰ
minor term حدّ اصغر
miracle اعجاز؛
خرق عادت؛
کرامت؛
معجزه
miracle (of prophet) آیه (= معجزه)
miracle of Quran اعجاز قرآن
miracles of the saints کرامات اولیاء
miracles performed by a Sufi saint
کرامات
miraculous خارق العاده
miscellaneous articles متفرقات
mischief شرّ
misconception توهّم؛
شبهه
misery شقاوت
misgiving شبهه
misguided ضالّ؛
گمراه
misguider مُضِلّ
Misguider, the مضلّ (خداوند)
misguiding مُضِلّ
misled گمراه

mission دعوت (= تبلیغ)؛
رسالت
missionary دعوت (= تبلیغ)
mistake خطا
mixed ممتزج
mixed quiddity ماهیّت بشرط شیء؛
ماهیّت مخلوطه (= ماهیّت بشرط شیء)؛
mixed with a condition بشرط شیء
mixing اختلاط
mixture اختلاط؛
امتزاج؛
مزاج؛
ممتزج
mobile سیّال؛
سیلانی؛
متحرّک
mobile extension امتداد سَیلانی
mobile nature طبیعت سیّال
mobility سیلان
modalities of judgements
جهات قضایا (≠ موادّ قضایا)
modalities of propositions
جهات قضایا (≠ موادّ قضایا)
modality حیثیّت
modality of being نشئة
modal possibility امکان ذاتی
modals
موادّ ثلاث (= وجوب، امکان و امتناع)
mode جهت؛
حال؛

پیغمبر؛
رسول؛
مُرسَل
messengerhood رسالت
Messenger of Allah رسول اللّه
Messenger of God رسول اللّه
messengers مُرسَلین
messiah مسیح (منجی)
Messiah, the مسیح (ع)
meta-logical principle اصل موضوع
meta-logical principles
اصول موضوعه
metamorphoses تحوّل
metamorphosing
مسخ (انتقال نفس پس از مرگ به بدن حیوان)
metaphor مَجاز
metaphorical استعاری؛
مَجازی
metaphorical being وجود مجازی
metaphorical existence
وجود مجازی
metaphorically بالمجاز
metaphysical مابعدالطبیعی
metaphysics الاهیّات؛
امور عامّه؛
حکمت (= مابعدالطبیعه)؛
فلسفه‌ی اُولی؛
مابعدالطبیعه
metaphysics in its general sense
الاهیّات بالمعنی الاعمّ

metaphysics in its particular sense
الاهیّات بالمعنی الاخصّ
metempsychosis تناسخ؛
مسخ (انتقال نفس پس از مرگ به بدن حیوان)
method آیین (= راه و روش)
method of mutual hindering
روش تمانع
Michael میکائیل
microanthropos انسان صغیر
microcosm انسان صغیر؛
عالَم اصغر؛
عالَم صغیر
microcosmic انفسی
microcosmic world عالَم صغیر
microcosmic world of imagination
خیال متّصل
microcosms اَنفُس
middle وسط
middle-and-the-side وسط و طرف
middle ground امر بین الامرین
middle term حدّ وسط
middle *ummah* امّت وسط
might قدرت
mightiness عظمت
Mighty, the عزیز (خداوند)؛
عظیم (خداوند)
migrant مهاجر
mind ذهن؛
ضمیر (= وجدان)؛
عقل؛

meeting تلاقی؛
لقاء
member of the so-called orthodox
← branch of Islam سُنّی
memory حافظه؛
ذاکره؛
قوّه‌ی حافظه
mending التیام (≠ خرق)
Men of Allah مردان خدا
Men of God مردان خدا
men of science علماء
mental ذهنی؛
روانی؛
فکری
mental aspects اعتبارات
mental being موجود ذهنی؛
وجود ذهنی
mental concept صورت ذهنی
mental construct اعتباری
mental existence وجود ذهنی؛
وجود علمی
mental existent موجود ذهنی
mental faculty ذهن؛
قوّه‌ی ذهنی
mental form صورت ذهنی
mental image تصویر ذهنی؛
صورت ذهنی
mental impression صورت ذهنی
mental individuals افراد ذهنی
mentality ذهنیّت
mentally-posited quiddity
ماهیّت اعتباری؛
ماهیّت غیرمتحصّله
mentally-posited whole کلّ اعتباری
mental nature of quiddity
اعتباریّت ماهیّت
mental perceptions مدرَکات ذهنی
mental pinpointing اشاره‌ی عقلی
mental power قوّه‌ی ذهنی
mental relation نسبت ذهنی
mental substance جوهر ذهنی
mental world عالَم ذهن
mentor استاد
merciful رحمانی
mercifulness رحمانیّت
Merciful, the راحم (خداوند)؛
رحمٰن (خداوند)؛
رحیم (خداوند)
mercy رحمت
Mercy-giving, the رحیم (خداوند)
mercy to the worlds رحمةٌ للعالمین
mercy to the world's inhabitants
رحمةٌ للعالمین
mere محض
merely imagined things امور موهوم
merging اتّحاد
merit ثواب
meritorious action عمل صالح
message رسالت
messenger پیامبر؛

mathematical plane	سطح تعلیمی
matter	مادّه؛
	مسأله؛
	هیولیٰ
matter of matters	مادّةالموادّ
matter of viewing	اعتبار
matters of belief	مسائل عقیدتی
matters of propositions	موادّ قضایا (≠ جهات قضایا)
matters of religion	مسائل دینی
mature	بالغ
mature wisdom	حکمت بالغه
Maturidism	ماتریدیّه
Maturidite	ماتریدی
Maturidites	ماتریدیّه
maxim	حُکم
Mazdakism	آیین مزدک
Mazdakites	مزدکیّه
mean	واسطه
meaning	معنا؛
	مفهوم
means	واسطه؛
	وسیله
means for production	واسطه‌ی در صدور
measurable part	جزء مقداری
measure	اندازه؛
	قَدَر؛
	مقدار
measurement	مقدار
measuring out	قَدَر
Mecca	امّ القری
mediate cause	سبب
mediated	باواسطه (وصف)
mediated knowledge	علم حصولی
mediating	توسّطیّه (حرکت)
mediating agent	فاعل با واسطه
mediating movement	حرکت توسطی
mediation	توسّط؛
	شفاعت؛
	وسیله
mediator	واسطه
mediator in emanation	واسطه‌ی در صدور
mediator of affirmation	واسطه‌ی در اثبات
mediator of attribution	واسطه‌ی در عروض
mediator of occurrence	واسطه‌ی در عروض
mediator of subsistence	واسطه‌ی در ثبوت
meditation	تدبّر؛
	تأمّل؛
	تفکّر؛
	فکر؛
	مراقبه
meditative faculty	قوّه‌ی فکر
medium	متوسّط؛
	وسط

M m

macroanthropos	انسان کبیر
macrocosm	آفاق؛
	انسان کبیر؛
	عالَم اکبر؛
	عالَم کبیر
macrocosmic	آفاقی
macrocosmic world	عالَم کبیر
macrocosmic world of imagination	خیال منفصل
made	مجعول؛
	مصنوع
Madonna Intelligenza	روح القدس؛
	عقل فعّال
Magi	مجوس
Magian	مجوس
magic	سِحر
magician	ساحر
magnificence	جلال؛
	جلالت؛
	کبریاء
Magnificent, the	متکبّر (خداوند)
magnifying	تعظیم
magnifying God's waymarks	تعظیم شعائراللّه
magnifying religious waymarks	تعظیم شعائر
magnifying the waymarks	تعظیم شعائر
magnitude	مقدار
Maimonides	ابن میمون
majestic	جلیل؛
	کبریایی
Majestic, the	جلیل (خداوند)؛
	ذوالجلال (خداوند)
majesty	جلال؛
	جلالت؛
	عظمت
Majesty (of God)	جلال؛
	جلال خدا
Majesty, the	سلطان (خداوند)

lust	شهوت	*lux*	نور
lustful	شهوانی	*lux victorialis*	نور قاهر

سیّد (خداوند)؛
مولیٰ (خداوند)؛
والی (خداوند)
lot قسمت (تقدیر)
Lote Tree of the Utmost Limit, the
سدرة المنتهی
Lotus of the Utmost Limit, the
سدرة المنتهی
Lotus tree of the Utmost Boundary,
← the سدرة المنتهی
lovable محبوب
love حُبّ؛
عشق؛
محبّت؛
مودّت
Loved, the عزیز (خداوند)
love of created things عشق مَجازی
love of God محبّت الاهی
love of God, the محبت خداوند
love of the carnal soul حبّ نفس
love of the world حبّ دنیا
love of worldly things حبّ دنیا
lover of God حبیب اللّه
Lover, the ودود (خداوند)
Loving, the ودود (خداوند)
lower being وجود سافل
lower existence وجود سافل
lower life حیات دنیا
lower soul نفْس
lower victorious light نور قاهر ادنیٰ

lower world دنیا؛
عالَم سفلیٰ
lowest of the low, the اسفل السّافلین
lowest sphere, the فلک اقصیٰ
lowest world, the عالَم اسفل؛
عالَم دنیا؛
عالَم سفلیٰ
lowliness ذلّت
low point حضیض (≠ اوج)
Lucifer ابلیس
luck بخت (= سرنوشت)
lucky سعید
luminosity اشراق
luminous نوری
luminous archetype مثال نوری
luminous archetypes عالَم مثال نورانی
luminous frames هیاکل نوریّه
luminous idea مثال نوری
luminous multiplicity کثرت نورانی
luminous non-material things
مفارقات نوری
luminous sciences علوم اشراقی
luminous spirits ارواح نوری
luminous substance جوهر نورانی
luminous temples هیاکل نوریّه
luminous world of apparitional
← figures عالَم مثال نورانی
luminous world of Idea-Images
عالَم مثال نورانی
lunar قمری

locus of vision	منظر
locution	ندای غیبی
loftiest vicegerency	خلافت کبریٰ
Lofty, the	رفیع (خداوند)
logic	منطق
logical	منطقی (وصف)
logical consideration	اعتبار عقلی
logical demonstration	برهان عقلی
logical division	تقسیم عقلی؛ قسمت عقلی
logical possibility	امکان عقلی
logical reasoning	استدلال منطقی
logical secondary intelligible	معقول ثانی منطقی
logician	منطقی (اسم)
logos	کلمه
longing	شوق
longitudinal	طولی
longitudinal hierarchy	سلسله‌ی طولی؛ نظام طولی
longitudinal order	ترتیب طولی؛ نظام طولی
loose talk	مسامحه (در تعبیر)
loose way of expression	مسامحه (در تعبیر)
Lordliness	ربّانیّت؛ ربوبیّت
Lordly	ربّانی
Lordly Attributes	اوصاف ربوبیّه؛ صفات ربوبی
Lordly condition	ربوبیّت
Lordly grace	لطف ربوبیّت
lordly graces	الطاف ربّانی
Lordly incoming thought	خاطر ربّانی
lordly inspirations	الهامات ربّانی
Lordly knowledge	علم ربّانی
Lordly light	نور اسفهبدی
lordly lights	انوار اسفهبدی
Lordly Mystery	سرّ ربّانی
Lordly Names	اسماء ربوبی
lordly predestination	تقدیر ربّانی
Lordly realities	حقایق ربّانی
Lordly science	علم ربّانی
Lordly State	ربوبیّت
lordly succour	توفیق ربّانی
Lordly wisdom	حکمت ربوبی
Lord of all being	ربّ العالمین
Lord of all the worlds	ربّ العالمین
Lord of Splendor, the	ذوالجلال (خداوند)
lord of the emissaries	سیّدالمُرسلین
Lord of the Lords	ربّ الارباب
lord of the species	ربّ النّوع
Lord of the Time	صاحب زمان
Lordship	ربوبیّت
lords of the species	ارباب انواع
Lord, the	پروردگار (خداوند)؛ ربّ (خداوند)؛

limited existence وجود محدود
limited in duration محدود زمانی
limited light نور مقیّد
limitedness محدودیّت
limited numerical unity وحدت عددی محدود
limitless بی‌انتها؛ بی‌نهایت؛ غیرمحدود؛ لا یتناهی؛ نامحدود
limitlessness عدم تناهی
limitless power قدرت بی‌کران
limit of time طرف زمان
limits حدود
limpidity خلوص
line خطّ
link رابطه
linked متّصل
Lion of God اسد اللّه
Listener, the سامع (خداوند)
litanies اوراد
literal بالحقیقه
literal aspect ظاهر (معنا)
literalists ظاهرگرایان
literally بالحقیقه
literal meaning تنزیل (≠ تأویل)؛ معنای حقیقی
literal meanings of the book ظواهر کتاب
little knowledge علم قلیل
liturgical act عبادت
liturgical rite عبادت
liveliness حیات
living زنده
living being موجود زنده
living entity موجود زنده
Living One, the حیّ (خداوند)
Living, the حیّ (خداوند)
local مکانی
localization تمکّن (= مکان داشتن)
localized متحیّز
localized in space متحیّز
locatedness اَینیّت
location محلّ؛ مکان
loci of manifestation مظاهر
loci of vision مناظر
locomotion حرکت مکانی
locomotive faculty قوّه‌ی محرّکه
locus حیث (مکان)؛ حیّز؛ ظرف؛ محلّ؛ مکان؛ موضوع
locus classicus اقوی الادلّه
locus of manifestation مَظهر
locus of objectively actualized reality ظرف واقع

Libertarians قدریّه
libertinism اباحه‌گری
libertinists اباحیّه
life حیات؛
سیره
Life-Bestowing, the مُحیی (خداوند)
life beyond حیات آخرت
life-denying ترک دنیا
Life-Giver, the مُحیی (خداوند)
life of creatures معاش خلق
life of the heart حیات قلب
Life, the حیّ (خداوند)
light خفیف (≠ ثقیل)؛
نور
lightning برق
Light of (all) lights نور الانوار
light of Divine command
نور اسفهبدی
light of Divine commandment
نور اسفهبدی
Light of God نورالله
light of intellect نور عقل
light of intelligence نور عقل
light of Oneness نور احدیّت؛
نور توحید
light of self-revelation نور تجلّی
light of *tawḥîd* نور توحید
light of theophany نور تجلّی
light of unveiling نور تجلّی
light sin گناه صغیره
lights of Divine command
انوار اسفهبدی
lights of Divine commandment
انوار اسفهبدی
Light, the نور (خداوند)
like شبیه؛
مِثل
likelihood احتمال
likeness تشابه؛
تماثل؛
مشابهت؛
مماثلت؛
همانندی
likenesses اشتراکات (≠ اختلافات)؛
امثال
likening تشبیه
limbs ارکان (= اعضاء)؛
جوارح
limbs and members اعضا و جوارح
limit حدّ؛
طرف؛
نهایت
limit act فعل محدود
limit action فعل محدود
limitation تحدید؛
محدودیّت
limited متناهی؛
محدود؛
مقیَّد
limited being وجود محدود

Laws	شرایع
layers	دَرَکات
leader	امام؛
	پیشوا
Leader of Theosophers	صدرالمتألّهین
leadership	امامت
leadership of political community	امامت
leadership of the religious community	امامت امّت
leading astray	اضلال
leap	طفره
leaping	طفره
learned man	عالِم
learned master	عالِم
learned, the	اهل علم؛
	علماء
leave of God	إذن اللّه
leaving behind	ترک
leaving judgement to God	تفویض امر به خدا
leaving matters in God's Hands	تفویض امر به خدا
lecture	نطق
legal	تشریعی؛
	شرعی؛
	مشروع
legal command	امر تشریعی
legal guidance	هدایت تشریعی
legal injunction	حُکم شرعی
legal injunctions	اَحکام شریعت
legally commanded	مکلَّف
legally responsible	مکلَّف
legal matters	امور شرعی؛
	شرعیّات
legal proof	دلیل شرعی
legal reason	دلیل شرعی
legal system	مذهب
legislation	تشریع
legislative	تشریعی
legislative prophecy	نبوّت تشریعی
legitimacy	حقّانیّت
legitimate	حقّه؛
	مشروع
length	طول
lesser purification	طهارت صغریٰ
lesser purity	طهارت صغریٰ
Lesser Rising	قیامت صغریٰ
level	رتبه؛
	سطح؛
	مرتبه
levels	اَطوار؛
	مراتب
levels of knowledge	مراتب معرفت
levels of the world	مراتب عالم
lexis	قول
Libertarian	قَدَری
libertarianism	تفویض؛
	قَدَر

L l

lack	نقصان
lack of certitude	عدم یقین
lack of potential	لا قوّه
lamp	مصباح
language of Divine Law	لسان شرع
lantern	مصباح
last abode, the	دار آخرت
Last Days, the	آخرالزّمان
Last Day, the	روز قیامت؛ روز واپسین
lasting	جاودان
Lasting, the	دائم (خداوند)
last of the prophets, the	خاتم النبیّین (ص)؛ خاتم انبیاء (ص)
last pilgrimage, the	حَجّة الوداع
Last, the	آخِر (خداوند)
last world, the	آخرت
latency	کمون
latent realities	اعیان ثابته
latitudinal	عَرْضی (≠ طولی)
latitudinal hierarchy	سلسله‌ی عرْضی؛ نظام عرْضی
latitudinal order	ترتیب عرْضی؛ نظام عرْضی
Laudable, the	حمید (خداوند)
laudation	ثناء
lauded station	مقام محمود
laud, to	ستایش کردن
law	قانون؛ ناموس
Law-bringing	صاحب شریعت
lawful	حلال؛ مشروع
Lawgiver	شارع
Law-giving	تشریع
law-making	تشریعی
law of excluded middle	قانون طرد حدّ وسط؛ قانون طرد واسطه

شناخت؛
عِلم؛
معرفت
knowledgeable دانا
knowledge and action علم و عمل
knowledge by acquaintance
علم حصولی
knowledge by acquired
← representation
علم حصولی اکتسابی
knowledge by correspondence
علم حصولی
knowledge by inference
علم حصولی
knowledge by perception عین الیقین
knowledge by personal experience
حقّ الیقین
knowledge by presence
علم حضوری
knowledge by representation
علم حصولی
knowledge from God علم لدنّی
knowledge of beliefs علم اعتقادی
knowledge of certainty علم الیقین
knowledge of certitude علم الیقین
knowledge of God شناخت خدا؛
معرفت خدا
knowledge of inspiration علم الهامی
knowledge of religious doctrines
علم اعتقادی
knowledge of spiritual taste
علم ذوق
knowledge of the Absent علم غیب
knowledge of the Divine
شناخت خدا
knowledge of the Imam معرفة الامام
knowledge of the mysteries
علم اسرار
knowledge of the soul معرفت نفس
knowledge of the Unseen
علم اسرار؛
علم غیب
knowledge of the unseen world
علم غیب
knowledge received by the heart
واردات قلبی
knowledge through concepts
علم حصولی
knowledge through vision
علم کشف
known مُدرَک؛
معلوم
known-by-another معلوم بالعَرَض
known-by-essence معلوم بالذات
known-by-itself معلوم بالذات
known measure قَدَر معلوم
known thing معلوم
know, to درک کردن
Koran قرآن
Koran reciters قرّاء

K k

kalâm argument	برهان کلامی
kalâm authorities	متکلّمین
kalâm proof	دلیل کلامی
kalâm specialists	متکلّمین
Kalâm	علم کلام
Khaḍir;	خضر
Khârijism	فرقه‌ی خوارج
Kharijites	خوارج
Khawârij, the	فرقه‌ی خوارج
Khiḍr	خضر
kind	سنخ؛
	نوع
Kind, the	رؤوف (خداوند)
kingdom	مُلک
kingdom of God	ملکوت
kingdom of heaven	ملکوت
Kingdom-Possessing, the	مالک المُلک (خداوند)
kingdoms (of nature)	مولّدات
King of the kingdom, the	مالک المُلک (خداوند)
king retributor	مَلِک دیّان
King, the	مَلِک (خداوند)
knotting of the heart	عقدالقلب
knowable	معلوم
knower	عارف؛
	عالِم
knower of God	عالِم باللّه
knower of the absent and the ← witnessed	عالِم به غیب و شهادت
Knower, the	عالِم (خداوند)؛
	علیم (خداوند)
knowing	عالِم؛
	مُدرِک
knowingness	عالِمیّت
Knowing, the	عالِم (خداوند)؛
	علیم (خداوند)
knowledge	ادراک؛
	دانش؛

Justly Proud, the	متکبّر (خداوند)	Just, the	عادل (خداوند)؛
just scale	قسط		مُقسِط (خداوند)

ز

Judgement Day	روز قیامت
judgement of reason	حُکم عقل
judgement of revelation	حُکم وحی
judgement of the intellect	حُکم عقل
judgement of the intelligence	حُکم عقل
Judge, the	حاکم (خداوند)؛ حَکَم (خداوند)
judge, to	حُکم کردن
jugular vein	حبل ورید
junction	اتّصال؛ اقتران
juncture	اتّصال
juridically forbidden	حرام
just	عدالت
justice	عدالت؛ عدل؛ قسط
justification	تعلیل

Jesus	عیسی (ع)
Jewish	یهودی
Jews	جهود؛ یهود
jinn	جنّ
joined	متّصل
joined body	جسم متّصل
joinedness	اتّصال
joining	اتّصال
joining and separation	وصل و فصل
jointly	بالاشتراک
jostling	مزاحمت
journey within	سیر انفسی
joy	لذّت
[illegible]	مبتهج
[illegible]dism	یهودیّت
[illegible]judgement	تصدیق (≠ تصوّر)؛ حُکم؛ داوری؛ قضاوت

Islamic community	امّت اسلامی
Islamic esoterism	تصوّف
Islamic Law	شریعت اسلام
Islamic schools of thought	مذاهب اسلامی
Islamic state	خلافت
Islamic teachings	تعالیم اسلامی
Ismaelites	اسماعیلیّه
Isma'ilism	اسماعیلیّه
Isma'lism	مذهب اسماعیلیّه
"is" of existence	کان تامّه
"is" of predication	کان ناقصه
isolation	انفراد
Isrâfîl	اسرافیل
issuance	افاضه
issue	مسأله
issuing forth	انبعاث
isthmus	برزخ
i'tibârî nature	اعتباریّت
it-ness	هویّت

in violence بالقسر
invisible غیب
invisible and visible غیب و شهادت
invisible instant زمان فرد
invisible power نیروی غیبی
invisible world عالَم غیب؛
عالَم ملکوت
invitation دعوت
invocation ذکر
Invocation of God ذکر اللّه؛
ذکر حقّ
invocation with the imagination
ذکر خیالی
invoker ذاکر
invokers اهل ذکر
invoking ذکر
involuntary اضطراری (≠ اختیاری)؛
جبری (= اجباری)
involve, to متضمّن بودن
inward باطن؛
باطنی
inward aspect بطن
inward aspect of the Quran
باطن قرآن؛
بطن قرآن
inward book of creation
کتاب تکوینی انفسی
inward cause علّت داخلی
inward dimension باطن (اسم)
inward form صورت باطنی
inward harmony of existents
نظام درونی موجودات
inward journey سیر انفسی
inward language زبان باطنی
Inwardly, the باطن (خداوند)
inward meaning باطن (معنا)
inward purification طهارت باطن
inward purity طهارت قلب
inward sense باطن
inward state باطن
Inward, the باطن (خداوند)
inward vision مشاهده‌ی باطنی
inward world جهان باطن
Ipseity انّیّت؛
ذات؛
هویّت
irascibility غضب
irascible faculty قوّه‌ی غضبیّه
irascible force قوّه‌ی غضبیّه
irascible soul نفْس غضبی
irrational خلاف عقل؛
نامعقول
irreconcilability ناسازگاری
irreconcilable ناسازگار
irreducible تحویل‌ناپذیر
irreligion بی‌دینی
Isagogue ایساغوجی (= کلیات خمس)
Islam اسلام
Islamic call دعوت اسلامی
Islamic code شریعت اسلام

in the end	بالمآل
intimacy	اُنس
intimate friend of God	خلیل اللّه
intimate taste	ذوق
intimations	تلویحات
intoxication of death	سکرةالموت
intrinsic	ذاتی؛
	مُقَوِّم
intrinsically	بالاصاله؛
	بالذات
intrinsically bad	قبیح ذاتی
intrinsic attributes	صفات لازم
intrinsic force	قوّه‌ی باطنی
intrinsic goodness	حُسن ذاتی (≠ حُسن زائد)
introductory	مقدّماتی
introspection	درون‌نگری
introspective mysticism	عرفان نظری
introversion	درون‌گرایی
introvertive	باطنی
introvertive journey of ascent	درون‌گرایی؛
	سیر صعودی باطنی
in truth	بالحقیقه
intuition	حدس؛
	ذوق؛
	شهود؛
	مشاهده
intuitional	حدسی
intuitive	ارتکازی؛
	بدیهی؛
	حضوری (علم)؛
	وجدانی
intuitive act of knowledge	علم حضوری؛
	علم شهودی؛
	معرفت شهودی
intuitive faculty	قوّه‌ی حدس
intuitive knowledge	علم بدیهی؛
	علم حضوری؛
	علم شهودی
intuitively	بالبداهه
intuitive mystics	اهل کشف
intuitive power	قوّه‌ی حدس
intuitive propositions	حدسیّات
in undifferentiated mode	به نحو اجمال
invalid	باطل؛
	فاسد (دلیل)
invalidation	ابطال
invalidity	بطلان
invariabilility	تغییرناپذیری
invariable	ثابت
invective	ذم
invention	اختراع
inverted forms	صور معلّقه
investigation	بحث؛
	تعمّق
invincibility	جبروت
Invincible, the	قهّار (خداوند)

بطن
interior faith ایمان باطنی؛
ایمان قلبی
intermediaries وسایط
intermediary برزخی؛
واسطه
intermediary cause علّت متوسّطه
intermediary causes علل متوسّطه
intermediary powers قوای واسطه
intermediary stage توسّط
intermediary state منزلت بین منزلتین
intermediary world برزخ
intermediate متوسّط؛
واسطه؛
وسط
intermediate locus of witnessing
مشهد برزخی
intermediate objects حقایق برزخی
intermediate position
امر بین الامرین؛
منزلت بین منزلتین
intermediate potencies قوای واسطه
intermediate suprasensory world
عالَم مثال
intermediate world برزخ؛
عالَم اوسط؛
عالَم برزخ
intermingling اختلاط
intermixture اختلاط؛
امتزاج

internal انفسی؛
باطنی؛
درونی
internal aspect باطن (اسم)
internal book of creation
کتاب تکوینی انفسی
internal cause علّت داخلی
internal sensation حسّ باطن
internal sense حسّ باطن
internal senses مشاعر باطنی
internal unveiling and contemplation
کشف و شهود
interpenetration تداخل
interpolated مندرج
interpolation اندراج؛
تحریف
interpretation تأویل؛
تفسیر
interpreting تفسیر
interrelation مناسبت
interrelationship مناسبت
interrogation in the grave سؤال قبر
interruption شقاق؛
وقفه
intertying رابطه
interval وقفه
intervene, to متوسّط شدن
intervention تصرّف؛
توسّط
inter-world برزخ

ناطق

intelligent faculty قوّه‌ی عقلی

intelligentia spiritualis عقول مجرّده

intelligibilia معقولات

intelligibility معقولیّت؛ نطق (= درک کلّیات)

intelligible معقول

intelligible analysis تحلیل عقلی

intelligible being امر معقول

intelligible definition حدّ معنوی

intelligible entity امر معقول

intelligible form صورت عقلی؛ صورت علمی

intelligible Garden جنّت معقول

intelligible matter مادّه‌ی عقلی

intelligible perception ادراک عقلی

intelligible quality امر معقول

intelligible reality حقیقت معقوله

intelligible realization تحصُّل عقلی

intelligibles معقولات

intelligible substance جوهر عقلی

intelligible truth حقیقت معقوله

intelligible world عالَم عقلی؛ عالَم معقول؛ ملأ اعلیٰ؛ نشئه‌ی عقلی

intense شدّت

intensifying اشتدادی

intension معنا

intensity شدّت

intensity of being اشتداد وجود؛ شدّت وجود

intensity of existence شدّت وجود

intensity of light شدّت نور

intensity of luminosity شدّت نور

intention غرض؛ قصد؛ معنا؛ نیّت

intentional ارادی؛ بالقصد

intentional agent فاعل بالقصد

interaction تماس

interceder شافع؛ شفیع

intercede, to شفاعت کردن

intercession شفاعت

intercessor شافع؛ شفیع

interconnected هم‌بسته

interconnecting factor رابط

interconnector رابط

interdependence وابستگی متقابل

interest خیر؛ صلاح؛ مصلحت

interference تزاحم

interior باطن؛ باطنی؛

قوّه‌ی عاقله؛
قوّه‌ی عقلی
intellectual form صورت عقلی
intellectual instruction تعلیم عقلی
intellectual interpretation
تأویل عقلی
intellectual intuition ذوق؛
علم لدنّی؛
کشف عقلی
intellectual judgement حُکم عقلی
intellectual knowledge
شناخت عقلانی؛
شناخت عقلی؛
معرفت برهانی؛
معرفت عقلی
intellectual labouring تعمّل عقلی
intellectual matter مادّه‌ی عقلی
intellectual matters معقولات
intellectual mode نشئه‌ی عقلی
intellectual necessity
ضرورت عقلانی؛
ضرورت عقلی؛
وجوب عقلی
intellectual part جزء عقلی
intellectual perception ادراک عقلی؛
درک عقلی
intellectual power ذکاوت
intellectual principle اصل عقلی؛
قاعده‌ی عقلی
intellectual proof حجّت عقلی؛

دلیل عقلی
intellectual qualities صفات عقلی
intellectual rank رتبه‌ی عقلی
intellectual reasoning استدلال عقلی
intellectual relation نسبت عقلی
intellectual rule قاعده‌ی عقلی
intellectual sciences علوم عقلی
intellectual signs آیات عقل
intellectual soul نفْس عاقله
intellectual speech نطق عقلی
intellectual substance جوْهر عقلی
intellectual thought تعقّل؛
تفکّر عقلی
intellectual vision شهود عقلی
intellectual world عالَم عقلی
intellectus عقل
intellectus adeptus عقل مستفاد
intellectus agens عقل فعّال
intellectus habitus عقل بالملکه
intellectus materialis عقل هیولانی
Intellegentia agens عقل فعّال
intelligence ادراک؛
ذکاوت؛
ذهن؛
شعور؛
عقل؛
فهم
intelligent ذی‌شعور؛
عاقل؛
عقلی؛

inspire, to الهام کردن
instance فرد؛
مابازاء؛
مصداق
instant لحظه
instantaneous آنیّ؛
دفعی
instantaneously دفعتاً
instantaneously existing آنیّ الوجود
instant change تغییر دفعی
instantiation مصداقیّت
instant (of time) آن (مفرد آنات)
instaurated مجعول
instauration جاعلیّت؛
جعل؛
مجعولیّت
instaurer جاعل
Instaurer, the جاعل (خداوند)
instinct غریزه
instinctive غریزی
instinctive intelligence عقل غریزی
instinctively مِنْ نفسه
instruction تعلیم
instrument آلت
instrumental آلی
in summary fashion به نحو اجمال
intangible لطیف (≠ کثیف)
intangible body جسم لطیف
integration ترکیب؛
یگانه‌سازی
integration through unification ترکیب اتّحادی
integrity تمامیّت
intellect خرد؛
عقل؛
قوّه‌ی درک
intellect by faculty عقل بالملکه
intellect in act عقل بالفعل
intellect in action عقل بالفعل
intellect in disposition عقل بالملکه
intellect in potency عقل بالقوّه
intellection تعقّل؛
فکر
intellective faculty قوّه‌ی مُدرِکه
intellective soul نفْس ناطقه
intellectual تعقّلی؛
عقلانی؛
عقلی؛
فکری؛
معقول
intellectual apprehension ادراک عقلی
intellectual being وجود عقلی
intellectual configuration نشئه‌ی عقلی
intellectual consideration اعتبار عقلی
intellectual evil شرّ عقلانی
intellectual existence وجود عقلی
intellectual faculty عقل؛

innermost mind ضمیر (= وجدان)
innermost secret باطن
inner order of existence
نظام درونی موجودات
inner purification صفای درون
inner-realities ذاتیّات؛
ذوات
inner reality باطن
inner sanctity ولایت باطنی
inner self, the ضمیر (= وجدان)
inner spiritual power ولایت باطنی
inner state باطن
inner strivings مجاهدات
inner struggles مجاهدات
inner unity وحدت درونی
inner vision مشاهده‌ی باطنی
inner world جهان باطن
innovation ابداع؛
اختراع؛
بدعت؛
تجدید
innovative بدیع
innovator بدعت‌گذار؛
مُبْدِع
innovators اهل بدعت
Innovator, the بدیع (خداوند)
in one's own right بالاستقلال؛
بالاصاله
inoperative معطّل (در وجود)
inoperativeness تعطیل (در وجود)

inorganic جماد
inquietude of existence
حرکت جوهری
inquiry بحث؛
نظر
in reality بالحقیقه
in relation بالاضافه
in-relation-to-something-else
بالقیاس الی الغیر
inseparable انفکاک‌ناپذیر؛
لازم
inseparable accident
عَرَض غیرمفارق؛
عَرَض لازم
inseparable accidents عوارض لازم
insight بصیرت
insightful بصیر
insightful people اهل بصیرت
insistence on committing sin
اصرار بر گناه
inspiration القاء؛
الهام
inspiration of jinn
القاء ناری (= القاء جنّی)
inspirations of the heart
واردات قلبی
inspired ملهَم
inspired knowledge علم الهامی
inspired soul روح مُلَهم
inspired transmission نقل (≠ عقل)

لازم؛
ملازم
inherent accident عَرَض لازم
inhering حالّ
inhering being وجود رابطی
inhering existence وجود رابطی
Inheritor, the وارث (خداوند)
inimitability اعجاز
inimitability of the Koran
اعجاز قرآن
inimitableness اعجاز
iniquity ظلم
initial ipseity هویّت اولیّه
initiatic realization سلوک
initiation بیعت
initiator مُبْدِع
in itself بذاته؛
به خودی خود؛
فی ذاته؛
فی نفسه
in its essence بذاته؛
لِذاتِه
in its most general sense
بالمعنی الاعمّ
in its most particular sense
بالمعنی الاخصّ
injunction حُکم
injunctions شرایع (= احکام)
injustice جور؛
ظلم

in motion متحرک
innate بالذات؛
حضوری (علم)؛
ذاتی؛
فطری
innate disposition غریزه؛
فطرت
innate knowledge شناخت فطری؛
علم جبلّی
innately بالذات
innate qualities طبایع
inner باطنی؛
بطن؛
درونی
inner ascending journey
سیر صعودی باطنی
inner blessing نعمت باطنی
inner contentment رضا
inner dimension بطن
inner faith ایمان باطنی
inner intelligibility نطق باطنی
inner joy رضا
inner knowledge علم باطن؛
علم لدنّی
inner logos نطق باطنی
inner meaning باطن (معنا)؛
معنای باطنی
innermost کُنه؛
لُبّ
innermost heart لُبّ

inerrant	مصون از خطا؛ معصوم
inerrant Imam	امام معصوم (ع)
in essence	فی ذاته
inexhaustible	غیرمتناهی
inexorable law	قانون ضرورت علّی
infallibility	عصمت
infallible	مصون از خطا؛ معصوم
infallible Imam	امام معصوم (ع)
inference	استدلال؛ استنباط؛ استنتاج
inference without intermediary	استنتاج بی‌واسطه
inferential knowledge	معرفت استدلالی
Inferno	جهنّم
Inferno, the	نار (= جهنم)
infer, to	استنباط کردن
infidel	کافر
infidelity	کفر
infiltration	تخلّل
infinite	بی‌نهایت؛ غیرمتناهی؛ لا یتناهی؛ ما لا ینتاهی؛ نامتناهی
infinite being	وجود لا یتناهی
infinite chain	تسلسل
infinite in act	بی‌نهایت بالفعل
Infinitely Merciful, the	رحمٰن (خداوند)؛ رحیم (خداوند)
infinite regress	تسلسل
infinite regression	تسلسل
infinite time	زمان سرمدی
infinite void	خلأ نامتناهی
infinitude	عدم تناهی؛ لا نهایت
infinitum	بی‌نهایت؛ ما لا ینتاهی؛ نامتناهی
in-flowing of being	سریان وجود
influence	اثر؛ تأثیر
in flux	سیّال
information	اِخبار
Informed, the	خبیر (خداوند)
in God's eyes	عندالله
ingratitude	کفران
ingratitude (towards God)	کفران نعمت
Inhabited House	بیت المعمور
inhabited region	معموره
inherence	حلول؛ ملازمه
inherent	حالّ؛ ذاتی؛ فطری؛

individuality تشخّص؛ فردیّت
individualization تشخّص
individualized منفرد
individualizer مخصِّص
individualizing accidents عوارض ماهیّت؛ عوارض مشخصّه
individualizing factor مشخِّص
individual prayer دعا
individual psyche نفْس فردی
individual reality عین
individuals اعیان
individuals existing in the mind افراد ذهنی
individuals in the external world افراد محقَّق در خارج
individual soul نفْس جزئی؛ نفْس فردی
individuals supposed to exist in ← the external world افراد مقدّر
individual substance جوهر فردی
individual unity وحدت شخصی
individual unity of existence وحدت شخصی وجود
individuated متشخّص
individuated being موجود متشخّص
individuating مشخِّص
individuating accident عَرَض مشخِّص

individuation تخصّص؛ تشخّص؛ تعیّن؛ تفرّد؛ جزئیّت؛ فردیّت
individum corpus جوهر فرد
indivisibility تجزیه‌ناپذیری؛ قسمت‌ناپذیری
indivisible انقسام‌ناپذیر؛ بسیط؛ قسمت‌ناپذیر
indivisible instant آن (مفرد آنات)
indivisible part جزء لا یتجزّا؛ جوهر فرد
indivisible unit جوهر فرد
induction استقراء
inductive intellect عقل استقرایی
inductive reason عقل استقرایی
Indulgent, the غَفُور (خداوند)؛ متجاوز (خداوند)
indweller حالّ
indwelling حلول
indwelling tranquility سکینه
ineffability وصف‌ناپذیری
ineffable وصف‌ناپذیر
ineffectiveness تعطیل (در وجود)
ineffectual معطّل (در وجود)
ineffectuality تعطیل (در وجود)
inerrancy عصمت

inconvertibility تحویل‌ناپذیری
inconvertible تحویل‌ناپذیر
incorporeal غیرجسمانی؛
غیرمادّی
incorporeal being موجود مجرّد
incorporeal beings روحانیّات
incorporeality تجرّد
incorporeality of the soul
تجرّد نفس
incorporeal substance
جوهر غیرجسمانی
incorruptible زوال‌ناپذیر؛
فسادناپذیر
increase زیادت
indefinite غیرمتناهی؛
نامتعیّن؛
نامتناهی؛
نامحدود
indefinite in number غیرمتناهی
indefinite matter هیولای بی‌شکل؛
هیولای مبهم
independence استقلال؛
غنا
independent غنیّ؛
مستقلّ
independent being وجود مستقلّ
independent existence وجود مستقلّ
independently بالاستقلال
Independent of all things, the
غنیّ (خداوند)

indestructible باقی؛
زوال‌ناپذیر؛
فناناپذیر
in detailed fashion به نحو تفصیل
indeterminate existence مطلق وجود
indicate, to دلالت کردن
indication اشاره؛
حکایت (= حاکی بودن)؛
دلیل (= شاهد)
indications شواهد
indicator دلیل (= شاهد)
Indicator, the دلیل (خداوند)
indifferent لا اقتضاء؛
مطلق
in differentiated mode
به‌نحو تفصیل
indigence حاجت؛
فقر
indignation غضب
indirectly باواسطه
indirectly known معلوم بالعَرَض
indirect object of perception
مدرَک بالعَرَض
indistinguishability تمیّزناپذیری
individual جزئی؛
خاصّ؛
شخص؛
شخصی؛
فرد
individual desire غرض

in actuality	بالفعل
in a metaphorical sense	بالمجاز
inanimate being	جماد
inanimate thing	جماد
in a nondelimited sense	على الاطلاق
inborn	درونی؛
	ذاتی؛
	غریزی؛
	فطری
inborn disposition	فطرت
in-born intellect	عقل فطری
incapable of declining	ممتنع الزّوال
incapacity	عجز
incarnation	تجسّد؛
	حلول
incarnationism	حلول
incarnationists	حلولیّه
incidence	اتّفاق (= حادثه)
incident	اتّفاق (= حادثه)
incidents	حوادث
inclinatio	میل
inclination	میل؛
	میل (= گرایش)
inclusio	وضع
inclusion	جمع
inclusive and exclusive	جامع و مانع (تعریف)
inclusive unity	وحدت جامع
incoherence	تهافت؛
	ناسازگاری
incoherent	ناسازگار
incoming thought	خاطر
incoming thoughts	خواطر
incommunicable	انتقال‌ناپذیر
incomparability	تنزّه
incomparable	منزّه
Incomparable, the	بدیع (خداوند)
incompatibility	مغایرت؛
	منافات؛
	ناسازگاری
incompatible	مباین؛
	مغایر؛
	ناسازگار
incomplete cause	علّت ناقصه
incomplete composite	مرکّب ناقص
incomplete compound	مرکّب ناقص
incomplete disposition	استعداد ناقص
inconceivability	استحاله (= محال بودن)
inconceivable	تصوّرناپذیر
incongruous	متناقض
inconsistence	منافات
inconsistency	تناقض؛
	تناقض‌گویی؛
	تهافت؛
	مغایرت؛
	ناسازگاری
inconsistent	مغایر؛
	ناسازگار
in contact	مماسّ

نقص؛
نقصان
imperishable زوال‌ناپذیر
impermanent world دار فانی (= دنیا)؛ دار فناء (= دنیا)
impermeability صمدیّت
Impermeable, the صمد (خداوند)
impious action سیّئه
implication استلزام؛ التزام؛ لازمه؛ لزوم؛ ملازمه
(implicit) modes, the موادّ ثلاث (= وجوب، امکان و امتناع)
(implicit) moods, the موادّ ثلاث (= وجوب، امکان و امتناع)
imply, to مستلزم بودن
import معنا
imposition عروض
impossibility استحاله (= محال بودن)؛ امتناع
impossibility by itself امتناع بالذات
impossibility in relation-to-something else ← استحاله بالقیاس الی الغیر؛ امتناع بالقیاس الی الغیر
impossibility through something else امتناع بالغیر
impossible مُحال؛ مستحیل؛ ممتنع
impossible-by-itself ممتنع بالذات
impossible-by-something-else ممتنع بالغیر
impossible in-relation-to-something-else ممتنع بالقیاس الی الغیر
impossible supposition فرض مُحال
impossible to be ممتنع الوجود
impossible to exist ممتنع الوجود
imprecision مسامحه (در تعبیر)
impression اثر؛ ارتسام؛ انتقاش؛ تأثیر
imprinted form صورت مُرتَسم
imprinted souls نفوس منطبعه
imprinting ارتسام
impulse داعی (= انگیزه)
impulsion داعی (= انگیزه)
impulsive faculty قوّه‌ی شوقیّه؛ قوّه‌ی نُزوعیّه (= قوّه‌ی شوقیّه)
impulsive soul نفْس امّاره
in actu بالفعل
in divinis عندالله
in habitu بالملکه
in potentia بالقوّه
Inaccessible, the عزیز (خداوند)
in act بالفعل

استنتاج مباشر
immediate knowledge علم اوّلی؛ علم حضوری
immediately known مُدرَک بی‌واسطه؛ معلوم بالذات
immediate object of perception مدرَک بالذات
immediate operation مباشرت
immediate tasting ذوق
immersed in unity مُتوحِّد
immersion استغراق
immersion in another استغراق در غیر
immigrants مهاجرین
immobile ساکن؛ قارّ
immobile continuous quantity کمّ متّصل قارّ الذات
immobility سکون
immortal جاودان؛ جاودانه؛ زوال‌ناپذیر؛ فناناپذیر؛ مخلَّد
immortality بقا؛ جاودانگی؛ خُلد؛ خلود
immortal life حیات ابدی
Immortal, the باقی (خداوند)
immovable غیرمتحرّک
Immovable Mover محرّک غیرمتحرّک
Immovable, the صمد (خداوند)
immuned from error مصون از خطا
immunity عصمت؛ مصونیّت
immutability تحویل‌ناپذیری؛ ثبات
immutable تحویل‌ناپذیر؛ تغییرناپذیر؛ ثابت
immutable archetypes اعیان ثابته
immutable entities اعیان ثابته
immutable essences اعیان ثابته
Immutable, the قیّوم (خداوند)
impart, to افاضه کردن
impeccability عصمت
impeccable معصوم
impede, to مانع شدن
impediment ضدّ؛ مانع
impenetrableness صمدیّت
Impenetrable, the صمد (خداوند)
imperative soul نفْس امّاره
imperceptible غیرمحسوس
imperfect ناقص
imperfect comprehension احاطه‌ی غیرتامّه
imperfect encompassing احاطه‌ی غیرتامّه
imperfection عیب؛

Imaginatrix قوّه‌ی خیال
imagined متخیّل؛
متوهَّم
imagined premises وهمیّات
imagine, to تصوّر کردن؛
توهّم کردن
imagining تخیّل؛
وهم
Imam امام
Imamate امامت
Imami Shi'ism تشیّع امامی
Imamism امامیّه
Imamite party فرقه‌ی امامیّه
Imamites, the فرقه‌ی امامیّه
Imamiyya (branch of Shi'ism)
امامیّه
Imam of the Age امام زمان (عج)
Imam of the Period امام عصر (عج)
Imam of the Time امام زمان (عج)
Imamology امام‌شناسی؛
معرفة الامام
Imams of guidance ائمه‌ی هدی
imitating اقتداء
imitation اقتداء؛
تقلید؛
حکایت (= حاکی بودن)
imitator مقلِّد
imitators اهل تقلید
immaculate معصوم
immanence حلول؛
کمون (≠ ظهور)
immanent درونی
immanentists اهل تشبیه
immanent Names of God
اسماء تشبیهی خداوند
immaterial غیرمادّی؛
مجرّد؛
مفارق
immaterial apparitions اشباح مجرّده
immaterial being موجود مجرّد
immaterial dimension بُعد مجرّد
immaterial essence جوهر غیرمادّی
immaterial existence وجود مجرّد
immaterial form صورت مجرّد
immaterial intellect عقل مجرّد
immateriality تجرّد
immaterial soul نفْس مجرّد
immaterial substance
جوهر غیرمادی؛
جوهر مجرّد؛
جوهر مفارق (= جوهر مجرّد)
immaterial world عالَم مجرّد
immediate بدیهی؛
بی‌واسطه؛
مباشر
immediate agent فاعل مباشر
immediate creation ابداع
immediate experience مشاهده
immediate inference
استنتاج بی‌واسطه؛

imagery صورت خیالی
imaginable متخیَّل
imaginal برزخی؛
خیالی؛
مثالی
imaginal being وجود مثالی
imaginal body جسم خیالی
imaginal conception تصوّر خیالی
imaginal existence وجود خیالی؛
وجود مثالی
imaginal faculty خیال؛
قوّه‌ی متخیّله (= قوّه‌ی متصوّره)؛
متخیّله
imaginal form صورت خیالی؛
صورت مثالی
imaginal immateriality تجرّد مثالی
imaginalization تمثّل
imaginalized object متخیَّل
imaginal knowledge علم خیالی
imaginal matters مخیّلات
imaginal power قوّه‌ی خیالیّه
imaginal realities حقایق مثالی
imaginal reality حقیقت مثالی
imaginal realm عالَم مثال
(imaginal) representation تمثّل
imaginal truth حقیقت مثالی
imaginal universe عالَم خیال
imaginal world برزخ؛
عالَم خیال؛
عالَم مثال

imaginary تخیّلی؛
خیالی؛
موهوم؛
وهمی
imaginary division تقسیم وهمی؛
قسمت وهمی
imaginary non-existence عدم موهوم
imaginary premises مخیّلات
imagination تخیّل؛
تصوّر؛
خیال؛
قوّه‌ی خیال؛
متخیّله؛
واهمه؛
وهم
imaginative تخیّلی؛
مُصَوِّره
imaginative apprehension
تصوّر خیالی
imaginative creation تخییل
imaginative faculty قوّه‌ی خیالیّه؛
قوّه‌ی متخیّله (= قوّه‌ی متصوّره)؛
قوّه‌ی مصوِّره
imaginative knowledge علم خیالی
imaginative perception ادراک خیالی
imaginative power
قوّه‌ی متخیّله (قوّه‌ی متصوّره)
imaginative representation تخییل
imaginative soul نفْس متخیّل
imaginative union اتّصال خیالی

identity of essence and being
عینیّت ذات و وجود
identity of essence and existence
عینیّت ذات و وجود
idleness بطالت
idolater بت‌پرست؛ مشرک
idolator وثنی
idolatory وثنیّت
idolatrous بت‌پرست
idolatry بت‌پرستی؛ شرک
idol worship بت‌پرستی؛ وثنیّت
idol worshipper بت‌پرست
ignoramus جاهل
ignorance جهالت؛ جهل
ignorant جاهل؛ غافل
ignoratio elenchi تجاهل مطلوب
illuminated نوری
illuminated bodies اجسام نوری
illumination اشراق؛ نور
illuminationism اشراق‌گروی؛ حکمت اشراق؛ فلسفه‌ی اشراق؛ مکتب اشراق
illuminationist اشراقی؛ حکیم اشراقی
illuminationist philosophy
حکمت اشراق؛ فلسفه‌ی اشراق
illuminationist theosophy
حکمت اشراق؛ فلسفه‌ی اشراق
illumination of the intellect
اشراقِ عقل
illuminative اشراقی
illuminative attribution
اضافه‌ی اشراقی
illuminative philosophy
حکمت اشراق؛ فلسفه‌ی اشراق
illuminative relation اضافه‌ی اشراقی؛ نسبت اشراقی
illuminative sciences علوم اشراقی
illuminative wisdom حکمت اشراق
illuminism اشراق‌گروی؛ حکمت اشراق
illusion توهّم؛ وهم
illusory وهمی
illusory premises وهمیّات
image تصویر؛ خیال؛ شبح؛ صورت خیالی؛ مثال

I i

Ibâḍites	اباضیّه
Iblis	ابلیس
Ibn Bajja	ابن باجّه
Ibn Gabirol	ابن جبرول
Ibn Rushd	ابن رشد
Ibn Sina	ابن سینا
Ibn Tufayl	ابن طفیل
Ibn Zuhr	ابن زُهر
idea	تصوّر؛
	صورت؛
	فکر؛
	معنا
	معنوی
ideal	
Ideal City	مدینه‌ی فاضله
Ideal City-State	مدینه‌ی فاضله
ideal immateriality	تجرّد مثالی
ideality	اعتباریّت
ideality of quiddity	اعتباریّت ماهیّت
Ideas	صُوَر (مُثُل افلاطونی)؛
	مُثُل
ideas that suddenly come into one's	
خواطر	← heart
ideas that suddenly come into one's	
خواطر	← mind
تصوّر	ideation
اعتباری	ideational
اعتباریّت	ideationality
متساوی؛	identical
متشابه	
بعینه	identically
اتّحاد؛	identification
عینیّت (= یک‌سانی)؛	
همانندی	
این‌همانی؛	identity
عینیّت (= یک‌سانی)؛	
وحدت؛	
هوهویّت؛	
هویّت	
identity of continuity	
هویّت اتّصالی	

human mind نفْس انسانی
human nature ناسوت
human perfection کمال انسانی
human possibility طاقت بشری؛
وسع انسانی
human psyche نفْس آدمی؛
نفْس انسانی
human qualities صفات ناسوتی
human realm نشئه‌ی انسانیّه
human reason عقل انسانی
human soul جان؛
نفْس آدمی؛
نفْس انسانی
human spirit روح انسانی
human state of being نشئه‌ی انسانیّه
human temperament مزاج انسانی
human will اراده‌ی انسانی
human world عالَم ناسوت

humble خاضع
humility خشوع
humours اَخلاط
hylé هیولیٰ
hylic cause علّت هیولانی
hylic intellect عقل هیولانی
hylomorphism نظریّه‌ی مادّه ـ صورت
hypotheses اصول موضوعه
hypothesis اصل موضوع؛
شرط؛
فرض
hypothetical شرطی؛
فرضی؛
مفروض
hypothetical existent
موجود تقدیری
hypothetical proposition
قول شرطی

homonym اشتراک لفظی؛ لفظ مشترک؛ مشترک لفظی
homonymity اشتراک لفظی
homonymous بالاشتراک؛ مشترک لفظی
homonym term مفهوم مشترک
honest believer مؤمن حقیقی
honourable حَسَن
honourable Prophet, the پیامبر اکرم (ص)
honoured angels ملائکه‌ی کرام
horizon افق
horizons آفاق
horizontal عَرْضی (≠ طولی)
horizontal hierarchy سلسله‌ی عرْضی
horizontal intellects عقول عَرْضی
horizontal intelligences عقول عَرْضی
horizontal journey سیر آفاقی
horizontal movement سیر آفاقی
horizontal multiplicity کثرت عرْضی
horizontal order نظام عرْضی
horizontal triumphal lights انوار قاهره‌ی عرضی
houri حوری
household management تدبیر منزل
Household of Muhammad اهل بیت محمّد (ص)
Household (of Prophet) اهل بیت (ع)
Household of Prophethood اهل بیت نبوّت (ع)
Household of the Messenger خاندان رسالت
Household of the Prophet خاندان پیامبر
House Inhabited بیت المعمور
House of God بیت اللّه
House of Islam دار الاسلام
house of permanence دار المُقامه
house of vanity دار الغرور؛ دنیا
howness کیفیّت
human انسان؛ انسانی؛ ناسوت
human actions افعال انسانی
human acts افعال انسانی
human being انسان
human capacity طاقت بشری؛ وسع انسانی
human condition of vassaldom عبودیّت
human constitution مزاج انسانی
humaneness انسانیّت
human intellect عقل انسانی
humanity انسانیّت؛ بشر؛ ناسوت
human kind انسان

سلسله مراتب؛	
مراتب؛	
نظام	
ترتیب عالم	hierarchy of the cosmos
فوق	high
علل عالیه	higher causes
وجود عالی	higher existence
ملکوت اعلیٰ	higher kingdom
ملکوت	higher plane of reality
ملأ اعلیٰ	higher plenum
مبادی عالیه	higher principles
علم اعلیٰ	higher science
ملأ اعلیٰ	higher spiritual realm
نور قاهر اعلیٰ	higher victorious light
عالَم اعلیٰ؛	higher world
عالَم علوی	
ملأ اعلیٰ	highest counsel, the
ناموس	highest criterion, the
خیر اعلیٰ؛	highest good, the
خیر مطلق	
ملکوت اعلیٰ	highest kingdom, the
ناموس	highest law, the
کمال اتمّ	highest perfection, the
فلک اعلیٰ؛	highest sphere, the
فلک الافلاک	
اعلیٰ؛	highest, the
عَلیّ (خداوند)	
سدرة المنتهی	highest tree, the
آباء عِلوی (= افلاک هفت‌گانه یا نه‌گانه)	high fathers

علوّ	highness
اتّحاد عالی	high union
اَخبار تاریخی	historical annals
اَخبار تاریخی	historical reports
اَخبار تاریخی	historical traditions
صدق کردن	hold, to
تقدّس؛	holiness
قدسیّت	
قدسی؛	holy
معصوم؛	
مقدّس	
فیض مقدّس	holy emanation
روح القدس	Holy Ghost
شریعت	holy law
پیامبر اکرم (ص)	Holy Prophet, the
شعائر	holy rites
نفْس قدسیّه	holy soul
روح الامین؛	Holy Spirit
روح القدس	
قُدّوس (خداوند)	Holy, the
جهاد	holy warfare
بیعت	homage
دیار	homeland
انسجام؛	homogeneity
تجانس	
متجانس؛	homogeneous
مجانس؛	
یک‌سان	
تجانس	homogeneousness
متشابه الاجزاء	homologous

heavens افلاک
heaviness ثقل
heedless غافل
heedlessness غفلت
height of grandeur اوج کبریا
Heir, the وارث (خداوند)
Hell جهنّم؛
دوزخ؛
نار (= جهنّم)
Hell-fire آتش دوزخ
help امداد
helper ممدّ
Helper, the مُعین (خداوند)؛
ناصر (خداوند)
helplessness عجز
He-ness هویّت
Heraclitus هراکلیتس
hereafter آخرت؛
عُقبیٰ
hereafter, the معاد
heresiographical literature
مِلَل و نِحَل
heresiography مِلَل و نِحَل
heresy ارتداد؛
الحاد؛
بدعت؛
زَنْدَقه
heretic بدعت‌گذار؛
زندیق؛
مُلحد
(heretical) materialists دهریّه
heretics اهل بدعت
hermit زاهد
hesitation حیرت
heterodoxy بدعت
He-Who-Brings-Back, the
مُعید (خداوند)
hidden غیب
hidden book کتاب مکنون
hidden grace لطف خفیّ
Hidden Imam امام غایب (عج)
hidden ipseity هویّت غیبیّه
hidden knowledge علم مکنون
hidden matters امور خفیّه
hidden meaning باطن
hiddenness خفا (≠ ظهور)
hidden polytheism شرک خفیّ
hidden sciences علوم غریبه
Hidden, the باطن (خداوند)؛
خفیّ (خداوند)؛
عالَم غیب
hidden treasure کنز مخفی
hiding اخفاء (≠ ظهور)
hierarchical تشکیکی؛
مشکّک
hierarchical connection پیوند طولی
hierarchical order ترتیب طولی
hierarchic priority تقدّم رتبی
hierarchy تدرّج؛
ترتیب؛

harmonia	نظام
harmonious	سازگار
harmonious scale	میزان مستقیم
harmony	توافق؛
	سازگاری؛
	مناسبت؛
	نظام؛
	نظم؛
	وفاق؛
	هماهنگی
hasty life	حیات عاجل
having a cause	معلَّل
having a common reality	متّحدالحقیقه
having-a-place	متحیّز
having just become Muslim	جدید الاسلام (= تازه‌مسلمان)؛
having the quality of diversity	متباینات
having the same meaning	متّحدالمعنی؛
	هم‌معنا
hazard	تصادف؛
	صُدفه
head	امام
Healer, the	شافی (خداوند)
healing	شفا
Hearer, the	سامع (خداوند)؛
	سمیع (خداوند)
hearing	سامعه؛
	سماع؛
	سمع (قوّه)؛
	سمیع
Hearing, the	سامع (خداوند)؛
	سمیع (خداوند)
heart	جوانح؛
	دل؛
	قلب (= دل)
heart vision	رؤیت به دل؛
	رؤیت به قلب؛
	رؤیت قلبی
heaven	آسمان؛
	بهشت؛
	جنّت؛
	سپهر؛
	فردوس؛
	فَلَک؛
	نعیم
heavenly	آسمانی؛
	ربّانی؛
	سماوی؛
	فلکی؛
	قدسی
heavenly body	جِرم آسمانی؛
	جسم فَلَکی
heavenly intelligences	عقول سماوی
heavenly soul	نفْس فلکی
heavenly souls	نفوس سماوی
heavenly sphere	سپهر؛
	فَلَک

H h

habit عادت؛
ملکه (≠ عدم)
habit-breaking خرق عادت
habitual بالملکه
habitual action عادت
habitual intellect عقل بالملکه
habitus ملکه (≠ عدم)
Ḥadîth سنّت
Ḥadîth حدیث
haecciety انّیّت
hallucination تخیّل؛
وهم
halting place موقف
halting places of the hereafter
مواقف آخرت
halting places of the Resurrection
مواقف قیامت
Hanafism مذهب حنفی
Hanbalism مذهب حنبلی
Hanbalite حنبلی
Hanbalites حنابله
handing in everything to God
توکّل
Hand of Allah یداللّه
Hand of God یداللّه
Hanifite حنفی
Hanifites حنفیّه
happening اتّفاق (= حادثه)؛
حدوث؛
وقوع
happen, to عارض شدن
happiness بهجت؛
خوش‌بختی؛
سعادت
happy سعید؛
مبتهج
happy, the اهل سعادت
Ḥaqq, the حقّ (خداوند)
harbinger مبشّر
hardship شدّت

guarding trust	حفظ امانت
guess	گمان
guidance	اهتدا؛
	هدایت
guidance through creation	
	هدایت تکوینی
guidance through religious law	
	هدایت تشریعی
guide	پیشوا؛
	راهنما؛
	هادی
guided	مهتدی
Guide, the	دلیل (خداوند)؛
	مرشد (خداوند)؛
	هادی (خداوند)
guide, to	ارشاد کردن
Guide to the Right Path, the	
	رشید (خداوند)
guiding	هادی
Guiding, the	هادی (خداوند)
guile	مکر
guilt	گناه
gustatory quality	کیف مَذوق

grateful	سپاس‌گزار؛
	شَکور
gratefulness	سپاس‌گزاری؛
	شُکر؛
	شکرگزاری
Grateful, the	شاکر (خداوند)؛
	شکور (خداوند)
gratitude	شکر
gratuitous bounty	تفضُّل
gratuitous kindness	امتنان
gravely sinning	مرتکب کبیره
grave sin	فسق؛
	گناه کبیره
grave sinner	مرتکب کبیره
great among the people, the	بزرگان قوم
great element	عنصر اعظم
greater advantage	اصلح
greater purification	طهارت کبریٰ
greater purity	طهارت کبریٰ
Greater Rising	قیامت کبریٰ
Greatest Divine Name, the	اسم اعظم
greatest master	شیخ المشایخ
Greatest Name of God, the	اسم اعظم
Greatest Name, the	اسم اعظم
Greatest, the	اکبر (خداوند)؛
	کبیر (خداوند)
great good	خیر کثیر
great human being	انسان کبیر
great man	انسان کبیر
greatness	جلال؛
	عظمت؛
	کبریاء
great occultation	غیبت کبریٰ
Great Resurrection	قیامت کبریٰ
great sin	گناه کبیره
Great, the	اکبر (خداوند)؛
	عظیم (خداوند)؛
	عَلیّ (خداوند)؛
	کبیر (خداوند)
great vicegerency	خلافت کبریٰ
greed	حرص
grief	حُزن
grip	قبضه
Gripper, the	قابض (خداوند)
gross traditionists	اصحاب حدیث
ground	اصل؛
	دلیل؛
	علّت
grounds	مبانی
growing	نامیه (نفس)
Guarded Tablet	لوح محفوظ
Guardian Lord, the	ربّ (خداوند)
guardianship	تولیت
Guardian, the	حافظ (خداوند)؛
	حفیظ (خداوند)؛
	مهیمن (خداوند)
guarding against evil	تقوا

Gospel انجیل
governance تدبیر؛
حکومت؛
سیاست
governance of the domicile
تدبیر منزل
governing control تحکّم
governing spirit روح مدبّر
Governing, the مدبّر (خداوند)
governing the affair تدبیر امر
government تدبیر؛
حکومت؛
سیاست
governor حاکم
Governor, the مدبّر (خداوند)
govern, to تدبیر کردن
grace برکت؛
رحمت؛
عنایت؛
فیض؛
لطف؛
نعمت؛
نعیم
graces آلاء
Gracious, the لطیف (خداوند)
gradation تدرّج؛
سلسله مراتب
gradational تشکیکی
gradation of being تشکیک وجود
grade رتبه؛
مرتبه
graded تشکیکی؛
مشکّک
gradedness تشکیک
grades اَطوار؛
مراتب
grades of abstraction مراحل تجرید
grades of engendered beings
مراتب اکوان
grades of existence مراتب وجود
grades of existents مراتب اکوان
grades of Self-Disclosure
مراتب تجلّی
grades of theophany مراتب تجلّی
grades of the world مراتب عالم
gradual change تغییر تدریجی
gradual increase of intensity
اشتداد؛
مراتب اشتداد
gradually existing تدریجی الوجود
gradualness تدرّج
graduated مشکّک
graduation ترتّب
grandeur عظمت؛
کبریاء؛
کبریایی
granting اعطاء
grasp فهم
grasping ادراک
grasp, to درک کردن

علم خدا
God's most Beautiful Names
اسماء حُسنیٰ
God's Oneness توحید
God's permission إذن اللّه
God's pre-eternal decree حُکم ازلی
God's proof حجّت خدا
God's revelation وحی الاهی
God's ruse مکر الاهی
God's Sanctuary بیت اللّه
God's satisfaction رضای الاهی
God's servant بنده‌ی خدا؛
عبداللّه
God's signs آیات خدا
God's slave بنده‌ی خدا
God's Speech سخن خدا؛
کلام اللّه
God's Unity توحید
God's vicegerent خلیفة الله
God's Waymarks شعائراللّه
God's Will اراده‌ی الاهی؛
اراده‌ی خدا
God's wisdom حکمت خدا
God's Word کلام اللّه
God, the حقّ (خداوند)
Godwariness تقوا
Godwariness of the hearts
تقوی القلوب
going astray انحراف؛
خطا؛
ضلالت
going down هبوط
going stray غیّ
go into occultation, to
غیبت کردن (= غایب شدن)
good خَسَن؛
خیر؛
طیّب؛
معروف (≠ منکر)
good action عمل صالح
good and evil حُسن و قبح
good character خُلق حَسَن
good conduct تقوا
good custom سنّت حسنه
good deed عمل صالح
good disposition خُلق حَسَن؛
خُلق نیکو
good fortune سعادت
good habit سنّت حسنه
good innovation بدعت حسنه
good in potency خیر بالقوّه
goodness حُسن؛
خیر؛
خیریّت
goodness and badness حُسن و قبح
Goodness, the خیر (خداوند)
good pleasure رضا
goods خیرات
Good, the خیر (خداوند)
good work خوبی

gnostic knowledge معرفت
gnostic life حیات عرفانی
gnostic reality حقیقت عرفانی
gnostics اهل عرفان؛
اهل معرفت
gnostic synthesis جمع
gnostic truth حقیقت عرفانی
gnostic unity وحدت عرفانی
go against, to نقض کردن
goal غایت؛
غرض؛
مقصد؛
مقصود؛
هدف
goal of goals غایة الغایات
god إله؛
اللّه؛
خدا
God as Bestower of being, the
مکوِّن (خداوند)
God as Giver of being, the
مکوِّن (خداوند)
God-consciousness تقوا
goddess إلاهه
God Exalted, the خداوند تعالی
Godfearing تقوا؛
خداترسی
Godfearingness تقوا
God-given لدنّی
God-given gift موهبت الاهی
God-given intelligence
شعور خدادادی
God-given knowledge علم لدنّی
God Holy, the قُدّوس (خداوند)
Godhood الوهیّت
Godlike خداگونه
godly ایزدی
God's Affairs شؤون خدا
God's approval رضای الاهی
God's Attributes صفات خدا
God's authority حجّت خدا
God's bondsman عبداللّه
God's command فرمان الاهی
God's Countenance وجه اللّه
God's creative Will مشیّت الاهی
God's decree قضاء الاهی
God's elected people اولیاء اللّه
God's Face وجه اللّه
God's favor تفضُّل الاهی
God's favour لطف الاهی
God's giving knowledge
تعریف (= دانا ساختن)
God's goodness احسان الاهی
God's Hand ید اللّه
God's House بیت اللّه
God's Intention مشیّت الاهی
God's judgement حُکم اللّه
God's justice عدل الاهی؛
عدل خدا
God's knowledge علم الاهی؛

	سخیّ (خداوند)؛
	کریم (خداوند)
genesis	تکوّن؛
	تکوین؛
	فطرت؛
	کَوْن
genetic	تکوینی
genie	جنّ
gentleness	لطف
Gentle, the	حلیم (خداوند)
genuine	اصیل؛
	حقیقی؛
	عینی
genuineness	مطابقت با واقع
genus	جنس
geometric	هندسی
geometry	هندسه
gift of God	توفیق؛
	موهبت
gifts	مواهب
given	مفروض
giver of being	معطی وجود
Giver of Death, the	مُمیت (خداوند)
Giver of existence, the	مکوِّن (خداوند)؛
	موجِد (خداوند)
giver of forms	واهب الصّور
Giver of forms, the	واهب الصُوَر (خداوند)
Giver of Sustenance, the	مُقیت (خداوند)
Giver, the	معطی (خداوند)؛
	وهّاب (خداوند)
give, to	بخشیدن (= عطا کردن)
giving up sins	ترک گناه
global facts	امور کلّی
glorification	اجلال؛
	تسبیح؛
	تقدیس
glorification of God	تسبیح خدا
glorified	منزّه
Glorified, the	سبّوح (خداوند)؛
	عظیم (خداوند)
glorify, to	تسبیح کردن
glorious	جلیل؛
	کبریایی
Glorious, the	عزیز (خداوند)
glory	جلال
Glory be to God	سبحان اللّه
glosses	تعلیقه
gnosis	عرفان (= شناخت)؛
	معرفت
gnostic	عارف؛
	عرفانی
gnostic Divine attraction	جذبه‌ی عرفانی
gnostic intuition	ذوق عرفانی؛
	شهود عرفانی
Gnosticism	غنوصیّه

generalities كلّيات
generality عموم (= كليّت)
generalization تعميم
generalized "one" واحد بالعموم؛ واحد عمومی
general measurement تقدير
general mercy رحمت عامّ
general metaphysics الاهيّات بالمعنى الاعمّ؛ امور عامّه
general "one" واحد عمومی
general perception ادراک كلّی
general possibility امكان عامّ
general principles امور عامّه
general principles of metaphysics امور عامّه
general prophethood نبوّت عامّه
general purification طهارت عامّ
general purity طهارت عامّ
general questions امور عامّه
general resurrection بعث عامّ
general sainthood ولايت عامّه
general sending forth بعث عامّ
general unit فرد عامّ (وجود)
generated متكوّن
generated being كائن
generated beings كائنات
generated bodies اجسام مولّده
generating جعل
generation آفرينش؛ إحداث؛ تكوّن؛ تكوين؛ تولّد؛ توليد؛ كَوْن
generation and corruption كَوْن و فساد
generative force قوّه‌ی مولّده
generator جاعل
generic concept مفهوم جنسی
generic essence ماهيّت جنسی
generic form صورت جنسی
generic "one" واحد جنسی
generic place أين (مقوله)
(generic) quality كيف (مقوله)
generic quantity كم (مقوله)
generic quiddity ماهيّت جنسی
generic relation اضافه (≠ عين وجود)؛ اضافه (مقوله)
generic substance جوهر جنسی
generosity جود؛ سخاوت؛ كرامت (= گشاده‌دستی)
generous جواد
generous angels ملائكه‌ی كرام
generous disposition خُلق كريم
Generous, the جواد (خداوند)؛

G g

Gabriel جبرئیل

gain کسب (≠ خلق)

gainer کاسب

gamatria جفر

Garden بهشت؛
جنّت؛
روضه

Garden of bliss جنّت نعیم

Garden of Deeds جنّت اعمال

Garden of delight جنّت نعیم

Garden of Eden جنّت عدن

Garden of Eternity جنّت خلد

Garden of immortality جنّت خلد

Garden of Inheritance
جنّت میراث

Garden of Paradise
جنّت فردوس

Garden of the Real جنّت حقّ

Gardens of immortality
بهشت جاودان

Garden, the فردوس

gate of the Garden باب الجنّه

gathered in being مجتمع در وجود

Gatherer, the جامع (خداوند)

gathering حشر

Gathering at the Resurrection
محشر

Gehenna جهنّم

general عامّ؛
کلّی

general accident عَرَض عامّ

general authority ولایت عامّه

general cause علّت عامّ

general contingency امکان عامّ

general existence وجود عامّ

general facts امور کلّی

general form
صورت عامّ (= صورت جسمیّه)؛
صورت کلّی

general gradation تشکیک عامّی

fundamental reality اصالت

fundamental reality of existence اصالت وجود

fundamental reality of quiddity اصالت ماهیّت

fundamentals of religion اصول دین

furthest limit غایت

futility عبث

future مستقبل

future contingency امکان استقبالی

future life آخرت

future possibility امکان استقبالی

fourth dimension بُعد رابع
fragmentation تجزّی
fragrance رایحه
fragrance of existence رایحه‌ی وجود
frame هیکل
free اختیاری؛
مختار؛
منزّه
free activity تصرّف
free agent فاعل مختار
free choice اختیار
freed رستگار
free disposal تصرّف
freedom from corporeality
تجرّد از مادّه
freedom from similitude تنزیه
freedom (of choice) اختیار
free gift امتنان
freeing the place تفریغ محل
freely chosen act فعل اختیاری
free, the احرار؛
مختار (خداوند)
free-thinkers اباحیّه
free-thinking اباحه‌گری
free to choose مختار
free-will اختیار؛
قَدَر
free-willed مختار
Frequented House بیت المعمور
friend of Allah خلیل اللّه

friend of God حبیب اللّه؛
ولیّ اللّه (= دوست خدا)
friendship تولّی (≠ تبرّی)؛
محبّت؛
موالات
Friends of God اولیاء اللّه؛
اولیاء خدا
Friend, the حبیب (خداوند)
from behind the veil از ورای حجاب
from cause to effect لِمّی (برهان)
from itself مِنْ نفسه
fulfillment of rights ادای حقوق
full attachment تعلّق تامّ
full binding تعلّق تامّ
full capacity استعداد تامّ
full disposition استعداد تامّ
full existence وجود تامّ
fully human being انسان کامل
function شأن
functional intellect عقل عملی
fundamental اصلی
fundamentality اصالت
fundamentality of existence
اصالت وجود
fundamentally real اصیل؛
متأصّل
fundamental postulate اصل مسلّم؛
اصل موضوع
fundamental postulates
اصول موضوعه

علم صوری
formal substance جوهر صوری
formation تشکّل؛
تکوین
formative سازنده؛
صوری
Formator, the مصوِّر (خداوند)
Former, the مصوِّر (خداوند)
Form-Giver, the مصوِّر (خداوند)
form-giving faculty قوّه‌ی مصوِّره
formless matter هیولای بی‌شکل
form of being کینونت
Form of the Exalted Divine Truth
صورت حقّ تعالیٰ
form of the species صورت نوعیّه
Forms صُوَر (= مُثُل افلاطونی)؛
مُثُل
forms of deeds صُوَر اعمال
forms of progency صور موالید
forms of the (three) kingdom
صور موالید
Formula of God's Unity
کلمه‌ی توحید
formula of remembrance ذکر
[illegible]a of *tawḥîd* کلمه‌ی توحید
[illegible], to اعتبار کردن
[illegible]n-itself لغیره
لغیره
[illegible]self
لغیره

fortunate سعید
fortune بخت (= سعادت)
fortune-giver مقدِّر
Fortune-Giver, the مقدِّر (خداوند)
forward متقدّم
foul قبیح
foulness قبح
foundation اساس؛
اصل؛
رکن (= اساس)
foundations مبانی
found thing موجود
four causes علل چهارگانه
four elements عناصر اربعه
four humors اَخلاط چهارگانه
four journeys, the
اسفار اربعه (= اسفار چهارگانه)
four modes کیفیّات اربعه
four natures طبایع چهارگانه
four qualities کیفیّات اربعه
Four Representatives (of the
Twelfth Imam) نوّاب اربعه
four schools (of Sunni Law)
مذاهب اربعه
fourteen Ifallible Ones
چهارده معصوم (ع)
fourteen Inerrant Ones
چهارده معصوم (ع)
fourteen Pure Ones
چهارده معصوم (ع)

forbidding the bad نهی؛
نهی از منکر
force قسر؛
قوّه
forced agent فاعل بالجبر
force of desire قوّه‌ی شهویّه
force of digestion قوّه‌ی هاضمه
force of reproduction قوّه‌ی مولّده
force of retention قوّه‌ی ماسکه
forcing اجبار؛
الزام (= اجبار)
forefathers سَلَف (≠ خَلَف)
foreknowledge علم پیشین؛
علم سابق؛
عنایت
foremost among theosophers, the صدرالمتألّهین
foreordination قضا و قدر
foretelling of fate طالع‌بینی
forgetfulness of God غفلت از حق
forgiven آمرزیده؛
معذور
forgiveness آمرزش؛
عفو؛
غفران (= آمرزش)؛
مغفرت
Forgiver of sin, the غافرالذنب (خداوند)
Forgiver, the آمرزنده (خداوند)؛
غافِر (خداوند)؛
غفّار (خداوند)؛
مُعافی (خداوند)
forgive, to آمرزیدن؛
بخشیدن (= آمرزیدن)؛
عفوکردن
Forgiving, the غَفُور (خداوند)
for-itself لِذاتِه؛
لِنفسه
form حال؛
سنخ؛
شکل؛
صورت؛
هیأت
forma accidentalis صورت عرَضیّه
forma corporalis صورت جسمیّه
forma individualis صورت نوعیّه
forma separata صورت مفارق
forma substantialis صورت جوهری
formal صوری
formal aspect of religion ظاهر دین
formal aspects of religion ظواهر دین
formal being وجود صوری
formal cause علّت صوری
formal existence وجود صوری
formalist philosophy حکمت رسمی
formalists ظاهرگرایان
formal knowledge علم رسمی؛
علم صوری؛
علم نظری
formal science علم رسمی؛

fixed entities اعیان ثابته
fixed planets ثوابت
fixed prototypes حدود
fixed stars ثوابت
fixed term اجل
fixity ثبات؛
ثبوت
flaw خطا
flesh جسد
flow سریان
flowing سیّال؛
سیلانی
flowing extension امتداد سَیلانی
flowing forth انبعاث
flowing in time سیّال زمانی
flowing nature طبیعت سیّال
flow of existence سریان وجود
flow of light سریان نور
flow, to افاضه کردن؛
سریان داشتن
fluid سیّال
flux سیلان
focusing point وعاء
folk of charismatic acts
اصحاب کرامت
folk of considerative thinking
اصحاب نظر
folk of disagreement اصحاب خلاف
folk of generosity اصحاب کرم
folk of self-examination اهل مراقبه
folk of *shirk* اهل شرک
Folk of the Book اهل کتاب
folk of the Fire اصحاب جهنّم؛
اصحاب نار
folk of the Garden اصحاب جنّت؛
اهل بهشت
folk of the Path اهل طریقت
folk of the unveiling and vision
اصحاب کشف و شهود
folk of vision اصحاب مکاشفات
follower of authority مقلِّد
followers of Aristotle مشائیان
followers of falsehood اهل باطل
followers of formal religion
اهل ظاهر
followers of the wrong اهل باطل
following اقتداء؛
لاحق
following authority تقلید
following necessity وجوب لاحق
following non-existence عدم لاحق
following the *Sunna* سُنّی
follow, to مترتّب بودن
Food-Giver, the مُقیت (خداوند)
forbearance صبر
Forbearer, the مقیل (خداوند)
forbiddance حرمت (= حرام بودن)
forbidden act منکَر
forbidden matters محرّمات
forbidding نهی

وجود مقیّد
finite existence وجود متناهی
finitude تناهی؛
نهایت
fire آتش (از عناصر اربعه)؛
نار (از عناصر اربعه)
fire of Hell آتش جهنم؛
آتش دوزخ
Fire, the جهنّم؛
دوزخ؛
نار (= جهنّم)
firm محکم (دلیل)
firmament سپهر
firmaments افلاک
firmest and most concise proof, the برهان اسدّ و اخصر
firm in knowledge, the راسخون در علم
firmly established premises مسلّمات
firmness ثبات
Firm, the متین (خداوند)
firm will عزم
first agent فاعل اوّل
first being وجود اوّل
first cause علّت اعلیٰ؛
علّت اولیٰ؛
علّت نخستین
first creation نشئه‌ی اولی
first effusion صادر اوّل

first emanation صادر اوّل
first *hylé* هیولای اوّلیٰ
First Intellect
عقل اوّل (= عقل کلّی، صادر اوّل)
First Intelligence
عقل اوّل (= عقل کلّی، صادر اوّل)
First of first things, the اوّل الاوائل
first of principles مبدأ المبادی
first perfection کمال اوّل
first philosophy علم برین؛
فلسفه‌ی اُولی
first principle اصل نخستین؛
مبدأ؛
مبدأ اوّل
first principles اصول اوّلیّه؛
اوّلیّات؛
مبادی اوّلیّه؛
مبادی نخست
first source مبدأ اوّل
first sphere فلک الافلاک
first state of being نشئه‌ی اولی
first substance جوهر اوّلی
First Teacher معلّم اوّل (ارسطو)
First, the اوّل (خداوند)
first thing produced صادر اوّل
fitness ملائمت
five senses حواسّ پنج‌گانه
fixation ثبات
fixed ثابت؛
معیّن

Fatalists	جبریّه
fate	بخت (= سرنوشت)؛
	تقدیر؛
	سرنوشت؛
	قَدَر؛
	قضا (= تقدیر)
fated time	اجل
father of mankind	ابوالبشر
fathom, to	درک کردن
fault	ایراد؛
	خطا؛
	خطیئه؛
	عیب
favor	تفضُّل
favour	لطف؛
	نعمت
Favourer, the	منّان (خداوند)
favour of God	فضل الاهی
favours	آلاء
fear	بیم؛
	خوف؛
	رعب؛
	هیبت
fear of death	خوف مرگ
fear of God	تقوا
fears	اهوال
feature	خصوصیّت؛
	نعت
fedele	مربوب
feeding faculty	قوّه‌ی غاذیه
feeling	شعور؛
	عاطفه؛
	لامسه
feelings	احساسات
felicitous	سعید
felicity	خوشبختی؛
	سعادت
fiat lux	فعل خلق
fiction	وهم
fictitious	وهمی
fictitious world	عالَم خیال
fiery bodies	اجسام ناری
fiery spirits	ارواح ناری
fifth elements, the	عنصر پنجم (= اثیر)
fifth nature, the	طبیعت پنجم
fighting in the path of God	جهاد
figurative	بالمجاز
final	غایی؛
	نهایی
final cause	علّت غایی
final end	منتهیٰ
final goal	مآل
finally	بالمآل
finding	وجود
finding the right guidance	تسدید
fine	حَسَن
fineness	حُسن
finite	متناهی
finite being	وجود متناهی؛

faculty of speech قوّه‌ی بیان
faculty of thought قوّه‌ی فکر؛
قوّه‌ی مفکّره
faculty of yearning قوّه‌ی شوقیّه
fair حَسَن
faith آیین (= دین)؛
اعتقاد؛
دین
faithful مؤمن
Faithful Spirit روح الامین
faithful, the اهل ایمان؛
وفیّ (خداوند)
faith in the afterlife
ایمان به اخرویّات
faithless بی‌ایمان
faithlessness بی‌ایمانی
fall هبوط
fallacious سفسطه‌آمیز؛
مغالطه‌آمیز
fallacious argument شبهه
fallacy سفسطه؛
مغالطه
falling هبوط
false باطل؛
کاذب
false act فعل باطل
false consequence تالی فاسد؛
محذور
false discourse قول کاذب
falsehood بطلان؛
خطا؛
کذب
false premises وهمیّات
falsification تحریف
falsified discourse قول کاذب
falsity بطلان؛
کذب
Family of the Prophet اهل بیت (ع)؛
خاندان پیامبر (ع)
fanaticism تعصّب
fancied خیالی
fancies خواطر
fancy توهّم؛
خیال؛
وهم
fantastic خارق العاده؛
خیالی؛
وهمی
fantasy توهّم؛
خیال؛
موهوم؛
واهمه؛
وهم
Farewell Oration خطبة الوداع
Farewell pilgrimage حَجّة الوداع
Farewell Speech خطبة الوداع
Fashioner, the مصوّر (خداوند)
fatalism جبر؛
جبرانگاری
fatalist جبری مذهب

F f

Face of God	وجه اللّه
face of manifestation	وجه ظهور
facet	حیثیّت
face-turning	توجّه
fact	امر (= شیء، چیز)؛
	امر واقع؛
	شیء؛
	واقع
faction	فرقه
factional partisanship	تعصّب
factor	سبب؛
	عامل
factual	واقعی
factual cause	علّت واقعی
factual quality	صفت فعل
faculty	قوّه؛
	ملکه (≠ عدم)
faculty of attraction	قوّه‌ی جذب
faculty of being affected	قوّه‌ی انفعالی
faculty of concupiscibility	قوّه‌ی شهویّه
faculty of digestion	قوّه‌ی هاضمه
faculty of estimation	قوّه‌ی وهمیّه
faculty of generation	قوّه‌ی تولید مثل
faculty of growing	قوّه‌ی نامیه
faculty of growth	قوّه‌ی نامیه
faculty of imagination	قوّه‌ی متخیّله (= قوّه‌ی متصوّره)
faculty of movement	قوّه‌ی محرّکه
faculty of perception	قوّه‌ی درک؛
	قوّه‌ی مُدرِکه
faculty of rationality	قوّه‌ی نطق
faculty of rejection	قوّه‌ی دافعه
faculty of remembrance	قوّه‌ی حافظه
faculty of representation	قوّه‌ی مصوِّره
faculty of reproduction	قوّه‌ی مولِّده
faculty of repulsion	قوّه‌ی دافعه
faculty of sensation	قوّه‌ی حسّی

external aspects (of an object) مظاهر خارجی
external book of creation کتاب تکوینی آفاقی
external cause علّت خارجی
external composite مرکّب خارجی
external compound مرکّب خارجی
external compulsion جبر خارجی
external existence وجود خارجی
external face چهره‌ی مُلکی
external faculty قوّه‌ی ظاهری
external instruction تعلیمات ظاهری
externality خارجیّت
external journey سیر آفاقی
external logos نطق ظاهری
external matter مادّه‌ی خارجی
external meaning معنای ظاهری
external multiplicity کثرت خارجی
external name اسم ظاهر
(external) obedience تعبّد
external object عینیّت خارجی
external "object-known" معلوم خارجی
external object of knowledge معلوم خارجی
external order of existence نظام خارجی موجودات
external part جزء خارجی
external perception ادراک ظاهری
external realm واقع
external sense حسّ ظاهر؛ معنای ظاهری
external senses مشاعر ظاهری
external simple things بسایط خارجیّه
external substance جوهر خارجی
external teachings تعلیمات ظاهری
external world آفاق؛ خارج؛ عالَم خارج؛ عالَم ظاهر
extinction and creation کَوْن و فساد
extramental individuals افراد محقَّق در خارج
extraneous accidents عوارض غریبه
extra-ordinary خارق العاده
extreme طرف
extreme causes علّت بعید
extremes طرفین
extremist غالی
extremists اهل غلو
extremity طرف
extrinsic بیرونی؛ طاری؛ عارضی
extrinsical طاری
exultant مبتهج
eye بَصَر

existing things اشیاء خارجی
exist, to موجود بودن
exoteric ظاهر؛
ظاهری
exoteric aspect of Divine Law
ظاهر شریعت
exoteric aspect of religion
ظاهر دین
exoteric blessing نعمت ظاهری
exoteric form صورت ظاهری
exoteric intellection نطق ظاهری
exoteric intelligibility نطق ظاهری
exoteric knowledge علم رسمی؛
علم ظاهر
exoteric language زبان ظاهری
exoteric meaning ظاهر (معنا)
exoteric science علم رسمی
expanded منبسط
Expander, the باسط (خداوند)
expansion of the breast
انشراح صدر
expected Imam امام منتظَر (عج)
expediency مصلحت
expel, to طرد کردن
experiment تجربه (= آزمایش)
experimentation تجربه (= آزمایش)
explaining away تأویل
explanation بیان؛
تبیین (= تعلیل)؛
تعلیل؛
توضیح
explication بیان
explicit statement بیان
exposition بیان
expounding the inner meaning
تأویل
expression بیان؛
مَظهر
expulsive دافع
extended ممتد
extended being وجود منبسط
Extender, the باسط (خداوند)
extension امتداد؛
بُعد
extensity امتداد
extent امتداد
exterior ظاهر
exterior meaning of religion
ظاهر شریعت
exterior of religion ظاهر دین
Exterior, the ظاهر (خداوند)
exterior world عالَم ظاهر
external آفاقی؛
بیرونی؛
تکوینی؛
خارج؛
خارجی؛
ظاهری
external accident عَرَض خارجی
external accidents عوارض خارجی

existence in itself for itself by itself وجود فی نفسه لنفسه بنفسه

existence in itself for itself by other than itself ← وجود فی نفسه لنفسه بغیره

existence in objective reality وجود در اعیان

existence *in se* وجود فی نفسه

existence *in se, per se* and *a se* وجود فی نفسه لنفسه بنفسه

existence in something else وجود فی غیره

existence in the absolute sense مطلق وجود

existence necessary by itself واجب الوجود بالذات

existence not in-itself وجود لا فی نفسه

existence *per se* وجود لنفسه

existent موجود

existent by accident موجود بالعَرَض

existent by itself موجود بنفسه

existent entity عین موجوده

existent for itself موجود لذاته

existential وجودیّ

existential accidents عوارض وجود

existential attribute صفت وجودی

existential becoming سیر تکوینی

existential command امر تکوینی

existential entities امور وجودی

existential gradation تشکیک وجود

existentialised thing مکوَّن

existential journey سیر تکوینی

existential modes انحاء وجود

existential openness سعه‌ی وجودی

existential possibility امکان وجودی

existential rank مرتبه‌ی وجود

existential transformation استحاله‌ی وجودی

existential unity وحدت وجود

existential width سعه‌ی وجودی

Existentiated entity, the موجود

existentiate, to ایجاد کردن؛ به وجود آوردن

existentiating a non-existent thing ایجاد معدوم

existentiating cause علّت موجِده

existentiation ایجاد؛ تکوّن

Existentiator, the موجِد (خداوند)

existent *in concreto* موجود عینی

existent in itself موجود فی نفسه

existent in the concrete موجود خارجی

existent in the souls موجود نفسی

existent non-being معدوم موجود

existent *qua* existent موجود بما هو موجود

existent thing موجود

existing altogether مجتمع در وجود

عَلیّ (خداوند)؛
متعالی (خداوند)

Exalter, the رافع (خداوند)؛
مُعزّ (خداوند)

Examiner, the مراقب (خداوند)

example اُسوه؛
تمثیل؛
مصداق

exceeding the proper bounds
غلوّ

excelled by others مفضول

excellence مزیّت

excellent طیّب؛
فاضل

excess افراط؛
زیاده

excessive گزاف

exchequer خزانه

excitement انبعاث

exclude, to رفع کردن؛
طرد کردن

excommunicated مرتدّ

excommunication
تکفیر (= کافر شمردن)

exculpation عذر

excusable معذور

excuse عذر

exegesis تفسیر

exemplar اُسوه

exercise of self-discipline ریاضت

exhaustive حاصر (تقسیم)

exhaustive division تقسیم حاصر

existence انّ (= وجود)؛
انّیّت؛
اَیْس (= وجود)؛
ثبوت؛
عین؛
کَوْن؛
وجود؛
هویّت

existence as such مطلق وجود

existence before God وجودِ للحق

existence by itself وجود بذاته؛
وجود بنفسه

existence by something else
وجود بغیره

existence disentangled from matter وجود مجرّد

existence-for-itself وجود لنفسه

existence for other than itself
وجود لغیره

existence-for-the other وجود للغیر

existence-giver معطی وجود

Existence-Giver, the موجِد (خداوند)

existence *in concreto*
وجود در اعیان

existence in itself وجود بنفسه؛
وجود فی نفسه

existence in itself for itself
وجود فی نفسه لنفسه

Everlasting Refuge, the صمد (خداوند)
Everlasting, the باقی (خداوند)؛
دائم (خداوند)؛
قدیم (خداوند)
everlasting woe شقاوت ابدی
Ever-Living, the حیّ (خداوند)
ever-new دائم التجدُّد
ever-presence بقا؛
دوام
ever-renewed creation خَلق جدید
Ever-Standing, the قیّوم (خداوند)
everything other than God ماسوی اللّه
evidence دلیل؛
دلیل (= شاهد)؛
شاهد
evidences شواهد
evident بیّن؛
ظاهر
evident hierophanic knowledge ادراک واضح و جلیّ
evident knowledge بدیهه
evident proofs بیّنات
evident truths بیّنات
evil بدی؛
خبیث؛
رذیلت؛
سوء؛
سیّئه؛
شرّ؛
قبح؛
قبیح
evil act سیّئه؛
عمل قبیح
evil action سیّئه
evil acts سوء اعمال
evil character سوء اخلاق
evil custom سنّت سیّئه
evil deed عمل قبیح
evil end سوء عاقبت
Evil one, the ابلیس
evil qualities صفات ذمیمه
evolution تحوّل؛
تطوّر؛
تکامل
evolutionary تکاملی
exact دقیق
exactitude ضبط (= ضابط بودن راوی)
exactly itself بعینه
exactness دقّت
exaggeration غلوّ
exaggerator غالی
exalted fathers آباء عِلوی (= افلاک هفت‌گانه یا نه‌گانه)
exalted luminous tablets الواح عالیه نوریّه
Exalted Name اسم اعظم
Exalted Pen, the قلم اعلیٰ
Exalted, the عزیز (خداوند)؛

eternal priority	سبق سرمدی
eternal providence	عنایت ازلی
eternal punishment	عذاب ابدی
eternal qualities	صفات قدیم
eternal reality	حقیقت لا یزال
eternal reward	پاداش ابدی
eternal Speech	کلام ازلی؛
	کلام قدیم
Eternal, the	صمد (خداوند)؛
	قدیم (خداوند)
eternal torment	عذاب ابدی
eternal truth	حقیقت لا یزال
eternal unity	وحدت سرمدی
eternal Ward	کلام ازلی
eternal weal	سعادت ابدی
eternal woe	شقاوت ابدی
eternal world	جهان ابدی
eternity	اَبَد؛
	ابدیّت؛
	ازلیّت؛
	جاودانگی؛
	خلود؛
	دهر؛
	سرمد؛
	سرمدیّت؛
	قِدَم
eternity in essence	قِدَم ذاتی
eternity in time	قِدَم زمانی
eternity of eternities	ازلِ آزال
ether	اثیر

ethereal being	شخص لطیف
ethereal person	شخص لطیف
ethos	خُلقیّات
eulogizing	تحمید؛
	ثناء
evanescence	زوال
Evangel	انجیل
Eve	حوّا
even(number)	زوج (عدد)
event	اتّفاق (= حادثه)؛
	واقعیّت
events	حوادث
ever-creating	خلّاق
Ever-Creating, the	خلّاق (خداوند)
ever-expanding existence	
	وجود منبسط
ever-extending existence	
	وجود منبسط
Ever-knowing of absent things, the	
	علّام الغیوب (خداوند)
everlasting	ابدی؛
	جاودان؛
	جاودانه
everlasting happiness	سعادت ابدی
everlasting miracle	معجزه‌ی خالده
everlastingness	اَبَد؛
	ابدیّت؛
	خُلد؛
	خلود؛
	سرمد

established متمکّن؛
مسلّم
established commendable custom سنّت
established postulate اصل متعارف
established principle اصل موضوع
established principles اصول موضوعه
Establisher, the مُثبِت (خداوند)
establishing peace اصلاح
establishing the cause وضع علّت
establishing wholesomeness اصلاح
establishment اثبات
establishment of the Divine Law تأسیس شریعت
establish, to اثبات کردن؛
اقامه کردن
estimation ظنّ؛
واهمه؛
وهم
estimative وهمی
estimative faculty قوّه‌ی وهمیّه
eternal ابدی؛
ازلی؛
جاودان؛
جاودانه؛
دائم؛
دائمی؛
سرمدی؛
قدیم؛
لا یزال

eternal act فعل ازلی؛
فعل قدیم
eternal affliction شقاوت ابدی
eternal agent فاعل قدیم
eternal attributes صفات ازلی
eternal being وجود قدیم
eternal bliss سعادت ابدی
eternal by virtue of time قدیم زمانی
eternal cause علّت قدیم
eternal Command امر ازلی
eternal creation حدوث دهری
eternal duration دهر
eternal essences اعیان ثابته
eternal felicity سعادت ابدی
eternal Garden بهشت جاوید
eternal happiness سعادت ابدی
eternal Heaven بهشت جاودان
eternal *hexeities* اعیان ثابته
eternal in terms of time قدیم زمانی
eternal knowledge علم ازلی
eternal life حیات ابدی؛
حیات جاوید؛
خلود
Eternally Living, the حیّ (خداوند)
eternal matter مادّه‌ی قدیم
eternal motion حرکت ازلی
eternal necessity ضرورت ازلی
eternal non-existence عدم سرمدی
eternal oneness وحدت سرمدی
eternal power قدرت لا یزالی

essential form صورت بالذات
essential goal غایت بالذات
essential impossibility امتناع بالذات؛ امتناع ذاتی
essential limitation محدودیّت ذاتی
essential limits حدود ذاتی
essentially بالذات
essentially caused موجَب بالذات
essentially contingent ممکن بالذات
essentially established قارّ الذات
essentially immobile قارّ الذات
essentially impossible ممتنع بالذات
essentially instaured مجعول بالذات
essentially made مجعول بالذات
essentially necessary ضروریّ بالذات؛ ضروریّ ذاتی
essentially necessitated موجَب بالذات
essentially non-temporal قدیم ذاتی
essentially ugly قبیح ذاتی
essential matter مادّه‌ی بالذات
essential mercy رحمت ذاتی
Essential Names of God اسماء ذات
essential necessity ایجاب ذاتی؛ ضرورت ذاتی؛ وجوب بالذات؛ وجوب ذاتی
essential need فقر ذاتی
essential neediness افتقار ذاتی
essential object of perception مدرَک بالذات
essential oneness وحدت ذاتی
essential origination حدوث ذاتی
essential part جزء ذات
essential parts ذاتیّات
essential possibility امکان ذاتی
essential poverty افتقار ذاتی؛ فقر ذاتی
essential power قوّه‌ی ذاتی
essential precedence سَبق بالذات
essential predicate محمول اوّل
essential preferability اولویّت ذاتی
essential preponderance اولویّت ذاتی
essential property عَرَض ذاتی
essential qualities صفات ذاتی
essential renewal تجدّد ذاتی
essential requirement اقتضاء ذاتی؛ حاجت ذاتی؛ لازمه‌ی ذاتی
essential richness غناء ذاتی
essentials ذاتیّات
essential term مفهوم ذاتی
essential theophany تجلّی ذاتی
essential transformation انقلاب ذاتی
essential Unicity وحدانیّت ذاتی
essential unity وحدت ذاتی
essential virtue حُسن ذاتی (≠ حُسن زائد)

esoteric commentary تأویل
esoteric commentary of the Quran تأویل قرآن
esoteric dimension باطن
esoteric dimension of the Quran باطن قرآن
esoteric exegesis تأویل
esoteric form صورت باطنی
esoteric intellection نطق باطنی
esoteric interpretations تأویل
esotericism باطنیّه
esotericists باطنیّه
esoteric knowledge علم باطن
esoteric language زبان باطنی
esoteric meaning باطن
esoteric meaning of rites اسرار عبادات
esoteric meaning of the Quran بطن قرآن
esoteric sciences علوم غریبه
esoteric teaching تعلیم خفیّ
esoteric true reality حقیقت
esoteric unity وحدت درونی
esoteric world جهان باطن
esoterists اهل تأویل
esse وجود
esse intellectus وجود ذهنی
essence حقیقت؛
ذات؛
ماهیّت؛
هویّت
Essence of Divine Unity ذات احدّیت
Essence of the Creator ذات باری
Essence of the One ذات احدّیت
Essence of the Real ذات حقّ
essences اعیان
essentia ماهیّت
essential بالذات؛
ذاتی؛
ضروریّ
essential agent فاعل بالذات
essential attribute صفت ذاتی
essential attributes صفات ذاتی
essential beauty حُسن ذاتی (≠ حُسن زائد)
essential boundary حدّ ذات
essential causation ایجاب ذاتی
essential cause سبب ذاتی؛
علّت بالذات
essential change تبدّل ذاتی
essential characteristic ممیزّه‌ی ذاتی
essential coming-into-being حدوث ذاتی
essential contingency امکان بالذات
essential dependence افتقار ذاتی
essential end غایت بالذات
essential eternity قِدَم ذاتی
essential existence وجود ذاتی
essential faculty قوّه‌ی ذاتی

envoys	مُرسَلین
Epicures	ابیقورس (= اپیکور)
Epicurus	ابیقورس (= اپیکور)
epiphanize, to	تجلّی کردن
epiphantic form	مَظهر
epiphantic forms	مظاهر
epiphany	تجلّی
epiphany (of God)	مَظهر
epoch	دوران
equal	متساوی؛
	مساوق؛
	مساوی؛
	نِدّ
equal in relation	
	متساوی النّسبه
equality	تکافؤ؛
	مساوات
equally indifferent	متساوی النّسبه
equally neutral	متساوی النّسبه
equilibrium	اعتدال؛
	حدّ اعتدال
equipoise	اعتدال
equipollency	تعادل
equity	عدل
equivalence	تکافؤ؛
	مساوات؛
	مساوقت
equivalency	تکافؤ
equivalent	متشابه؛
	مساوق؛
	مساوی؛
	مُماثل
equivocal	مجمل؛
	مشترک لفظی
equivocality of names	
	اشتراک لفظی
equivocal term	لفظ مشترک؛
	مفهوم مشترک
equivocation	اشتراک لفظی؛
	تشکیک
erect stance	قیام
eristic discourse	قول کاذب
(erotic) passion	عشق
erring	ضالّ؛
	ضلالت
error	باطل؛
	خطا؛
	ضلالت؛
	گمراهی
eschatological	اُخروی؛
	معادشناختی
eschatology	آخرت‌شناسی؛
	رستاخیز؛
	معاد؛
	معادشناسی
esoteric	باطنی؛
	درونی
esoteric abodes	مقامات
esoteric aspect	باطن (اسم)
esoteric blessing	نعمت باطنی

	منتهیٰ؛
	نهایت؛
	هدف
endless	بی‌انتها؛
	بی‌نهایت
endless chain	تسلسل
endless desire	آرزوی دور و دراز
endlessness	ابدیّت
endless time	دهر
end of all ends	غایة الغایات
end of life	اجل (= وقت مرگ)
End of Time	آخرالزّمان
endurance	بقا
enduring	باقی
Enduring, the	باقی (خداوند)
engendered	مکوَّن
engendered being	کَوْن (= وجود)؛ مکوَّن
engendered command	امر تکوینی
engendered existence	کَوْن (≠ ظهور)
engendered thing	کَوْن
Engenderer of secondary causes, the	مکوِّن اسباب (خداوند)؛
engendering	تکوین
engraving	انتقاش
enigma	رمز
enigmatic language	زبان رمزی
enjoyment	التذاذ؛
	لذّت
enlightenment	اشراق
enliven, to	زنده کردن
Enricher, the	مُغنی (خداوند)
ens	موجود
entail, to	مستلزم بودن
enticement	اغوا
entification	تعیّن
entified existence	وجود عینی؛
	وجود متعیّن
entire	کلّ
entirety	تمامیّت
entities	کائنات
entities of the attributes	اعیان صفات
entity	چیز؛
	ذات؛
	شیء؛
	عین؛
	کائن؛
	ماهیّت؛
	مکوَّن؛
	موجود؛
	هویّت
entrusted	وصیّ
entrusting	تفویض
entrusting the affair	تفویض امر
enumerated	معدود
enunciation	قول
envisaging	تخیّل
envoy	رسول؛
	مُرسَل

emanative being	مُبْدِع
emanative cause	علّت افاضه کننده (= فاعل الاهی)
emanator	مُفیض
embellishment	تحلیه
embodied spirits	ارواح متجسد
embodiment	تجسّم
embodiment of actions	تجسّم اعمال
embody, to	متضمّن بودن
embrace, to	جامع بودن؛ شامل بودن
embracing	احاطه (= محیط بودن)
emergence	عروض
emigrants	مهاجرین
emigration	هجرت
eminence	علوّ
Eminent, the	عالی (خداوند)
emissary	مُرسَل
emotion	انفعال؛ عاطفه
emotional	انفعالی
Empedocles	امپدکلس
empirical	حسّی؛ محسوس
empirical knowledge	شناخت حسّی؛ معرفت حسّی
empirical premises	مجرّبات
empiricism	تجربه‌گرایی
empiricists	تجربه‌گرایان
emplaced	متمکّن
Empowerer, the	مُعزّ (خداوند)
empowerment	تفویض
emptiness	خلأ (≠ ملأ)
empty	تُهی
empyrean	عرش
encircling sphere	فلک متداخل
encompassed	احاطه شده؛ مُحاط؛ مُحوِیّ (= محاط)
Encompasser, the	مُحیط (خداوند)
encompassing	احاطه؛ اَحاطه (= محیط بودن)؛ مُحیط
encompassing being	وجود احاطی
encompassing existence	وجود احاطی
encompassing knowledge	احاطه (= علم کامل)؛ علم احاطی
encompassing perfection	کمال احاطی
encompassing relation	نسبت احاطی
Encompassing, the	محیط (خداوند)
encompassment	احاطه
encounter	تلاقی
encouragement	ترغیب
encyclopedist	جامع المعارف
end	غایت؛ غرض؛ مآل؛

effort اهتمام
effusion افاضه؛
صدور؛
فیض
effusion of being فیض وجود
effusion of light اشراق
effusive مُفیض
ego خود؛
نفْس
ego-centric thought خاطر نفسانی
ego-centric thoughts خواطر نفسانی
egoism انانیّت
eight non-temporally originated beings ← قدماء ثمانیه
Eisagogue ایساغوجی (= کلیات خمس)
election اختصاص (≠ کسب)
elect, the خواصّ (≠ عوام)
elegance جمال
element آخشیج (= عنصر)؛
اصل؛
جزء؛
رکن (= عنصر)؛
عنصر
elemental عنصری
elemental body جسم عنصری
elemental cause علّت عنصری
elemental existence وجود عنصری
elemental fathers آباء عنصری (= عناصر اربعه)
elementality عنصریّت
elemental reality حقیقت عنصریّه
elemental world عالَم عنصری
elementary اوّلی
element of a definition جزء حدّی
elements ارکان (= عناصر)
elevated عالی
Elevated, the عالی (خداوند)
elevation ترقّی
eliminate, to رفع کردن
elimination رفع (≠ دفع)
elite, the خواصّ (≠ عوام)
eloquence of discourse اعجاز
elucidation تبیین (= ایضاح)
emanated entities مُبدَعات
emanate, to افاضه کردن
emanating مُفیض
emanating cause علّت فیّاض
emanating source مبدأ فیّاض
emanation ابداع؛
افاضه؛
انبعاث؛
صدور؛
فیض؛
فیضان
emanationism نظریّه‌ی صدور
emanationist حکیم اشراقی
emanation of continuous theophany فیض تجلّی دائم
emanation without intermediary فیض بی‌واسطه

E e

eager desire	حرص
eagerness in devotion	شوق
early pious Muslims	سَلَف صالح
earned science	علم اکتسابی (= علم کسبی، علم مکتسب)؛ علم کسبی (≠ علم موهوب)؛ علم مکتسَب (= علم کسبی)
earning	کسب (≠ خلق)
earth	خاک (از عناصر اربعه)؛ زمین
earthly	ارضی؛ ناسوتی
earthly soul	نفْس زمینی
earthly world	عالَم سفلیٰ
earthy felicity	سعادت دنیوی
ease	نعیم
eclecticism	مسلک التقاطی
economics	تدبیر منزل
economy	تدبیر منزل
ecstasy	ابتهاج؛ جذبه؛ خلسه
education	تربیت
Effacer, the	ماحی (خداوند)
effect	اثر؛ تأثیر؛ مسبَّب؛ معلول
effecthood	معلولیّت
effective	مؤثّر
effectiveness	تأثیر
effective will	اراده‌ی حتمی؛ اراده‌ی قطعی
effect of a cause	جعل
effect of the agent	جعل
efficiency	تأثیر
efficient	فاعلی
efficient cause	علّت فاعلی
efficient grace	توفیق
effluence	فیض

روز قیامت؛
معاد
doubt شبهه؛
شکّ
doubted مشتبه
doxical premises وهمیّات
draw away, to انتزاع کردن
drawing جذب (≠ دفع)
drawing close to God تقرّب به خدا
drawing on little by little استدراج
dream-vision رؤیا
dream world عالَم رؤیا
Druzes دروزیّه
dualism اثنینیّت؛
ثنویّت؛
ثنویّه
dualist ثنوی
dualists ثنویّه
dualist worldview ثنویّت
duality اثنینیّت؛

ثنویّت
dubious شکّاک
dubious notion شبهه
due حقّ
Duodecimal اثناعشریّه
Duodeciman Shi'ism, the
شیعه‌ی دوازده‌امامی
durability ثبات
duration بقا؛
دیمومت؛
مدّت
dust خاک (از عناصر اربعه)؛
هباء
dust cloud هباء
dutifulness تقوا
duty تکلیف؛
وجوب (≠ حرمت)
dwelling حالّ؛
حلول

تفریق؛
تقسیم؛
قسمت (تقسیم)

division (into parts) تجزیه
Djarudites جارودیّه
doctrinal اعتقادی
doctrinal issues مسائل عقیدتی
doctrine اعتقاد؛
عقیده؛
قول؛
نظریّه
doctrine of the baser contingent
قاعده‌ی امکان اخسّ
doctrine of the corporeality of God
تجسیم
doctrine of the nobler contingent
قاعده‌ی امکان اشرف
doctrine of Unity نظریّه‌ی توحید
doer فاعل
Doer of whatever He wills, the
فعّال مایَشاء (خداوند)
dogma عقیده
dogmatic جزمی
dogmatics اصول دین
doing a sin repeatedly اصرار بر گناه
doing good احسان
doing the beautiful احسان
doing wrong to oneself ظلم به نفس
do injustice, to ستم کردن
domain ساحت

domain of action میدان
domain of oneness عالَم وحدانیّت؛
عالَم وحدت
domain of the Unseen عالَم غیب
domestic science تدبیر منزل
Dominant, the حاکم (خداوند)؛
قاهر (خداوند)
dominated مسخَّر؛
مقهور
domination استیلاء؛
قهر
domination of God سلطه‌ی خدا
Dominator, the سلطان (خداوند)؛
قاهر (خداوند)
dominical ربّانی
dominical decree تقدیر ربّانی
Dominical knowledge علم ربّانی
Dominical Qualities صفات ربوبی
Dominical science علم ربّانی
Dominical world عالَم ربّانی
dominion تسخیر؛
جبروت؛
مُلک؛
ملکوت
donator formatum واهب الصّور
Donator, the باسط (خداوند)؛
واهب (خداوند)
doom حُکم؛
عذاب
doomsday حشر؛

Divine Root اصل الاهی
Divine sanction مکافات الاهی
Divine Scale میزان الاهی
Divine science علم الاهی؛
علم ربّانی
Divine sciences الاهیّات؛
معارف الاهی
Divine Secrets, the اسرار خداوند
Divine self-disclosure تجلّی الاهی
Divine service عبادت
Divine signs آیات الاهی
Divine sovereignty حاکمیّت الاهی
Divine Speech کلام اللّه
Divine speech, the کلام الاهی
Divine Spirit روح الاهی
Divine Splendour جلال الاهی
Divine stage مرتبه‌ی الاهی
Divine succour توفیق الاهی؛
توفیق یزدانی
Divine Tablet لوح محفوظ
Divine teaching تعلیم الاهی
Divine things الاهیّات
Divine Threshold درگاه الاهی
Divine Throne عرش الاهی
Divine torment عذاب الاهی
Divine Unity توحید الاهی
Divine unveiling تجلّی الاهی؛
کشف الاهی
Divine unveiling, the
مَجْلیٰ (= جلوهگاه خداوند)

Divine vicarate نیابت خدا
Divine Vicegerence خلافت الاهی
Divine Vicegerency خلافت الاهی
Divine vicegerent خلیفه‌ی الاهی
Divine Will اراده‌ی الاهی؛
خواست خدا؛
قضا؛
قضا و قدر؛
مشیّت الاهی
Divine wisdom حکمت الاهی
Divine wisdom, the حکمت خداوندی
Divine Works افعال الاهی
Divine world عالَم الوهی؛
عالَم ربّانی؛
عالَم لاهوت؛
عالَم ملکوت
Divine wrath خشم الاهی؛
قهرالاهی
divinity الوهیّت؛
ربوبیّت؛
لاهوت
Divinity, the حقّ (خداوند)
divisibility قسمت‌پذیری
divisible انقسام‌پذیر؛
قسمت‌پذیر؛
منقسم
divisible "one" واحد منقسم
divisible time زمان منقسم
division انقسام؛
بخش؛

Divine guidance هدایت الاهی
Divine illumination کشف الاهی
Divine incoming thought خاطر الاهی
Divine inspiration القاء الاهی
Divine instruction تعلیم الاهی
Divine Intellect عقل الاهی
Divine Intelligence عقل الاهی
Divine Ipseity ذات احدّیت
Divine judgement حُکم الاهی
Divine justice عدل الاهی
Divine knowledge الاهیّات؛
علم الاهی؛
علم ربوبی
Divine knowledge giving تعریف (= دانا ساختن)
Divine Law شریعت؛
شریعت آسمانی؛
شریعت الاهی؛
قانون الاهی؛
ناموس الاهی
Divine laws نوامیس الاهی
Divine Legislator شارع
Divine light تجلّی
Divine limits حدود الاهی
Divine Lordly condition ربوبیّت
Divine love حبّ الاهی؛
عشق الاهی؛
محبّت الاهی
Divine love, the محبت خداوند
Divinely inspired knower عالِم ربّانی
Divinely inspired master عالِم ربّانی
Divine Majesty جلال الاهی؛
کبریایی خدا
Divine Mercy رحمت الاهی
Divine Mystery سرّ الاهی
Divine Names اسماء الاهی
Divine nature, the لاهوت
Divine ones الاهیّون
Divine ordination تقدیر الاهی
Divine Plato افلاطون الاهی
Divine Portal درگاه الاهی
Divine power ملکوت
Divine Presence حضور الاهی
Divine Presence, the حضور خداوند
Divine Principle اصل الاهی
Divine providence عنایت الاهی؛
عنایت ربّانی؛
مشیّت الاهی
Divine punishing مؤاخذه‌ی الاهی
Divine punishment عذاب الاهی
Divine Qualities اوصاف الاهی؛
صفات الاهی؛
صفات لاهوتی
Divine Qualities, the صفات خداوند
Divine realm لاهوت؛
نشئه‌ی الاهی
Divine reports اخبار الاهی
Divine retribution مکافات الاهی
Divine revelation وحی الاهی

ربّانی؛
ربوبی؛
لاهوتی

Divine act فعل الاهی
Divine Acts افعال الاهی
Divine address خطاب الاهی
Divine affirmation تأیید ربّانی
Divine agent فاعل الاهی
Divine aid توفیق یزدانی
Divine assistance توفیق
Divine attention توجّه الاهی
Divine attraction جذبه
Divine Attributes صفات الاهی
Divine authority ولایت الاهی
Divine Balance میزان الاهی
Divine Beauty جمال الاهی
Divine Being وجود الاهی
Divine Benevolence رحمت الاهی
(Divine) blessing برکت
Divine bounty فضل الاهی
Divine breathing نفخ الاهی
Divine call ندای غیبی
Divine code شریعت الاهی
Divine Command امر الاهی
Divine confirmation تأیید الاهی
Divine decree تقدیر الاهی؛
حُکم الاهی؛
قَدَر؛
قضا؛
قضاء الاهی

Divine decree and destiny
قضا و قدر؛
قضا و قدر الاهی
Divine decree and predestination
قضا و قدر
Divine deputyship نیابت الاهی
Divine destiny قضاء الاهی
Divine determination تقدیر الاهی
Divine determinations تعیّنات الاهی
Divine edict ناموس الاهی
Divine Empyrean عرش الاهی
Divine Essence ذات حقّ
Divine exhalation نفخ الاهی
Divine existence وجود الاهی
Divine Face وجه حقّ
Divine foreordination
قضا و قدر الاهی
Divine friendship ولایت الاهی
Divine gift عطیّه‌ی الاهی
Divine governance سیاست الاهی
Divine government سیاست الاهی
Divine grace توفیق ربّانی؛
عنایت حق؛
فضل الاهی؛
کرامت؛
لطف الاهی؛
موهبت الاهی
divine graces الطاف ربّانی
Divine grandeur کبریایی خدا
Divine guardianship ولایت الاهی

خُلق؛
مشرب؛
ملکه (≠ عدم)؛
میل؛
هیأت
dispositional استعدادی
dispositional intellect عقل بالملکه
dispositional possibility
امکان استعدادی
dispositions طبایع
disproving ابطال
disputation مُناظره
dispute مناقشه
disruption شقاق
dissimulation تقیّه
dissociation تبرّی (≠ تولّی)؛
تجزیه
dissolution انحلال؛
حلّ
Distant, the بعید (خداوند)
distaste قبح
distasteful قبیح
distinct متباین؛
متمایز
distinction تغایر؛
تمایز؛
تمیّز؛
تمییز؛
فرق؛
میْز

distinctive characteristic ممیّز
distinguishable متباین
distinguished existent
موجود متشخّص
Distinguisher, the مفصِّل (خداوند)
distinguishing factor جهتِ افتراق
distinguishing feature مشخِّص
distortion تحریف
distraction of the prophet سهوالنبی
disunity تفرّق
divergence اختلاف
divergence of religious scholars
اختلاف علما
diverse متباین
diverse entities متباینات
diversified intellect عقل تفصیلی
diversified intellects عقول تفصیلی
diversity تباین؛
تعدّد؛
غیریّت؛
کثرت
diversity in states اختلاف احوال
diversity of conditions اختلاف احوال
divested quiddity ماهیّت بشرط لا
divesting God of His Attribute(s)
تعطیل (= نفی صفات)
divestment تخلیه
dividing تجزیه
Divine اِلاهی؛
ایزدی؛

مکاشفه
discontiguous accident عَرَض منفصل
discontiguous Imagination
خیال منفصل
discontiguous world of souls
عالَم نفس منفصل
discontiguous world of visibility
عالَم شهادت منفصل
discontinuous accident عَرَض منفصل
discontinuous Imagination
خیال منفصل
discontinuous psychic world
عالَم نفس منفصل
discontinuous quantity کمّ منفصل
discontinuous visible world
عالَم شهادت منفصل
discourse مُناظره
Discourse of God کلام اللّه
discovery of truths کشف حقایق
discrediting تکذیب
discrepancy تفاوت
discrete quantity کمّ منفصل
discrimination تمیّز؛
تمییز
discursive استدلالی؛
حصولی (علم)؛
نظری
discursive knowledge علم حصولی؛
معرفت استدلالی؛
معرفت حصولی
discursive knowledge through impression علم حصولی ارتسامی
discursive logic منطق بحثی
discursive power قوّه‌ی ناطقه
discussion بحث
disengagement تجرید
disequilibrium انحراف
disintegration انحلال
disjoined body جسم منفصل
disjunctive imagination خیال منفصل
disobedience عصیان؛
معصیت
disobedient act معصیت
disorder فساد؛
نابسامانی
disowning تبرّی (≠ تولّی)
disparate متباین
dispenser of forms واهب الصّور
Dispenser, the مُنعِم (خداوند)؛
مُنیل (خداوند)
dispersion تفرّق
dispersion of will تفرقه‌ی همّت
displeasure سخط (= ناخشنودی)
displeasure over the pre-decreed
نارضایی از قضا
disposed مستعدّ
disposition استعداد؛
ترتیب؛
تصرّف؛
حال؛

تمییز؛
غیریّت
differentiation of address, the فصل الخطاب
Differentiator, the مفصِّل (خداوند)
difficult ascent عقبه
difficulty شبهه
digestive faculty قوّه‌ی هاضمه
dimension بُعد؛
ساحت؛
ظرف
dimension of objective reality ظرف واقع
Diogenes دیوجانس
direct بی‌واسطه؛
مباشر؛
مستقیم
direct apprehension مشاهده
direct aright, to ارشاد کردن
direct creation ابداع
direct inference استنتاج بی‌واسطه
directing ارشاد
directing light نور مدبّر
directing oneself toward God توجّه به حقّ
direct involvement مباشرت
direction تدبیر؛
جهت
direction of the religious community امامت امّت

direct knowledge علم حضوری
direct observation رأی العین
director مدبّر
Director, the مرشد (خداوند)
direct vision شهود بی‌واسطه؛
مشاهده
disaggregation مغایرت
disagreeableness منافرت
disagreeable to one's nature منافر طبع
disagreeable to the constitution منافر طبع
disappearance زوال
disapproved منکَر
disapproved (by the Law) مکروه
disbelief بی‌ایمانی؛
کافر؛
کفر
disbeliever کافر
discernment بصیرت؛
تمییز
disciple حواری
disciple of the unbelievers زندیق
disciples اصحاب
discipline سلوک
disclosed منکشف
Disclosed, the جلیّ (خداوند)
disclose, to تجلّی کردن
disclosure تجلّی؛
کشف؛

determiner مُقَدِّر
determining تقدیر
determining factor حیثیّت تقییدیّه؛ مقیِّد
determining principle مخصِّص
determinism جبر؛ جبرانگاری؛ جبرگرایی
determinist جبرگرا؛ جبری مذهب
deterministic جبری
Determinists جبریّه
Deus revelatus عقل اوّل (= عقل کلّی، صادر اوّل)
deviation انحراف؛ ضلالت؛ گمراهی؛ میل (= انحراف از طریق)
device تدبیر
Devil ابلیس؛ شیطان
devise اختراع
devise, to تدبیر کردن
devising مکر
devoted to law متشرّع
devotion عبادت
devoutness عبادت
devout worshiper زاهد
Diabolus ابلیس
dialect بیان
dialectical جدلی (وصف)
dialectical argument برهان جدلی
dialectical theology علم کلام
dialectic argument جدل
dialectician جدلی (= اهل جدل)
dialectics جدل
dialogue محاوره
dictum بیان؛ قول
didactics تعلیم
difference اختلاف؛ تغایر؛ تفاوت؛ غیریّت؛ فرق؛ فصل (= جزء مقوم نوع)؛ مغایرت؛ میْز
difference in unity کثرت در وحدت
different غیر؛ متباین؛ متخالف؛ متغایر؛ مغایر
differentia فصل (= جزء مقوّم نوع)؛ ممیّز
differentiated متباین
differentiated form صورت مفارق
differentiation تفصیل (= تفریق)؛ تمایز؛

قضا (= تقدیر)
destiny and fate قضا و قدر
destiny ordained by God تقدیر الاهی
destructible زوال‌پذیر؛ فناپذیر
destruction زوال؛ نقض
destructive answer جواب نقضی
detached from material entanglement مجرّد
detached lights انوار مجرّد
detachment تجرّد؛ عدم تعلّق
detachment of causes انقطاع اسباب
detailed intellection عقل تفصیلی
detailed knowledge علم تفصیلی
detailed revealing کشف تفصیلی
detailed unveiling کشف تفصیلی
determinables مقدورات
determinacy تعیّن
determinant مخصِّص؛ مرجّح
determinate عینی؛ متعیّن؛ معیَّن
determination تخصیص؛ تصمیم؛ تعیّن؛ تعیین؛

تقدیر؛
تقیّد؛
تقیید؛
جبر؛
جزم؛
عزم؛
قَدَر؛
نصب
determination of the imaginal form تعیّن مثالی
determination of the spirit تعیّن روحی
determinations of souls تعیّنات نفسانی
determinations of the spirit تعیّنات روحی
determinator مرجّح
determined جبری؛ عینی؛ مجبور؛ محصَّل؛ معیَّن؛ مقدَّر؛ مقیَّد
determined agent فاعل موجَب
determined death موت اجباری
determined existence وجود متعیّن؛ وجود مقیّد
determined non-existence عدم مقیَّد
determined time اجل مسمّیٰ

deputy جانشین؛
خلیفه
deputy of God نایب خدا
deputy of the Imam نایب امام
derivative اعتباری؛
اکتسابی؛
انتزاعی؛
نظری
derived اعتباری؛
مکتسَب
derived intelligence عقل مستفاد
derive, to استنباط کردن
descendant جانشین
descendants عترت
descending نازل
descending arc قوس نزول
descending degrees دَرَکات
descending hierarchy ترتیب نزولی
descending journey سیر نزولی
descending movement سیر نزولی
descending order ترتیب نزولی؛
سیر نزولی
descending system سیر نزولی
descent تنزّل؛
نزول
described موصوف
described subject مدلولٌ علیه
description اتّصاف؛
اِخبار؛
توصیف؛

صفت؛
وصف
descriptive اِخباری؛
توصیفی
descriptive essence ماهیّت توصیفی
descriptive nature ماهیّت توصیفی
deserving استحقاق
desiderative faculty قوّه‌ی شهویّه
design نظام؛
نظم
designation حکایت (= حاکی بودن)
designation of ranks تعیین مراتب
designation of the levels
تعیین مراتب
designer ناظم
desirability مطلوبیّت
desirable for itself مطلوب ذاتی
desire اراده؛
رغبت؛
شوق؛
شهوت؛
غرض
desired مطلوب
desired for itself مطلوب ذاتی
desirous راغب
Desirous, the مُرید (خداوند)
destination مقصد
destiny بخت (= سرنوشت)؛
تقدیر؛
قَدَر؛

demonic شیطانی
demons in humans and jinns
شیاطین جن و انس
demonstrable برهانی
demonstrated مُبرهَن
demonstrate, to اثبات کردن؛
استدلال کردن؛
اقامه‌ی برهان کردن؛
ثابت کردن
demonstration آوند (= برهان)؛
اثبات؛
استدلال؛
برهان؛
بیان؛
تبیین (= تعلیل)
demonstration *ad absurdum*
برهان خُلف
demonstration from cause to effect برهان لمّی
demonstration from effect to cause برهان انّی
demonstration of fact برهان انّی
demonstration *per impossible*
برهان خُلف
demonstrative برهانی
demonstrative knowledge
معرفت برهانی
demonstrative proof برهان
demonstrative reasoning
استدلال برهانی

denial جحد (= انکار)؛
سلب؛
نفی (≠ اثبات)
denial of God زَنْدَقه
denial of likeness and similitude
تنزیه
denial of the Divine Attribute(s)
تعطیل (= نفی صفات)
denial of the positive nature of God's Attributes
تعطیل (= نفی صفات)
denied منفی
denomination تسمیه
denotation دلالت
denote, to دلالت کردن
dens body جسم کثیف
dense کثیف (≠ لطیف)
denying تکذیب
denying God الحاد
deny, to سلب کردن؛
نفی کردن
departure from body مفارقت از بدن
dependence افتقار؛
تعلّق؛
توقّف (= وابستگی)
dependence on God اتّکال به خدا
dependency تعلّق
dependent محتاج؛
وابسته
dependent existence وجود تطفّلی

definiteness	قطعیّت
definite proof	برهان قاطع
definition	تعریف (= حدّ)
definitive	یقینی
definitive discourse	قول جازم
definitiveness	صراحت
definitive text	نصّ
definitive will	اراده‌ی قطعی
definitive word	قول جازم
degree	درجه؛
	رتبه؛
	مرتبه
degrees	درجات؛
	مراتب
degrees of being	مراتب وجود
degrees of determinations	مراتب تعیّنات
degrees of entification	مراتب تعیّنات
degrees of existence	مراتب وجود
degrees of felicity	مراتب سعادت
deism	الوهیّت
deity	اِلاه؛
	الوهیّت؛
	خدا
delaying	تأخیر
delegation	تفویض
deliberation	تدبّر؛
	تأمّل؛
	رویّت؛
	فکر
deliberative	فکری
deliberative faculty	قوّه‌ی تفکّر
deliberative imagination	مفکّره
delimitation	تقیّد؛
	تقیید
delimited	محدود
delimited evil	شرّ مقیّد
delimited light	نور مقیّد
delimited prophethood	نبوّت خاصّه (= رسالت)
delinquency	خطیئه
deliverance	نجات
delivering dues	ادای حقوق
delusion	توهّم
demand	استدعا؛
	اقتضاء
demanding	مقتضی
demand, to	مستلزم بودن
demise	رحلت؛
	مرگ؛
	موت
demiurge	صانع؛
	صانع عالم
democracy	حکومت عامّه؛
	حکومت مردم
Democritus	دموکریتس
demon	جنّ؛
	دیو؛
	شیطان؛
	نفْس برزخی

حُکم؛
عزم
decisive جازم؛
قطعی؛
محکم (دلیل)
decisive address فصل الخطاب
decisive argument حجّت قاطع؛
دلیل قطعی
decisive conviction اعتقاد جازم
decisive criterion فارق
decisive proof برهان قاطع؛
حجّت قاطع
decisive speech فصل الخطاب
declaration of faith
شهادت (= اعلام ایمان)
declaration of God's Unity توحید
declarative discourse قول جازم
declaring incomparability تنزیه
decline زوال
declining نزولی
decrease نقصان
decree تقدیر؛
حُکم؛
قضا
decree and destiny قضا و قدر
decree and preordination قضا و قدر
decree of God حُکم اللّه
decree of the Law حُکم شرع
decrees of fate and destiny
اَحکام قضا و قدر

deduction استدلال قیاسی؛
استنباط؛
استنتاج؛
قیاس (در منطق)
deductive نظری
deductive argument برهان قیاسی
deductive proof برهان قیاسی
deductive reasoning استدلال قیاسی
deductive thought تفکّر قیاسی
deed عمل
deed of obedience عمل عبادی
deepening one's thought تعمّق
deepest reality کُنه
defect نقص
defective فاسد (دلیل)؛
ناقص
deferment of judgement
توقّف (= خودداری از اظهار نظر)
Deferrer, the مؤخّر (خداوند)
deferring اِرجاء
deficiency نقص؛
نقصان
deficient ناقص
defilement رجس
definite جزمی؛
قطعی؛
محدود؛
محکم (دلیل)؛
معیّن؛
یقینی

D d

damnation	شقاوت
dark mist	عماء
darkness	ظلمت
das Sein	وجود
das Seindes	موجود
data of experience	مجرّبات
datum	معلوم
David	داوود
Day of Doom	روز جزا
Day of Judgement	روز جزا؛
	روز قیامت؛
	قیامت
Day of Reckoning	روز حساب
Day of Recompense	رستاخیز؛
	روز جزا
Day of Resurrection	رستاخیز؛
	روز رستاخیز؛
	روز قیامت
Day of Retribution	روز جزا
Days of God	ایام اللّه
days of ignorance	جاهلیّت
death	رحلت؛
	مرگ؛
	موت
Death-Giver, the	مُمیت (خداوند)
debar, to	مانع شدن
debatable point	محلّ نزاع
debate	بحث؛
	محاجّه؛
	محاوره؛
	مُناظره
debating	مُناظره
debauchery	فسق
decadence	انحطاط
deceits of the lower soul	کید نفس
deceiving	اغوا
deception	مکر
decide, to	حُکم کردن
decision	تصمیم؛
	جزم؛

اعتقادنامه؛	
ملّت	
آیین توحید	creed of Unity
مِلَل	creeds
مِلَل و نِحَل	creeds and sects
ظلم	crime
ضابطه؛	criterion
معیار؛	
ملاک؛	
مناط؛	
میزان	
میزان اعمال	criterion of action
ملاک تقدّم	criterion of precedence
متفلسف	crypto-philosopher
پرستش	cult
تهذیب	cultivation
تربیت نفس	cultivation of the soul
تربیت	culture
شفا	cure
شافی (خداوند)	Cure-Giver, the
قوس صعود	curve of ascent
قوس نزول	curve of descent
آیه (= رسم)؛	custom
عادت	
عادت	customary usage
حرکت قطعی	cutting movement
قطع تعلّق	cutting off attachment
قطع علایق	cutting off attachments
	cutting off secondary causes
قطع اسباب	
دور (= چرخه)؛	cycle
دوران	
کلبیّه	Cynicism
کلبیان	Cynics

create, to آفریدن؛
ایجاد کردن
creating ایجاد؛
تکوین
creating concordance among men
اصلاح بین مردم
Creating, the خالق (خداوند)
creatio ex nihilo ابداع؛
خَلق از عدم
creation آفرینش؛
اِحداث؛
اختراع؛
ایجاد؛
تکوین؛
جعل؛
حدوث؛
خَلق (= آفرینش)؛
خلقت
creational guidance هدایت تکوینی
creation (from nothing) ابداع
creation from nothingness
خَلق از عدم
creation in time اِحداث؛
حدوث زمانی
creationism نظریّه‌ی آفرینش
creation out of nothing خَلق از عدم
creative آفریننده (وصف)؛
خلّاق
creative cause بدیع؛
علّت موجِده
creative faculty قوّه‌ی خلّاقه
creativeness ابداع؛
خالقیّت
creative power قوّه‌ی خلّاقه
creativity of the soul خلّاقیّت نفس
creator آفریننده (اسم)؛
جاعل؛
خالق؛
صانع؛
مُبْدِع؛
محدِث؛
مکوِّن؛
موجِد
creator of the world صانع عالم
Creator, the آفریدگار (خداوند)؛
باری (خداوند)؛
خالق (خداوند)؛
خلّاق (خداوند)؛
صانع (خداوند)؛
مبدِع (خداوند)؛
مصوِّر (خداوند)
creature آفریده؛
کائن؛
مخلوق؛
مصنوع
creatures خلایق؛
خَلق (= مخلوقات)؛
کائنات
creed آیین؛
اعتقاد؛

صدق؛
مطابقت؛
مناسبت
correspondence with reality
مطابقت با واقع
corresponding object مطابَق
correspond, to منطبق شدن
correspond to reality, to
مطابِق بودن با واقع
corruptible زوال‌پذیر؛
فاسد (≠ کائن)؛
فسادپذیر
corruptible substance جوهر فاسد
corruption زوال؛
فساد
cosmic تکوینی
cosmic creation خَلق تکوینی
cosmic dualism ثنویّت کیهانی
cosmic guidance هدایت تکوینی
cosmic intellect عقل کامل
cosmic journey سیر تکوینی
cosmic law ناموس
cosmic man انسان کبیر
cosmic reason عقل کامل
cosmic soul نفْس کلّی
cosmological argument برهان طبیعی
cosmology جهان‌شناسی؛
طبیعیّات
cosmos جهان؛
عالَم؛

کَوْن
counter مقابله
counter-argument جواب نقضی
counter intuitive خلاف وجدان
counteroffensive مقابله
counterpart مقابل
courage شجاعت
course منهج
courtesy ادب
covering تکفیر (≠ احیاط)؛
محیط
cowardice جُبن
craft صناعت
created آفریده؛
مُبدَع؛
محدَث؛
مخلوق
created act فعل حادث
created being کائن
created by predetermination
خَلق تقدیری
created entity مجعول
created in time حادث زمانی؛
محدَث
createdness حدوث؛
مخلوقیّت
created thing حادث
created things حوادث؛
مولَّدات
created world عالَم خلق

copulative existence رابط؛
وجود رابط؛
وجود رابطی؛
وجود ربطی
cordial presence حضور قلب
core کُنه
core of the essence کُنه ذات
corollary نتیجه‌ی طبیعی
corporal being موجود جسمانی
corporeal جسمانی
corporeal accident عَرَض جسمانی
corporeal apparitions اشباح جسمانیّه
corporeal being جسم
corporeal body جسم
corporeal cause علّت جسمانی
corporeal faculty قوّه‌ی جسمانی
corporeal force قوّه‌ی جسمانی
corporeal form صورت جسمیّه
corporealism مکتب تجسّم
Corporealists, the
مجسِّمه (= معتقدان به جسم داشتن خداوند)
corporeality جسمانیّت؛
جسمیّت
corporealization تجسّد؛
تجسّم
corporealization of actions
تجسّم اعمال
corporealization of the spirits
تجسّد ارواح
corporeal matter هیولای جسمانی

corporeal power قوّه‌ی جسمانی
corporeal senses حواسّ جسمانی
corporeal substance جوهر جسمانی
corporeal world عالَم اجسام؛
عالَم جسمانی؛
مُلک؛
نشئه‌ی جسمانیّه
corporeous body جسد
corpse بدن؛
جسد
corpuscle جوهر فرد؛
ذرّه
correct حقّ؛
صواب؛
مصیب
correct attitude towards God ادب
correction تهذیب
correction of disposition
تهذیب اخلاق
correctness درستی؛
صحّت؛
صدق
correct religious belief ایمان
correlation اضافه (≠ عین وجود)؛
تضایف؛
مطابقت؛
نسبت
correlative اضافی
correspondence انطباق؛
تشابه؛

continuous quantity which is ← essentially mobile کمّ متّصل غیر قارّ الذات

continuous visible world عالَم شهادت متّصل

contraction of the spirit قبض روح

contradiction تناقض؛ تناقض‌گویی

contradictory متناقض؛ مُنافی؛ نقیض

contradictory of existence نقیض وجود

contradict, to تناقض داشتن؛ متناقض بودن

contrariety تقابل؛ ضدّیت

contrary آخشیج (= ضدّ)؛ ضدّ؛ متناقض؛ مُنافی

contrary to nature خارق العاده

control انتظام؛ تسخیر؛ تصرّف؛ مراقبت

controlling power قدرت مدبّره

controversialist جدلی (= اهل جدل)؛ مجادل

controversy جدل؛ مجادله

convenience مناسبت

convention جعل؛ وضع

conventional اعتباری؛ وضعی

conventional relation نسبت وضعی

conventions رسوم

conversive مُغیِّره (قوّه)

convertible تحویل‌پذیر

convert to Islam, to اسلام آوردن

conviction اعتقاد؛ تصدیق؛ یقین

convincing proof دلیل قوی

coordinates متّصل

coordination تنزیه؛ نظم

co-partner to God شریک الباری

co-presence in being اجتماع در وجود

co-presence of two contradictories اجتماع نقیضین

co-present قارّ

co-present in essence قارّالذات

copula رابط؛ رابطه؛ فعل رابط

copula existence وجود رابط

copulation ربط

copulative حرفی (= ربطی)

contentment with the decree of God رضا به قضا
contiguity اتّصال؛
اقتران؛
تماس
contiguous accident عَرَض متّصل
contiguous Imagination خیال متّصل
contiguous world of souls عالَم نفس متّصل
contiguous world of visibility عالَم شهادت متّصل
continence عفّت
continent عفیف
continent person زاهد
contingencies ممکنات
contingency احتمال؛
امکان؛
امکان خاصّ؛
جواز (= امکان)؛
حدوث
contingency in itself امکان ذاتی
contingency in relation to another امکان بالقیاس الی الغیر
contingent امکانی؛
جایز (= ممکن)؛
جایزالوجود؛
حادث؛
عارض؛
ممکن؛
ممکن الوجود
contingent being ممکن الوجود؛
موجود ممکن؛
وجود ممکن
contingent entities ممکنات
contingent existence ممکن الوجود؛
وجود امکانی؛
وجود ممکن
contingent fact واقعیّت امکانی
contingent in itself ممکن بالذات
contingent reality واقعیّت امکانی
contingent will اراده‌ی حادث
continually renewed creation تجدّد خلق
continuance دوام
continuing مستمرّ
continuity اتّصال؛
دوام
continuous متّصل؛
مستمرّ؛
ممتدّ
continuous accident عَرَض متّصل
continuous constant measurement کم متّصل قارّالذات
continuous constant quantity کم متّصل قارّالذات
continuous creation تجدّد خلق
continuous movement حرکت دائمی
continuous psychic world عالَم نفس متّصل
continuous quantity کمّ متّصل

مستمرّ
Constant, the صمد (خداوند)
constituent جزء؛
مُقَوِّم
constituent causes علل قوام
constituent differentia فصل مقوّم
constituent elements عناصر مقوّم
constituting مُقَوِّم
constituting differentia فصل مقوّم
constitution بُنیه؛
تقوّم؛
جبلّت؛
طبیعت؛
قوام؛
مزاج
constitutional فطری
constitutive سازنده؛
مُقَوِّم
constitutive causes علل قوام
constrained قسری؛
مجبور
constraining cause علّت موجِبه
constraining movement حرکت قسری
constraint اجبار؛
اضطرار (≠ اختیار)؛
اکراه (= اجبار)؛
الزام (= اجبار)؛
جبر (= اجبار)؛
قسر؛
مانع

construction ایجاد
constructive answer جواب حلّی
consultation شورا
consultative council اهل شورا
contact اتّصال؛
تماس
contained مندرج
container حاوی (= محیط)؛
حاوی (=محیط)؛
ظرف؛
وعاء
containers اوعیه
containing حاوی (= محیط)؛
حاوی (=محیط)
contain, to متضمّن بودن
contemplated being مشهود
contemplated ones مناظر
contemplating mind عقل متفکّر
contemplation تأمّل؛
تعقّل؛
شهود؛
مشاهده؛
نظر
contemplation and action
علم و عمل
contemplation without intermediary
شهود بی‌واسطه
contender مجادل
content محویّ (= محاط)؛
مفاد

connective رابط؛
ربطی
connective being وجود ارتباطی؛
وجود رابط
connective existence وجود رابطی
connexion تعلّق؛
نسبت
connotation مفهوم ضمنی
conquering مَلِک دیّان
Conquering, the قهّار (خداوند)
Conqueror, the فتّاح (خداوند)؛
قاهر (خداوند)
conscience ضمیر (= وجدان)؛
نفْس لوّامه؛
وجدان
conscious آگاه؛
دانا
consciousness آگاهی؛
خودآگاهی؛
درک؛
شعور؛
ضمیر (= وجدان)؛
وجدان
consciousness of revelation
شعور وحی
consciousness of the self
علم به نفس
consecution توالی
consecutiveness توالی
consensus اجماع؛
وفاق
consensus of the Islamic
community اجماع امّت
consensus of the scholars
اجماع علماء
consequence تالی (≠ مقدّم)؛
تبعیّت؛
لازمه؛
لزوم؛
نتیجه
consequent لاحق؛
لازم
consequential لازم
consequential property of quiddity
لازم ماهیّت
consequent necessity وجوب لاحق
conservation حفظ
consideration اعتبار؛
لحاظ
consideration of
non-existence اعتبار عدم
considerations اعتبارات
considerative نظری
considerative thinkers اهل نظر
consistency سازگاری؛
هماهنگی
consistent سازگار
consolidation تحکیم
constancy ثبات
constant ثابت؛

conditioning agent مقیِّد
conditions شرایط
conduct سلوک
conference خطابه
confession with tongue اقرار به زبان
confessor to the Unity of God موحِّد
confidence in God توکّل
configuration هیأت
configuration of nature نشئه‌ی طبیعت
configured Imagination خیال مصوَّر
Configurer, the مُنشِئ (خداوند)
confined مقیَّد
confinement اختصاص (≠ کسب)
confirmation اثبات؛
تصدیق؛
تأیید؛
جزم
confirmer مؤیِّد
conformation انطباق؛
تطبیق
conforming امتثال
conformity تشابه؛
تقلید؛
سازگاری؛
مطابقت
conform, to منطبق شدن
conform to reality, to مطابِق بودن با واقع

confrontation تقابل
confusion توهّم؛
خَلط
congenital خَلقی (= فطری)
Congregation, the محشر
congruence تکافؤ؛
سنخیّت؛
مسانخت؛
مطابقت
conjectural حدسی
conjecture توهّم؛
حدس؛
ظنّ
conjoined Imagination خیال متّصل
conjunction اتّصال؛
اجتماع؛
اقتران؛
مجموع؛
مقارنه
conjunctive متّصل
conjunctive Imagination خیال متّصل
connected متّصل
connectedness اتّصال (= به هم پیوستن)
connection اتّصال؛
پیوند (= ارتباط)؛
تعلّق؛
رابطه؛
ربط؛
نسبت

conciliation اصلاح
conclusion استنتاج؛
نتیجه
conclusive قطعی
concomitance استلزام؛
تساوق؛
لزوم؛
مساوقت؛
معیّت
concomitant لازم؛
مساوق؛
ملازم
concomitant facts امور اتّفاقی
concord وفاق
concordance تلائم؛
توافق؛
مطابقت
concrete خارجی؛
عینی؛
محسوس
concrete and existing things اعیان
concrete concept مفهوم انضمامی
concrete determination عینیّت
concrete existence موجود عینی
concrete form صورت عینی
concretely existent things اعیان
concreteness خارجیّت
concrete part جزء خارجی؛
جزء عینی
concrete presence حضور عینی
concretized essence عین
concretizing element مشخِّص
concupiscence شهوت
concupiscent soul نفْس امّاره؛
نفْس امّاره به سوء
concupiscibility شهوت
concupiscible شهوی
concupiscible faculty قوّه‌ی شهویّه
concupiscible soul نفْس شهوی
condensation تکاثف
condition حال؛
حالت؛
شرط؛
شأن؛
قید؛
وضعیّت
conditional شرطی
conditional evil شرّ مقیّد
conditionality of the Names
توقیفی بودن اسماء
conditional mode حیثیّت تقییدیّه
conditional proposition قول شرطی
conditioned متعیّن؛
مشروط؛
مقیَّد
conditioned by no condition
بشرط لا
conditioned-by-something
بشرط شیء
Conditioner, the حاکم (خداوند)

comprehensive being وجود احاطی
comprehensive existence وجود احاطی
comprehensive knowledge احاطه (= علم کامل)؛ علم احاطی
comprehensiveness عمومیّت
comprising جامع
comprising various degrees مشکّک
compromise توفیق (= سازش)
compromising disputes among people اصلاح ذات البین
compulsion اجبار؛ جبر؛ جبر (= اجبار)؛ قسر
Compulsionists جبریّه
compulsive motion حرکت قسری
compulsory بالقسر؛ قسری
conceal beliefs and practice, to تقیّه کردن
Concealed, the باطن (خداوند)
Concealer of sins, the ستّار (خداوند)
Concealing, the غَفُور (خداوند)
concealment احتجاب (≠ تجلی)؛ اخفاء (≠ ظهور)؛ تقیّه
concealment of secret کتمان سرّ
conceivable متصوَّر
conceivable form صورت ادراکی
conceived متصوَّر
conceived essence ماهیّت اعتباری
conceive, to تصوّر کردن
concept تصوّر؛ معنا؛ معنای متصوَّر؛ مفهوم
concept and judgement تصوّر و تصدیق
conception ادراک؛ تصوّر؛ تصویر
conception reasoning تعقّل
concept of being مفهوم وجود
concept of place اَینیّت
concepts معقولات
conceptual تصوّری؛ ذهنی
conceptual intellect عقل نظری
conceptual intelligence عقل نظری
conceptualization تصوّر؛ مفهوم‌سازی
conceptualize, to تصوّر کردن
conceptual knowledge علم حصولی؛ معرفت حصولی
conceptually clear بدیهی
conceptual part جزء عقلی
concern التفات؛ اهتمام

تمامیّت؛
کمال
complete quiddity ماهیّت تامّ
complete reliance on God توکّل
completion تمام
complex مرکّب
complex substance جوهر مرکّب
compliance اتّباع
component جزء؛
مرکّب
comportment ادب
composed تدوینی؛
مرکّب
composed being موجود مرکب
composed book کتاب تدوینی
composed duality زوج ترکیبی
composite تألیفی؛
مؤلّف؛
مرکّب
composite agent فاعل مرکّب
composite cause علّت مرکّب
composite form صورت مرکّب
composite ignorance جهل مرکّب
composite instauration جعل تألیفی؛
جعل مرکّب
composite making جعل تألیفی؛
جعل مرکّب
composite matter مادّه‌ی مرکّب
composition ترکیب؛
تألیف

composition by way of annexation
ترکیب انضمامی
composition by way of unification
ترکیب اتّحادی
compound ترکیب؛
مؤلّف؛
مرکّب
compound agent فاعل مرکّب
compound bodies اَجرام مرکّب
compound cause علّت مرکّب
compoundedness ترکیب
compound essence ماهیّت مرکّب
compound existent موجود مرکب
compound form صورت مرکّب
compound ignorance جهل مرکّب
compound quiddity ماهیّت مرکّب
compound substance جوهر مرکّب
comprehended احاطه شده؛
محاط
comprehended form صورت ادراکی
comprehending احاطه کننده
comprehend, to درک کردن
comprehension احاطه؛
ادراک؛
درک؛
فهم
comprehensive احاطه کننده؛
جامع؛
شامل؛
محیط

بلاغ
communication with God
ارتباط با خدا
communion اتّصال
communities اشتراکات (≠ اختلافات)
community اجتماع (= جامعه)؛
امّت؛
فرقه
community of Islam امّت
community of Muslims امّت
companion حواری؛
صحابی
companion of subtlety صاحب لطف
companions اصحاب
companionship صحبت
Companions of the Left Hand
اصحاب شمال
Companions of the Messenger
اصحاب رسول
Companions of the Prophet
اصحاب پیامبر (ص)؛
اصحاب نبیّ (ص)؛
صحابه‌ی پیامبر
Companions of the Right Hand
اصحاب یمین
Companions, the صحابه
comparison تشبیه
compass احاطه
compassion رحمت؛
رأفت

compassionate رحمانی
Compassionate, the حنّان (خداوند)؛
رحمٰن (خداوند)؛
رحیم (خداوند)
compatibility سازگاری
compatible سازگار
compelled مجبور
compelled agent فاعل بالجبر
Compelling, the جبّار (خداوند)
compensate, to پاداش دادن؛
ثواب دادن
compensation پاداش؛
تکفیر (≠ احباط)؛
عوض
competence of intellect کفایت عقل
competence of reason کفایت عقل
complete تامّ؛
جامع؛
کامل
complete cause تمام العلّة؛
علّت تامّه
complete compound مرکّب تامّ
complete existence وجود تامّ
complete indigence فقر
completely immaterial thing
مجرّد تامّ
complete man انسان تامّ
complete negation عدم محض؛
عین العدم
completeness تمام؛

coming to being تکوّن
coming together اجتماع
command الزام (= تکلیف)؛
امر (≠ نهی)؛
تکلیف؛
حُکم؛
فرمان
command by intermediary
امر تکلیفی
Commander of the Faithful
امیرالمؤمنین (ع)
commanding the good امر به معروف
commandment تکلیف؛
فرمان
commandment of the Law
حُکم شرع
commandments شرایع (= احکام)
command of Allah تکلیف الاهی
Command of Creation امر ایجاد
Command of existentiation
امر ایجاد
Command of God امر اللّه
command of revealed Law
امر تشریعی
Command through will امر ارادی
command, to تکلیف کردن
command without intermediary
امر تکوینی
Commencer, the مُبدئ (خداوند)
commendation ستایش

commensurability تکافؤ؛
توافق
commensurate مساوی
commentator شارح
commingling امتزاج
commitment التزام
common عامّ؛
مشترک
common accident عَرَض عامّ
commonality of meaning
اشتراک معنوی
common basis ملاک
common boundary حدّ مشترک
common consent عرف
commoners عامّه
common essence ماهیّت مشترک
common factor جهتِ اشتراک
common good مصلحت
common people عامّه؛
عوام
common possibility امکان عامّ
common qualification وصف مشترک
common sense حسّ مشترک؛
عقل سلیم
common technical predication
حمل شایع صناعی
common usage عرف
communicable انتقال‌پذیر
communication اتّصال؛
ارتباط؛

cogitation فکر
cognate هم‌سنخ
cognation سنخیّت
cognitio intuitiva حدسیّات
cognition ادراک؛
درک؛
شناخت؛
عِلم؛
معرفت؛
معلوم
cognitive ادراکی؛
علمی
cognitive form صورت علمی
cognitive perfection کمال علمی
coherence انسجام؛
تلائم؛
سازگاری؛
هماهنگی
coherency انسجام؛
تلائم؛
سازگاری؛
هماهنگی
coherent سازگار
coincidence اتّفاق (= صُدفه، تصادف)؛
اجتماع؛
بخت (= اتّفاق)؛
تساوق؛
تصادف؛
مطابقت

coincidence of opposites
جمع اضداد؛
متضایف
coincidence of two contradictories
جمع بین نقیضین
coincident مساوق
coincidentia oppositorum
جمع اضداد
collection مجموع
collective knowledge علم اجمالی
Colliget کلّیات
combination اجتماع؛
ترکیب؛
تألیف؛
مقارنه
combination of two contradictories اجتماع نقیضین
comeliness حُسن
coming-back اعاده
coming closer تقرّب
coming down هبوط
coming from the Divine خاطر الاهی
coming from the Lord خاطر ربّانی
coming into being حدوث
coming-into-being through perpetual duration حدوث دهری
coming into existence in time
حدوث زمانی
coming to be تکوّن؛
کینونت

circular argument
دور (= استدلال دوری)
circular body جِرم مستدیر
circular demonstration برهان دور
circularity استداره
circular motion حرکت دوری
circular movement حرکت دوری
circular reasoning استدلال دوری؛
دور (= استدلال دوری)
circular vitiosus مصادره به مطلوب
circulus in probando
مصادره به مطلوب
circumference محیط
circumstance حال؛
وضعیّت
circumstances احوال؛
شرایط
circumvention مکر
circus visiosa دور (= استدلال دوری)
claim دعویٰ
Clairvoyant, the بصیر (خداوند)
clarification تبیین (= ایضاح)
Clarifier, the مبیِّن (خداوند)
class مرتبه؛
نوع
clay خاک (از عناصر اربعه)
clear بیّن؛
مبیَّن
clear evidence دلیل محکم
clear judgement فصل الخطاب
clearness of understanding
صفای ذهن
clear signs بیّنات
Clement, the حلیم (خداوند)؛
رؤوف (خداوند)؛
رحمٰن (خداوند)
close friendship اُنس
closest abode, the دار دنیا
cloud of dust هباء
coalition ائتلاف
coequal متماثل
coercion اضطرار (≠ اختیار)؛
جبر (= اجبار)؛
قسر
coercive اضطراری (≠ اختیاری)؛
بالتسخیر؛
جبری (= اجباری)
coercive agent فاعل قاسر
coercive movement حرکت قسری
co-existence اجتماع در وجود؛
معیّت؛
معیّت وجودی
coexistence of independent causes
توارد علل
co-existence of two contradictions
اجتماع نقیضین
co-existence of two contraries
اجتماع ضدّین
coexistent مجتمع در وجود
coextensive مساوق

changeless	تغییرناپذیر
change of mind	بَداء
change of states	تغیّر احوال
changing	متغیّر
chaos	خائوس؛
	عماء؛
	نابسامانی
character	خُلق؛
	خوی؛
	طبع؛
	طبیعت
characteristic	خاصیّت؛
	خصلت؛
	خصوصیّت؛
	صفت؛
	لازمه؛
	نعت؛
	وصف.
characteristics	
	خواصّ (= خصوصیّت‌ها)؛
	هیأت
characterization	تعریف (≠ تنزیه)
character trait	خُلق
charge	تکلیف
charisma	کرامت
charismatic act	کرامت
charismatic gift	کرامت
charity	احسان؛
	محبّت؛
	مودّت

chaste	عفیف
chasteness	عفّت
chastised	معذَّب
chastisement	عذاب؛
	کیفر
chastity	عصمت؛
	عفّت
chastizement	مؤاخذه
Cherubins	کرّوبیان
chief	نقیب
chimeric	موهوم
chimerical	وهمی
choice	اختیار
choice of creatures	زبده‌ی کاینات
choose as a prophet, to	مبعوث کردن
choosing	مختار
chosen by God	صفیّ اللّه
chosen of God, the	خاصّگان حقّ
Christ	مسیح (ع)
Christian	مسیحی
Christianity	مسیحیّت
Christians	نصارا
chronological	زمانی
chronological order	ترتیب زمانی
cipher	رمز
circle of existence	دایره‌ی وجود
circle of *wujûd*	دایره‌ی وجود
circular	دوری (استدلال)؛
	مستدیر

Causer of secondary causes, the مسبّب الاسباب (خداوند)
causes of subsistence علل قوام
cause upon the caused جعل
causing annihilation افناء
causing corruption افساد
causing division تفرقه
causing to descend انزال
ceasing منصرم
celestial آسمانی؛
سماوی؛
فلکی
celestial bodies اَجرام سماوی
celestial body جِرم آسمانی؛
جسم فَلَکی
celestial confirmation تأیید آسمانی
celestial garden روضه‌ی اخروی
celestial hierarchy ملکوت
celestial intelligences عقول سماوی
celestial motion حرکت سماوی
celestial movement حرکت سماوی
celestial soul نفْس فلکی
celestial sphere سپهر؛
فَلَک
Celestial world عالَم جبروت
censure ردّ
certain جزمی؛
حتمی؛
خاصّ؛
قطعی؛
یقینی
certain decree قضاء حتمی
certain knowledge علم الیقین؛
علم یقینی
certain theoretical foundations یقینیّات
certainty ایقان؛
قطعیّت؛
یقین
certain will اراده‌ی حتمی
certificate اجازه
certitude قطعیّت؛
یقین
chain سلسله
chain of causes زنجیره‌ی علّی
chain of spiritual masters سلسله
challenge تحدّی
chance اتّفاق (= صُدفه، تصادف)؛
بخت (= اتّفاق)؛
تصادف؛
صُدفه
change تبدّل؛
تغیّر؛
تغییر؛
حرکت
changeability تغییرپذیری
changeable تغییرپذیر؛
متغیّر
change in state تحوّل
change in substance حرکت جوهری

cataphatic judgement	حُکم ایجابی
cataphatic way	راه اثباتی
categorical	مطلق
categorical proof	برهان قاطع
categorical relation	اضافه‌ی مقولی؛ نسبت مقولی
categories	مقولات
category	مقوله
category of state	جِدَه (= مقوله‌ی مِلک)؛ جِدَه (مقوله)
catharsis	تصفیه
catholic consent	اجماع
causa formalis	علّت صوری
causa intentionalis	علّت غایی
causa materialis	علّت مادی؛ علّت هیولانی
causa prima	علّت اولیٰ
causal anteriority	تقدّم علّی
causal chain	زنجیره‌ی علّی
causal conjunction	اقتران علّی
causal connection	اقتران علّی؛ ربط علّی
causal demonstration	برهان علّی
causality	سببیّت؛ علّیّت
causal line	زنجیره‌ی علّی
causally anterior	متقدّم بالعلّیه
causally prior	متقدّم بالعلّیه
causal necessity	ضرورت علّی
causal nexus	رابطه‌ی علّی
causal principle	اصل علّیّت
causal priority	تقدّم علّی؛ سبق بالعلّیه
causal proof	برهان علّی
causal relation	رابطه‌ی علّی
causal relationship	رابطه‌ی علّی و معلولی
causation	ایجاب؛ تعلیل؛ سببیّت؛ علّیّت
causative mode	حیثیّت تعلیلیّه
cause	سبب؛ علّت؛ مبدأ (= علّت)؛ مناط؛ منشأ
cause and effect	علّت و معلول
caused	مسبَّب؛ معلول؛ موجَب
cause-effect relation	رابطه‌ی علّی و معلولی
causehood	علّیّت
causeless	بی‌علّت
cause-ness	علّیّت
cause of all causes	علّة العلل
cause of causes	علّة العلل
cause of motion	محرّک

C c

مستعدّ	
مقدور	capable of being done
	capable of being predicated
قابل حمل	
تغییرپذیر	capable of change
استعداد؛	capacity
توانایی؛	
صلاحیّت؛	
قدرت	
قدرت تصرّف	capacity to dispose
دار الخلافه	capital
گناه کبیره	capital sin
فعل جزاف	capricious act
هویٰ	capricious wind
عمل نفسانی	carnal action
نفْس شهوانی	carnal soul
حَمَلهی قرآن	Carriers of the Koran
حمل امانت	carrying the trust
حالت	case
طرد کردن	cast out, to
قوّهی ناطقه	calculative power
خلیفه	caliph
خلافت	caliphate
تقدیس	calling holy
مؤاخذه	calling to account
دعوت به حقّ تعالیٰ	calling to God
خدا را خواندن	calling upon God
تسبیح	calling upon the holy
تسبیح کردن	call the holy, to
دعوت به حقّ تعالیٰ	call unto God
احباط (≠ تکفیر)	cancellation
حبط اعمال	cancellation of one's deeds
قانون	canon
شرع؛	canon law
شریعت	
توان؛	capability
شأنیّت	
توانا؛	capable
قابل (وصف)؛	

bringing-back of time اعادهٔ زمان
bringing forth اِحداث؛
ایجاد؛
تکوین
bringing forth of God فطرةاللّه
bringing into being ایجاد
bringing into existence ایجاد
bringing news اِخبار
bringing of glad tidings بشارت
bringing of good news بشارت
bringing of the dead to life
اِحیاء اموات
bringing things into being تکوین
bringing (things) to be تکوین
bringing together جامع
bring into being, to ایجاد کردن
bring into existence, to
به وجود آوردن
brought forth مکوَّن
brought into being محدَث
built-in درونی
Burâq بُراق
burdening oneself تکلّف

burning احتراق
burning lights انوار محرقه
Burning, the نار
by accident بالعَرَض
by act بالفعل
by another بالغیر
by contrast بالعکس
by convention وضعی
by essence بالذات
by himself لِنفسه
by-itself بالذات؛
بذاته؛
بنفسه
by nature بالطبع
by-otherness بالغیر؛
بالغیریّه
by potency بالقوّه
by principle بالاصاله
by-something-else بالغیر
by virtue of itself بنفسه
by virtue of its own self بنفس ذاته
by virtue of its very essence
بنفس ذاته

blowing	نفخ؛
	نفخه
blowing of the Trumpet	نفخ صور
bodies of fire	اجسام ناری
bodies of light	اجسام نوری
bodily being	موجود جسمانی
bodily cause	علّت جسمانی
bodily faculty	قوّه‌ی جسمانی
bodily form	صورت جسمیّه
bodily matter	هیولای جسمانی
bodily organs	اعضای بدن
bodily punishment	عذاب حسّی
bodily realm	نشئه‌ی جسمانیّه
bodily resurrection	معاد جسمانی
bodily substance	جوهر جسمانی
bodily torment	عذاب حسّی
body	بدن؛
	جِرم؛
	جسد؛
	جسم
body composed of the four elements	جسم عنصری
bondsman	عبد
book of actions	نامه‌ی اعمال
book of creation	کتاب تکوین
Book of God	کتاب خدا
borrowed axiom	اصل موضوع
borrowed axioms	اصول مرضوعه
borrowed existence	وجود عاریتی
bothersome	مزاحمت
bound	حدّ
bounded	محدود
boundless power	قدرت بی‌کران
bound non-existence	عدم مقیَّد
bound prophethood	نبوّت خاصّه (= رسالت)
bounds	حدود
bound up with	لازم
bounteous	جواد
bounteousness	تفضُّل
Bounteous, the	مفضِّل (خداوند)
Bountiful, the	وهّاب (خداوند)
bounty	جود؛
	عظیم؛
	کَرَم؛
	نعمت
Brahmans	براهمه
Brahmins	براهمه
brain	دماغ
branches of legal rules	فروع احکام
branches of the Law	فروع شریعت
branches of the religion	فروع دین
breaking	خرق (≠ التیام)
breaking the habit	خرق عادت
breaking the talisman	طلسم‌گشایی
breath	نفخه
breathing of the spirit	نفخ روح
bringer into existence	موجِد
bringing-back of an annihilated thing	اعاده‌ی معدوم

bestowed science علم موهوب (≠ علم کسبی)
Bestower of being, the موجِد (خداوند)
bestower of existence مُعطی الوجود
Bestower of life, the مُحیی (خداوند)
Bestower, the مُعطی (خداوند)؛ واهب (خداوند)
bestowing being ایجاد
bestowing of Divine knowledge تعریف (= دانا ساختن)
bestow reward, to پاداش دادن
bestow the reward, to ثواب دادن
bestow, to بخشیدن (= عطا کردن)
best stature, the احسن تقویم
be thankful, to شکر کردن
be tormented, to عذاب دیدن؛ عذاب شدن
be true, to صدق کردن
be ugly, to قبیح بودن
bewildered حیران
bewilderment حیرت
beyond فوق
beyond-ness برتری
beyond the stage of reason ورای طور عقل
Bible, the کتاب مقدّس (= عهدین)
binary relationship اضافه‌ی طرفینی
binding تقیید؛ لازم
binding of the heart عقدالقلب
binger of news مبشِّر
biography سیرت؛ سیره
blame ذمّ
blameworthy character خُلق مذموم
blaming soul نفْس لوّامه
blasphemous شرک‌آمیز؛ کفرآمیز
blasphemy کفر
blast of the Trumpet, the نفخ صور
blatant evil شرّ گزاف
blessed سعید
Blessed Messenger, the پیامبر اکرم (ص)
Blessed Prophet, the پیامبر اکرم (ص)
blessed, the سُعداء
Blesser, the مُنعِم (خداوند)
blessing رحمت؛ نعمت
Blessing-giver, the مُنعِم (خداوند)
blessings آلاء
blind partisanship عصبیّت
bliss ابتهاج؛ سعادت؛ نعمت؛ نعیم
blissful سعید
bliss of perfection ابتهاج کمالی
blow نفخه

معتقد
believer in God's Unity موحِّد
believers اهل ایمان
believers in fate قدریّه
believing اعتقاد؛
ایمان؛
مؤمن
belonging تعلّق
belonging to the imaginal world
مثالی
beloved محبوب
beloved friend of God خلیل اللّه
beloved of God حبیب اللّه
Beloved, the حبیب (خداوند)
benefaction صُنع؛
نعمت
benefactions آلاء
Benefactor, the مُنعِم (خداوند)
beneficence احسان؛
اِنعام
Beneficent, the محسن (خداوند)
benefit احسان؛
صلاح؛
لطف؛
منفعت؛
نعمت
Benefiter, the نافع (خداوند)
Benefit from God لطف الاهی
benevolence تفضُّل؛
خیرخواهی؛
رحمت
benevolent خیرخواه
benevolent assistance لطف
Benevolent, the منّان (خداوند)
be produced, to صادر شدن
be punished, to عذاب دیدن؛
عذاب شدن
be realized, to تحقّق یافتن؛
حاصل شدن
be rendered null, to باطل شدن
be satisfied, to راضی بودن
beseeching God خدا را خواندن
Be! so it comes to be کُنْ فَیَکون
Besought of all, the صمد (خداوند)
best arrangement of things, the
نظام احسن
bestial pleasure لذّت حیوانی
bestial soul نفْس بهیمی
best interest مصلحت
best (interest), the اصلح
best of creators, the احسن الخالقین
Best of the deceivers, the
خیرالماکرین (خداوند)
best ordering of things, the
نظام احسن
bestowal اعطاء؛
عطاء؛
موهبت
bestowal of existence ایجاد
bestowals مواهب

being by itself موجود بالذات؛ موجود بنفسه
being-capable قادریّت
being caused معلولیّت
being created مجعولیّت
being creator جاعلیّت
being determined تقیّد
being effect معلولیّت
being-essential ذاتیّت
being excessive in religion غلوّ در دین
being existent موجودیّت
being finished انصرام
being first اوّلیّت
being for God وجودِ للحق
being for self موجود لذاته
being in act موجود بالفعل
being inconsistent تناقض‌گویی
being individual شخصیّت
being influenced تأثّر
being in itself صرف الوجود؛ موجود بنفسه؛ موجود فی نفسه؛ وجود بنفسه
being *in se, per se* and *a se* وجود فی نفسه لنفسه بنفسه
being in want of God افتقار
being lost ضلالت
being made مجعولیّت
being made necessary ایجاب
being necessary in his essence واجب الوجود بالذات
being perpetually coextensive معیّت دهری
being *qua* being موجود بما هو موجود
being qualified by existence متّصف شدن به وجود
being simultaneous معیّت
being stronger اشدّیت
being-substance جوهریّت
being thankless کفران
being the creator خالقیّت
being-the-object of intellection معقولیّت
being without beginning تقدّم
being wrapped اندراج
"be" in its complete sense کان تامّه
"be" in its incomplete sense کان ناقصه
belief اعتقاد؛ ایمان؛ باور؛ ظنّ
belief in eschatology ایمان به اخرویّات
belief in the corporeality of God تجسیم
belief within the heart باور قلبی
belief with the heart ایمان قلبی
believer مؤمن؛

beautification تحلیه
beautiful act حسنه
beautiful and the ugly, the حُسن و قبح
Beautiful, the جمیل (خداوند)
beauty جمال؛ حُسن
Beauty of the Divine Truth جمال حقّ
become absent, to غیبت کردن (= غایب شدن)
become accustomed, to عادت کردن
become a permanent state, to ملکه شدن
become corporealized, to متجسّد شدن
become false, to باطل شدن
become habituated, to عادت کردن
become invalid, to باطل شدن
become permeated, to سریان یافتن
becoming صیرورت
becoming clear بَداء
becoming qualified اتّصاف
becoming similar تشّبه
be comprehensive, to جامع بودن
be concluded, to مندرج بودن
be contradictory, to تناقض داشتن؛ متناقص بودن
be emanated, to صادر شدن
be evil, to قبیح بودن
begging the question مصادره به مطلوب
beginner مُبدئ
beginning مبدأ (= آغاز)
beginning and the end, the مبدأ و معاد
beginninglessness ازل
beginningless non-existence عدم ازلی
be grateful, to شکر کردن
behaviour سلوک
be imaginalized, to متمثّل شدن
be implicit, to مندرج بودن
being انّ (= وجود)؛ انّیّت؛ اَیْس (= وجود)؛ ثبوت؛ شیء؛ کائن؛ کَوْن؛ کینونت؛ موجود؛ وجود؛ هویّت
being above فوقیّت
being acted upon اَنْ یَنْفَعِل (مقوله)؛ انفعال (مقوله)
being a receptacle قابل (وصف)
being a thing شیئیّت

Bb

back and belly	لازم و ملزوم
bad	سوء؛
	شرّ؛
	قبیح
bad action	منکَر
bad custom	سنّت سیّئه
bad habit	سنّت سیّئه
bad heresy	بدعت سیّئه
bad innovation	بدعت سیّئه
badness	قبح
bad will	شرّ
balance	تعادل؛
	میزان
balanced constitution	مزاج متعادل
base	رکن (= اساس)؛
	قبیح
baseless action	عبث
base self	نفْس لئیم
base soul	نفْس لئیم
basic	اصلی؛
	اصیل
basicality	اصالت
basin	حوض
basis	اساس؛
	اصل؛
	قاعده؛
	ملاک؛
	مناط
basis of priority	ملاک تقدّم
basis of truthfulness	مناط صدق
be actualized, to	تحقّق یافتن
Be! and it is	کُنْ فَیَکون
bearer	حامل
Bearers of the Throne	حَمَلهی عرش
bearing testimony	تصدیق
beatific vision	رؤیة اللّه
beatific vision (of God)	لقاء اللّه
beatitude	بهجت؛
	سعادت
be attained, to	حاصل شدن

Avicebron ابن جبرول
Avicenian ابن سینایی؛ سینوی
Avicenna ابن سینا
Avicennan ابن سینایی؛ سینوی
avoidance احتراز؛ ترک
avoidance of detriment دفع ضرر
awaited Imam امام منتظَر (عج)
awaiting the appearance of the Imam انتظار ظهور امام
awakening بعث
awareness آگاهی؛ شعور؛ وجدان
awareness of transcendence علم لدنّی
Aware, the خبیر (خداوند)
awe خشیت؛ هیبت
Awful, the جبّار (خداوند)
axiom اصل بدیهی؛ اصل متعارف؛ علم متعارف (= اصل متعارف)
axiomatic بدیهی
axioms مسلّمات
Azrael عزرائیل

Attributes of the Essence صفات ذات

Attributes Pertaining to Essence صفات ذاتی

attribute Additional to the ← essence صفت زائد بر ذات

attribution إسناد؛ اضافه (≠ عین وجود)؛ توصیف؛ حُکم؛ صفت؛ عروض؛ نسبت

attributists صفاتیّه

audible quality کیف مسموع

audibles مسموعات

audition سمع (قوّه)

auditory quality کیف مسموع

augmentation زیادت

augmentative faculty قوّه‌ی منمیه

augur کاهن

authentic اصیل؛ موثّق

authenticity حجیّت؛ سندیّت؛ صحّت

authentic judgements اَحکام صادق

author مُبْدِع

authoritative معتبر

authoritative text نصّ معتبر

authorities in the transmission of ← *Ḥadîth* اصحاب نقل

authority اقتدار؛ حجّت؛ حجیّت؛ صاحب نظر؛ ولایت

authority of revelation دلیل سمعی

Authority, the سلطان (خداوند)

Author of all causes, the مسبّب الاسباب (خداوند)

authorship فاعلّیت

Author, the باری (خداوند)؛ مبدِع (خداوند)

autonomous خودمختار؛ قائم به نفس؛ مستقلّ

autonomy استقلال

autonomy of will خودمختاری اراده

autumnal equinox اعتدال پاییزی

avarice آز

Avempace ابن باجّه

Avenger, the منتقم (خداوند)

Avennasar ابونصر فارابی؛ فارابی

Avenzoar ابن زُهر

Averroes ابن رشد

aversion اکراه (= تنفر)؛ تبرّی (≠ تولّی)؛ کراهت

atheists دهریّه
a thing being not itself سلب شیء از خودش
a thing itself نفْس الامر
atom جزء؛
جزء لا یتجزّا؛
جوهر فرد؛
ذرّه
atomism اصالت جزء لا یتجزّا؛
مکتب ذرّه‌ای؛
نظریّه‌ی جوهر فرد
atomistic school مکتب ذرّه‌ای
a transitory mental state حال
at rest ساکن
at root بالاصاله
attachment اتّصال؛
تعلّق
attained unity مُتوحِّد
attainment تحصیل
attentiveness توجّه
attesting تصدیق
attracting جاذبه؛
جذب (≠ دفع)
attraction جاذبه؛
جذب (≠ دفع)؛
شوق
attribute حال؛
خبر؛
صفت؛
محمول؛
وصف
attribute of act صفت فعل
attribute of action صفت فعل
Attribute of Knowledge, the
صفت علم (خداوند)
Attribute of Power, the
صفت قدرت (خداوند)
Attribute of the Essence
صفت ذات
attributers صفاتیّه
Attributes of Act صفات فعل
Attributes of Action صفات فعل
Attributes of Activity صفات افعال
Attributes of Acts صفات افعال
Attributes of Beauty صفات جمال
Attributes of Glory صفات جلال
Attributes of God صفات خدا
Attributes of Incomparability
صَفات تنزیه
Attributes of Majesty
صفات جبروت؛
صفات جلال
Attributes of Operation
صفات افعال
Attributes of Perfection
صفات کمال
Attributes of Similarity
صفات تشبیه
Attributes of Splendor
صفات جلال

assembly حشر؛
مَلأ
Assembly, the محشر
assent تصدیق
assent by heart تصدیق قلبی
Assenter, the مجیب (خداوند)
asserting اثبات
assertion اثبات؛
تصدیق؛
خطابه
assertive تصدیقی
assertorical جزمی
assimilating Names of God
اسماء تشبیهی خداوند
assimilation تمثیل؛
یک‌سان‌سازی
assistance امداد
associate متعلّق
associates اصحاب
association اجتماع؛
تولّی (≠ تبرّی)؛
ربط؛
عروض
associationism شرک
associationist مشرک
associations متعلّقات
assumed فرضی؛
مفروض
assume, to فرض کردن
assuming shape تشکّل

assumption افتراض؛
التزام؛
فرض
assumption of dominical traits
تخلّق به اخلاق ربوبیّت
assumption of the impossible
فرض مُحال
assurance ایقان؛
یقین
assured متیقّن
astral soul نفْس فلکی
astray ضلالت؛
گمراه
astray-going state مدینه‌ی ضالّه
astrology تنجیم؛
طالع‌بینی؛
علم احکام نجوم
astronomer اخترشناس (= منجّم)
Astronomical Table زیج
astronomy
اخترشناسی (= علم نجوم)؛
علم نجوم؛
علم هیئت
asymmetrical relation
اضافه‌ی مختلف الاطراف
atheism الحاد؛
زَنْدَقه
atheist دهری‌مذهب؛
زندیق؛
مُلحد

argument from mutual opposition ← within the godhead دلیل تمانع
argument from providence دلیل عنایت
argument from reason استدلال عقلی
argument from temporal beginning برهان حدوث
argument through joining and separation ← برهان وصل و فصل
argumentum a pari تمثیل
aristocracy حکومت اشراف
Aristotelian ارسطویی؛ اَرسطی (= ارسطویی)؛ مشّائی
Aristotelianism حکمت مشّاء
Aristotelian philosophy حکمت مشّاء؛ فلسفه‌ی ارسطویی؛ فلسفه‌ی مشّاء
Aristotle ارسطو
arithmetic حساب (علم)
arrangement ترکیب
arranger مدبّر
arriving thought خاطر
arrogance استکبار؛ تکبّر
art صناعت؛ فنّ
articles of faith قواعد العقاید
articulated speech کلام ملفوظ
art of polemics فنّ جدل

ascending arc قوس صعود
ascending degrees درجات؛ مدارج
ascending journey سیر صعودی
ascending movement سیر صعودی
ascend, to معراج رفتن
ascension to heaven معراج
ascent عروج
ascent to heaven معراج
ascetic پرهیزگار؛ زاهد
ascetic discipline ریاضت
asceticism پارسایی؛ پرهیزگاری؛ ریاضت؛ زهد
ascribe partner to God, to شرک ورزیدن
ascription اِسناد؛ صفت
aseity of the One ذات احدّیت
Ash'arism اشعری‌گری
Ash'arites اشاعره
asking for forgiveness استتابه
asking pardon of God استغفار
aspect حیثیّت؛ شأن؛ وجه
aspiration شوق
assemble حشر

apprehensive powers قوای منفعله
approaching تقرّب
approaching to God تقرّب به خدا
appropriate, to اختصاص دادن
appropriation تملّک
approximation تقریب
predicate by way of adherence, a محمول بالضمیمه (عرَضی)
predicate extracted from the ← subject itself, a خارج محمول (عرَضی)
a priori اوّلی؛ لِمّی (برهان)
a priori argument برهان لمّی
a priori knowledge علم ضروری
a priori reasoning استدلال لِمّی
apt مستعدّ
aptitude استعداد؛ اهلیّت؛ قدرت
Arbiter, the فتّاح (خداوند)
arbitrary خودسرانه؛ گزاف
arbitrary cause سبب اتّفاقی
arbitration حَکَمیّت
arbitrator حَکَم
Arbitrator, the حَکَم (خداوند)
archangelic world جبروت؛ عالَم جبروت
archangels کرّوبیان؛ ملایکه مقرّب
Archetypal Book امّ الکتاب
archetype ربّ النّوع
archetypes ارباب انواع؛ مُثُل
arc of ascent قوس صعود
arc of descent قوس نزول
area حیّز؛ سطح
argue, to استدلال کردن
arguing from effect to cause انّی (برهان)
argument احتجاج؛ استدلال؛ برهان؛ حجّت؛ دلیل
argumentation احتجاج؛ استدلال؛ محاجّه
argumentative استدلالی
argument from changes برهان تغییر
argument from coming into being دلیل حدوث
argument from composition برهان ترکیب
argument from design برهان نظم
argument from mutual hindering برهان تمانع

apology	اعتذار
apophatic	سلبی (≠ ایجابی)
apophatic judgement	حُکم سلبی
apostasy	ارتداد
apostate	مرتدّ
apostate unbeliever	کافر مرتد
a posteriori	انّی (برهان)؛ کسبی
a posteriori argument	برهان انّی
a posteriori reasoning	استدلال اِنّی
apostle	پیغمبر؛ حواری؛ رسول
Apostle of God	رسول اللّه
apostleship	رسالت
apparent	ظاهر
apparent meaning	معنای ظاهری
apparentness	بروز؛ ظهور (≠ کمون)
Apparent, the	ظاهر (خداوند)
apparition	شبح
apparitional body	صورت مثالی
apparitional figure	صورت مثالی
apparition figure	صورت مثالی
appeal	تمسّک
appearance	بَداء؛ ظهور (≠ کمون)؛ نمود؛ هیأت
appearance in time	حدوث زمانی
appearing	تمثّل
appearing (in likeness)	تمثّل
appending	اقتران
appetence	میل
appetite	شوق؛ شهوت؛ میل غریزی
appetites	مشتهیات
appetitive	شهوی
appetitive faculty	قوّه‌ی شهویّه؛ قوّه‌ی نُزوعیّه (= قوه‌ی شوقیّه)
appetitive soul	نفْس شهوانی
appetizing	ملایم
applicability	انطباق‌پذیری
application	تطبیق؛ صدق
applied proof	برهان تطبیق
apply, to	صدق کردن
appointed term	اجل
Appointer, the	جاعل (خداوند)
appointment	نصب
apportionment	تعیین حصّه
appreciation	درک
apprehender	مُدرِک
apprehending	مُدرِک
apprehend, to	درک کردن
apprehension	ادراک؛ توهّم؛ درک؛ فهم

angel of revelation فرشته‌ی وحی
angelology علم‌المَلَک؛ فرشته‌شناسی
angelos Gr. مَلَک (= فرشته)
angels of Divine Proximity ملائکه مقرّب
angels of governance ملائکه‌ی تدبیر
anger سخط (= ناخشنودی)
animae celestes نفوس سماوی
animal faculty قوّه‌ی حیوانی
animal perception ادراک حیوانی
animal pleasure لذّت حیوانی
animal power قوّه‌ی حیوانی
animal psyche نفْس حیوانی
animal soul روح حیوانی؛ نفْس حیوانی
animal will اراده‌ی حیوانی
animal world عالَم حیوانی
animated نفسانی
an instructive science علم تعلیمی
annexation انضمام
annihilated معدوم
annihilating افناء
annihilation هلاکت
annihilation in Allah فناء فی اللّه
annihilation of the ego فناء نفس
announcement of good news تبشیر
annunciation تبشیر
an object in itself نفْس الامر

Answerer, the مجیب (خداوند)
answering استجابت
antagonism ضدّیت
antecedence تقدّم؛ سَبْق (≠ لُحوق)
antecedent سابق؛ مقدَّم (≠ تالی)
anterior متقدّم
anterior by cause متقدّم بالعلّیه
anteriority تقدّم؛ قِدَم
anthropic ناسوتی
anthropomorphic notion مفهوم تشبیهی
anthropomorphic verses آیات تشبیهی
anthropomorphism انسان‌وارانگاری خدا (= تشبیه)؛ مشبِّهه (= آیین تشبیه)
anthropomorphists مشبِّهه (= قایل به تشبیه)
anthropos teleios انسان کامل
anti-Christ دجّال
antithesis مقابله؛ نقیض
antithesis of existence نقیض وجود
apex of grandeur اوج کبریا
aphorisms کلمات قصار
apogee اوج (≠ حضیض)
apologue تمثیل

تحویل؛
تغیّر؛
تغییر؛
دگرگونی؛
مغایرت
altering مُغیِّره (قوّه)
altruism ایثار
ambassador رسول
ambiguity ابهام
ambiguous مبهم؛
مجمل
ameliorating تعدیل
amelioration اصلاح
amity خُلّت
amphiboly شبهه
(analogical) gradation تشکیک
analogical human reasoning
قیاس (= تمثیل)
analogically تشکیک در صدق
analogically predicated
مقول بالتشکیک
analogical significance
معنای تشکیکی
analogical term مفهوم مشکّک
analogicity تشکیک؛
تشکیک در صدق
analogous شبیه؛
مشکّک؛
مُماثل
analogy تشبیه؛

تماثل؛
تمثیل؛
مثال؛
مماثلت؛
مناسبت
analysis تحلیل
anathemas تکفیر (= کافر شمردن)
Anaxagoras انکساغورس
Anaximenes انکسیمنس
ancestors سَلَف (≠ خَلَف)
anchorite زاهد
ancientness قِدَم
Ancient, the قدیم (خداوند)
angel فرشته؛
مَلَک (= فرشته)
angeli intellectuales عقول مَلَکی
angelic آسمانی؛
ملکوتی
angelic incoming thought
خاطر مَلَکی
angelic incoming thoughts
خواطر مَلَکی
angelic inspiration القاء مَلَکی
angelic intelligences عقل مَلَکی؛
عقول مَلَکی
angelic soul نفْس مَلَکی
angelic spirit روح مَلَک
angelic thought خاطر مَلَکی
angelic world of souls عالَم ملکوت
angel of death مَلَک الموت

رمز
all-emanating فیّاض
all-embracing knowledge
علم واسع
all-embracing mercy رحمت واسعه
All-Embracing, the واسع (خداوند)
all-encompassingness شمول؛
عمومیّت
All-Encompassing, the
محیط (خداوند)
All-Forgiver, the غفّار (خداوند)
All-Forgiving, the غفّار (خداوند)
All-Good, the رحمٰن (خداوند)
All-Great, the کبیر (خداوند)
All-Highest, the عَلیّ (خداوند)
All-High, the عَلیّ (خداوند)
All-Holy, the قُدّوس (خداوند)
all-inclusive شامل
all-inclusive Being وجود عامّ
all-inclusive mercy رحمت عامّ
all-inclusiveness شمول
All-Knowing, the علیم (خداوند)
All-Merciful, the رحمٰن (خداوند)؛
رحیم (خداوند)
All-Mighty, the قادر (خداوند)؛
قدیر (خداوند)
all of a sudden دفعتاً
allowable موجّه
allowed حلال
All-Pardoning, the عَفُوّ (خداوند)

all-pervading existence وجود منبسط
all-powerful قادر مطلق
All-Powerful, the جبّار (خداوند)؛
قادر (خداوند)؛
قدیر (خداوند)؛
قویّ (خداوند)
All-Provider, the رزّاق (خداوند)
all-rich غنیّ مطلق
All-Rich, the صمد (خداوند)؛
غنیّ (خداوند)
All-Seeing, the بصیر (خداوند)
All-Subjugating, the قهّار (خداوند)
"all" used collectively
کلّ مجموعی (≠ کلّ افرادی)
"all" used individually
کلّ افرادی (≠ کلّ مجموعی)
allusion اشارت؛
اشاره (≠ تفسیر)
All-Wise, the حکیم (خداوند)
Almighty, the جبّار (خداوند)؛
قادر (خداوند)؛
قدیر (خداوند)
Alone, the اَحَد (خداوند)
alterable متغیّر؛
مغایر
alteration استحاله (= حرکت کیفی)؛
تبدّل؛
تبدیل؛
تحریف؛
تحوّل؛

agent by violence فاعل بالقسر
agent intellect عقل فعّال
agent of emanation مُفیض
agent of generation مکوِّن
age of ignorance جاهلیّت
aggregation اجتماع
aggregation and segregation اجتماع و افتراق
aggression ظلم
aggressor طاغی
agnostic لا ادری؛ معطِّل (در شناخت)
agnosticism تعطیل (در شناخت)؛ لا ادری‌گری
agnostics, the معطِّله (در شناخت)
agreeableness ملائمت
agreeable to one's nature ملائم طبع
agreement توافق؛ مطابقت
aim غایت؛ غرض؛ قصد؛ مقصود
aimless بی‌هدف
air باد (از عناصر اربعه)؛ هوا (از عناصر اربعه)
Alexander of Aphrodisias اسکندر افرودیسی
Al-Fârâbî فارابی

Alfarabius ابونصر فارابی؛ فارابی
Algazel غزّالی
algebra جبر (علم)
al-Ghazali غزّالی
Al-Ghazzâlî غزّالی
alike متماثل
alive زنده
Alive, the حیّ (خداوند)
Al-Kindî کِنْدی
Alkindus کِنْدی
Allah اللّه؛ خدا
Allah's revelation وحی الاهی
all at once دفعتاً
All-Bestower, the وهّاب (خداوند)
all-collectively کلّ مجموعی (≠ کلّ افرادی)
All-Compassionate, the رحمن (خداوند)
all-comprehensiveness جامعیّت؛ شمول
All-Concealing, the غفّار (خداوند)
All-Dominating, the جبّار (خداوند)
allegiance بیعت
allegorical رمزی
allegory تشبیه؛ تمثیل؛ داستان تمثیلی؛ داستان رمزی؛

اَنْ يَنْفَعِل (مقوله)؛
انفعال (مقوله)؛
تأثّر؛
تأثیر؛
حُبّ
Affectionate, the رؤوف (خداوند)
affections انفعالات
affective qualities انفعالیّات؛
کیفیّات
affective quality کیف انفعالی
affinity الفت؛
مناسبت
affirmation اثبات؛
اثبات (≠ نفی)؛
ایجاب (≠ سلب)؛
تصدیق؛
تأیید؛
ثبوت
affirmation of Divine Unity توحید
affirmation of God's Unity توحید
affirmative ایجابی (≠ سلبی)؛
ثبوتی
affirmative attribute صفت ثبوتی؛
صفت وجودی
affirmative judgement حُکم ایجابی
affirmative knowledge
اثبات (≠ تعطیل)
affirmative qualities
صفات ایجابی (= صفات ثبوتی)؛
صفات ثبوتی

affirmative way راه اثباتی
affirmer of God's Unity موحّد
affirmers of God's Unity اهل توحید
affirming similarity تشبیه
affirm, to ثابت کردن
afflicted شقیّ
afflicted, the اهل شقاوت
affliction ابتلاء (= درد و رنج)؛
امتحان؛
بلا؛
شقاوت
Affrighter, the مهیل (خداوند)
afterlife خیات آخرت
agency فاعلّیت
agens فعّال
agent عامل؛
فاعل؛
مؤثّر
agent by agreement فاعل بالرضا
agent by being forced فاعل بالجبر
agent by choice فاعل بالاختیار
agent by coercion فاعل بالجبر
agent by compulsion فاعل بالتسخیر؛
فاعل بالقسر
agent-by-manifestation فاعل بالتجلّی
agent by nature فاعل بالطّبع
agent by providence فاعل بالعنایه
agent by self-manifestation
فاعل بالتجلّی
agent by subjection فاعل بالتسخیر

actualization of the actualized تحصیل حاصل
actualized بتّیه؛ متحصّل؛ متحقّق؛ محصّل؛ محقّق
actualized external existent موجود خارجی محقّق
actualized externally متأصّل
actualized individuals افراد محقّق در خارج
actualized intellect عقل بالفعل
actualized quiddity ماهیّت متحصّله
actualize, to فعلیّت بخشیدن
actually بالفعل
actual non-existence عدم واقعی
actual production ایجاد فعلی
actual thing شیء بالفعل
actual world عالَم عینی
actus فعل
actus essendi وجود
ad absurdum خُلف
ad infinitum تا بی‌نهایت؛ الی ما لا ینتاهی
Adam آدم (ع)
Adamic آدمی (وصف)
added زائد
additional زائد؛ عارضی
additional attribute to the essence صفت زائد بر ذات
adduce, to استدلال کردن؛ استنباط کردن
adequation مطابقت؛ مناسبت
adherent of the Lord ربّانی
admitted premises مسلّمات
admixture تخلّل
admonishing انذار
Adorable, the معبود (خداوند)
adoration ستایش؛ عبادت
adornment تحلیه
Advancer, the مقدِّم (خداوند)
advantage مزیّت؛ منفعت
adversity شدّت
Advocate, the وکیل (خداوند)
Aeon دهر
Aeonist دهری‌مذهب
Aeonists دهریّون
affair امر (= شیء، چیز)؛ شأن
affected منفعل
affectedness تأثّر
affecting فاعل؛ مؤثّر
affecting power قوّه‌ی فاعلی
affection اثر؛

	عمل؛
	فاعلیّت؛
	فعل؛
	فعل (مقوله)؛
	کُنِش
action by heart	فعل جوانحی
action by limbs	فعل جوارحی
action of the self	فعل نفسانی
action with the limbs	عمل جوارحی
active	فعّال؛
	فعلی؛
	مؤثّر
active attribute	صفت فعل
active faculty	قوّه‌ی فاعلی
Active Intellect	عقل فعّال
Active Intelligence	عقل فعّال
active knowledge	علم فعلی
active light	نور فعلی
active power	قوّه‌ی فاعلی
active quality	کیف فعلی
Active, the	فعّال (خداوند)
activity	اَنْ یَفْعَل (مقوله)؛
	صُنع؛
	فاعلیّت؛
	فعل؛
	فعل (مقوله)
act of concupiscent soul	عمل نفسانی
act of creation	خَلق (= آفرینش)؛

	فعل خلق
act of devotion	عمل عبادی
act of the heart	عمل قلبی
act of the soul	فعل نفسانی
act of willing	اراده
act of worship	عبادت
actor	فاعل
actual	بالفعل؛
	حقیقی؛
	عینی؛
	فعلی؛
	متأصّل؛
	واقعی
actual cause	علّت بالفعل
actual infinite	بی‌نهایت بالفعل
actual intellect	عقل بالفعل
actualities	امور بالفعل
actuality	حصول؛
	فاعلّیت؛
	فعل؛
	فعلیّت؛
	نفْس الامر؛
	واقع
actualization	انّیّت؛
	تحصُّل؛
	تحصیل؛
	تحقّق؛
	حصول؛
	فعلیّت؛
	وقوع

accident occurring to quiddity عارضِ ماهیّت
accident of being عارضِ وجود
accident of essence عارضِ ماهیّت
accident of existence عارضِ وجود
accident of juncture عَرَض متّصل
accident of separation عَرَض منفصل
accidents عوارض
accidents of essence عوارض ماهیّت
accidents of existence عوارض وجود
accidents of quiddity عوارض ماهیّت
acclaim ثناء
accommodation توفیق (= سازش)
accompaniment لازمه
accompanying لازمه
accomplishment قضا
accomplish meritorious acts, to ثواب کردن
accomplish the punishment, to عذاب دادن
accord with reality, to مطابِق بودن با واقع
account حساب
accounting for تعلیل
accounts of the messengers اَخبار رسل
accumulated ignorance جهل مرکّب
accuracy اتقان
acknowledging تصدیق
acquiescence انقیاد

acquired اکتسابی؛
حصولی (علم)؛
کسبی؛
مستفاد؛
مکتسَب
acquired intellect عقل مستفاد
acquired intelligence عقل مستفاد
acquired knowledge
علم اکتسابی (= علم کسبی، علم مکتسب)؛
علم حصولی؛
علم کسبی (≠ علم موهوب)؛
علم مکتسَب (= علم کسبی)؛
معرفت اکتسابی
acquired science
علم کسبی (≠ علم موهوب)؛
علم مکتسَب (= علم کسبی)
acquirer کاسب؛
مکتسِب
acquisition اکتساب؛
تحصیل؛
کسب (≠ خلق)؛
ملکه (≠ عدم)
acquisition of happiness
کسب خشنودی
acquisitor مکتسِب
act عمل؛
فعل؛
فعل (مقوله)
acting تأثیر
action اَنْ یَفْعَل (مقوله)؛

Abubacer ابن طفیل
acceptance تسلیم؛ قبول
acceptance by the heart تصدیق قلبی
acceptance of authority تقلید
acceptation تسلیم
accepted مسلّم
accepted premises مقبولات
Accepter of repentance, the توّاب (خداوند)
accepting قابل (وصف)
Acceptor of repentance, the قابل التوب (خداوند)
accidence تصادف؛ عروض
accident تصادف؛ عارض؛ عَرَض
accidental بالعَرَض؛ عارض؛ عارضی؛ عَرَضی
accidental agent فاعل بالعَرَض
accidental attributes صفات بالعَرَض
accidental being موجود بالعَرَض
accidental cause سبب اتّفاقی؛ علّت بالعَرَض
accidental end غایت بالعَرَض
accidental form صورت بالعَرَض؛ صورت عرَضیّه
accidental goal غایت بالعَرَض
accidental intermediary واسطه‌ی در عروض
accidentality تصادف؛ عُرَضیّت؛ عَرَوض
accidentally بالاتّفاق؛ بالعَرَض
accidentally instaured مجعول بالعَرَض
accidentally made مجعول بالعَرَض
accidental matter مادّه‌ی بالعَرَض
accidental motion حرکت عَرَضی
accidental movement حرکت بالعَرَض؛ حرکت عَرَضی
accidental Names اسماء عرَضیّه
accidentalness عَرَضیّت
accidental objective quiddity ماهیّت عینی بالعَرَض
accidental "one" واحد عَرَضی
accidental power قوّه‌ی عَرَضی
accidental strength قوّه‌ی عَرَضی
accidental term مفهوم عَرَضی
accidental unity وحدت عَرَضی
accident in concreto عَرَض خارجی
accident occurring to existence عارض وجود

absolute non-existence عدم مطلق
absolute non-manifestation غیب مطلق
absolute nothing لا شیء مطلق
absolute oneness واحد محض؛ وحدت مطلق
absolute perfection کمال مطلق
absolute power قدرت مطلق
absolute predestination جبر
absolute prophethood نبوّت مطلقه
absolute quiddity ماهیّت مطلقه (= ماهیّت لا بشرط)
absolute soul نفْس کلّی
absolute time زمان مطلق
absolute truth حقّ مطلق
absolute unicity وحدت محض
absolute unit فرد مطلق
Absolute Unity وحدانیّت؛ وحدت مطلق
Absolute Unseen, the غیب مطلق
absolute verification تصدیق مطلق
absorbing استغراق
absorption استغراق؛ شمول
abstain منع
abstainer زاهد
abstemious زاهد
abstention منع
abstinence احتراز؛ زهد
abstinent زاهد
abstract انتزاعی؛ مجرّد
abstract dimension بُعد مجرّد
abstracted انتزاعی؛ مجرّد؛ منتزع
abstracted attribute صفت انتزاعی
abstracted idea معنای انتزاعی
abstractedness انتزاعیّت
abstracted quality صفت انتزاعی
abstract existence وجود مجرّد
abstract form صورت مجرّد
abstracting تجرید
abstract intelligible معقول مجرّد
abstraction انتزاع؛ تجرید
abstractive انتزاعی
abstract objects امور انتزاعی؛ انتزاعیّات
abstract, to انتزاع کردن
abstract unity وحدت انتزاعی
absurd خلاف عقل؛ خُلف؛ مُحال؛ مستحیل؛ ممتنع؛ نامعقول
absurdity استحاله (= محال بودن)؛ عبث

above فوق
aboveness فوقیّت
Abraham ابراهیم (ع)
abrogated باطل؛ منسوخ
abrogate, to نسخ کردن
abrogating ناسخ؛ نسخ
abrogation ابطال؛ نسخ
abrogation of religious law نسخ احکام
abrogator ناسخ
absence خفا (≠ ظهور)؛ غیبت (≠ حضور)
absent غایب (≠ شاهد)
absent and witnessed غیب و شهادت
absent identity هویّت غیبیّه
absent of the absent غیب الغیب
Absent, the عالَم غیب؛ غیب
absolute محض؛ مطلق؛ نفسی (≠ اضافی)
absolute act فعل مطلق
absolute agent فاعل مطلق
absolute authority مرجعیّت مطلق
absolute awareness آگاهی مطلق
absolute being موجود مطلق؛ وجود صِرف؛ وجود محض؛ وجود مطلق
absolute consciousness آگاهی مطلق
absolute delegation of power تفویض
absolute demand استدعای مطلق
absolute determination جبر
absolute determinism جبر مطلق
absolute eternity ازلیّت مطلق
absolute evil شرّ مطلق
absolute existence وجود مطلق
absolute existent موجود مطلق
absolute form صورت مطلق
absolute good خیر محض؛ خیر مطلق
absolute goodness خیر مطلق
absolute king مَلِک علی الاطلاق
absolute light نور مطلق
absolutely علی الاطلاق
absolutely fixed time سرمد
absolutely non-being معدوم مطلق
absolutely non-existent معدوم مطلق
absolutely particular اخصّ مطلق
absolutely powerful قادر مطلق
absolutely rich غنیّ مطلق
absolute man انسان مطلق
absolute movement حرکت مطلق
absolute negation نفی مطلق
absoluteness اطلاق (= مطلق بودن)
absoluteness of being اطلاق وجود

A a

Aaron	هارون
abandoning up sins	ترک گناه
abandonment	ترک
abandonment of the soul	ترک نفس
Abaser, the	خافض (خداوند)
abhorrence	اکراه (= تنفّر)
abiding	جاودانه
abiding existence	خلود
abiding life	بقا
Abiding, the	باقی (خداوند)؛ قیّم (خداوند)
ability	قدرت
abnormal	خارق‌العاده
abode	دیار؛ مقام؛ موطن
abode of emigration	دار الهجره
abode of faith	دار الایمان
abode of felicity	دار سعادت
abode of good pleasure	دار رضوان
abode of happiness	دار سعادت
abode of infidelity	دار الکفر
Abode of Islam	دار الاسلام
abode of obligation	دار تکلیف
abode of obstruction	دار القَسر
Abode of Peace	دار السلام
Abode of Permanence	دار القرار؛ دیار باقی
abode of pride	دار غرور (= دنیا)
abode of subsistence	دار البَقاء؛ دار بقاء (= آخرت)
abode of the abiding	دار بقاء (= آخرت)
abode of the hereafter	عُقبی الدار
abode of the world	دار دنیا
abolishing	رفع
abolition	ابطال؛ نقض
abominable	قبیح
abounding	عظیم

A Glossary of
Islamic Philosophy and Theology
(English - Persian)

Glossary as well as for his endeavors in and providing access to the required resources.

Finally, although great care and much trouble has been taken to present a reliable and as complete a resource as possible for translators and authors in the field of Islamic philosophy and theology, there might still be some shortcomings and the ultimate responsibility for the *Glossary*, and any and all errors that it contains, rests with me.

Seyyed Mahmûd Musavi

9 . The English-Persian version is slightly different from Persian-English in some aspects. The Arabic and Persian terms not current in modern Persian have been intentionally deleted.

Last but not least, despite all its positive points, much can be done to improve this Glossary by contextualizing it through illustrative examples, sentences etc. It is hoped that this humble work will contribute to the improvement as well as the acceleration of rendering Islamic philosophical and theological texts into English for the use of those who are eager for first-hand sources of Islamic philosophy and theology knowledge.

Glossaries, like language itself are changing and developing, so once in a while there is an urgent need to revise, a task my colleagues and I hope to be able to fulfill in later editions.

Acknowledgements

My first acknowledgement, by far, is to colleagues who took great pains in assembling the raw materials. Dr. Hossein-Alî Sheidânshîd made a significant contribution throughout the process of preparation with his generous comments and continuous work on the project. Other scholars who helped us in the preparatory stage are: Mr. Muhammad Ja'far Sadri, Mr. Ahmad Rezâ Jalîlî, Dr. Qâsim Kâkâ'î, Mr. Hossein 'Oshshâqî, Mr. Alî Mullâ Hosseinî, all of whom took much time and trouble to extract words from original sources.

I am deeply indebted to Professor Dr. Mustafâ Malikiyân who has a great role in the creation of this Glossary by providing us with his invaluable experience and constructive suggestions, all of which were of great benefit to the final text.

I owe a special debt to the distinguished professor Dr. Seyyed Hossein Nasr who generously accepted our request and reviewed the entire text and made constructive suggestions and crucial improvements, to which these few lines can hardly do justice. I thank him for his encouraging comments and particularly for his scholarly forward to the *Glossary*.

I must also thank Mr. Ahmad Yusufi for writing a special computer program for this work and for providing support and service crucial to the production of the text.

I should like to further thank all those involved in this work, Mr. Yazdiyân and Mrs. Marzeyeh Tavakkulî for their assistance in typesetting.

I am also grateful to Director of the Suhrawardî Research and Publication Center, Muhammad Ja'far Sadri for his continued interest in the work of this

language. We have tried to explain, where necessary, the meaning and usage by providing a very short explanation in parentheses or brackets; the detailed description of some strange words lies outside the province of this work.
Some points in particular deserve mention:

1 . For the sake of brevity and a number of other reasons the words appearing in every entry of the *Glossary* were not cross-referenced to their sources, mainly because the works used were reliable ones – the inappropriate terms having been omitted during editing.

2 . The use of definite article "the", due to its being a matter of dispute and controversy, was consistently left out except in the case of the Divine Names and Attributes, superlative adjectives, and in such phrases as "the Pious", which indicate an entire class.

3 . Capitalization is another area of particular difficulty in English. In many instances no hard and fast rule can be followed to help in this case. Still we tried our best to be consistent

4 . Spellings shown throughout the *Glossary* are those preferred in the *Oxford English Dictionary*.

5 . The *Glossary* contains only a few cross-references between entries. Their number was kept to a minimum for the convenience of the users.

6 . In both sections of this edition, where there is more than one equivalent, they are separated by a semi-colon and given in alphabetic order, without any indication of preference, under the assumption that users can choose the best among the existing words according to their own needs and taste.

7 . It would be difficult and perhaps impossible to arrange the listed words in terms of appropriateness, so as a rule, the words in both version are in letter-by-letter alphabetical order, but in rare cases especially in the Persian-English version when one word with the same letters but different vowels has different meaning, the rule was not observed and the Arabic vowels were taken into consideration and for example âlam and its adjectival combinations are listed first and âlim and its related phrases later, so one should consider the vowels in addition to the letters.

8 . It should be noted that the words listed for one entry might not seem synonymous; this is partly because these words were separated from their original contexts and cannot be judged properly in isolation. Another reason is that the authors of these words have different tendencies. Some take into consideration the original literal meaning, while others give more importance to the current usage of the word.

Preface

The present book is the second volume of **the Library of Glossaries of the Islamic Sciences**. The first volume being *A Glossary of Islamic mysticism* appeare 1382/2003. The present volume assembles within itself a vast compendium of Islamic philosophical and theological terms, with the overall intent to improve the English translation of classical Arabic and Persian texts as well as facilitating the writing of original works in the field.

The work of compiling *the Library* first began 12 years ago (1996) through the attempts and contribution of some distinguished scholars and the present book is the second product of their labour. The central feature of this *Glossary* is its comprehensiveness, thoroughness, consistency and precision. The content has been to a great extent assembled from a number of sources, ranging from specialized dictionaries to technical works written on the subject. The complete list of these works can be found in the *Bibliography*. This work contains a vast number of technical, semi-technical terms of Islamic philosophy and theology with a considerable overlap with other branches. Our criterion in the choice of words was their frequency of occurrence in typical philosophical and theological discourse and writings. Therefore, some of the vocabularies and usages which may not be regarded as particularly belonging to Islamic philosophy and theology, are included in the *Glossary* in accordance with our general aim of coordinating and communicating the rich and deep spiritual Islamic heritage to the English-speaking world—English being one of the most popular of living languages. (The English-Persian section contains over 9000 entries with their 12,500 equivalents and the Persian-English section has over 6000 entries and 12000 equivalents).

However, this is a glossary not a descriptive dictionary. philosophers and theologians, like any other class, have their own language. So you might find some specialized words that are not commonly encountered in ordinary

A Glossary of Islamic Philosophy and Theology

(Persian - English)
(English - Persian)

Compiled by
A Group of Researchers

Edited by
Seyyed Mahmûd Mûsavî

With an Introduction and Corrections by
Dr. Seyyed Hossein Nasr

Suhrawardî
Research and Publication Center
2008 / 1386 / 1429